



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

علوم اجتماعی

دانشگاه فردوسی مشهد

(نشریه علمی)

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۰

ISSN: ۲۰۰۸-۱۳۸۳

علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۰

- | | |
|-----|--|
| ۱ | مروری روایی بر رویکردهای نظری سکشوالیته
سعیده میرابی، علی یوسفی، عدرا قندهاریون |
| ۳۹ | مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی شغلی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۰
طاها عشایری، اسماعیل جهانی دولت‌آباد، طاهره جهان‌پرور |
| ۶۷ | تبیین جامعه شناختی رفتارهای زیست‌محیطی جوانان شهر تهران
فریبا حسینی، منصور حقیقتیان، سید علی هاشمیان‌فر |
| ۹۹ | علی شریعتی؛ گسست از دانشکده ادبیات تا تعطیلی حسینیه ارشاد (مطالعه‌ای از منظر تاریخ شفاهی)
غلامحسین نوعی، امیر اکبری، ابوالحسن مبین |
| ۱۲۱ | شایعه‌های منتشر شده در همه‌گیری کوید-۱۹: علل و استراتژی‌های مهار آن
افسانه قاسمی، حامد ملازاده |
| ۱۴۷ | تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد (مورد مطالعه: مراکز نیکوکاری کمیته امداد
امام خمینی (ره)
محمد صفری، علیرضا موغلی |
| ۱۷۷ | کشاورزان و عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه: مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای
امراه کشاورز، ثریا معمار، رضا همتی، علی قنبری برزبان |
| ۲۱۹ | مطالعه عوامل مؤثر در نظم خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی با رهیافت فراترکیب
محبوبه نژادموسی میانکلی، افسانه ادریسی، افسانه توسلی |
| ۲۵۷ | تهیه ابزار سبک‌های رهبری مربیان، ورزشکاران و برآورد پایایی و روایی آن (مورد مطالعه: دانشگاه‌های
آزاد استان بوشهر)
غلامرضا جعفری‌نیا |



سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۰

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

سرمدیر: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر تقی آزاد ارمکی، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر رامپور صدر نبوی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای علوم اجتماعی)
دکتر حسین بهروان، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، استاد دانشگاه شیراز (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر غلامرضا جمشیدیه، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر سیدمحمد سیدمیرزائی، استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای جمعیت‌شناسی)	دکتر منصور وثوقی، دانشیار دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر علی‌اصغر سیلانیان‌طوسی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر علی یوسفی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر محمدتقی شیخی، استاد دانشگاه الزهرا (دکترای جامعه‌شناسی)	

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسنده اصلی به چاپ رسیده است.

مدیر داخلی: دکتر حسین میرزایی

ویراستار ادبی: دکتر سیده مریم فضائی

ویراستار انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی ویراستار این شماره: عبدالله نوروزی

حروفچین و صفحه‌آرا: الهه تجویدی

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی اسد

شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۳۸۸۰۷۰۶۰ (۰۵۱)

۳۸۸۰۵۱۹۴ (۰۵۱)، سردبیر: ۳۸۸۰۵۱۹۲ (۰۵۱).

خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا - سالانه) ۲۰ دلار (سایر کشورها - سالانه)

نشانی اینترنتی مجله، ارسال مقاله و حاوی متن کامل تمام مقالات:

http://social.um.ac.ir

Email: Jss@ferdowsi.um.ac.ir

شماره پرونده: ۳/۱۱/۵۴۳ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۸۸/۳/۲۳، رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

شماره پروانه انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۴/۶۰۷ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر وکیل احمدی (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه)
دکتر ابوالقاسم پوررضا (استاد بهداشت عمومی، دانشگاه تهران)
دکتر محمود تیموری (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر حیدر جانعلی زاده چوب بستی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران)
دکتر بهبود خادمی راسخ (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیریز)
دکتر صمد رسول زاده اقدم (دانشیار گروه مطالعات خانواده، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز)
دکتر علی سالار (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه نیشابور)
دکتر مریم سروش (استادیار پژوهشی، گروه علوم رفتاری جهاد دانشگاهی فارس)
دکتر موسی سعادت (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین)
دکتر مریم سهرابی (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر صمد عدلی پور (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تبریز)
دکتر زهرا قربانی (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک)
دکتر سعیده گروسی (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان)
دکتر بهنام لطفی خاچکی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه فرهنگیان البرز)
دکتر علی اکبر مجدی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فردین محمدی (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر نریمان محمدی (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه اصفهان)
دکتر علی مرادی (دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب)
دکتر سید علی مزینانی (استادیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه علامه طباطبائی)
دکتر سارا مزینانی شریعتی (استادیار جامعه شناسی، دانشگاه تهران)
دکتر مصطفی مهرآیین (دانشیار جامعه شناسی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور)
دکتر سید احمد میرمحمدتبار (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک)

۱. مقاله‌ها حداکثر در ۸۵۰۰ کلمه (با احتساب چکیده و منابع) از طریق پرتال مجله به آدرس <http://social.um.ac.ir> ارسال شوند. ذکر مشخصات نویسنده اصلی و ترتیب اسامی نویسندگان (رتبه علمی، گرایش تخصصی، محل خدمت، تلفن تماس و نشانی پست الکترونیکی) ضروری است.

۲. فاصله خطوط ۱، حاشیه از طرفین ۳ و از بالا ۵ سانتی متر و پایین ۴ سانتی متر، متن مقاله با قلم بی لوتوس ۱۳ و چکیده با قلم بی لوتوس ۱۲ باشد.

۳. ساختار مقاله: صفحه عنوان، چکیده فارسی به همراه لاتین آن (حداکثر ۳۰۰ کلمه)، کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، متن مقاله، یادداشت‌ها، منابع.

- صفحه عنوان: نام مقاله به صورت کامل

نام نویسنده (رتبه علمی، رشته و محل خدمت)

ایمیل نویسندگان (در زیر نام هر نویسنده، ایمیل مربوط به آن نویسنده ذکر شود).

نویسنده مسئول و عهده‌دار مکاتبات مشخص شود.

- متن مقاله: در متن مقاله، رعایت و ذکر همه بخش‌های مقاله، شامل: مقدمه، مبانی نظری، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری الزامی است.

- ارجاعات مقاله، درون‌متنی و براساس APA نسخه ۶ باشد (به راهنمای آن در سامانه نشریه مراجعه شود).

- در نقل قول‌ها (خواه مستقیم، خواه غیرمستقیم)، استناد به آرا و اقتباس از آثار دیگران، حتماً نام نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار و در صورت لزوم شماره صفحه اثر داخل پرانتز در متن آورده شود. هرگاه نقل قول مستقیم باشد، شماره صفحه مطلب در اثر اصلی نیز همان‌جا در متن آورده شود.

نقل قول‌های مستقیم مفصل، به صورت جدا از متن، با تورفتگی از دو طرف و فونت ریزتر آورده شود. اسامی و واژه‌های غیرفارسی فارسی نیز به صورت فارسی نوشته شود و معادل لاتین آن‌ها در پاورقی بیاید.

- در نقل قول‌هایی که دو نویسنده دارد، در هر بار ارجاع، نام هر دو نفر ذکر شود و در نقل قول‌هایی که بیش از دو نویسنده دارد، اگر تعداد نویسندگان پنج نفر یا کمتر باشد، فقط در اولین بار ارجاع نام همه نویسندگان ذکر شود و در دفعات بعد، نام نویسنده اول و «دیگران» بیاید. همچنین در صورتی که تعداد نویسندگان شش نفر یا بیش‌تر باشد، تنها نام نفر اول و عبارت «و دیگران» ذکر شود.

- در پایان مقاله، تنها منابعی که در متن مقاله نام برده و ارجاع داده شده است، بیاید. منابع پایان مقاله براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان به شرح زیر آورده شود:

- کتاب: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). نام کتاب (ایتالیک). نام مترجم/ مصحح. محل نشر: نام ناشر.

- **مقاله:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام مترجم. نام نشریه (ایتالیک)، دوره/ سال (شماره)، شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام ویراستار یا گردآورنده. نام مجموعه مقالات (ایتالیک). محل نشر: ناشر.
- **همایش‌ها:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. زمان دقیق همایش (روز و سال و ماه). مکان همایش. شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده/ نویسندگان. عنوان موضوع (ایتالیک)، نام و آدرس سایت/ اینترنتی (آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در سایت اینترنتی، شامل روز و ماه و سال).
- **رساله‌های تحصیلی:** نام خانوادگی، حرف اوّل نام نویسنده. (تاریخ نگارش داخل پرانتز). نام پایان‌نامه (ایتالیک). مقطع تحصیلی. نام دانشکده. نام دانشگاه، کشور.
- در موارد دیگر نیز انواع منابع به شیوه APA عمل شود.
۴. متن کامل مقاله نباید در هیچ‌یک از مجلات داخل یا خارج از کشور و یا در مجموعه‌مقاله‌های همایش‌ها چاپ شده باشد. نویسنده/ نویسندگان موظفند در صورتی که مقاله آن‌ها در جای دیگر چاپ شده یا پذیرش چاپ آن اعلام شده باشد، موضوع را به آگاهی دفتر مجله برسانند.
۵. مدیریت مجله در ویراستاری ادبی مقاله، بدون تغییر محتوای آن، آزاد است.
۶. فایل الگوی نگارش مقاله مطابق قواعد پیش گفته در سامانه مجله موجود است.

فهرست مندرجات

- ۱-۳۸ ■ مروری روایی بر رویکردهای نظری سکشوالیته
سعیده میرابی، علی یوسفی، عدرا قندهاریون
- ۳۹-۶۵ ■ مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی شغلی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۰
طاها عشایری، اسماعیل جهانی دولت‌آباد، طاهره جهان‌پرور
- ۶۷-۹۸ ■ تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی جوانان شهر تهران
فربا حسینی، منصور حقیقتیان، سید علی هاشمیان‌فر
- ۹۹-۱۱۹ ■ علی شریعتی؛ گسست از دانشکده ادبیات تا تعطیلی حسینیۀ ارشاد (مطالعه‌ای از منظر تاریخ شفاهی)
غلامحسین نوعی، امیر اکبری، ابوالحسن مبین
- ۱۲۱-۱۴۵ ■ شایعه‌های منتشرشده در همه‌گیری کوید-۱۹: علل و استراتژی‌های مهار آن
افسانه قاسمی، حامد مللازاده
- ۱۴۷-۱۷۵ ■ تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد (مورد مطالعه: مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره))
محمد صفری، علیرضا موغلی
- ۱۷۷-۲۱۸ ■ کشاورزان و عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه: مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای
امراه کشاورز، ثریا معمار، رضا همتی، علی قنبری برزبان
- ۲۱۹-۲۵۵ ■ مطالعه عوامل مؤثر در نظم خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی با رهیافت فراترکیب
محبوبه نژادموسی میانکلی، افسانه ادیسی، افسانه توسلی
- ۲۵۷-۲۹۰ ■ تهیه ابزار سبک‌های رهبری مربیان، ورزشکاران و برآورد پایایی و روایی آن (مورد مطالعه: دانشگاه‌های آزاد استان بوشهر)
غلامرضا جعفری‌نیا

فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

(نشریه علمی)

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۰



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مروری روایی بر رویکردهای نظری سکشوالیته^۱

سعیده میرابی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

mirabi.saeede@gmail.com

علی یوسفی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

yousofi@um.ac.ir

عدرا قندهاریون (دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ghandeharioon@um.ac.ir

چکیده

سکشوالیته یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نظری در فلسفه اجتماعی معاصر است؛ مفهومی که تغییرات در ارزش‌های جنسی جهان مدرن و ایران امروز، توجه به آن را ضروری کرده است. با وجود اهمیت و تغییرات سکشوالیته در ایران کنونی، به این عرصه نظری توجه کافی نشده است؛ بنابراین این مقاله در نظر دارد رویکردهای نظری سکشوالیته و چستی آن را بررسی کند. روش استفاده‌شده در معرفی نظریات سکشوالیته، مرور روایی است و طی شش مرحله انجام شده است: شناسایی منابع معتبر، دسته‌بندی نظریات سکشوالیته، گزینش و معرفی پراستنادترین نظریات، شناسایی نقاط اشتراک و افتراق نظریات، تلفیق نظریات براساس نقاط اشتراک و سازگاری منطقی آن‌ها و ارزیابی نظریات. نتایج مرور روایی نظریات سکشوالیته نشان داد، فوکو مهم‌ترین نظریه‌پرداز اجتماعی معاصر درباره سکشوالیته است. همچنین نظریه «آزادسازی مردان همجنس‌گرا»، «برساخت‌گرایی اجتماعی سکشوالیته»، «کوئیر تئوری» و «ترنسجندریسم» مهم‌ترین

۱. مستخرج از تز دکتری، دفاع شده در دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

رویکردهای نظری سکشوالیته هستند. در ترکیب رویکردهای نظری مذکور می‌توان سکشوالیته را یا ارزش‌ها، قوانین و باورهای اجتماعی درباره رابطه جنسی یعنی بر ساخت اجتماعی دانست یا به عنوان هویت جنسی ذاتی افراد در نظر گرفت. به علاوه سکشوالیته غربی در سیستم اقتصادی سرمایه‌داری و تحولات ناشی از آن ریشه دارد. پیامد سکشوالیته در عصر مدرن نیز کنترل مولید، کنترل نظام خانواده و تعریف هویت‌های جنسی متمایز است. این پیامدها را می‌توان سرکوب میل جنسی یا نوعی توجه مضاعف قدرت‌های مدرن به میل جنسی در نظر گرفت؛ توجهی که به کنترل میل جنسی و بدن منجر شده است. در ارزیابی نظریات سکشوالیته می‌توان گفت، نظریاتی که پس از فوکو درباره سکشوالیته مطرح شده‌اند، بسط مفاهیم نظری فوکو هستند. همچنین این نظریات در پاسخ به مسائل اجتماعی جنس/جنسیت‌های حاشیه‌ای شکل گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: سکشوالیته، جنسیت، رابطه جنسی، کوئیر تئوری، ترنسجندریسم.

۱. مقدمه

درحالی‌که مطالعات اجتماعی «سکشوالیته»^۱ و مفهوم‌سازی آن در نظریه معاصر جامعه‌شناسی رونق و عمق زیادی پیدا کرده است، در ایران به دلیل برخی از محدودیت‌ها و موانع فرهنگی-مذهبی، فضای مساعدی برای گسترش و تعمیق پژوهش‌های تجربی و نظری سکشوالیته و در نتیجه انباشتگی دانش درباره سکشوالیته فراهم نشده است. امروزه جامعه ایران با تغییرات گسترده در ارزش‌ها و رفتارهای جنسی یا به اصطلاح «انقلاب جنسی» مواجه است (مهدوی، ۲۰۰۹، ص. ۴). به باور برخی از محققان، نسل جوان امروز ایرانی در مقایسه با نسل‌های قبلی، جسورانه‌تر پیگیر منافع و حقوق جنسی خود هستند و این امر نتیجه تحولات سیاسی اجتماعی پس از انقلاب اسلامی و واکنش به قوانین رسمی در این

۱. sexuality: این واژه در منابع فارسی به جنسیت (ریتزر، ۱۳۸۶) و رهیافت جنسی (پوستر، ۱۳۸۰) ترجمه شده است، اما به باور برخی مترجمان (فوکو، ۱۳۹۶) معادل‌های فارسی همچون جنسیت بیانگر دستگاه فکری فوکو درمورد سکشوالیته است و باید از ترجمه این واژه پرهیز کرد؛ از این رو در این مقاله از واژه «سکشوالیته» استفاده شده و به فارسی ترجمه نشده است.

زمینه بوده است (صادقی، ۲۰۰۸، ص. ۲۵۹). انقلاب جنسی در ایران مظاهر مختلفی همچون رواج روابط جنسی قبل از ازدواج (آزاد ارمکی، شریفی ساعی و ایشاری، ۱۳۹۰) و کاهش تمایل به رعایت حجاب شرعی (خواجه نوری، روحانی و هاشمی، ۱۳۹۱؛ صدیق اورعی، غنی‌زاده، صداقت و کابلی، ۱۳۹۷) دارد. این تغییرات در جامعه ایرانی را می‌توان در ذیل مفهوم کلی «سکشوالیته» مطالعه کرد.

«سکشوالیته» از واژه‌های «رابطه جنسی»^۱ و «جنسیت»^۲ متمایز است. کلمه «رابطه جنسی» در زبان روزمره برای اشاره به فعالیت‌های جنسی به کار می‌رود (بیسلی،^۳ ۲۰۰۵، ص. ۱). واژه «جنسیت» نیز به روند اجتماعی تقسیم افراد و شیوه‌های اجتماعی برای تعیین هویت‌های جنسیتی اشاره دارد (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۱)، اما مفهوم «سکشوالیته» چیزی بیش از رابطه جنسی است. سکشوالیته درباره قوانین اجتماعی، ساختارهای اقتصادی، جدال‌های سیاسی و ایدئولوژی‌های مذهبی است که بیان فیزیکی صمیمیت و روابطی را احاطه کرده‌اند که در چنین صمیمتی روی می‌دهد (کورنوال، کوریا و جولی،^۴ ۲۰۰۸، صص. ۵-۶).

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و با گسترش نظریات سکشوالیته، پژوهشگران جامعه‌شناسی که مایل به مطالعه آن بودند، باید ابتدا این ادعا را اثبات می‌کردند که سکشوالیته می‌تواند مطالعه جامعه‌شناختی شود. از سوی دیگر، این پژوهشگران باید برخلاف تفکرات رایج که سکشوالیته را ناشی از انگیزه‌های روانی، زیستی یا خارج از دسترس نیروهای اجتماعی می‌دانستند، استدلال می‌کردند. پیشگامان این امر محققان فمینیستی بودند که ابداعات نظری در تمایز مفهوم «جنس» و «جنسیت» داشتند و شروع به مطالعه ساختارشکنانه کلیشه‌های موجود درباره سکشوالیته مردان و زنان کردند. آن‌ها همچنین

۱. Sex: امروزه این واژه به معنی ویژگی‌های بیولوژیک زنانه یا مردانه‌ای نیز به کار می‌رود که هر فرد در هنگام تولد دارد (نیومن، ۲۰۰۲، ص. ۵۵۳).

2. Gender

3. Beasley

4. Cornwall, Corrêa & Jolly

ارتباط میان تفاوت‌های سکشوالیته مردان و زنان و ارتباط آن با قدرت‌های اجتماعی را مطالعه کردند (برنشتاین^۱، ۲۰۱۳، ص. ۲۲).

در ابتدای دهه ۱۹۸۰ میلادی نظریات متأثر از فوکو به آهستگی وارد جامعه‌شناسی می‌شدند و این امر از سوی محققان علوم انسانی صورت گرفت که به فرهنگ توجه ویژه‌ای داشتند، اما رابطه بین هویت، گفتمان، میل جنسی و زمینه نهادی را نادیده می‌گرفتند. در سال ۱۹۹۶ آرنل استین^۲ و کن پلامر^۳ درباره لزوم شکل‌گیری انقلاب جنسی در جامعه‌شناسی سخن گفتند. آن‌ها هرچند روی زندگی همجنس‌گرایان زن^۴ و مرد^۵ مطالعه می‌کردند، سؤال مهم‌تری را مطرح کردند و آن اینکه «چگونه جامعه‌شناسی ادعای فهم و درک سیستم‌های قشربندی اجتماعی را دارد؛ درحالی‌که به‌طور کامل فرایندهای اجتماعی را که با ناهمجنس‌خواهی^۶، همجنس‌گرا هراسی^۷ و سلسله‌مراتب جنسی مرتبط است، نادیده می‌گیرد؟» این دو محقق بر این باور بودند که سکشوالیته به‌شکل ساده و فقط از طریق نهاد خانواده عمل نمی‌کند (برنشتاین، ۲۰۱۳، ص. ۲۳).

با وجود اینکه مطالعات سکشوالیته بسیار به کار فوکو مدیون است، ریشه‌های نظریه‌های معاصر سکشوالیته را می‌توان در سنت‌های مختلف جامعه‌شناسی نیز جست‌وجو کرد. از دهه ۱۹۹۰، جامعه‌شناسان آمریکایی دیدگاه بین‌المللی و جهانی‌تری درباره سکشوالیته ارائه دادند. از این دهه جامعه‌شناسان ارتباط میان فرایندهای اجتماعی بزرگ مقیاس مانند مهاجرت، دولت‌سازی و جهانی‌شدن را با پدیده‌های سطح میانی مانند هویت، گفتمان و تعاملات

1. Bernstein

2. Arlene Stein

3. Ken Plummer

۴. Lesbian: زنی که میل جنسی به افرادی از جنس یا جنسیت خود دارد (واژه نامه اصطلاحات LGBTQ، 2021).

۵. Gay: مردی که میل جنسی به افرادی از جنس یا جنسیت خود دارد (واژه نامه اصطلاحات LGBTQ، 2021).

6. Heterosexuality

7. Homophobia

اجتماعی به عنوان عرصه عمل سکشوالیته نشان دادند (برنشتاین، ۲۰۱۳؛ مون^۱، ۲۰۰۸)؛ برای مثال، گیدنز (۱۳۷۷) و باومن (۱۳۹۷) دو جامعه‌شناسی هستند که تغییر اشکال و باورها درباره رابطه جنسی در عصر جهانی شدن و سرمایه‌داری مصرفی را تبیین کردند.

با وجود اهمیت سکشوالیته در مطالعات معاصر جامعه‌شناسی، این موضوع در ایران به دلیل برخی محدودیت‌های فرهنگی مذهبی کمتر مطالعه شده است؛ این در حالی است که امروزه تغییرات سکشوالیته در ایران یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تغییر اجتماعی است و هرگونه مطالعه تجربی و نظری در این زمینه می‌تواند به فهم دقیق‌تر این واقعیت کمک کند؛ بر همین اساس، این نوشتار درصدد است ابتدا با «مرور روایی نظام‌مند»^۲ مهم‌ترین رویکردهای نظری سکشوالیته، به دو سؤال چيستی (واقع‌نگار) و چرایی (توضیحی) سکشوالیته پاسخ دهد و سپس با تکیه بر اشتراک‌ها و سازگاری منطقی نظریات مرور شده، «مدل تلفیقی»^۳ از سکشوالیته ارائه دهد.

۲. روش تحقیق

روش این تحقیق، مرور روایی^۴ است. مرور روایی روشی برای توصیف و بحث درباره نظریات و ادبیات علمی درباره موضوعی خاص است (رودر^۵، ۲۰۰۷، ص. ۱). در صورتی که مطالعه‌ای به دنبال بررسی نظام‌مند مطالعات مربوط به یک نظریه باشد، اطلاعات به دست آمده باید به شکل روایتی منسجم همراه با ارائه مدل تلفیقی توضیح داده شود (پوپای^۶ و همکاران، ۲۰۰۶، ص. ۱۱).

1. Moon

2. Systematic review

3. Synthetic model

4. Narrative review

5. Rother

6. Popay

بنابر پیشنهاد های پوپي و همکاران^۱ (۲۰۰۶، صص. ۲۶-۴۷)، ابتدا باید نظریات را توصیف کرد. سپس مفاهیم اصلی نظریات را استخراج کرد و به شکل مدل تلفیقی ترسیم کرد. در ساخت مدل تلفیقی باید هم به نقاط اشتراک و هم به نقاط افتراق نظریات درباره چرایی پدیده توجه کرد. در انتها نظریات باید ارزیابی کیفی شوند. برای ارزیابی کیفی نظریات باید بررسی کرد که آیا آنها برای پاسخ گویی به سؤال های نظری مناسب اند و ارزیابی کلی محقق از کیفیت این مطالعات چگونه است. این ارزیابی ها بر قضاوت محقق مبتنی هستند و می توانند در طیف خوب، متوسط و نامناسب طبقه بندی شوند.

بر اساس پیشنهاد های کلی پوپي و همکاران (۲۰۰۶)؛ مراحل زیر برای مرور روایی رویکردهای نظری سکشوالیته طی شده است:

- در مرحله نخست، منابع مربوط در جست و جوگر google scholar با کلیدواژه های "theories of sexuality" و "concept of sexuality" شناسایی شد که شامل بیش از ۳۰۰ منبع شد. از میان این منابع چند مضمون کلی پرتکرار استخراج شد که شاخص ترین آنها عبارت بودند از: «فوکو، کوئیر تئوری، ترنسجندریسم و هموسکشوالیته»^۲؛

- در مرحله دوم، دو منبع پراچاع شامل بیسلی^۳ (۲۰۰۵) و رحمان و جکسون^۴ (۲۰۱۰) که نظریه های سکشوالیته را معرفی کرده بودند، به دقت مطالعه شدند. بر مبنای دسته بندی های مشترک بیسلی (۲۰۰۵) و رحمان و جکسون^۵ (۲۰۱۰)، رویکردهای نظری کلی در سکشوالیته (که با مضامین اولیه به دست آمده نیز همپوشانی دارند)، عبارت اند از: «نظریات

۱. محققان روش پیشنهادی پوپي و همکاران را بیش از ۳۲۰۰ بار ارجاع داده اند و محبوبیت آن به دلیل تلاش برای مرور روایی به شکل نظام مند است. دلیل استفاده از این منبع، توجه به نظریات و تلاش برای استخراج مفاهیم نظری است و قابلیت به کارگیری در این تحقیق را دارد.

2. Homosexuality

۳. با ۶۵۴ ارجاع

۴. با ۱۹۴ ارجاع

5. Rahman & Jackson

آزادسازی مردان همجنس‌گرا» (Gay Liberation theories)، «نظریات برساختگرایی اجتماعی سکشوالیته» (sexuality Social Constructionism theories)، «کوئیر تئوری» (Queer theory) و «نظریات ترنسجندریسم» (Transgender Theories). در مطالعه این منابع، میشل فوکو به‌عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز اجتماعی سکشوالیته شناسایی شد؛

-در مرحله سوم، ۲۵ منبع پرارجاع که توضیحات جامعی درباره هرکدام از این رویکردها ارائه کرده‌اند، شناسایی و مطالعه شدند. فهرست آثار اصلی و تکمیلی مطالعه‌شده در جدول ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱. منابع مطالعه‌شده

منابع تکمیلی	منابع اصلی	نظریات
-فوکو، ۱۳۸۹، تولد زیست سیاست؛ درس‌گفتارهای گِلژ دو فرانس، ۱۹۷۸-۱۹۷۹، ارجاع‌داده‌شده در منبع ^۲ ۱۵۲۴۴ -فوکو، ۱۳۹۷، مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان، ارجاع‌داده‌شده در ۹۶۲۲۲ منبع -دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹، میشل فوکو فراسویی ساختارگرایی و هرمونتیک، ارجاع‌داده‌شده در ۸۸۸۸ منبع -Gutting , 2018, Foucault.	-فوکو، ۱۳۹۶، اراده به دانستن (جلد اول تاریخ سکشوالیته) -Foucault, 1984, The will to knowledge, Volume 1 of the history of sexuality, cited by 52395 ^۱ -Foucault, 1985, The use of pleasure, Volume 2 of the history of sexuality, cited by 3221 -Foucault, 1986, The care of the self, Volume 3 of The history of sexuality, cited by 2575	سکشوالیته میشل فوکو
-Sears, 2005, Queer anti-	-Altman, 1993, Homosexual: Oppression	آزادسازی مردان

۱. تعداد ارجاعات به منابع اصلی، در پایان هر منبع مشخص شده است. گفتنی است که برخی منابع در زمان‌های مختلف تجدید چاپ شده است و چند نسخه از هر منبع در پایگاه گوگل اسکالر موجود است. در ارجاع‌دهی، پرارجاع‌ترین نسخه چاپی مدنظر قرار گرفته است.

۲. برای تعداد ارجاعات منابع فارسی ترجمه‌شده به نسخه اصلی انگلیسی آن مراجعه شده است.

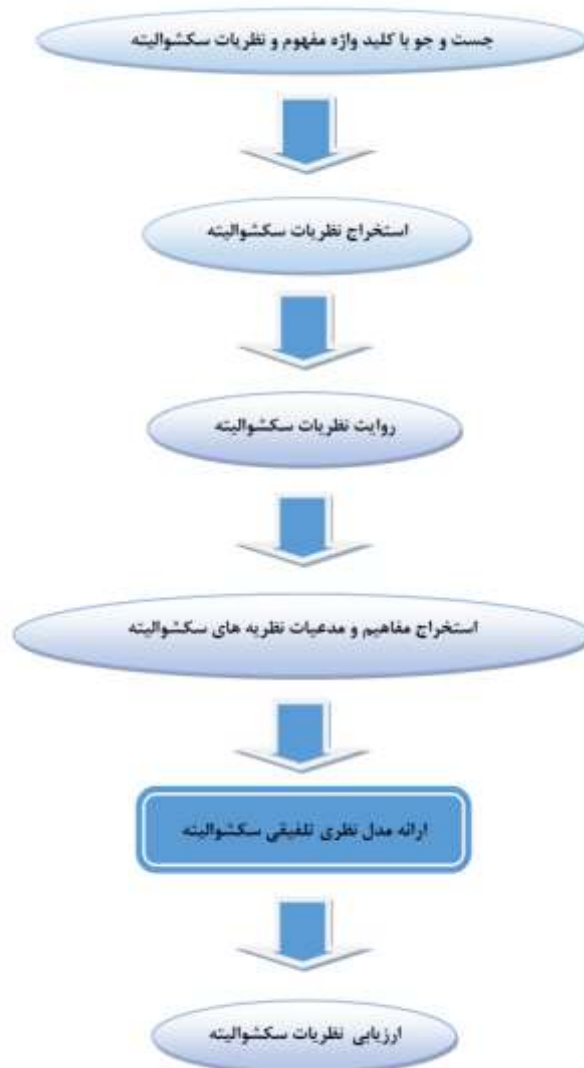
منابع تکمیلی	منابع اصلی	نظریات
capitalism: What's left of lesbian and gay liberation? cited by 151 -Beasley, 2005, Gender and sexuality: Critical theories, critical thinkers. -سیدمن، ۱۳۹۱، «مطالعات مردان و زنان همجنس‌خواه» در کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ارجاع داده شده در ۱۳۵۸ منبع	and liberation, cited by 1109 -D'Emilio, 2007, Capitalism and gay identity, cited by 1809	همجنس‌گرا
-Vance, 1991, Anthropology rediscovers sexuality: A theoretical comment, cited by 673 -Beasley, 2005, Gender and sexuality: Critical theories, critical thinkers	-Weeks, 2002, Sexuality and its discontents: Meanings, myths, and modern sexualities, cited by 2612	برساخت‌گرایی اجتماعی سکشوالیته
-Green, 2007, Queer theory and sociology: Locating the subject and the self in sexuality studies, cited by 272 -Salih, 2002, Judith butle, cited by 973 -سیدمن، ۱۳۹۱، «نظریه فمینیستی» در کشاکش آرا در جامعه‌شناسی	-Warner, 1993, Fear of a queer planet: Queer politics and social theory, cited by 3327 -Kirsch, 2000, Queer theory and social change, cited by 419 -Turner, 2000, A genealogy of queer theory, cited by 665 -Hall, 2003, Queer theories, cited by 517 -Jagose, 1996, Queer theory: An introduction, cited by 3562 -جودیت باتلر، ۱۳۸۵، آشفتگی جنسیتی، با ۸۰۶۹۵ ارجاع	کوئیر تئوری
Beasley, 2005, Gender and sexuality: Critical theories, critical thinkers.	-Stryker, 2011, My words to victor frankenstein above the village of chamounix: Performing transgender rage, cited by 850 -Roen, 2002, "Either/Or" and "Both/Neither": Discursive Tensions in Transgender Politics—TEST, cited by 328 -Hausman, 2001, Recent transgender	ترنسجندر یسم

منابع تکمیلی	منابع اصلی	نظریات
	theory, cited by 165 -Nagoshi & Brzuzy, 2010, Transgender theory: Embodying research and practice, cited by 310	

-در مرحله چهارم، مفاهیم کلیدی و مهم‌ترین مدعیات هریک از رویکردهای نظری سکشوالیته استخراج و روایت شد؛

-در مرحله پنجم، مفاهیم و مدعیات مشترک و متفاوت در بین نظریات مختلف سکشوالیته شناسایی و استخراج شد. سپس مفاهیم و مدعیات نظری براساس نقاط مشترک و سازگاری منطقی، در قالب یک مدل تلفیق شدند. در این مدل تلفیقی به سؤال‌های نظری تحقیق حاضر درمورد چیستی و چرایی شکل‌گیری سکشوالیته پاسخ روشن داده شده است.

-در آخرین گام، نظریه‌های سکشوالیته ارزیابی شد. گام‌های تحقیق نظری در شکل ۱ به نمایش درآمده است.



شکل ۱. مراحل مرور روایی نظریه های سکشوالیته

۳. مرور روایی نظریات

براساس آنچه در قسمت روش بیان شد و با الهام از تجارب مشابه در مرور نظریات سکشوالیته (رحمان و جکسون، ۲۰۱۰؛ بیسلی، ۲۰۰۵)، نظریه میشل فوکو به عنوان یک نظریه

مرجع و سایر نظریات سکشوالیته نیز در ذیل چهار رویکرد نظری شامل «نظریات آزادسازی مردان همجنس‌گرا»، «نظریات برساختگرایی اجتماعی سکشوالیته»، «کوئیر تئوری» و نظریات «ترنسجندریسم» معرفی می‌شوند.

۳.۱. نظریه سکشوالیته پل میشل فوکو

فوکو تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز سکشوالیته است و معرفی آرای او نقطه عزیمتی برای مرور رویکردهای نظری سکشوالیته است. پل میشل فوکو در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۶، در پواتیه فرانسه به دنیا آمد. او در دهه ۱۹۶۰ جایگاه علمی در دانشگاه‌های فرانسه پیدا کرد. از دهه ۱۹۷۰ فوکو از نظر سیاسی بسیار فعال شد. او گروه زندان‌های اطلاعاتی را بینان‌گذاری کرد و اغلب اعتراضات او به نفع گروه‌های حاشیه‌ای بود (گاتینگ^۱، ۲۰۱۸).

دریفوس و رابینو از مهم‌ترین شارحان فوکو، آرای او را به دو بخش دیرینه‌شناسی و تبارشناسی تقسیم‌بندی کردند. آثار اولیه فوکو مانند *دیوانگی و تمدن و تولد درمانگاه*، بر تحلیل مجموعه‌ای از نهادها و کردارهای گفتمانی مشخص تاریخی مبتنی هستند و فوکو از روش دیرینه‌شناسی در این کتب استفاده کرده است. فوکو در بررسی آثاری که به بررسی قدرت و بدن می‌پردازند، روش دیرینه‌شناسی را کافی ندانست و روش تبارشناسی را طراحی کرد. او در همین دوران دو اثر مهم درباره بدن و قدرت یعنی *مرقبت و تنبیه* و *تاریخ سکشوالیته* را نوشت (دریفوس و رابینو، ۱۳۷۹، صص. ۵۴-۵۶).

مرقبت و تنبیه، اولین اثر مهم فوکو درباره بدن، نحوه شکل‌دهی به آن و گفتمان‌های مربوط به بدنمندی در اعصار مختلف است. فوکو معتقد است که بدن در قرون هفدهم و هجدهم میلادی که با نام‌های «عصر کلاسیک»، «عصر روشنگری» یا «مدرنیته نخستین» نیز شناخته می‌شود، بازتعریف شد؛ یعنی بدن به‌عنوان ابژه و زمین بازی گفتمان قدرت کشف شد. می‌توان نشانه‌های زیادی از توجه به بدن را در این عصر یافت؛ اینکه بدن می‌تواند دستکاری و اداره شود، مهارت یابد، تنبیه شود، در آغوش کشیده شود یا نیروهایش افزایش

یابد. کتاب *انسان-ماشین* یا همان انسان به منزله ماشین، هم‌زمان در دو دفتر ثبت شد. دفتر اول، کالبدشناختی و متافیزیکی است که ابتدا دکارت آن را نوشت و بعد سایر فیلسوفان و پزشکان آن را بررسی کردند. دفتر دوم، تکنیکی و سیاسی است که مجموعه کاملی از روش‌های تجربی برای کنترل و اصلاح بدن است. هدف این دو دفتر متفاوت است؛ چون در یکی بر فرمان‌برداری و استفاده و در دیگری بر توضیح عملکرد بدن تأکید می‌شود؛ باین‌حال، این دو دفتر نقطه تلاقی به نام اطاعت داشتند که بدن سلطه‌پذیر را به بدن تحلیل‌پذیر پیوند می‌داد؛ بر این اساس، بدنی مطیع است که فرمان‌بردار، قابل‌استفاده، قابل‌تغییر و قابل‌تکمیل باشد؛ بنابراین می‌توان طرح‌های اطاعت و روش‌هایی را که از قرن هجدهم برای رسیدن به این هدف مدنظر قرار می‌گرفت، انضباط بدن یا منضبط کردن بدن نامید (فوکو، ۱۳۹۷، صص. ۱۷۰-۱۷۱).

موفقیت قدرت انضباطی، در نتیجه استفاده از ابزارهایی ساده مانند نگاه پایگان‌مند، مجازات بهنجار ساز یا ترکیب این دو است (فوکو، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۴). نگاه پایگان‌مند همان نگاه نافذ و خداگونه زندانبان به زندانی و نیروی قهریه مانند پلیس به افراد بی‌گناه است. مجازات بهنجار ساز نیز با مجازات خشونت‌آمیز خاطیان، هنجارهای اجتماعی را به قانون‌گریزان و دیگر مردم می‌آموزد. ترکیب نگاه و مجازات و تأثیر تربیتی این دو، روش‌های نمایش قدرت است؛ بدین ترتیب دو نوع قدرت وجود دارد: قدرت قهریه و قدرت انضباطی. از خلال این دو نوع قدرت، همه مردم امتحان یا معاینه می‌شوند تا اطاعت‌پذیری ایشان سنجیده شود. قدرت قهریه قابل‌مشاهده است، اما قدرت انضباطی با نامرئی کردن خود، اعمال می‌شود و در نتیجه اصل رؤیت‌پذیری اجباری را بر کسانی تحمیل می‌کند که مطیع و فرمانبر هستند. در انضباط‌پذیری، این افراد یا سوژه‌ها هستند که باید دیده شوند. معاینه (امتحان) تکنیکی است که از رهگذر آن، قدرت به جای انتشار توانمندی‌اش و داغ زدن بر قربانیانش، آن‌ها را در یک سازوکار ابژه‌کننده به دام می‌اندازد (فوکو، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۴).

در ادامه این توضیحات، فوکو در جلد اول کتاب *تاریخ سکشوالیته* به توضیح سکشوالیته کنونی غربی و روش خود در بررسی این امر می‌پردازد (پوستر، ۱۳۸۰، صص. ۳۷۱-۳۷۲). او بیان می‌کند که در اوایل قرن هفدهم میلادی، نوعی سهل‌گیری درباره رابطه جنسی در گفتمان روزمره وجود داشته است؛ این در حالی است که در عصر ویکتوریا^۱، رابطه جنسی در خانه‌ها زندانی شده و به انقیاد قدرت درآمده است. با این نگاه به عصر ویکتوریا است که نظریه‌پردازان امروز به منتقدان سرکوب رابطه جنسی توسط قدرت بورژوازی تبدیل شده‌اند (فوکو، ۱۳۹۶، صص. ۹-۲۰).

فوکو (۱۹۸۴، صص. ۱۰۵-۱۰۶) در تعریف سکشوالیته می‌گوید: «سکشوالیته نامی است که می‌توان به بساخت تاریخی داد، نه یک واقعیت پنهانی که درک آن مشکل باشد. سکشوالیته یک شبکه بیرونی بزرگی است که در آن برانگیختن بدن‌ها، تشدید لذت‌ها، تحریک گفتمان‌ها، شکل‌گیری شناخت‌ها، تشدید کنترل‌ها و مقاومت‌ها مطابق با چند استراتژی دانش و قدرت به یکدیگر پیوند می‌خورند.» او همچنین بر این باور است که هرچند سده هفدهم را عصر سرکوب می‌خوانند، به‌طور کلی در سه سده اخیر شاهد انفجار بزرگ گفتمانی حول رابطه جنسی هستیم. ما در سه سده اخیر با تکثیر گفتمان‌هایی حول رابطه جنسی مواجه هستیم که بر سخن گفتن هر چه بیشتر درباره جزئیات، حالات و احساسات جنسی تأکید دارد. در این گفتمان جدید، رابطه جنسی چیزی است که باید مدیریت شود و در جهت منافع عمومی سازمان یابد (فوکو، ۱۳۹۶، صص. ۲۳-۳۲).

یکی از نوآوری‌های مهم در تکنیک‌های اعمال قدرت، ظهور مسئله کنترل جمعیت، به‌مثابه موضوع پراهمیت اقتصادی-سیاسی و قرار گرفتن رابطه جنسی در مرکزیت این مسئله است. از زاویه اقتصادی-سیاسی، جمعیت، کلافی درهم‌تنیده از مشاهده‌ها درمورد رابطه جنسی، تحلیل رفتارهای جنسی در محدوده زیست‌شناسی و اقتصاد است. در این رهگذر

۱. دوره ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱) دوره سلطنت ملکه ویکتوریا بر بریتانیای کبیر است (وینتر، ۲۰۰۴، ص. ۴۷۳).

بوده است که دولت‌ها سعی کرده‌اند رابطه جنسی شهروندان را سامان دهند؛ این گونه رابطه جنسی از مسئله‌ای روزمره به مسئله‌ای عمومی تبدیل شد (فوکو، ۱۳۹۶، صص. ۳۲-۳۴). همچنین فوکو در مورد عرصه تجلی سکشوالیته سخن می‌گوید. از نظر او یک استراتژی واحد، فراگیر و معتبر برای هر جامعه‌ای که بتوان به شیوه‌ای یکسان در مورد تمام تجلی‌های رابطه جنسی به کار بست، وجود ندارد (فوکو، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۱) و این یعنی سکشوالیته هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است.

فوکو در نقد نظریه سرکوب مکتب فرانکفورت^۱، مطرح می‌کند که شدیدترین سرکوب‌ها نه در طبقات فرودست، بلکه در طبقات ممتاز اتفاق افتاده است. در همین راستا، اولین بار در خانواده بورژوازی، سکشوالیته کودک مسئله شد و سکشوالیته زنان در مجالس پزشکی مطرح شد. در خانواده، آسیب‌شناسی رابطه جنسی صورت گرفت و رابطه جنسی امری روان‌پزشکانه شد. در مقابل، اقشاری تا مدت‌ها از سامانه سکشوالیته می‌گریختند و تابع سامانه وصلت (ازدواج) بودند. سازوکارهای سکسینه کردن به آرامی و طی سه مرحله در جامعه نفوذ پیدا کرد (فوکو، ۱۳۹۶، صص. ۱۳۹-۱۴۸): الف. در مورد مسائل مربوط به موالید؛ ب. در سال‌های ۱۸۳۰ که سازمان خانواده ابزار کنترل سیاسی و سازماندهی اقتصادی ضروری برای «سوژه-منقادی سازی» پرولتاریای شهری بود؛ ج. در پایان سده نوزده که کنترل قضایی و پزشکی انحرافات زیر لوای حفاظت عمومی از جامعه و نژاد توسعه یافت. این یعنی سامانه سکشوالیته نشان از زهد ورزی طبقه حاکم نیست؛ بلکه به معنی اهمیت به بدن و

۱. اعضای مکتب فرانکفورت، سرکوب میل جنسی را یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری می‌دانند؛ برای مثال، مارکوزه بر این باور است که سطح سرکوب میل جنسی برای جوامع مختلف متفاوت است. در مراحل اولیه سرمایه‌داری درجه زیادی از سرکوب نیاز است تا تضمین شود که مردم بیشتر از توان خود کار می‌کنند. رشد نیروهای مولد در مراحل آخر سرمایه‌داری به معنای آن است که چنین درجه زیادی از سرکوب دیگر ضرورتی ندارد و در این وضعیت کل بدن شهوانی می‌شود؛ با این حال، نظام باز هم با دستکاری میل جنسی ما قدرت خود را حفظ می‌کند و این کار را با «تصعیدزدایی سرکوب‌گرایانه» انجام می‌دهد. «تصعیدزدایی سرکوب‌گرایانه» ما را تشویق می‌کند میل خود را به طریقی ارضا کنیم که برای نظام سودمند است؛ از همین رو کالاها در پیوند با رابطه جنسی قرار می‌گیرند (کرایب، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۲).

مسئله‌سازی سلامت توسط بورژوازی است. درنهایت، در سده نوزدهم، سامانه سکشوالیته از کانون مسلط یعنی بورژوازی تعمیم یافت و همه طبقات اجتماعی، هرچند با ابزارهای متفاوت، از بدن جنسی برخوردار شدند (فوکو، ۱۳۹۶، صص. ۱۳۹-۱۵۲).

از نظر فوکو از دیرباز یکی از امتیازات حاکم جامعه، حق مرگ و زندگی بوده است؛ البته این قدرت مطلق نبود و حق زندگی از طریق مرگ اعمال می‌شده است. غرب از عصر کلاسیک به این سو، دگرگونی‌های عمیقی در سازوکار قدرت داشته است؛ به این ترتیب که قدرت را برای افزایش ساماندهی نیروها و تولید به کار می‌بندد، نه مانند عصر کلاسیک برای ممانعت و نابودی؛ از این رو در طول زمان حق مرگ یا کشتن برای حاکم به حق اداره زندگی تبدیل شده است. قدرت اداره‌کنندگی زندگی به دو شکل تکوین می‌یابد: ۱. سیاست کالبدشناختی بدن (که با انضباط و تربیت‌بدنی و افزایش قابلیت‌هایش همراه است)؛ ۲. سیاست زیست‌شناختی جمعیت (که بر مجموعه‌ای از دخالت‌ها و کنترل‌های سامان‌دهنده بر بدن گونه انسان یا جمعیت متمرکز است. در اینجا ولادت، مرگ، امید به زندگی جمعیت مدنظر قرار دارد). نتیجه این دو سیاست این بوده است که عصر زیست قدرت^۱ آغاز شده است. زیست قدرت همان مکانیزم‌های اعمال قدرت بر زندگی افراد هستند که سکشوالیته، مهم‌ترین بخش آن است. سامانه سکشوالیته یکی از مهم‌ترین آرایش‌ها در زمینه زیست قدرت است. درواقع، زیست قدرت عنصر ضروری در سرمایه‌داری بوده و سرمایه‌داری به‌ازای گنجاندن کنترل‌شده بدن‌ها در دستگاه تولید و با سازگارکردن پدیده‌های جمعیتی با فرایندهای اقتصادی امکان‌پذیر شده است (فوکو، ۱۳۹۶، صص. ۱۶۰-۱۶۸) و اینجاست که فوکو پیوند روشنی میان لیبرالیسم و کنترل سکشوالیته برقرار می‌کند. در توضیح ربط سکشوالیته و لیبرالیسم، فوکو در «درس گفتارهای دوفرانس» می‌گوید که هدفش تشریح این مسئله است که بر مبنای جمعیت، چیزی چون زیست سیاست^۲ می‌تواند شکل بگیرد و تحلیل

1. Biopower

2. Biopolitics

زیست سیاست نیز تنها با شناخت خرد حکومتی یا همان لیبرالیسم امکان پذیر است (فوکو، ۱۳۸۹).

براساس این مقدمات، فوکو میان انضباط بر بدن‌ها، سکشوالیته به مثابه نوعی انضباط و سیاست‌های اجتماعی لیبرالیسم که با هدف تبدیل کل جامعه به بنگاه اقتصادی و تحمیل سازوکار بازار بر عرصه‌های اجتماعی مختلف انجام می‌شود، رابطه برقرار می‌کند (فوکو، ۱۳۸۹).

فوکو در جلد دوم تاریخ سکشوالیته (۱۹۸۵)، ریشه سکشوالیته کنونی جوامع غربی را تا تاریخ یونانیان باستان پیگیری می‌کند. به باور فوکو، مردان یونانی هیچ منع دینی برای رابطه با پسران جوان نداشتند، اما توجه به هنر مدیریت زندگی زناشویی، رژیم‌های غذایی و احترام به پسران جوان موجب شده است تا آن‌ها به دنبال نوعی تعادل در روابط جنسی خود باشند و در نتیجه نوعی اخلاق ریاضت و کنترل میل جنسی در آن‌ها شکل بگیرد. او در جلد سوم تاریخ جنسیت (۱۹۸۶)، «اصل تعادل» در برقراری رابطه جنسی را به دلیل پیامدهای منفی افراط در این نوع روابط و تلاش برای کنترل میل جنسی، در اندیشه‌های فیلسوفان یونان ردیابی می‌کند و نشان می‌دهد این اصل در سکشوالیته کنونی غربی نیز مشاهده می‌شود.

۲.۳. نظریات «آزادسازی مردان همجنس‌گرا»

جنبش آزادسازی همجنس‌گرایان مرد و زن، پروژه بلندپروازانه رهایی بخشی جنسی را در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی توسعه داد. ابتدا جنبش آزادسازی همجنس‌گرایان مرد در پاسخ به یورش پلیس به بار استون وال نیویورک^۱ در سال ۱۹۶۹ ظهور کرد. جنبش شکل گرفته از این شورش تفاوت اساسی با شکل‌های قدیمی‌تر سازماندهی خواسته‌های همجنس‌گرایان داشت. این جنبش، خواستار حضور آشکار همجنس‌گرایان در جامعه، مبارزه برای پایان دادن به مقررات جنسی موجود و تسلط خانواده دگرجنس‌گرا بر روابط جنسی

1. Stone Wall New York

بود. همچنین این جنبش انتخاب آزادانه میل جنسی را به عنوان یکی از قلمروهای لیبرالیسم معرفی کرد (سیرس^۱، ۲۰۰۵، ص. ۹۶).

دنيس آلتمن^۲ یکی از مهم‌ترین متفکران رویکرد نظری «آزادسازی مردان همجنس‌گرا» است. اهمیت کار او در این واقعیت نهفته است که نظریه‌ای را برای جنبش «آزادی‌سازی همجنس‌گرایان مرد» ارائه می‌دهد (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۷).

نظریه «آزادی‌سازی مردان همجنس‌گرا» از آلتمن ترکیبی از دو سنت اصلی بود: رویکرد آزادی خواهانه‌ای به سکشوالیته که نگاهی فردگرایانه به رابطه جنسی دارد و رویکرد آزادی خواهانه‌ای که بر هویت گروهی یا جمعی در مبارزه انقلابی تأکید می‌کند. در نظریه آلتمن، آزادی جنسی، وسیله‌ای برای آزادی از وضع سرکوبگر موجود است. این نظریه از مارکسیسم و به‌ویژه از کتاب *اروس و تمدن* متعلق به هربرت مارکوزه متأثر است. مارکوزه در کتابش مفاهیم مبارزه جمعی و آزادی جنسی را ادغام کرده است. آلتمن همراه با بسیاری دیگر در دهه ۱۹۷۰ از کتاب مارکوزه استفاده کرده است (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۳۰).

آلتمن به پیروی از مارکوزه بیان می‌کند که سختگیری‌های انضباطی جامعه سرمایه‌داری بیانگر مفهوم «گناه و چشم‌پوشی» است (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۳۰). آلتمن می‌گوید: «در جامعه سرمایه داری رابطه جنسی گناه تلقی می‌شود و سکشوالیته بطور قوی سرکوب می‌شود. این سرکوب ناشی از سنتهایی است که احساس گناه شدید را پیرامون لذت جنسی ترویج می‌دهند. بطور خاص در رابطه با همجنس‌گرایی، کلیسای مسیحی آن را گناهی می‌داند که در هر دو جهان مجازات فرد را در پی دارد» (آلتمن، ۱۹۹۳، صص. ۶۳-۸۱). همچنین آلتمن از همجنس‌گرایان به عنوان یک طبقه زیردست یاد می‌کند که نمونه‌ای از حاشیه‌نشینان و مبارزه آن‌ها برای عدالت است. او همجنس‌گرایان را به عنوان دشمنان طبیعی جامعه سرمایه‌داری قرار می‌دهد و موقعیت آن‌ها را همانند طبقه کارگر در آثار مارکس

1. Sears

2. Dennis Altman

معرفی می‌کند (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۳۱). آلتمن از خوانش مارکوزه درباره فروید^۱، لیبدو یا انرژی طبیعی جنسی^۲ را برداشت کرده است که به‌طور ذاتی در هر فردی وجود دارد و سپس توسط الزامات اجتماعی سرکوب می‌شود. آلتمن مفهوم سکشوالیته را به‌عنوان یک ویژگی ذاتی و جهان‌شمول در انسان‌ها در نظر می‌گیرد که هویت فرد را تعیین می‌کند و با نظم اجتماعی در تضاد است. آلتمن در آثار بعدی‌اش، همجنس‌گرایی را هویت انقلابی می‌داند که قادر به خلع سلاح مؤسساتی مانند آموزش و پرورش، نیروی پلیس و روان‌پزشکی است که سکشوالیته را آسیب‌شناسی می‌کند؛ بنابراین جبهه «آزادی‌سازی همجنس‌گرایان» جنبشی برای عدالت اجتماعی است و فقط برای همجنس‌گرایان نیست (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۳۱).

شایان ذکر است، جنبش همجنس‌خواهی در اوایل دهه ۱۹۷۰ به دو شاخه «زنان همجنس‌خواه فمینیست» و «مردان همجنس‌خواه» تقسیم شد. فمینیسم همجنس‌خواه^۳ پاسخی به تبعیض جنسی «جنبش مردان همجنس‌خواه» و ناهمجنس‌خواهی جنبش فمینیسم بود. فمینیسم همجنس‌خواه، ناهمجنس‌خواهی را اساس سلطه مردان می‌داند. این جنبش، تبدیل شدن به زنان همجنس‌خواه را عملی سیاسی و طغیان علیه پدرسالاری در نظر می‌گیرد (سیدمن، ۱۳۹۱، صص. ۳۱۸-۳۲۰).

بعدها به نظریات آزادسازی انتقادهایی شد؛ برای مثال، دمیلیو^۴ (۲۰۰۷، صص. ۲۵۱-۲۵۲) اسطوره «همجنس‌گرایی ابدی» (یعنی وجود همجنس‌گرایان در همه جوامع و همه مکان‌ها) را به چالش می‌کشد و ظهور همجنس‌گرایی را محصول دوره تاریخی خاص و متناظر با روابط سرمایه‌داری می‌داند. او بر این باور است که سیستم کار آزاد در سرمایه‌داری

۱. فروید (۱۳۴۳) میل جنسی را میل طبیعی مانند گرسنگی می‌داند. او بر این باور است که گزینه جنسی از دوران نوزادی در فرد وجود دارد و به‌تدریج تضعیف می‌شود؛ یعنی به سمت انجام فعالیت‌های مفید اجتماعی حرکت می‌کند.

۲. Libido: لیبدو یک واژه هوشمندانه و جامع است که حالات اساسی روانی انسان را نشان می‌دهد و محرک شروع رفتار جنسی هر فرد است. لیبدو ریشه‌های انگیزشی/عاطفی، بیولوژیک و شناختی دارد (گرازیوتین، ۲۰۰۰، ص. ۹).

3. Lesbian feminism

4. D'Emilio

به زنان و مردان زیادی در اواخر قرن بیستم اجازه داد که خود را همجنس‌گرا بدانند و بر این اساس سازمان سیاسی بنا کنند. درواقع، گسترش کار دستمزی امکان رهاشدن سکشوالیته و تمایلات جنسی از ضرورت تولید مثل برای محصول بیشتر را فراهم آورد. این امر موجب شد تا افراد روابط جنسی خود را دربارهٔ جذابیت‌های جنسی و احساسی با افراد همجنس‌شان سازماندهی کنند و این تغییر زمینه‌ساز ایجاد جنبش آزادسازی همجنس‌گرایان زن و مرد بود.

۳.۳. نظریات «برساختگرایی اجتماعی سکشوالیته»

رویکرد نظری «برساختگرایی اجتماعی سکشوالیته» از سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ شکل گرفته است. این رویکرد تعریف‌های فراتاریخی و فرافرهنگی درباره سکشوالیته را رد می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که سکشوالیته در رابطه با عوامل تاریخی و فرهنگی بررسی شود. دیدگاه‌های برساخت‌گرایان اجتماعی سکشوالیته در حوزه‌هایی مانند فعالیت‌ها، هویت‌ها و امیال جنسی متفاوت‌اند؛ بااین‌حال، همه برساخت‌گرایان اجتماعی سکشوالیته بر این باور هستند که اعمال جنسی یکسان ممکن است معانی اجتماعی متفاوتی داشته باشد. این امر به این بستگی دارد که اعمال جنسی یکسان فیزیکی چگونه در فرهنگ‌ها و دوره‌های تاریخی متفاوت ادراک می‌شود؛ زیرا یک عمل جنسی، معنی جهانی ندارد و در نتیجه رابطه بین عمل جنسی و معنی اجتماعی آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف یکسان نیست. فرهنگ‌ها، طبقه‌بندی‌ها و برجسب‌های متفاوتی برای چارچوب‌بندی تجربیات عاطفی و جنسی دارند و این ساختارها نه تنها بر رفتار و ذهنیت افراد اثرگذار است، بلکه بر سازماندهی و معناداری تجربه جنسی جمعی^۱ نیز مؤثر است؛ برای مثال، از طریق هویت‌سازی جنسی، تعاریف، ایدئولوژی‌ها و مقررات جنسی (ونس^۲، ۲۰۰۷، ص. ۴۳).

جفری ویکز^۳ نویسنده‌ای توانا در نظریات برساخت‌گرایی اجتماعی سکشوالیته است. برخلاف حمایت آلتمن از آزادی هویت‌های جنسی ذاتی، ویکز، وجود هر نوع هویت جنسی

1. Collective sexual experience

2. Vance

3. Jeffrey Weeks

ذاتی را زیر سؤال می‌برد (بیسلی، ۲۰۰۵، صص. ۱۴۵-۱۴۶). ویکز (۲۰۰۲) سکشوالیته را به معنی واژه‌ها، تصاویر، تشریفات و امیالی می‌داند که درباره رابطه جنسی وجود دارد؛ همچنین آن شیوه‌ای که ما درباره رابطه جنسی فکر می‌کنیم. ویکز مانند آلمن، در جنبش همجنس‌گرایان دخیل بوده و است. او بر این باور است که تنوع تاریخی و تغییرپذیری هویت جنسی به‌طور کلی وجود دارد و هویت همجنس‌گرایان به‌طور خاص، یعنی این ایده که شخصی به‌عنوان همجنس‌گرا یا دگرجنسگرا وجود دارد، پدیده نسبتاً اخیری است؛ به عبارت دیگر، ویکز برداشت ذات‌گرایانه از هویت جنسی را رد می‌کند. او به این نکته اشاره می‌کند که رفتارهای همجنس‌گرایانه به احتمال زیاد در همه زمان‌ها و مکان‌ها رخ داده است، اما ظهور همجنس‌گرایان به‌عنوان یک گروه متمایز، پدیده‌ای مختص به غرب مدرن است (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۴۵). فوکو پیش‌تر بیان کرده بود که سکشوالیته در هر عصر و زمانی رنگ متفاوتی می‌گیرد و تعریف هویت‌های جنسی متمایز در راستای سکسینه کردن هر چه بیشتر جامعه غربی است.

۴.۳. کوئیر تئوری

کوئیر تئوری هم تداوم و هم گسستی از نظریات «فمینیست همجنس‌خواه» و «آزادی‌سازی مردان همجنس‌گرا» است؛ یعنی همان‌طور که «فمینیست همجنس‌خواه» با هدف اصلاح تعصبات «آزادی‌سازی مردان همجنس‌گرا» شکل گرفت، کوئیر تئوری نیز با هدف اصلاح هر دوی این تئوری‌ها شکل گرفته است. کوئیر تئوری بیان می‌کند که مفاهیم همجنس‌گرا/ناهمجنس‌گرا و همجنس‌گرایان زن/مرد در زمینه تاریخی خاصی معنادار هستند (جیگز^۱، ۱۹۹۶، ص. ۷۵).

اولین بار اصطلاح کوئیر تئوری در یک مجله فمینیستی با نام "Feminist Journal Differences" و در سال ۱۹۹۱ با ویراستاری «ترزا د لورتیز»^۲ به کار برده شد. لورتیز

1. Jagose

2. Teresa de Lauretis

اصطلاح کوئیر را به عنوان واژه دربرگیرنده همجنس‌گرایان زن و مرد استفاده کرد و بر این باور بود که واژه کوئیر دربرگیرنده هر دوی این اصطلاحات است. او عنوان کرد که اصطلاح کوئیر تلاشی برای اجتناب از همه فاصله‌های ظریفی است که در دستورات گفتمانی وجود دارد. کوئیر به معنی «عجیب، غریب و رازآلود» به هیچ‌کدام از دو واژه «گی» و «لزبین» محدود نیست و برچسب‌های ایدئولوژیک آن‌ها را نیز در بر نمی‌گیرد؛ در نتیجه اصطلاح کوئیر از همه تنوعات هویتی موجود گذر می‌کند و در تلاش است تا این تنوعات را مورد سؤال قرار دهد (هال، ۲۰۰۳^۱، ص. ۵۵).

بعد از آن در سال ۱۹۹۳ میشل وارنر^۲ کتاب خود درباره نظریه و سیاست کوئیر^۳ را منتشر کرد (هال، ۲۰۰۳، ص. ۵۵). وارنر (۱۹۹۳، ص. xxvi) کوئیر تئوری را نوعی حمله به تعمیم هویت‌های جنسی می‌داند. کوئیر تئوری سیاست‌های ساده‌ساز و مدارا-مدار^۴ را که مقاومت و مبارزه با ساختارهای سکشوالیته را به امری بهنجار تبدیل می‌کنند، رد می‌کند. همچنین کوئیر تئوری نشان می‌دهد که قرار دادن افرادی با هویت‌های جنسی مختلف (که خواهان سهم شدن در سیاست‌های هستند) ذیل یک هویت جنسی واحد دشوار است؛ بنابراین کوئیر تئوری خواهان از بین بردن تقسیم‌بندی‌های جنسی اجباری است که از طریق ایجاد مرز، دوگانه‌های جنسیتی (زن/مرد) را تداوم می‌بخشند.

شایان ذکر است، کوئیر تئوری از جامعه‌شناسی در رابطه با سیال و چندگانه بودن هویت‌های اجتماعی متأثر است، اما تقلیل‌یافتنی به جامعه‌شناسی یا زیر مجموعه آن نیست. جامعه‌شناسی به دنبال تحلیل کنش‌های متقابل هویت‌های اجتماعی است، اما کوئیر تئوری به دنبال انحلال دسته‌بندی‌های هویتی (از نوع جنسی) است (گرین، ۲۰۰۷، صص. ۲۶-۲۷).

1. Hall

2. Michael Warner

۳. نام کتاب: "Fear of a Queer Planet: Queer Politics and Social Theory"

4. Tolerance and simplification politics

5. Green

درواقع، نظریات کوئیر با پیگیری تاریخی توسعه مفاهیمی مانند همجنس گرا، دوجنسگرا^۱ و دگرجنسگرا به دنبال فهم این است که چطور این تفاوت‌های هویتی در فرهنگ غربی ایجاد شده و به شکل‌گیری انواع مقاومت‌ها منجر شده است (ترنر^۲، ۲۰۰۰، صص. ۳).

از آنجاکه بسیاری از آثار جودیت باتلر^۳ به دنبال «تبارشناسی انتقادی جنسیت»^۴ یا همان بی‌ثبات‌سازی مقوله‌بندی‌های جنسیتی هستند، منتقدان او را نظریه‌پرداز مهم کوئیر نیز می‌دانند (سالیح^۵، ۲۰۰۲، صص. ۷)؛ به همین دلیل در این تحقیق، مروری کوتاه بر نظریات باتلر شده است. باتلر در یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایش یعنی *آشفته‌گی جنسیتی*^۶، نظریات خود درباره جنسیت و نسبت آن را با سکشوالیته بیان می‌کند. او در کتاب *آشفته‌گی جنسیتی* با تمام رژیم‌های حقیقتی که انواع خاصی از رفتار جنسی را نادرست و فرعی و بقیه را درست و اصلی می‌خوانند، مخالفت می‌کند (باتلر، ۱۳۸۵). او همچنین بر این باور است که هر نظریه فمینیستی که معنای جنسیت را با پیش‌فرض‌های خود محدود کند، هنجارهای جنسیتی را تثبیت می‌کند و اغلب هم پیامدهای همجنس‌گرا-ستیزانه را همراه دارد (باتلر، ۱۳۸۵، ص. ۹). باتلر بر این باور است که اجرای واژگونی جنسیتی نشانگر هیچ‌چیز درباره تمایلات جنسی یا کنش جنسی نیست و جنسیت می‌تواند مبهم نشان داده شود؛ بی‌آنکه تمایلات جنسی بهنجار را فروریزد. حتی گاهی اوقات ابهام جنسیتی می‌تواند موجب خودداری از کنش جنسی نابهنجار شود و از این طریق، کنش جنسی بهنجار را بازتولید و دست‌نخورده باقی نگه دارد؛ بنابراین هیچ همبستگی میان جنسیت و کنش جنسی نمی‌توان ترسیم کرد و

۱. Bisexual: شخصی که از نظر جنسی یا رمانتیک جذب افرادی از هر دو جنس زن و مرد می‌شود (واژه‌نامه

اصطلاحات LGBTQ، ۲۰۲۱).

2. Turner

3. Judith Butler

4. Critical genealogy of gender

5. Salih

6. gender trouble

توزیع جنسیت، برطبق پیشوندهای دگرجنس‌گرا، هم‌جنس‌گرا یا دوجنس‌گرا لزوماً به تغییر یا انعطاف جنسیت منجر نمی‌شود (باتلر، ۱۳۸۵، ص. ۱۸).

در همین راستا، باتلر تئوری «اجراگری جنسیت»^۱ را مطرح می‌کند. باتلر درباره اجراگری می‌گوید: «آیا ما تحت تأثیر انتظاری از جنسیت عمل نمی‌کنیم که طبق آن، جنسیت به‌عنوان یک جوهر درونی عمل می‌کند که بایست افشا گردد؟ انتظاری که بر تولید همان پدیده‌ای که به انتظار آن نشسته‌ایم، پایان می‌بخشد؛ پس در وهله اول، «اجراگری جنسیت» حول این می‌چرخد که انتظار وجود جوهر جنسیتی، آنچه را که بیرون از خود فرض می‌نماید، تولید می‌کند. ثانیاً اجراگری یک عمل منفرد نیست؛ بلکه یک آیین است که تأثیرات خود را از طریق طبیعی نشان‌دادن خود در غالب یک بدن به دست می‌آورد و باید آن را مربوط به یک دوره زمانی دانست که از لحاظ فرهنگی حمایت می‌شود» (باتلر، ۱۳۸۵، صص. ۱۸-۱۹).

مسئله مهم در رابطه با اجراگری این است که اجراگری درصدد آن است تا نشان دهد که آنچه جوهر درونی جنسیتی یا سیمای درونی خویشتن می‌پنداریم، امری است که از طریق اعمال جسمانی خاصی تولید کرده‌ایم و به انتظار آن نشسته‌ایم؛ در نتیجه باتلر آشفتگی را امری گریزناپذیر و وظیفه انسان‌ها را یافتن بهترین طریقه ایجاد کردن آشفتگی می‌داند (باتلر، ۱۳۸۵). باتلر «هجو»^۲ را رویگری کلیدی در براندازی جنسیت می‌داند. «مبدل‌پوشی»^۳ نمونه بارزی از توان بالقوه سرنگون‌سازی است؛ چون پوشیدن لباس جنس مخالف، گسست و انفصال میان بدن آناتومیک و هویت جنسی را روشن کرده و خصلت اجتماعی و تقلیدی بودن جنسیت را آشکار می‌کند (سیدمن، ۱۳۹۱، صص. ۲۹۰-۲۹۱). با وجود غلبه کوئیر تئوری بر مطالعات سکشوالیته، نقدهای جدی نیز به این رویکرد وجود دارد؛ برای مثال،

1. Gender performativity
2. Parody
3. Disguise

کیرش^۱ (۲۰۰۰، ص. ۸) این نکته را مطرح می‌کند که نظریه کوئیر با ساختار شکنی اجتماعات جنسی و نسبی دانستن همه هویت‌های جنسی و جنسیتی، بی‌تفاوتی سیاسی را ترویج می‌کند. سؤال اساسی این است که اگر نقاط مشترک یا همان اجتماعات هویتی وجود نداشته باشد، چطور باید با تعصب‌های موجود در زمینه گرایش‌های جنسی مبارزه کنیم؟

۳.۵. نظریات ترنسجندرسم

اصطلاح «ترنسجندر»^۲ گاهی اوقات به‌عنوان یک اصطلاح عمومی برای نشان دادن کل زمینه نظریه‌پردازی ترنسجندر نیز استفاده می‌شود؛ یعنی کل نظریات درباره هویت‌های نابهنجار؛ از جمله ترنسوستیسم^۳، ترنسکشوالیسم^۴ و... همچنین ترنسجندر به‌طور خاص برای اشاره به افرادی استفاده می‌شود که موضع پست‌مدرن دارند و مانند کوئیر تئوری مخالف هویت جنسی پایدار و موافق ترویج هویت‌های جنسی مبهم هستند (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۳). کلمه «ترنسجندر» در دهه ۱۹۷۰ میلادی، هم شامل افرادی می‌شد که در برابر طبقه‌بندی‌هایی مانند ترنسوستیست^۵ و ترنس سکشوال^۶ مقاومت می‌کردند و هم کسانی که کار می‌کردند که از این واژه برای توصیف هویت خودشان استفاده می‌کردند. ترنسجندرها برخلاف ترنسکشوال‌ها و مانند ترنسوستیست‌ها، به تغییر بدن فعلی خودشان علاقه ندارند و

1. Kirsch

۲. Transgende : به شخصی گفته می‌شود که هویت جنسیتی او با جنس تعیین‌شده‌اش در بدو تولد مطابقت ندارد (واژه‌نامه اصطلاحات LGBTQ، ۲۰۲۱). در زبان فارسی کلمه ترنسجندر به تراجنسیتی ترجمه شده است، اما به دلیل اطلاق این واژه به نظریات مربوط به ترنس‌ها از ترجمه این واژه به تراجنسیتی خودداری شده است.

3. Transvestism

4. Transexualism

۵. Transvestite : فردی که در بدو تولد، به‌عنوان مرد تعیین شده است، اما رفتار و نوع لباس پوشیدن او شبیه زنان است و این امر موجب ارضای جنسی و عاطفی او می‌شود (واژه‌نامه اصطلاحات LGBTQ، ۲۰۲۱).

۶. Transsexual : کسی که تمایل زیاد به کسب ویژگی‌های فیزیکی و نقش‌های جنسیتی، جنس مخالفش (مرد یا زن) دارد. این فرد جراحی یا هورمون‌درمانی می‌شود تا به ویژگی‌های فیزیکی جنس مخالف دست پیدا کند (واژه‌نامه اصطلاحات LGBTQ، ۲۰۲۱).

در حالت معمول طوری لباس می‌پوشند که بیانگر جنس اولیه‌ای است که هنگام تولد به آن‌ها نسبت داده شده است. همچنین ترنسجندرها مانند ترنسکشوال‌ها و برخلاف ترنسوستیست‌ها، هویت جنسیتی خود را فقط به‌طور دوره‌ای یا برای افزایش رضایت جنسی تغییر می‌دهند. آن‌ها هنگام این تغییر و برای بیان هویت جنسیتی جدیدشان از پوشش جنسیت موردعلاقه‌شان (زن یا مرد) استفاده می‌کنند و حتی ضمیری که برای ارجاع به آن‌ها استفاده می‌شود، در طول زمان به «اوی» مذکر یا مونث تغییر می‌کند (استرایکر^۱، ۲۰۱۱، ص. ۲۱۴).

از سال ۱۹۹۵ تحقیقات درباره ترنسجندریسم و ترنسکشوالیته، کوئیر تئوری را در بر گرفته است. این تحقیقات، ترنسجندرها و ترنسکشوال‌ها را به‌جای زنان در مرکز بررسی‌های جنسیتی نشانده‌اند و بار دیگر مسئله فمینیست‌ها یعنی سؤال از چیستی زن را این بار برای توضیح ظاهر و پوشش مبهم ترنسجندرها بازخوانی کردند. تحقیقات درباره ترنسجندر به سیاست‌های فمینیستی انتقاد کرده‌اند؛ زیرا آن‌ها با تأکید بر زنان، افرادی را که از نظر بیولوژیک یا اجتماعی در دو گروه زنان یا مردان جای نمی‌گیرند، نادیده می‌گیرند. از نظر آن‌ها این سیاست‌های فمینیستی، هنجارهای ناهمجنس‌خواهانه زنانگی را که تنها برای زنان بیولوژیک است، ابقا می‌کنند (هاوسمن^۲، ۲۰۰۱، صص. ۴۶۵-۴۶۶).

ترنسجندریسم از ایده‌های روئن^۳ مشتق شده است. روئن (۲۰۰۲) ترنسجندریسم را جنبشی سیاسی می‌داند که به دنبال به چالش کشیدن این باور است که هرکسی باید یا زن باشد یا مرد. استراتژی این جنبش این است که ترنسکشوال‌ها را تشویق کند که بیشتر در معرض دید قرار گیرند. به‌طور خلاصه، روئن ترنسجندریسم را مفهومی فراتر از «این یا آن»/«زن یا مرد» می‌داند که حفظ‌کننده نظم‌های جنسیتی دوقطبی است؛ یعنی مفهومی خارج

1. Stryker
2. Hausman
3. Roen

از مرزهای زنانه و مردانه (نگوشی و برزوزی^۱، ۲۰۱۰). استرایکر یکی دیگر از صاحب نظران ترنسجندریسم می گوید: «من از خشم ترنسجندر سخن می گویم که از شکافه ای گفتمانی و از فروپاشی دسته بندی های معمول (جنسیتی) ناشی می شود. این خشم از موقعیت سوژه ناشی می شود که او را در نسبت با روابط ناپایدار، اما تجزیه پذیر بین زبان و واقعیت مادی قرار می دهد» (استرایکر، ۲۰۱۱، ص. ۹۲).

به طور کلی، نظریات ترنسجندریسم مسیر مشابهی را با مشروعیت زدایی فزاینده از مفاهیم هویتی ثابت طی کرده و به کوئیر تئوری نزدیک شده اند (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۳). در دهه ۱۹۹۰ نظریه پردازی های ترنس و اینترسکس^۲ نشان می دهند، برخی از همپوشانی ها بین هویت های جنسی/جنسیتی، به معنی اشغال جایگاهی در میان همه این دسته بندی ها و تداخل مرزهای آنهاست؛ با وجود این، همچنان اختلاف های درخور توجهی وجود دارد؛ برای مثال، دیدگاه های مختلف ترنسجندر به طور معمول پاسخ های متفاوتی به مداخلات پزشکی ارائه می دهند. ترنسجندرها، به ویژه ترنسکشوال ها به احتمال زیاد از مداخله پزشکی استقبال می کنند و افراد اینترسکس مداخله را رد می کنند؛ زیرا درمورد آنها این احتمال وجود دارد که در دوران نوزادی بدون رضایت آنها، بدنشان تغییر کند. اخیراً هر دو نظریه پردازان ترنس و اینترسکس درباره مداخله پزشکی به چشم تردید نگریسته اند (بیسلی، ۲۰۰۵، ص. ۱۵۲).

۴. تلفیق روایی^۳

پس از روایت مهم ترین نظریات سکشوالیته، مهم ترین مدعیات نظری و مفاهیم اصلی آنها استخراج شده است. مهم ترین مفاهیم و مدعیات نظریات روایت شده در جدول ۲ ذکر شده است.

1. Nagoshi & Brzuzy

۲. Intersex به فردی گفته می شود که هر دو اندام تناسلی مردان و زنان را دارد یا به عبارتی الگوهای کروموزومی او در تعاریف معمول مرد و زن قرار نمی گیرد (واژه نامه اصطلاحات LGBTQ، ۲۰۲۱).

3. Narrative synthesis

جدول ۲. مدعیات و مفاهیم اصلی نظریات سکشوالیته

نظریات سکشوالیته	مهم ترین مدعیات نظری	مفاهیم اصلی
نظریه سکشوالیته میشل فوکو	-از عصر روشنگری بدن به ابژه قدرت تبدیل شده است. -انضباط بدن به معنی روش های مطیع کردن بدن است. -رابطه جنسی در عصر مدرن باید مدیریت شود. -کنترل رابطه جنسی با سکشوالیته محقق شده است. -سکشوالیته برساخت تاریخی/اجتماعی است. -سکشوالیته شبکه ای است که از طریق پیوند قدرت و دانش، موجب برانگیختن بدن ها و لذت ها، شکل گیری گفتمان ها و شناخت ها درباره بدن و لذت جنسی شده است. - نتیجه سکشوالیته، کنترل میل جنسی افراد و مقاومت آن ها در برابر این کنترل است. -تمایل قدرت به کنترل رابطه جنسی، رابطه جنسی را در مرکز گفت و گوی عمومی قرار داده است. -سکشوالیته با کنترل مولید، کنترل نظام خانواده و تعریف گرایش های جنسی ناپهنجار، جامعه را جنسی کرده است. -در عصر مدرن، جمعیت مسئله ای اقتصادی-اجتماعی است. -انضباط بدن ۱ و کنترل تولید مثل، عنصر ضروری در سرمایه داری است. -قدرت در عصر مدرن با انضباط بدن ها و جمعیت ها کنترل زندگی را در دست می گیرد. -عصر زیست قدرت با کنترل زندگی آغاز می شود.	* برساختی بودن سکشوالیته * ضرورت انضباط بدن در سرمایه داری * کنترل تولید مثل در سرمایه داری * کنترل نهاد خانواده در سرمایه داری * تعریف گرایش های جنسی ناپهنجار در سرمایه داری * عصر زیست قدرت
نظریات آزادسازی مردان همجنس گرا	-سکشوالیته به معنی گرایش های جنسی ذاتی افراد است. -برخی افراد به طور ذاتی همجنس گرا و برخی به طور ذاتی ناهمجنس گرا هستند. -همجنس گرایی در همه زمان ها و مکان ها وجود داشته است. -همجنس گرایان مرد باید هویت جنسی خود را آشکار کنند. -پذیرش همجنس گرایان مرد جنبه ای از آزادی خواهی است.	* همجنس گرایی ذاتی * آشکارسازی هویت جنسی
نظریات برساخت گرایی	-سکشوالیته به معنی باورها و هنجارهای اجتماعی درباره رابطه جنسی است.	* برساختی بودن سکشوالیته

نظریات سکشوالیته	مهم ترین مدعیات نظری	مفاهیم اصلی
اجتماعی سکشوالیته	- سکشوالیته برساخت اجتماعی است. - هویت دوگانه همجنس گرا/ ناهمجنس گرا، ساخته جوامع غربی است.	
کوئیر تئوری	- سکشوالیته برساخت اجتماعی است. - هویت های جنسی متمایز، برساخت اجتماعی است. - گرایش های جنسی افراد به همجنس گرا/ ناهمجنس گرا محدود نمی شود. - هویت های جنسی متمایز، دوگانه سازی های جنسیتی را تداوم می بخشد. - باید مرزهای میان هویت های جنسی را از میان برد و افراد را به هویت جنسی خاصی محدود نکرد. - پوشیدن لباس جنس مخالف یکی از راه های براندازی سکشوالیته مسلط است.	* برساختی بودن سکشوالیته * دوگانه سازی هویت های جنسی/جنسیتی در عصر مدرن * مبدل پوشی (ابزار براندازی)
ترنسجندریسم	- میان واقعیت یعنی وجود هویت های جنسی/جنسیتی میانی (نه زن و نه مرد) و دوگانه سازی های جنسی/جنسیتی (زن یا مرد) شکاف جدی وجود دارد. - ترنسجندریسم از وجود جنس ها و جنسیت های میانی ایجاد شده است. - ترنسجندریسم به دنبال نفی دوگانه سازی های جنسی/جنسیتی است. - جراحی های تغییر جنسیت می تواند در جهت بهنجار سازی جنسیت ها و جنس های میانی به کار گرفته شود. - افراد ترنس باید بیشتر در معرض دید عموم قرار گیرند تا دوگانه سازی های جنسیتی را در هم شکنند. - ترنسجندریسم متأخر به نظریات کوئیر نزدیک شده است.	* برساختی بودن سکشوالیته * دوگانه سازی هویت های جنسی/جنسیتی در عصر مدرن * بهنجار ساز بودن مداخلات پزشکی * آشکار سازی هویت جنسی

در ترکیب مدعیات این نظریات، از یک سو می توان سکشوالیته را نوعی برساخت اجتماعی دانست. فوکو اولین نظریه پردازی است که سکشوالیته را برساخت تاریخی - اجتماعی می داند که بدن ها و لذت ها را از طریق شکل گیری شناخت ها و گفتمان ها کنترل

می‌کند. در همین راستا، نظریات «برساختگرایی اجتماعی سکشوالیته»، «کوئیر تئوری» و «ترنسجندریسم متأخر»، سکشوالیته را امری برساختی می‌دانند. این نظریات از فوکو متأثر هستند که اولین بار به طور جامع برساختی بودن سکشوالیته را در غالب نظام گفتمانی تشریح کرده است.

از سوی دیگر، مخالفان تعاریف برساخت‌گرایانه، سکشوالیته را گرایش جنسی ذاتی هر فرد می‌دانند؛ همان تمایلات جنسی که مبنای ساخت هویت‌های جنسی مختلف هستند. نظریات «آزادسازی مردان همجنس‌گرا» نماینده این رویکرد است که نگاهی ذاتی به همجنس‌گرایی و ناهمجنس‌گرایی دارد و آن را نه امری اجتماعی، بلکه امری فراتاریخی و فرافرهنگی می‌داند.

در تبیین جامعه‌شناسانه شکل‌گیری سکشوالیته، فوکو سرمایه‌داری را بسترساز سکشوالیته غربی می‌داند؛ زیرا سرمایه‌داری به دلیل نیاز به افزایش بهره‌وری نیروی کار، انواع روش‌های انضباط و کنترل بدن را ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های کنترل بدن، کنترل میل و رابطه جنسی است و برای تحقق این هدف، دانش به خدمت قدرت درآمده و به شناخت بیشتر بدن و لذت جنسی و درنهایت کنترل آن‌ها منجر شده است. توجه شاخه‌های مختلف دانش به بدن آدمی و در مرکز آن لذت جنسی موجب شکل‌گیری نظامی از گفتمان‌های متعدد علمی شده است که رابطه جنسی را در مرکز توجه عمومی قرار داده است؛ بنابراین فوکو جوامع غربی را نه با سرکوب جنسی، بلکه با انفجار گفتمانی درباره رابطه جنسی و تبدیل آن به دال مرکزی نظام‌های حقیقت، تبیین می‌کند.

از نظر فوکو و رویکردهای متأثر از او مانند برساخت‌گرایی اجتماعی سکشوالیته، کوئیر تئوری و ترنسجندریسم متأخر، نتیجه انضباط بدن و کنترل میل در جوامع سرمایه‌داری کنترل خانواده، کنترل تولیدمثل و تعریف هویت‌های جنسی متمایز است. کنترل تولیدمثل یکی از راه‌هایی است که قدرت‌ها در جوامع غربی به واسطه آن قدرت ایجادبی خود را بر زندگی آدمیان و نه فقط مرگ آن‌ها اعمال می‌کنند. تعریف هویت‌های جنسی متمایز نیز به کنترل میل

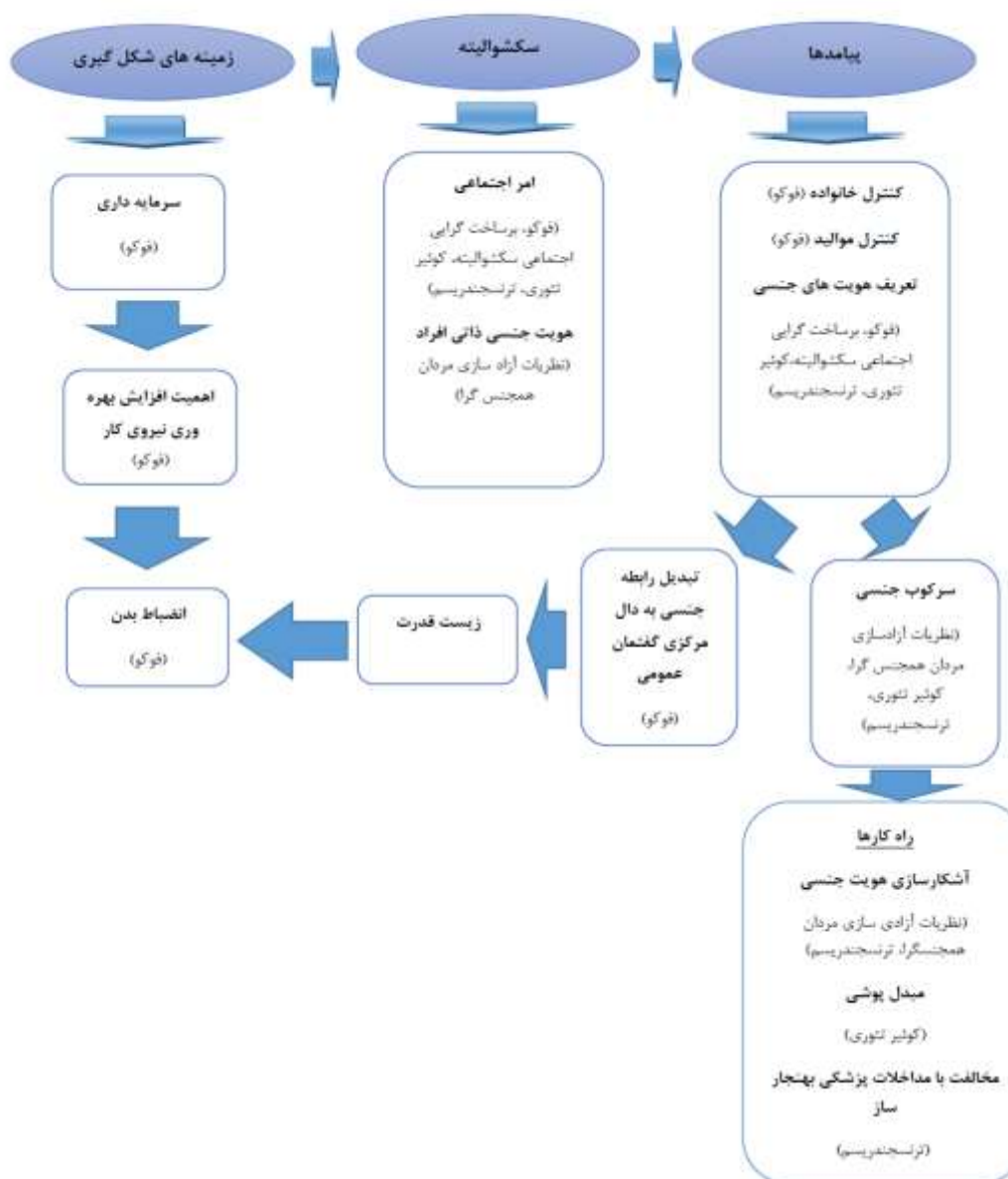
جنسی افراد کمک می‌کند و مرزهای هویتی را به وجود می‌آورد که به واسطه آن افراد خود را تنها در هویت جنسی خاص تعریف می‌کنند و به دنبال شناخت گرایش جنسی‌شان به مثابه مبنای اساسی هویت‌های‌شان هستند.

اما نظریات سکشوالیته در تحلیل پیامدهای کنترل میل جنسی در جوامع غربی دو نوع مسیر را در پیش می‌گیرند: یا مانند «کوئیر تئوری»، «ترسنجندریسم» و نظریه «آزادسازی مردان همجنس‌گرا»، پیامد سکشوالیته غربی را سرکوب میل جنسی در جوامع غربی می‌دانند؛ سرکوبی که آزادی میل جنسی را سلب می‌کند؛ یا مانند فوکو، پیامد سکشوالیته غربی را توجه بسیار جوامع غربی به رابطه جنسی و تلاش مضاعف برای شناخت و گفت‌وگو درباره آن می‌دانند؛ در نتیجه رابطه جنسی به دغدغه اصلی نظام حقیقت جوامع غربی تبدیل شده است و از رهگذر آن زندگی و حیات کنترل شده و عصر زیست قدرت آغاز می‌شود؛ عصری که در آن قدرت همه‌جانبه و فراگیر شکل می‌گیرد.

راهکار مقابله با سرکوب جنسی از منظر «کوئیر تئوری»، نظریات «ترسنجندریسم» و «آزادسازی مردان همجنس‌گرا»، آشکار کردن هویت‌های جنسی نابهنجار در جامعه و در گام اساسی‌تر، براندازی سکشوالیته مسلط است؛ سکشوالیته مسلطی که میل جنسی آدمیان را در مرزهای معین محدود می‌کند و تنها خانواده را برای پیوندهای جنسی میان افراد مشروع می‌داند. در همین راستا، جراحی‌های تغییر جنسیت نیز ابزار قدرت برای کنترل میل و بدن آدمیان تلقی می‌شود که افراد را در دوگانه زن و مرد قرار می‌دهد و سایر هویت‌های جنسی و جنسیتی را مشروع نمی‌داند. از این منظر، علم پزشکی در خدمت قدرت بهنجارسازی است که تلاش می‌کند کنترل بدن و میل انسان‌ها را در دست بگیرد؛ در نتیجه یکی از راهکارهای مقابله با سرکوب جنسی، مخالفت با جراحی‌های تغییر جنسیت و دوگانه‌سازی‌های ناشی از آن است که اجازه نمی‌دهد جنس و جنسیتی متفاوت از زن و مرد وجود داشته باشد. مبدل‌پوشی نیز به دلیل گسست ارتباط میان جنسیت و ویژگی‌های جنسی

آناتومیک، راهی برای براندازی سکشوالیته مسلط است؛ عملی که می‌تواند برساختی بودن سکشوالیته را آشکار کند.

در ادامه، مدل تلفیقی از مهم‌ترین مفاهیم و مدعیات نظریات سکشوالیته درباره چستی و چرایی سکشوالیته در شکل ۲ به نمایش درآمده است.



شکل ۲. مدل نظری تلفیقی سکشوالیته

۵. نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال معرفی رویکردهای نظری سکشوالیته و توصیف و تبیین آن‌ها از سکشوالیته بوده و به روش مرور روایی انجام شده است. براساس مطالعات انجام‌شده، فوکو مهم‌ترین نظریه‌پرداز سکشوالیته است. «آزادسازی مردان همجنس‌گرا»، «برساخت‌گرایی اجتماعی سکشوالیته»، «کوئیر تئوری» و «ترنسجندریسم» مهم‌ترین رویکردهای نظری سکشوالیته هستند.

فوکو یکی از مهم‌ترین فیلسوفان اجتماعی معاصر است و از نظریه سکشوالیته او نیز استقبال بسیاری شده است، اما انتقاداتی به طرح نظری او درباره سکشوالیته شده است. به‌طور مثال، بودیاری می‌گوید که فوکو در صورتی می‌تواند از قدرت، میل جنسی، بدن و انضباط سخن بگوید که همه این مفاهیم اینجا و اکنون از بین رفته باشند؛ به عبارتی اگر فوکو از میل جنسی سخن گفته است، به این دلیل نیست که میل جنسی همچون دیگر فرآوردی‌های قدرت در روند ناپدید شدن افتاده است؟ نظریه فوکو به‌طور ضمنی بیانگر آن است که چگونه مرگ رابطه جنسی دیر یا زود فرا می‌رسد؛ به این معنی که روان‌کاوی به ناخودآگاه و میل پایان می‌دهد؛ چراکه آن‌ها را موجودیت واقعی بخشیده و در طرح نظری‌اش به خاک سپرده است (بودیاری، ۱۳۹۵، صص. ۱۶-۲۰). پوستر یکی دیگر از منتقدان فوکو می‌گوید که فوکو در جلد دوم و سوم تاریخ جنسیت، تنها به توصیف اینکه پسران یونانی در روابط جنسی با مردان در موضع انفعال بوده‌اند، بسنده می‌کند و تبیینی از چرایی این پدیده ارائه نمی‌دهد (پوستر، ۱۳۸۰، ص. ۳۸۳).

با وجود این انتقادات، فوکو برای اولین بار سکشوالیته جوامع غربی و نسبت آن را با قدرت به روش تبارشناسانه مطالعه کرده است. او سکشوالیته را تعریف و وجوه اجتماعی آن را تبیین کرد و به نظریه سرکوب انتقاد اساسی کرد. نظریات فوکو سرآغاز مجموعه نظریات و انتقادات درباره سکشوالیته جوامع غربی است. در ارزیابی کلی می‌توان گفت، نظریه سکشوالیته فوکو جامع‌ترین و دقیق‌ترین نظریه اجتماعی درباره سکشوالیته است و نظریات

بعدی سکشوالیته، نظریه فوکو را بسط داده‌اند. به‌طور مثال، نظریات برساختگرایی اجتماعی سکشوالیته، ادعاهایی بیش از آنکه فوکو مطرح کرده است، ندارند. نظریات کوئیر و ترنسجندر نیز بسط نظریه فوکو هستند؛ هرچند نگاه ذات‌گرایانه «نظریات آزادسازی مردان همجنس‌گرا» مخالف نظریه فوکو است.

از سوی دیگر، نظریات «آزادسازی مردان همجنس‌گرا»، «کوئیر تئوری» و «ترنسجندریسم» بیشتر در پاسخ به محدودیت‌های ایجادشده توسط سکشوالیته مسلط مطرح شده و توسط جنبش‌های اجتماعی به کار گرفته شده‌اند؛ برای مثال، نظریات «آزادسازی مردان همجنس‌گرا» رویکرد نظری برای جنبش‌های همجنس‌گرایان مرد ارائه دادند. این نظریات پیروزی جنبش همجنس‌گرایان مرد و پذیرش اجتماعی همجنس‌گرایان مرد را به همراه داشتند، اما به تقویت دوگانه‌سازی‌های سکشوالیته غربی کمک کردند؛ از این رو توسط نظریات کوئیر نقد شده‌اند. نظریه پردازان کوئیر به‌درستی به‌دنبال براندازی مرزبندی‌های هویتی تولیدشده توسط سکشوالیته مسلط هستند، اما سؤال اساسی این است که از بین بردن اجتماعات هویتی به فقدان پذیرش اجتماعی گرایش‌های جنسی متکثر منجر نمی‌شود؟ برای مثال، اگر فعالیت اجتماعات همجنس‌گرایان وجود نداشته باشد، چطور ارزش‌های اجتماعی سرکوب‌کننده گرایش‌های همجنس‌گرایانه تغییر پیدا کند؟ ترنسجندریسم نیز مانند نظریات کوئیر به‌دنبال شکستن دوگانه‌سازی‌های سکشوالیته مسلط به‌ویژه در زمینه جنسیت است. انتقادی که به ترنسجندریسم می‌شود، این است که ترنسجندریسم چطور می‌تواند خواهان قانونی شدن جراحی‌های تغییر جنسیت باشد و هم‌زمان این جراحی‌ها به ابزاری در دست قدرت برای بهنجارسازی افراد تبدیل نشود؟

همان‌طور که مشاهده می‌شود، قدرت و نسبت آن با هویت‌سازی جنسی/جنسیتی، مسئله اصلی این نظریات است که نخستین بار و به‌طور جامع، فوکو تبیین کرده است؛ بنابراین هنوز هم می‌توان فوکو را مهم‌تری و تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز انتقادی سکشوالیته دانست که با

بازتعریف تبارشناسی به مثابه روش انتقادی نسبت میان قدرت و سکشوالیته را تبیین کرده است.

کتابنامه

۱. آزاد ارمکی، ت.، شریفی ساعی، م.، و ایثاری، م. (۱۳۹۰). سنخ شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. *مجله جامعه پژوهی فرهنگی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۲(۲)، ۱-۳۴.
۲. باتلر، ج. (۱۳۸۵). *آشفتگی جنسیتی* (ا. قضایی، مترجم). نشر مجله شعر.
۳. باومن، ز. (۱۳۹۷). *عشق سیال* (ع. ثابتی، مترجم). تهران: ققنوس.
۴. بودیار، ژ. (۱۳۹۵). *فوکو را فراموش کن* (پ. یزدانجو، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۵. پوستر، م. (۱۳۸۰). فوکو و استبداد یونان. در د. هوی، *فوکو در بوته نقد* (پ. یزدانجو، مترجم). تهران: نشر مرکز.
۶. خواجه نوری، ب.، روحانی، ع.، و هاشمی، س. (۱۳۹۱). گرایش به حجاب و سبک‌های متفاوت زندگی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۳(۳)، ۱۴۱-۱۶۶.
۷. دریفوس، ه.، و رابینو، پ. (۱۳۷۹). *میشل فوکو فراسویی ساختارگرایی و هرمونتیک*. (ح. بشریه، مترجم). تهران: نشر نی.
۸. ریتزر، ج. (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر* (م. ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
۹. سیدمن، ا. (۱۳۹۱). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی* (ه. جلیلی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۰. صدیق اورعی، غ.، غنی‌زاده، م.، صداقت، ه.، و کابلی، ع. (۱۳۹۷). نگرش و موضع زنان و دختران مشهدی به حجاب. *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۹(۴۴)، ۲۲۹-۲۵۲.
۱۱. فروید، ز. (۱۳۴۳). *سه رساله درباره تئوری میل جنسی* (ه. رضی، مترجم). تهران: انتشارات آسیا.
۱۲. فوکو، م. (۱۳۸۹). *تولد زیست سیاست؛ درس گفتارهای گِلِز دو فرانس*، ۱۹۷۹-۱۹۷۸ (ر. نجف‌زاده، مترجم). تهران: نشر نی. فوکو، م. (۱۳۹۶). *اراده به دانستن* (ن. سرخوش، و. ا. جهان‌پسند، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۳. فوکو، م. (۱۳۹۶). *اراده به دانستن* (ن. سرخوش، و ا. جهاننیده، مترجم). تهران: نی.
۱۴. فوکو، م. (۱۳۹۷). *مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان* (ن. سرخوش، و ا. جهاننیده، مترجم). تهران: نی.
۱۵. کرایب، ی. (۱۳۹۱). *نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس* (ع. مخبر، مترجم). تهران: نشر آگه.
۱۶. گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت* (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشر مرکز.

17. Altman, D. (1993). *Homosexual: Oppression and liberation*. NYU Press.
18. Beasley, C. (2005). *Gender and sexuality: Critical theories, critical thinkers*. London: Sage.
19. Bernstein, M. (2013). The sociology of sexualities: Taking stock of the field. *Contemporary Sociology*, 42(1), 22-31.
20. Cornwall, A., Corrêa, S., & Jolly, J. (2008). Development with a Body: Making the connections between sexuality, human rights and development. In A. Cornwall, S. Corrêa, & J. Jolly (Eds.), *Development with a body: sexuality, human rights and development*. London, New York: Zed Books.
21. D'Emilio, J. (2007). Capitalism and gay identity. In R. Parker, & P. Aggleton, *Culture, Society and Sexuality* (2 edition ed.). London & New York: Routledge.
22. Foucault, M. (1984). *The will to knowledge: Volume 1 of the history of sexuality* (R. Hurley, Trans). New York: Pantheon books.
23. Foucault, M. (1985). *The use of pleasure: Volume 2 of the history of sexuality* (R. Hurley, Trans). New York: vintage books. (Original work published 1985).
24. Foucault, M. (1986). *The care of the self: Volume 3 of The History of Sexuality* (R. Hurley, Trans). New York: Pantheon Books. (Original work published 1984).
25. Glossary of LGBTQ Terms. (2021). Retrieved from doi: [https:// www. dictionary. com/](https://www.dictionary.com/)
26. Graziottin, A. (2000). Libido: the biologic scenario. *Maturitas*, (34), S9-S16.
27. Green, A. (2007). Queer theory and sociology: Locating the subject and the self in sexuality studies. *Sociological Theory*, 25(1), 26-45.
28. Gutting, G. (2018, May 22). *Foucault*. Retrieved from stanford encyclopedia of philosophy: <https://plato.stanford.edu/entries/foucault/>
29. Hall, D. (2003). *Queer theories*. New York: Red Globe Press.
30. Hausman, B. (2001). Recent transgender theory. *Feminist studies*, 27(2), 465-490.
31. Jagose, A. (1996). *Queer theory: An introduction*. Melbourne: Melbourne University Press.

32. Kirsch, M. (2000). *Queer theory and social change* (2nd ed.). London & New York: Routledge.
33. Mahdavi, P. (2009). *Passionate uprisings: Iran's sexual revolution*. Stanford: Stanford University Press.
34. Moon, D. (2008). Culture and the sociology of sexuality: It's only natural? *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 619(1), 183-205.
35. Nagoshi, J., & Brzuzy, S. (2010). Transgender theory: Embodying research and practice. *Affilia: Journal of Women and Social Work*, 25(4), 431-443.
36. Newman, L. K. (2002). Sex, gender and culture: Issues in the definition, assessment and treatment of gender identity disorder. *Clinical child psychology and psychiatry*, 7(3), 352-359.
37. Popay, J., Roberts, H., Sowden, A., Petticrew, M., Arai, L., Rodgers, M., . . . , & Duffy, S. (2006). *Guidance on the conduct of narrative synthesis in systematic reviews: A Product from the ESRC methods programme*. Academia Accelerating the World's Research.
38. Rahman, M., & Jackson, S. (2010). *Gender and sexuality: Sociological approaches*. Bristol: Polity.
39. Roen, K. (2002). Either/Or" and" Both/Neither": Discursive Tensions in Transgender Politics-TEST. *Signs: Journal of Women in Culture and Society*, 27(2), 501-522.
40. Rother, E. T. (2007). Systematic literature review X narrative review. *Acta Paulista de Enfermagem*, 20, v-vi.
41. Sadeghi, F. (2008). Negotiating with modernity: Young women and sexuality in Iran. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 28(2), 250-259.
42. Salih, S. (2002). *Judith butler*. London & New York: Routledge.
43. Sears, A. (2005). Queer anti-capitalism: What's left of lesbian and gay liberation? *Science & Society*, (69), 92-112.
44. Stryker, S. (2011). *My words to Victor Frankenstein above the village of chamounix: Performing transgender rage*. *Kvinder, Køn & Forskning*, (3-4), 83-96.
45. Turner, W. B. (2000). *A genealogy of queer theory* (Vol. 12). Philadelphia: Temple University Press.
46. Vance, C. S. (1991). Anthropology rediscovers sexuality: A theoretical comment. *Culture, society and Sexuality*, 33(8), 875-884.
47. Warner, M. (1993). *Fear of a queer planet: Queer politics and social theory* (Vol. 6). Minnesota: Minnesota Press.
48. Weeks, J. (2002). *Sexuality and its discontents: Meanings, myths, and modern sexualities*. London & New York: Routledge.

49. Winter, T. (2004). Victorian Era. In *American Masculinities: A Historical Encyclopedia* (pp. 473-475). London: SAGE Publications.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی شغلی:

فرا تحلیل پژوهش های بازه زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۰

طاها عشایری (استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ و جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، نویسنده مسئول)

t.ashayeri@uma.ac.ir

اسماعیل جهانی دولت آباد (دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ و جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)

sml.jahani@gmail.com

طاهره جهان پرور (دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

jparvar@yahoo.com

چکیده

بیگانگی شغلی به معنی انفصال، جدایی، بی علاقه‌گی و اشتیاق نداشتن فرد به انجام یک شغل یا وظیفه سازمانی است. در جامعه امروزه بیگانگی شغلی در حال افزایش است. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه عوامل مؤثر بر بیگانگی شغلی بود. روش تحقیق از نوع فراتحلیل-کمی و با پرسشنامه معکوس در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۰ بود. جامعه آماری، ۴۵ پژوهش بود که ۳۷ تحقیق با رعایت ملاک‌های ورود و خروج و با رعایت اعتبار و روایی انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد، بین عوامل زمینه‌ای (میزان تحصیلات = ۰,۳۵۴، درآمد = ۰,۲۶۶، پایگاه اجتماعی-اقتصادی = ۰,۳۵۷، افزایش سابقه خدمت = ۰,۳۳۹، سن = ۰,۱۶۱)، اجتماعی (اعتماد اجتماعی = ۰,۲۹۲، مشارکت اجتماعی = ۰,۱۸۱، حمایت اجتماعی = ۰,۳۴۵، انسجام اجتماعی = ۰,۲۸۰، عدالت سازمانی = ۰,۲۶۹، رهبری

تحول آفرین = ۰,۳۸۵، تعلق سازمانی = ۰,۴۲۹، فرهنگ سازمانی = ۰,۳۳۵، شغلی (امنیت شغلی = ۰,۲۷۷، رضایت شغلی = ۰,۳۸۰، ارتقای شغلی = ۰,۲۵۱، استرس شغلی = ۰,۲۱۷) و عوامل فرهنگی (افزایش آگاهی و دانش علمی = ۰,۲۷۳، باورهای دینی = ۰,۳۵۲، اخلاق کار اسلامی = ۰,۱۸۳) با بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: باورهای دینی، بیگانگی شغلی، سرمایه اجتماعی، فراتحلیل، عدالت سازمانی.

۱. مقدمه

بیگانگی شغلی، مفهومی مشترک در مطالعات جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و علوم سیاسی است. سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی امروزی، به دلیل نقش آن‌ها در توسعه و پیشرفت اجتماعی مدنظر اندیشمندان و محققان قرار گرفته‌اند. در این میان، میزان تعلق سازمانی یا بی‌تفاوتی اجتماعی به سازمان در بین کارمندان، کارکنان و مدیران به مسئله مهمی تبدیل شده است؛ به طوری که گاهی غیبت زیاد، اهمال‌کاری، سستی کاری، کم‌کاری، تغییر شغل، تغییر سمت، بهانه‌تراشی سازمانی، قبول نکردن مسئولیت وقایع سازمانی و سکوت سازمانی، از نشانه‌های علاقه نداشتن فرد به شغل یا بیگانگی شغلی در مجموعه سازمانی است. بیگانگی شغلی، حسی روانی است که فرد در حالات روانی و درون در برابر وظایف و مسئولیت شغلی خود دچار گسست روانی می‌شود و به برقراری و حفظ و رابط اجتماعی با دیگران در مجموعه سازمانی علاقه ندارد. امروزه در جامعه میزان بیگانگی شغلی افزایش یافته است. در این باره تحقیق‌های مختلفی در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۰ به صورت پیمایشی (کمی) و در قالب پرسشنامه (نظرسنجی) انجام شده است، با توجه به گستردگی پژوهش از بعد تعداد مطالعات، بازه زمانی متفاوت و نقاط جغرافیایی گوناگون، هدف اصلی این پژوهش، انجام فراتحلیل جامع برای دستیابی به عوامل مؤثر بر بیگانگی شغلی است.

۱.۱. بیان مسئله

بیگانگی شغلی^۱ مفهومی نوپا در مطالعات سازمانی است که در آثار دورکیم (تقسیم کار اجتماعی)، ماکس وبر (قفس آهنین) و مارکس (نظام سرمایه‌داری) به کار رفته است (رستگار خالد، کاوه و محمدی، ۱۳۹۲، ص. ۴۴۰). در بیگانگی شغلی، فرد در زندگی روزمره، خود را فراموش می‌کند و نمی‌تواند وظایف شغلی و سازمانی خود را به‌خوبی ایفا کند. بیگانگی شغلی نوعی جدامانندگی و دورافتادگی از دنیای شغلی است (توسلی و قدیمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۲). از خودبیگانگی شغلی، در حوزه کاری بیشتر مطرح است که فرد به دلایل محرومیت نسبی، استرس شغلی، سرمایه اجتماعی پایین و بحران هویتی به آن دچار می‌شود. اریک فروم، در جامعه صنعتی به مطالعه بیگانگی شغلی پرداخت و سلطه ماشین نظام سرمایه‌داری (فناوری ماشینی) بر روح و خلیات و روان انسان را دلیل بیگانگی شغلی دانست. فرد نسبت به جهان خلاقیت و اثربخشی خود را از دست می‌دهد (فروم، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۲). در ادبیات علمی جامعه‌شناسی، امیل دورکیم، بیگانگی را با مفهوم آنومی توسعه داد. تقسیم کار اجتماعی (معیوب)، نوعی بیگانگی شغلی از طریق ایجاد بی‌عدالتی اجتماعی، تبعیض شغلی، افزایش فردگرایی و خودخواهی، خویشاوندسالاری و بی‌توجهی به نظام شایسته‌سالاری ایجاد می‌کند (زکی، ۱۳۸۸، ص. ۲۷). مارکوزه نیز با نگاهی انتقادی به جامعه سرمایه‌داری، دلایل بیگانگی شغلی را سلطه اقتصاد بر رفتارهای انسانی می‌داند (رکنی‌پور و سیادت، ۱۳۹۲، ص. ۷۳؛ قدیمی، ۱۳۸۶، ص. ۳۳۶). کارل مارکس، بیگانگی شغلی را حاصل تضاد بین کارگر-کارفرما بیان کرده است که بین کارگر و محصول آن جدایی و فاصله عمیقی می‌افتد و کارگر خود را در فرآورده‌های سازمانی مشاهده و حس نمی‌کند. این وضعیت حیات جامعه را به خطر می‌اندازد و در فرایند بیگانگی شغلی، مسئولیت کارکنان در قبال سازمان کاهش می‌یابد. با توجه به اهمیت مباحث ذکر شده، اهداف اصلی پژوهش عبارت‌اند از: برآورد اندازه اثر عوامل مؤثر بر بیگانگی شغلی و برآورد نقش متغیرهای تعدیلگر بر بیگانگی شغلی.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

مطالعات تجربی صورت گرفته درباره بیگانگی شغلی برای انجام فراتحلیل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مقالات برای انجام فراتحلیل

عنوان	نویسنده/سال	قومیت	گروه بررسی شده
تبیین رابطه سبک‌های تفکر و سبک‌های ارتباطی با بیگانگی شغلی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان آبدانان	غفاری‌نیا، عزیزپوریان و عبدالهی (۱۴۰۰)	کرد	معلمان
بررسی وضعیت سایش اجتماعی کارکنان و رابطه آن با بیگانگی شغلی کارکنان اداره کل آموزش و پرورش لرستان	موسوی و یگانه (۱۴۰۰)	لر	کارکنان
رابطه خودشناسی انسجامی، سبک‌های دفاعی با بیگانگی شغلی کارکنان شرکت پرشیا	حجت‌خواه، رشیدی و ساری (۱۳۹۹)	عرب	کارکنان
بررسی تأثیر سبک رهبری زهرآگین بر بدبینی سازمانی و بیگانگی شغلی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با نقش میانجی ماکیاولیسم	عیدی‌پور، یوسفی، زردشتیان و عیدی (۱۳۹۹)	کرد	جوانان
تأثیر سبک رهبری تحولی با میانجی‌گری نقش اخلاق حرفه‌ای بر بیگانگی شغلی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان مهران	حیدری‌فرد و هاشمی (۱۳۹۸)	کرد	معلمان
ملاحظه نتایج سنجش استقلال شغلی درک‌شده به‌عنوان نقش میانجی در رابطه بین خودکارآمدی اعضای هیئت‌علمی با فرسودگی، درگیری و بیگانگی شغلی	ممانی، قلعه‌ای و عبدیان (۱۳۹۸)	ترک	اعضای هیئت‌علمی
تأثیر رهبری زهرآگین بر بدبینی سازمانی و بیگانگی شغلی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با نقش میانجی ماکیاولیسم	شیرین زردشتیان، یوسفی و عبدی‌پور (۱۳۹۷)	فارس	کارکنان
بررسی نقش توسعه دانش در کاهش تعارض سازمانی و تعدیل بیگانگی شغلی	امیرخانی و صفی‌خانی (۱۳۹۵)	فارس	کارکنان
بررسی عوامل مؤثر بر ازخودبیگانگی (سازمان منطقه ویژه	بیدخوئی و ابهچی (۱۳۹۵)	فارس	کارکنان

عنوان	نویسنده/سال	قومیت	گروه بررسی شده
اقتصادی انرژی عسلویه)			
بررسی از خود بیگانگی شغلی و عوامل مرتبط با آن در کارکنان سازمان تأمین اجتماعی (ستاد مرکزی)	زاهدی، دانش و شعبانی (۱۳۹۵)	فارس	کارکنان
رابطه بین ویژگی‌های شغلی و از خود بیگانگی شغلی در کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران استان تهران	مجاهد (۱۳۹۵)	فارس	کارکنان
سنجش رابطه ادراک از عوامل محیط کار و بیگانگی با کار	مظفری، حریری و اباذری (۱۳۹۵)	فارس	کنابداران
بررسی رابطه عوامل اجتماعی، سازمانی و فرهنگی با بیگانگی کارکنان جهاد کشاورزی	حقیقتیان، هاشمی نژاد و میرزاییان (۱۳۹۴)	فارس	کارکنان
کارکردهای کیفیت زندگی کاری برای بهره‌وری کارکنان	مهداد، مهدی زادگان و سوسن‌آبادی (۱۳۹۴)	فارس	کارکنان
تبیین بیگانگی کاری با ویژگی‌های شغلی و حمایت سازمانی	نادری بنی، بردبار و پزشکی نجف‌آبادی (۱۳۹۴)	فارس	کارشناسان
پیش‌بینی از خود بیگانگی شغلی از طریق تقاضاهای شغلی، منابع شغلی و فرسودگی شغلی در میان کارکنان	برآبادی و گل‌پرور (۱۳۹۳)	فارس	کارکنان
سرمایه اجتماعی و بیگانگی از کار معلمان شهر تهران	رستگار خالد، کاوه و محمدی (۱۳۹۳)	فارس	معلمان
بررسی رابطه مؤلفه‌های شغلی با بیگانگی کارمندان	شیرمردی (۱۳۹۳)	فارس	کارکنان
تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی شغلی معلمان با تأکید بر سرمایه اجتماعی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان ثامن الحجج ؑ مشهد	کاوه فیروز، زارع و طالب (۱۳۹۳)	فارس	معلمان
تبیین رابطه استرس شغلی با بیگانگی شغلی و رفتارهای انحرافی بر اساس نقش تعدیل‌کننده اسناد شناختی به علل استرس	گل‌پرور، وثاقتی و اشجع (۱۳۹۳)	فارس	کارکنان
عوامل تأثیرگذار بر بیگانگی از کار کارکنان آموزشکده فنی حرفه‌ای	گودرزوند چگینی و همکاران (۱۳۹۳)	گیلکی	مدرسان
بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی بر بیگانگی از کار	منصوری، حسین‌زاده و	عرب	کنابداران

عنوان	نویسنده/سال	قومیت	گروه بررسی شده
کتابداران	نواح (۱۳۹۳)		
پیش‌بینی بیگانگی شغلی برحسب سلامت روان‌شناختی محیط کار	مهداد و همکاران (۱۳۹۳)	فارس	کارکنان
مطالعه رضایت شغلی در ارتباط با مشارکت و بیگانگی در میان کارکنان شرکت برق	افراسیابی، جمشیدی سلوکلو و قدرتی (۱۳۹۲)	فارس	کارکنان
بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با بیگانگی شغلی	رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۲)	فارس	معلمان
رابطه ویژگی‌های شغلی و ابعاد عدالت سازمانی با ازخودبیگانگی شغلی	شرفی، مهداد، فاضل و فاضل (۱۳۹۲)	فارس	کارکنان
بیگانگی شغلی در نظام اداری ایران	صداقتی فرد و عبدالله‌زاده (۱۳۹۲)	فارس	معلمان
بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بیگانگی از کار در میان کارکنان	حدادی (۱۳۹۲)	عرب	کارکنان
بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بیگانگی از کار در میان کارکنان	موسوی و همکاران (۱۳۹۲)	عرب	کارکنان
تدوین الگوی توسعه رهبری تحول‌آفرین در تعدیل بیگانگی شغلی	تسلیمی، بازرگان، موسی‌خانی و الوداری (۱۳۹۰)	فارس	کارکنان
بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر بیگانگی از کار	حسین زاده، باقری و بختیاری‌زاده (۱۳۹۰)	عرب	کارکنان
بررسی بیگانگی شغلی در نظام اداری ایران کارمندان اداره آموزش و پرورش شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۰	فتحی، صداقتی فرد و نجفی (۱۳۹۰)	فارس	کارکنان
الگوی ساختاری رابطه گرانباری نقش، فرسودگی و بیگانگی	گل‌پرور، وثقی و جوادیان (۱۳۹۰)	فارس	کارکنان
ازخودبیگانگی در میان کارکنان چاپخانه رواق تهران ۱۳۹۰ - ۱۳۸۹	معدنی، آشفته‌تهرانی و قاسمی‌پناه (۱۳۹۰)	فارس	کارکنان
بررسی بیگانگی شغلی و عوامل مؤثر بر آن	صداقتی فرد و عبدالله‌زاده	فارس	کارکنان

عنوان	نویسنده/سال	قومیت	گروه بررسی شده
	(۱۳۸۸)		
احساس بیگانگی نسبت به کار در ادارات دولتی	پاکدل (۱۳۸۷)	فارس	کارکنان
بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سازمانی در ایران	ایمان و اثنی‌عشری (۱۳۸۳)	فارس	کارکنان

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

۲.۲.۱. مفهوم بیگانگی

بیگانگی به مفهوم بیزاری، تنفر، انفصال، جدایی فرد از شغل است (گودرزوند چگینی، نویان اشرف و علوی صائب، ۱۳۹۳، ص. ۵۸). جهان سرمایه‌داری و مدرن، عامل اصلی بیگانگی شغلی است (ستوده، ۱۳۷۸، ص. ۲۴۳). مارکس، نخستین فردی بود که مفهوم بیگانگی را صورت‌بندی کرد (وبر، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۹) به نظر مارکس، فرایند بیگانگی مشابهی در قلمرو کار انسان در نظام سرمایه‌داری به وقوع می‌پیوندد (گرب، ۱۳۸۴، ص. ۳۷). او به این اشاره کرد که بیگانگی نشان‌دهنده تناقض بین شغل و طبیعت انسان در نظام سرمایه‌داری است (حاجی‌زاده میمندی، گرایبی، بنیاد و دشتی‌زاد، ۱۳۹۹، ص. ۷۰). ماکس وبر با طرح قفس آهنین، بیگانگی را نتیجه سلطه نظام اداری و قوانین آن بر کنش‌های انسانی می‌داند (کوزر، ۱۳۹۹، ص. ۳۱۷). به زعم لوکاخ، بیگانگی شغلی، نتیجه کالایی شدن، بی‌ارزش شدن و چیزوارگی انسان در فرایند شغلی است (اباذری، ۱۳۷۴، ص. ۱۵).

۲.۲.۲. نظریه بیگانگی شغلی

بیگانگی، وضعیتی است که در آن فرد خود را در جایگاه یک غریبه، بی‌هویت و جداشده از شغل در جهان اجتماعی می‌داند (موسوی و حیدرپور مرنند، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۰). این حس نتیجه توسعه جامعه صنعتی است. فرد خود را به‌جایی متعلق نمی‌داند و تعلق اجتماعی از بین می‌رود و فرد احساس تنهایی می‌کند (فروم، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۲). فرد این

حالت خود را فاقد هویت اثربخش در جامعه تصور می‌کند (فونک^۱، ۱۳۹۵، ص. ۹۳). نهادهای اداری و سازمان‌ها با عملکرد و توسعه خود بر نیروی انسانی به بی‌هویتی منجر می‌شوند (مارکس، ۱۳۷۸، ص. ۱۳۸) و فرد با جهان خود بیگانه و بی‌تفاوت می‌شود (کرایب، ۱۳۹۴، ص. ۴۴). کارکنان احساس می‌کنند که در کارشان اختیار لازم را ندارند، کارشان پوچ و بی‌معناست و در موقعیت سازمان نقش ندارد (وحید، انصاری، حقیقتیان، و بزمی، ۱۳۹۳، ص. ۷). از نظرگاه وبر، جامعه مدرن غربی حاصل هم‌کنشی نیروهایی چون سرمایه‌داری، دموکراسی و بوروکراسی است و همه این‌ها نیروی «عقلانی‌سازی» را تشکیل می‌دهند و خود ضمیمه آن به شمار می‌روند. این‌ها عوامل به هم مرتبطی هستند که به رشد یکدیگر کمک می‌کنند. هرچند بوروکراسی و دموکراسی در برابر هم قرار گرفته‌اند، رابطه دیالکتیکی میان آن‌ها به پایایی و توسعه هر دو می‌انجامد. وبر به تأکید معتقد است که بوروکراسی، طریقی عقلانی از زندگی را بسط می‌دهد و چنین فرایندی است که در نهایت نگرانی‌هایی را درمورد آینده بشر و از خود بیگانگی وی پدید می‌آورد.

۳. روش تحقیق

روش انجام تحقیق از نوع فراتحلیل کمی (CMA2) است که محقق با استفاده از مرور ادبیات و تحقیقات انجام‌شده در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۰، با محوریت بیگانگی شغلی، از جامعه آماری ۴۵ سند تحقیقی بعد از غربالگری، حجم نمونه ۳۷ تحقیق را شناسایی کرده و بعد از کنترل از حیث روشی، اعتبار، روایی و یافته‌های علمی، آن‌ها را برحسب روش، حجم نمونه، ضرایب همبستگی و سطح معناداری، جامعه آماری، سال و... دسته‌بندی و سازمان‌دهی کرده است. مقالات فراتحلیل از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز و مگیران دریافت شده است. ملاک‌های ورود مقالات به این تحقیق عبارت بودند از: وجود ضرایب همبستگی، حجم نمونه

و سطح معناداری. ملاک‌های خروج مقالات از تحقیق عبارت بودند از: کیفی بودن و اسنادی بودن مقاله، فقدان اطلاعات آماری الزامی مانند ضریب همبستگی، سال تحقیق، حجم نمونه و همچنین تردید در روایی و پایایی. بعد از تهیه ملاک‌های ورود، آن‌ها وارد نرم‌افزار شدند و اندازه اثر نهایی هر پژوهش و اثر نهایی کل با فرمول فیشر و کوهن برآورد شد. برای تشخیص همگنی یا ناهمگنی تحقیقات مذکور، از نمودار کیفی، آزمون Q استفاده شد و بعد از اثبات فرض ناهمگونی بین مطالعات، متغیر تعدیلگر (زمینه‌ای) برای سنجش میزان اثر آن بر بیگانگی شغلی به کار رفت. خلاصه پژوهش فراتحلیل در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. خلاصه فراتحلیل (پیشینه پژوهش)

مکان	شیوه نمونه‌گیری	روش + ابزار	نمونه	محقق
ایلام	تصادفی	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۷۰	غفاری‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)
لرستان	در دسترس	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۷۱	موسوی و یگانه (۱۴۰۰)
خوزستان (اهواز)	تصادفی ساده	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۳۶	حجت‌خواه و همکاران (۱۳۹۹)
غرب کشور	طبقه‌ای تصادفی	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۸۰	عیدی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)
ایلام	تمام‌شمار	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۶۵	حیدری‌فرد و هاشمی (۱۳۹۸)
آذربایجان شرقی	طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۳۶	ممانی و همکاران (۱۳۹۸)
تهران	تصادفی ساده	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۳۵	شیرین زردشتیان و همکاران (۱۳۹۷)
تهران	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۱۲	امیرخانی و صفی‌خانی (۱۳۹۵)
عسلویه	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۸۶	بیدخوئی و ابه‌جی (۱۳۹۵)
تهران	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۲۹۰	زاهدی و همکاران (۱۳۹۵)
تهران	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۱۹	مظفری و همکاران (۱۳۹۵)
اصفهان	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۱۹	حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۴)
اصفهان	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۲۰۰	مهداد و همکاران (۱۳۹۴)
شیراز	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۳۱	نادری بنی و همکاران (۱۳۹۴)
اصفهان	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۵۴	برآبادی و گل‌پرور (۱۳۹۳)
تهران	خوشه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۷۴	رستگار خالد و همکاران (۱۳۹۳)

مکان	شیوه نمونه‌گیری	روش + ابزار	نمونه	محقق
کرمان	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۸۱	شیرمردی (۱۳۹۳)
خراسان رضوی	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۲۳۵	کاوه‌فیروز و همکاران (۱۳۹۳)
ایران	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۶۸	گل‌پرور و همکاران (۱۳۹۳)
گیلان	تصادفی ساده	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۴۹۲	گودرزوند چگینی و همکاران (۱۳۹۳)
خوزستان	تمام شمار	پیمایش (کمی) + پرسشنامه		منصوری و همکاران (۱۳۹۳)
تهران	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۵۱	مهداد و همکاران (۱۳۹۳)
فارس	تصادفی	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۰۰	افراسیابی و همکاران (۱۳۹۲)
تهران	تصادفی خوشه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۷۴	رستگارخالد و همکاران (۱۳۹۲)
تهران	تصادفی طبقه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه		شرفی و همکاران (۱۳۹۲)
سمنان	خوشه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۴۹	صداقتی فرد و همکاران (۱۳۹۲)
خوزستان	تصادفی	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۸۴	حدادی (۱۳۹۲)
خوزستان	تصادفی ساده	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۸۶	موسوی و همکاران (۱۳۹۲)
تهران	هدفمند	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۲۱۸	تسلیمی و همکاران (۱۳۹۰)
خوزستان	تصادفی	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۵۰	حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۰)
سمنان	خوشه‌ای	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۴۹	فتحی و همکاران (۱۳۹۰)
اصفهان	تصادفی ساده	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۱۶۸	گل‌پرور و همکاران (۱۳۹۰)
تهران	تصادفی ساده	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	۳۸۷	معدنی و همکاران (۱۳۹۰)
سمنان	تصادفی	پیمایش	۱۰۱	صداقتی فرد و عبدالله‌زاده (۱۳۸۸)
تهران	تصادفی	پیمایش (کمی) + پرسشنامه		پاکدل (۱۳۸۷)
فارس	تصادفی	(کمی) + پرسشنامه	۳۱۳	ایمان و اثنی‌عشری (۱۳۸۳)

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج پژوهش در دو بخش توصیفی و تحلیلی ارائه شده است.

۴. ۱. توصیفی

۴. ۱. ۱. بازه زمانی تحقیق

جدول ۳. بازه زمانی پژوهش

سال	فراوانی	درصد
۱۴۰۰	۲	۵/۴
۱۳۹۹	۲	۵/۴
۱۳۹۸	۲	۵/۴
۱۳۹۷	۱	۲/۷
۱۳۹۵	۵	۱۳/۵
۱۳۹۴	۳	۸/۱
۱۳۹۳	۸	۲۱/۶
۱۳۹۲	۶	۱۶/۲
۱۳۹۰	۵	۱۳/۵
۱۳۸۸	۱	۲/۷
۱۳۸۷	۱	۲/۷
۱۳۸۳	۱	۲/۷
جمع کل	۳۷	۱۰۰

بیشترین تحقیقات (۲۱/۶ درصد) در زمینه بیگانگی شغلی در سال ۱۳۹۳ انجام شده‌اند.

۴. ۱. ۲. شیوه نمونه‌گیری مطالعات

جدول ۴. شیوه نمونه‌گیری مطالعات

شیوه نمونه‌گیری	فراوانی	درصد
تصادفی	۱۳	۳۵/۵
خوشه‌ای	۴	۱۰/۸
تصادفی طبقه‌ای	۹	۲۴/۳
هدفمند	۷	۱۸/۹
تمام‌شمار	۲	۵/۴

شیوه نمونه‌گیری	فراوانی	درصد
در دسترس	۲	۵/۴
جمع کل	۳۷	۱۰۰

۳۵/۵ درصد از پژوهش‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی انجام شده‌اند.

۴. ۱. ۳. جامعه آماری تحقیق

جدول ۵. جامعه آماری پژوهش

گروه بررسی‌شده	فراوانی	درصد
دانشگاهیان	۲	۵/۴
آموزش و پرورش	۶	۱۶/۲
جوانان	۱	۲/۷
کارکنان دولتی	۲۴	۶۴/۸
کتابدار	۲	۵/۴
کارشناسان	۲	۵/۴
جمع کل	۳۷	۱۰۰

۶۴/۸ درصد از تحقیقات جامعه آماری خود را از کارکنان انتخاب کرده‌اند.

۴. ۱. ۴. هویت قومی تحقیق

جدول ۶. هویت قومی پژوهش

گروه	فراوانی	درصد
فارس	۲۶	۷۰/۲
عرب	۵	۱۳/۵
لر	۱	۲/۷
ترک	۱	۲/۷
گیلک	۱	۲/۷
کرد	۳	۸/۱

گروه	فراوانی	درصد
جمع کل	۳۷	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد که ۷۰/۲ درصد از پژوهش‌ها به قوم فارس تعلق دارد.

۴. ۱. ۵. نوع نهاد یا سازمان مطالعه شده

جدول ۷. نوع نهاد یا سازمان پژوهش

نوع نهاد یا سازمان	فراوانی	درصد
ادارات دولتی	۲۷	۷۲/۹
مدارس آموزش و پرورش	۶	۱۶/۲
کتابخانه عمومی	۲	۵/۴
دانشگاه	۲	۵/۴
جمع کل	۳۷	۱۰۰

۷۲/۹ درصد از نهادهای بررسی شده در ادارات قرار دارند.

۴. ۲. تحلیلی

۴. ۲. ۱. اندازه اثر تحقیق

جدول ۸. اندازه اثر پژوهش

گزارش آماری					متغیر	
Sig	Z-value	Upper	Lower	Effect size		
۰,۰۰۰	۶,۷۱۶	۰,۵۸۹	۰,۱۶۶	۰,۳۵۴	تحصیلات	عوامل زمینه‌ای
۰,۰۰۵	۳,۶۵۸	۰,۶۳۷	-۰,۱۳۳	۰,۲۶۶	درآمد	
۰,۰۰۰	۴,۸۹۶	۰,۶۵۸	۰,۱۴۲	۰,۳۵۷	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	
۰,۰۰۶	۹,۷۴۴	۰,۶۸۱	۰,۲۹۱	۰,۳۳۹	سابقه خدمت	
۰,۰۰۰	۱,۹۹۶	۰,۶۹۳	۰,۱۸۶	۰,۱۶۱	سن	
۰,۰۰۱	۱۲,۲۰۵	۰,۸۵۲	۰,۳۱۶	۰,۲۹۲	اعتماد اجتماعی	عوامل اجتماعی

گزارش آماری					متغیر
Sig	Z-value	Upper	Lower	Effect size	
۰,۰۰۰	۱۰,۳۶۷	۰,۶۵۱	۰,۲۲۵	۰,۱۸۱	مشارکت اجتماعی
۰,۰۱۴	۹,۲۵۴	۰,۸۷۴	۰,۳۷۲	۰,۳۴۵	حمایت اجتماعی
۰,۰۰۲	۱۱,۱۹۵	۰,۶۳۳	۰,۲۴۱	۰,۲۸۰	انسجام اجتماعی
۰,۰۰۱	۱۶,۳۶۸	۰,۸۶۳	۰,۲۲۱	۰,۲۶۹	عدالت سازمانی
۰,۰۰۰	۶,۲۴۸	۰,۴۴۱	۰,۱۲۷	۰,۳۸۵	رهبری تحول آفرین
۰,۰۰۴	۸,۳۶۴	۰,۶۷۳	۰,۲۷۴	۰,۴۲۹	تعلق سازمانی
۰,۰۰۱	۷,۳۹۷	۰,۴۶۱	۰,۱۹۱	۰,۳۳۵	فرهنگ سازمانی
۰,۰۰۰	۱۱,۷۳۷	۰,۸۹۴	۰,۲۹۱	۰,۲۷۷	امنیت شغلی
۰,۰۰۱	۹,۳۸۶	۰,۴۶۲	۰,۱۷۴	۰,۳۸۰	رضایت شغلی
۰,۰۲۳	۸,۱۷۶	۰,۶۹۳	۰,۱۹۱	۰,۲۵۱	ارتقای شغلی
۰,۰۰۰	۶,۳۱۵	۰,۴۷۴	۰,۰۴۵	۰,۲۱۷	استرس شغلی
۰,۰۰۰	۱۸,۲۳۳	۰,۸۶۲	۰,۳۸۰	۰,۲۷۳	آگاهی و دانش علمی
۰,۰۰۰	۷,۱۹۹	۰,۵۳۲	۰,۱۷۲	۰,۳۵۲	باورهای دینی
۰,۰۰۰	۹,۳۹۹	۰,۶۸۲	۰,۱۳۴	۰,۱۸۳	اخلاق کار اسلامی

نتایج نشان می‌دهد:

۱. بین عوامل زمینه‌ای و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، با افزایش میزان تحصیلات (۰,۳۵۴)، درآمد (۰,۲۶۶) و پایگاه اجتماعی-اقتصادی (۰,۳۵۷) از بیگانگی شغلی کاسته شده و با افزایش سابقه خدمت (۰,۳۳۹) و سن (۰,۱۶۱) بر بیگانگی شغلی افزوده می‌شود.

۲. بین عوامل اجتماعی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، با افزایش میزان اعتماد اجتماعی (۰,۲۹۲)، مشارکت اجتماعی (۰,۱۸۱)، حمایت اجتماعی (۰,۳۴۵) و انسجام اجتماعی (۰,۲۸۰) از بیگانگی شغلی افراد کاسته می‌شود.

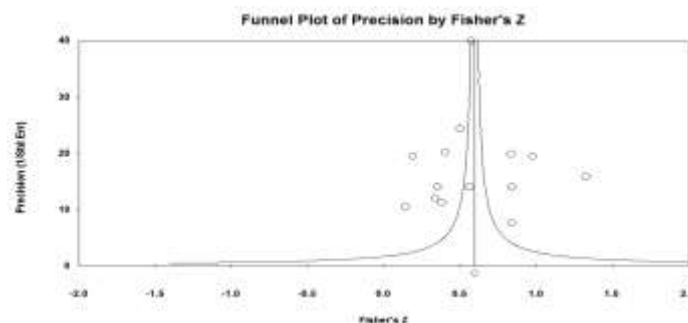
۳. بین عوامل سازمانی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، با افزایش عدالت سازمانی (۰,۲۶۹)، رهبری تحول‌آفرین (۰,۳۸۵)، تعلق سازمانی (۰,۴۲۹) و فرهنگ سازمانی (۰,۳۳۵) از بیگانگی شغلی کاسته می‌شود.

۴. بین عوامل شغلی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، با افزایش امنیت شغلی (۰,۲۷۷)، رضایت شغلی (۰,۳۸۰) و ارتقای شغلی (۰,۲۵۱) از میزان بیگانگی شغلی کاسته می‌شود و هرچه استرس شغلی (۰,۲۱۷) در سازمان بیشتر باشد، به همان میزان بیگانگی شغلی افزایش می‌یابد.

۵. بین عوامل فرهنگی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد؛ بر این اساس، با افزایش آگاهی و دانش علمی (۰,۲۷۳)، باورهای دینی (۰,۳۵۲) و اخلاق کار اسلامی (۰,۱۸۳) از بیگانگی شغلی افراد کاسته می‌شود.

نمودار قیفی (بررسی میزان همگنی و ناهمگنی پژوهش)

در رگرسیون مقدار فیشر و نحوه پراکندگی اطراف خط نشان می‌دهد که مطالعات تا چه اندازه همگن هستند. مطابق با پراکندگی نقاط اطراف خط شیب، مطالعات بررسی‌شده همگن نیستند و به دلیل تفاوت‌های جغرافیایی، زمان اجرا، نویسندگان یا نوع جامعه آماری بررسی‌شده دارای اختلاف و واریانس هستند. در این نمودار، در صورت نبود سوگیری انتشار، مطالعات انجام‌شده به صورت متقارن در اطراف اندازه اثر ترکیبی توزیع می‌شوند.



شکل ۱. بررسی میزان همگنی و ناهمگنی پژوهش

۴.۲.۲. آزمون Q

این آزمون برای مطالعه همگنی و ناهمگنی پژوهش به کار می‌رود. در صورت همگنی مطالعات، از اندازه ثابت و در صورت ناهمگنی از تصادفی استفاده می‌شود. نتایج حاصل از تصادفی، در شرایط ناهمگنی قابلیت تعمیم بیشتری در مقایسه با مدل ثابت دارد.

جدول ۹. آزمون Q

Q_value	Df	P_value	I_squared
۸۹۰,۱۵۶	۳۶	۰,۰۰۰	۹۴,۱۳۱

با توجه به نتایج مدل با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که فرض صفر مبتنی بر همگن بودن مطالعات رد شده و فرض ناهمگونی (نبود همگنی) پژوهش‌ها تأیید می‌شود. معنادار بودن $Q=۸۹۰$ نشان از وجود ناهمگنی است. مقدار مجذور i دارای مقداری بین ۱۰۰-۰ است و ناهمگنی را به صورت درصدی نشان می‌دهد. هرچه به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه‌های اثر پژوهش اولیه است. ۹۴ درصد مؤید این است که ۹۴ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی بین پژوهش مربوط است؛ بر این اساس باید از اثر تصادفی برای تحلیل استفاده کرد.

۴.۲.۳. تأثیر نوع جامعه آماری بر بیگانگی شغلی

جدول ۱۰. تأثیر نوع جامعه آماری بر بیگانگی شغلی

اثر تصادفی			گروه بررسی شده
Sig	Z-value	ضریب	
۰/۰۰۰	۴/۱۸۹	۰/۱۵۶	دانشگاهیان
۰/۰۰۰	۶/۲۸۱	۰/۲۳۷	معلمان
۰/۰۰۰	۷/۴۶۱	۰/۲۱۲	جوانان
۰/۰۰۰	۱۰/۳۰۱	۰/۲۰۱	کارکنان دولتی
۰/۰۰۰	۳/۶۰۰	۰/۲۱۰	اثر کل

نتایج نشان می‌دهد، گرایش به بیگانگی شغلی در بین دانشجویان برابر با ۱۵ درصد، معلمان برابر با ۲۳ درصد، جوانان برابر با ۲۱ درصد و کارکنان دولتی برابر با ۲۱ درصد است. اثر کلی نوع جامعه آماری بر بیگانگی شغلی برابر با ۲۱ درصد است.

۴.۲.۴. تأثیر جنسیت بر بیگانگی شغلی

جدول ۱۱. تأثیر جنسیت بر بیگانگی شغلی

تصادفی			جنسیت
Sig	Z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۵/۰۳۰	۰/۲۰۰	زنان
۰/۰۰۰	۳/۲۲۳	۰/۱۹۸	مردان
۰/۰۰۰	۷/۴۷۶	۰/۱۶۳	اثر کل

مطابق نتایج، بین جنسیت و گرایش به بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار کلی آن برابر با ۱۶ درصد است. زنان (۲۰ درصد) در مقایسه با مردان (۱۹ درصد) گرایش بیشتری به بیگانگی شغلی دارند.

۴.۲.۵. تأثیر وضع تأهل بر بیگانگی شغلی

جدول ۱۲. تأثیر وضع تأهل بر بیگانگی شغلی

تصادفی			وضع تأهل
Sig	Z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۸/۱۷۵	۰/۱۶۰	مجرد
۰/۰۰۰	۴/۲۰۰	۰/۱۰۲	متأهل
۰/۰۰۰	۴/۱۶۲	۰/۱۵۶	اثر کل

براساس نتایج، بین وضع تأهل و گرایش به بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار کلی آن برابر با ۱۵ درصد است. مجردها (۱۶ درصد) در مقایسه متأهل‌ها (۱۰ درصد) گرایش بیشتری به بیگانگی شغلی دارد.

۴.۲.۶. تأثیر گروه قومی بر میزان بیگانگی شغلی

جدول ۱۳. تأثیر گروه قومی بر بیگانگی شغلی

تصادفی			گروه قومی
Sig	Z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۴/۱۰۰	۰/۱۰۳	فارس
۰/۰۰۰	۶/۴۰۱	۰/۱۹۸	عرب
۰/۰۰۰	۸/۱۳۲	۰/۱۱۳	لر
۰/۰۰۰	۳/۴۱۱	۰/۱۵۴	ترک
۰/۰۰۰	۵/۰۰۲	۰/۱۰۳	گیلک
۰/۰۰۰	۹/۷۶۲	۰/۱۴۱	کرد
۰/۰۰۰	۱۰/۹۸۷	۰/۱۹۰	اثر کلی

براساس نتایج، بین هویت قومی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار آن برابر با ۱۹ درصد است. میزان بیگانگی هویت فارس برابر با ۰/۱۰۳، عرب برابر با ۰/۱۹۸، لر برابر با ۰/۱۱۳، ترک برابر با ۰/۱۵۴، گیلک برابر با ۰/۱۰۳ و کرد برابر با ۰/۱۴۱ است.

۴.۲.۷. تأثیر سطح توسعه استان بر بیگانگی شغلی

جدول ۱۴. تأثیر سطح توسعه استان بر بیگانگی شغلی

تصادفی			سطح توسعه
Sig	Z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۵/۲۳۴	۰/۲۴۱	توسعه یافته
۰/۰۰۰	۷/۱۸۲	۰/۲۰۱	در حال توسعه

تصادفی			سطح توسعه
Sig	Z-value	اندازه ترکیبی	
۰/۰۰۰	۸/۲۵۱	۰/۱۹۸	کم توسعه
۰/۰۰۰	۹/۱۳۱	۰/۱۳۵	اثر کل

نتایج نشان می‌دهد، بین سطح توسعه استان و گرایش به بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد و مقدار آن برابر با ۱۳ درصد است. در این میان استان‌های توسعه‌یافته (۲۴۹ درصد) و استان‌های در حال توسعه (۲۰ درصد) بیشترین تأثیر و استان‌های کم‌توسعه (۱۳ درصد) تأثیر متوسطی بر بیگانگی شغلی داشته‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

سازمان‌ها و نهادهای اداری امروز به نیروی انسانی فعال، باانگیزه و متعهد به سازمان نیازمند هستند. ظهور بیگانگی شغلی باعث کاهش کارایی سازمان‌ها در ارتباط با جامعه و شهروندان می‌شود و نمی‌توانند مطالبه‌ها و نیازهای اجتماعی آن‌ها را حل کنند. نتایج پژوهش‌ها (۳۷ سند) نشانگر این است که در سازمان‌ها و نهادهای بیگانگی شغلی افزایش یافته است؛ بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، مطالعه دلایل بیگانگی شغلی به روش فراتحلیل بود. نتایج نشان می‌دهد:

۱. بین عوامل زمینه‌ای و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد:

- با افزایش میزان تحصیلات فرد، به دلیل افزایش آگاهی علمی، مهارت‌های شغلی و روابط اجتماعی از احساس بیگانگی شغلی او کاسته می‌شود. افرادی که دارای تحصیلات بالا هستند، در مقایسه با دیگران کمترین احساس بیگانگی را دارند؛
- با افزایش درآمد فرد، به دلیل افزایش امنیت شغلی و حل نیازهای اقتصادی و افزایش انگیزه شغلی از احساس بیگانگی شغلی وی کاسته می‌شود؛

- هرچه پایگاه اقتصادی-اجتماعی فرد افزایش یابد، به دلیل ارتقای پایگاه شغلی و اجتماعی از احساس بیگانگی شغلی وی کاسته می‌شود؛
 - افرادی که سابقه خدمت بیشتری دارند، به دلیل فرسودگی شغلی، خستگی سازمانی و روزمرگی در مقایسه با دیگران، احساس بیگانگی بیشتری دارند؛
 - هرچه سن افراد در سازمان افزایش یابد، به دلیل فرسودگی شغلی و فشار سازمانی، میزان بیگانگی شغلی بیشتری خواهند داشت.
۲. بین عوامل اجتماعی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد:
- هرچه اعتماد اجتماعی در سازمان و نهادها بیشتر باشد، به دلیل وجود صداقت، اعتماد و همکاری متقابل سازمانی، میزان بیگانگی نیز کمتر خواهد بود؛
 - با افزایش مشارکت شغلی در سازمان، به دلیل تعاون، همیاری و حل مشکلات سازمانی از طریق مشارکت، از میزان بیگانگی شغلی فرد کاسته می‌شود؛
 - هرچه حمایت اجتماعی و سازمانی بیشتر شود، به دلیل آرامش روانی، امنیت روانی و تعلق عاطفی و سازمانی، از میزان بیگانگی شغلی کاسته می‌شود؛
 - با افزایش میزان انسجام اجتماعی در سازمان، به دلیل افزایش پیوندهای شغلی، تعامل اجتماعی و روابط اجتماعی بین سازمانی از شدت بیگانگی شغلی فرد کاسته می‌شود.
۳. بین عوامل سازمانی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد:
- هرچه عدالت سازمانی بیشتر رعایت شود، به دلیل نبود احساس تبعیض و ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری در سازمان، از میزان بیگانگی شغلی فرد در سازمان کاسته می‌شود؛
 - سازمان‌هایی که رهبری تحول‌آفرین و دموکراتیک دارند، میزان بیگانگی شغلی در آن سازمان کمتر می‌شود. در این حالت زیرمجموعه از حامی تحول‌خواه، نوآور و دارای ایده‌های کارآفرینی، امید و انگیزه بیشتری درباره شغل، آینده

سازمان و جامعه پیدا می‌کند و با شغل و وظیفه سازمانی خود بیشتر سازگار و عجین خواهد شد؛

- افرادی که تعلق سازمانی دارند، به دلیل علاقه و شوق سازمانی، کمترین بیگانگی شغلی را تجربه و حس می‌کنند؛

- با نهادینه شدن فرهنگ سازمانی، میزان سازگاری و هم‌نوایی فرد با سیاست‌های سازمانی افزایش می‌یابد و از میزان بیگانگی شغلی فرد نیز کاسته می‌شود.

۴. بین عوامل شغلی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد:

- افرادی که امنیت شغلی دارند، به خاطر وجود آرامش و امید درباره حل نیازهای مالی و اقتصادی، میزان بیگانگی شغلی کمی را تجربه می‌کنند؛
- هرچه سطح رضایت شغلی در سازمان در ارتباط با پست و نقش سازمانی و مزایای مادی و معنوی افزایش یابد، میزان بیگانگی شغلی نیز کاهش می‌یابد؛
- با ارتقای شغلی در سازمان، به دلیل ترویج شایسته‌سالاری، اهمیت یافتن کوشش و فرهنگ تلاش و کار، از شدت بیگانگی شغلی فرد کاسته می‌شود؛
- هرچه میزان استرس شغلی افزایش یابد، به دلیل فشارهای شغلی، احساس ناامنی و فشارهای سازمانی و شغلی، به همان میزان بیگانگی شغلی فرد نیز افزایش می‌یابد.

۵. بین عوامل فرهنگی و بیگانگی شغلی رابطه معناداری وجود دارد:

- با افزایش آگاهی و دانش علمی، به دلیل تقویت مهارت ارتباطی و شغلی و تسلط به دانش سازمانی و شغلی، از شدت و میزان بیگانگی شغلی کاسته می‌شود.

- هرچه میزان باورهای دینی در فرد افزایش یابد، به دلیل تعهد، احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی به سازمان و شغلی و رعایت هنجارهای اخلاق سازمانی به همان میزان از شدت بیگانگی شغلی کاسته می‌شود؛

- با رعایت اخلاق کار اسلامی در سازمان، به دلیل توسعه رأفت، مهربانی و روابط حسنه از بیگانگی شغلی فرد نیز کاسته می شود.

کتابنامه

۱. اباذری، ی. (۱۳۷۴). *خرد جامعه شناسی* (رساله دکتری منتشر نشده در رشته علوم اجتماعی). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. افراسیابی، ح، جمشیدی سلوکللو، ب.، و قدرتی، ح. (۱۳۹۲). مطالعه رضایت شغلی در ارتباط با مشارکت و بیگانگی در میان کارکنان شرکت برق منطقه ای فارس. *جامعه شناسی کاربردی*، ۴(۱)، ۱۷۷-۱۹۰.
۳. امیرخانی، ا.، و صفی خانی، ر. (۱۳۹۵). بررسی نقش توسعه دانش در کاهش تعارض سازمانی و تعدیل بیگانگی شغلی (مطالعه موردی: اعضای هیئت علمی و غیر هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری). *مدیریت دولتی*، (۱)، ۱۳۷-۱۵۲.
۴. ایمان، م.، و اثنی عشری، ف. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سازمانی در ایران (مورد مطالعه: سازمان های اداری شهر شیراز). *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ۷(۲)، ۱-۳۰.
۵. برآبادی، م.، و گل پرور، م. (۱۳۹۳). پیش بینی از خود بیگانگی شغلی از طریق تقاضاهای شغلی، منابع شغلی و فرسودگی شغلی در میان کارکنان. *اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران، بازیابی از <https://civilica.com/doc/320836>
۶. بیدخوئی، ط.، و ابهجی، ح. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر از خود بیگانگی شغلی سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی عسلویه. *کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم*، شیراز، بازیابی از <https://civilica.com/doc/591769>
۷. پاکدل، پ. (۱۳۷۸). *احساس بیگانگی نسبت به کار در ادارات دولتی* (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده در رشته جامعه شناسی). دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۸. تسلیمی، م.، بازرگان، ع.، موسی‌خانی، م.، و الوداری، ح. (۱۳۹۰). تدوین الگوی توسعه رهبری تحول‌آفرین در دانشگاه‌های کشور در راستای تعدیل بیگانگی شغلی (مورد مطالعه: دانشگاه پیام نور). مدیریت دولتی، ۳(۸)، ۱۹-۳۸.
۹. توسلی، غ. ع.، و قدیمی، م. (۱۳۸۰). پدیده بیگانگی از کار در ساختار نظام اداری ایران. پژوهشنامه علوم انسانی، ۳۰(۳)، ۸۷-۱۱۵.
۱۰. حاجی‌زاده میمندی، م.، گرابی، ح.، بنیاد، ل.، و دشتی‌زاد، س. (۱۳۹۹). فراتحلیل عوامل اثرگذار بر بیگانگی شغلی. فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۱۱(۳)، ۶۷-۸۵.
۱۱. حجت‌خواه، م.، رشیدی، ع.، و ساری، ا. (۱۳۹۹). رابطه خودشناسی انسجامی، سبک‌های دفاعی با بیگانگی شغلی کارکنان شرکت پرشیا (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشر نشده). دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۱۲. حدادی، ک. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر بیگانگی از کار در میان کارکنان حوزه ستادی شرکت توزیع نیروی برق خوزستان در سال ۱۳۹۲ (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشر نشده). دانشگاه پیام نور تهران، ایران.
۱۳. حسین‌زاده، ع.، باقری، م.، و بختیاری‌زاده، ف. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر بیگانگی از کار (مورد مطالعه: کارکنان پتروشیمی بندر ماهشهر). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۲(۲)، ۱۶۷-۱۸۴.
۱۴. حقیقتیان، م.، هاشمی‌نژاد، ه.، و میرزاییان، ا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه عوامل اجتماعی، سازمانی و فرهنگی با بیگانگی کارکنان (مورد مطالعه: سازمان جهاد کشاورزی اصفهان). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۷(۲)، ۶۱-۷۲.
۱۵. حیدری‌فرد، ر.، و هاشمی، ح. (۱۳۹۸). تأثیر سبک رهبری تحولی با میانجی‌گری نقش اخلاق حرفه‌ای بر بیگانگی شغلی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان مهران (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشر نشده). مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران.
۱۶. رستگار خالده، ا.، کاوه، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با بیگانگی شغلی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۳)، ۴۳۹-۴۶۷.

۱۷. رستگار خالد، ا.، کاوه، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۳). سرمایه اجتماعی و بیگانگی از کار (مطالعه موردی: معلمان آموزش و پرورش مقطع ابتدایی شهر تهران). فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، (۱۹)، ۲۵۱-۲۰۳.
۱۸. رکنی پور، ط.، و سیادت، ع. (۱۳۹۲). بررسی مفهوم ازخودبیگانگی از منظر جامعه‌شناسی و روانشناسی. کتاب ماه علوم اجتماعی، (۶۲)، ۷۱-۸۲.
۱۹. زاهدی، م.، دانش، پ.، و شعبانی، ع. (۱۳۹۵). بررسی ازخودبیگانگی شغلی و عوامل مرتبط با آن در کارکنان سازمان تأمین اجتماعی (ستاد مرکزی) (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). مرکز پیام نور غرب دانشگاه پیام نور تهران، ایران.
۲۰. زکی، م. (۱۳۸۸). بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان). پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، (۳)، ۲۵-۵۲.
۲۱. ستوده، ه. (۱۳۷۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آواری نور.
۲۲. شرفی، ل.، مهداد، ع.، فاضل، ا.، و فاضل، ا. (۱۳۹۲). رابطه ویژگی‌های شغلی و ابعاد عدالت سازمانی با ازخودبیگانگی شغلی. نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۴ (۳)، ۵۹-۵۱.
۲۳. شیرمردی، پ. (۱۳۹۳). بررسی رابطه مؤلفه‌های شغلی با بیگانگی کارمندان. اولین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم رفتاری، تهران، بازیابی از <https://civilica.com/doc/385633>
۲۴. شیرین زردشتیان، ح.، یوسفی، ب.، و عبدی‌پور، ک. (۱۳۹۷). تأثیر رهبری زهرآگین بر بدبینی سازمانی و بیگانگی شغلی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با نقش میانجی ماکیاولیسم (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۲۵. صدقاتی‌فرد، م.، فتحی، س.، و نجفی، س. (۱۳۹۲). بررسی بیگانگی شغلی در نظام اداری ایران (موردپژوهش: کارمندان اداره آموزش و پرورش شهرستان گرمسار). فصلنامه روانشناسی صنعتی/سازمانی، ۴ (۱۷)، ۹-۲۲.
۲۶. صدقاتی‌فرد، م.، و عبدالله‌زاده، م. (۱۳۸۸). بررسی بیگانگی شغلی و عوامل مؤثر بر آن در میان کارمندان. فصلنامه تازه‌های روانشناسی صنعتی/سازمانی، ۱ (۱)، ۹-۲۲.

۲۷. عیدی پور، ک.، یوسفی، ب.، زردشتیان، ش.، و عیدی، ح. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سبک رهبری زهرآگین بر بدبینی سازمانی و بیگانگی شغلی کارکنان وزارت ورزش و جوانان با نقش میانجی ماکیاولیسم. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲ (۵۹)، ۱۳۵-۱۵۲.
۲۸. غفاری نیا، ر.، عزیزپوریان، ع.، و عبدالحی، س. (۱۴۰۰). تبیین رابطه سبک‌های تفکر و سبک‌های ارتباطی با بیگانگی شغلی معلمان مدارس ابتدایی شهرستان آبدانان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). مؤسسه آموزش عالی باختر، ایلام، ایران.
۲۹. فتحی، س.، صداقتی فرد، م.، و نجفی، س. (۱۳۹۰). بررسی بیگانگی شغلی در نظام اداری ایران کارمندان اداره آموزش و پرورش شهرستان گرمسار در سال ۱۳۹۰ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ایران.
۳۰. فروم، ا. (۱۳۹۰). *فراسوی زنجیرهای پندار* (ب. برکت، مترجم). تهران: نشر مروارید.
۳۱. فروم، ا. (۱۳۹۵). *انسان برای خویشتن* (ا. تبریزی، مترجم). تبریز: نشر بهجت.
۳۲. فونک، ر. (۱۳۹۵). *اریک فروم: شجاعت بودن* (ط. محمدعلیزاده، مترجم). تهران: انتشارات آشیان.
۳۳. قدیمی، م. (۱۳۸۶). بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۳ (۵۳)، ۳۲۵-۳۵۶.
۳۴. کاوه فیروز، ز.، زارع، ب.، و طالب، م. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی شغلی معلمان با تأکید بر سرمایه اجتماعی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان ثامن‌الحجج ع مشهد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۳۵. کرایب، ی. (۱۳۹۴). *نظریه اجتماعی مدرن* (ع. مخبر، مترجم). تهران: انتشارات آگه.
۳۶. کوزر، ل. (۱۳۹۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی* (م. ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
۳۷. گرب، ا. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی؛ نابرابری اجتماعی* (م. سیاهپوش، و ا. ر.، غروی‌زاد، مترجمان). تهران: معاصر.
۳۸. گل‌پرور، م.، واثقی، ز.، و اشجع، آ. (۱۳۹۳). تبیین رابطه استرس شغلی با بیگانگی شغلی و رفتارهای انحرافی بر اساس نقش تعدیل‌کننده اسناد شناختی به علل استرس. *مجله روانشناسی معاصر*، ۱۸ (۱۸)، ۷۱-۸۲.

۳۹. گل‌پرور، م.، واتقی، ز.، و جوادیان، ز. (۱۳۹۰). الگوی ساختاری رابطه سرپرستی سوءاستفاده گرایانه، گرانباری نقش، فرسودگی و بیگانگی. *فراسوی مدیریت*، ۵(۱۹)، ۱۰۷-۱۲۵.
۴۰. گودرزوند چگینی، م.، نویان اشرف، ا.، و علوی صائب، ف. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر بیگانگی از کار، روابط و راهکارها. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۵(۱)، ۵۵-۸۰.
۴۱. مارکس، ک. (۱۳۷۸). *دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی ۱۸۴۴* (ح. مرتضوی. مترجم). تهران: انتشارات آگه.
۴۲. مجاهد، م. (۱۳۹۵). *رابطه بین ویژگی‌های شغلی و ازخودبیگانگی شغلی در کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران استان تهران* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). پژوهشکده علوم، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ایران.
۴۳. مظفری، غ.، حریری، ن.، و اباذری، ز. (۱۳۹۵). سنجش رابطه ادراک از عوامل محیط کار (نقش‌های شغلی و ویژگی‌های شغل) و بیگانگی با کار در کتابداران دانشگاه‌های آزادشهر تهران. *فصلنامه نظام‌ها و خدمات اطلاعاتی*، ۵(۱ و ۲)، ۵۳-۶۴.
۴۴. معدنی، س.، آشفته تهرانی، ا.، و قاسمی‌پناه، ع. (۱۳۹۰). *ازخودبیگانگی در میان کارکنان چاپخانه رواق تهران ۱۳۹۰ - ۱۳۸۹* (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.
۴۵. ممانی، ر.، قلعه‌ای، ع.، و عبدیان، ه. (۱۳۹۸). ملاحظه نتایج سنجش استقلال شغلی درک شده به‌عنوان نقش میانجی در رابطه بین خودکارآمدی اعضای هیئت‌علمی با فرسودگی، درگیری و بیگانگی شغلی. *مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۲(۱۵)، ۳۳-۵۰.
۴۶. منصوری، ل.، حسین‌زاده، ع.، و نواح، ع. (۱۳۹۳). بررسی نقش مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی (امنیت شغلی، رضایت شغلی و عدالت سازمانی) بر بیگانگی از کار (مطالعه موردی کتابداران کتابخانه‌های عمومی خوزستان). *فصلنامه تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۲۰(۴)، ۶۲۷-۶۴۱.
۴۷. موسوی، ف.، و یگانه، ا. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت سایش اجتماعی کارکنان و رابطه آن با بیگانگی شغلی کارکنان اداره کل آموزش و پرورش لرستان. *مجله مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، (۲۸)، ۱۸۲-۲۰۱.

۴۸. موسوی، ک.، و حیدرپور، م. (۱۳۹۴). *معمای بیگانگی در اندیشه اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه شاهد.
۴۹. مهداد، ع.، زری بایان، م.، و مهدی زادگان، ا. (۱۳۹۴). کارکردهای کیفیت زندگی کاری برای بهره‌وری کارکنان (مطالعه موردی: بیگانگی شغلی و فرسودگی عاطفی). *مدیریت بهره‌وری*، ۸(۳۲)، ۱۲۵-۱۴۶.
۵۰. مهداد، ع.، مهدی زادگان، ا.، و سوسن آبادی، م. (۱۳۹۳). آیا مؤلفه‌های سلامت روان‌شناختی محیط کار پیش‌بینی کننده ابعاد بیگانگی شغلی هستند؟ *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۷(۲۳)، ۹-۲۷.
۵۱. نادری بنی، م.، بردبار، غ.، و پزشکی نجف‌آبادی، ف. (۱۳۹۴). تبیین بیگانگی کاری با ویژگی‌های شغلی و حمایت سازمانی. *نشریه کاوش‌های مدیریت بازرگانی*، ۷(۱۴)، ۱۶۹-۱۹۰.
۵۲. وبر، م. (۱۳۷۴). *اقتصاد و جامعه* (جمعی از مترجمان، مترجم). تهران: انتشارات مولی.
۵۳. وحید، ف.، انصاری، م.، حقیقتیان، م.، و بزمی، م. (۱۳۹۳). ارزیابی جامعه‌شناختی بیگانگی شغلی و تأثیرات آن بر فرهنگ سازمانی در سازمان‌های آموزشی (مورد مطالعه: کارکنان ادارات آموزش و پرورش مشهد). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۵(۲)، ۱-۱۴.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تبیین جامعه شناختی رفتارهای زیست محیطی جوانان شهر تهران

فربا حسینی (دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی، واحددهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران)

f.hosseini41@yahoo.com

منصور حقیقتیان (دانشیار گروه جامعه شناسی، واحددهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

mansour_haghighatian@yahoo.com

سید علی هاشمیان فر (دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

چکیده

در حال حاضر مسائل زیست محیطی، چالشی فراگیر و جهانی قلمداد می شود. رفتارهای زیست محیطی انسان به عنوان یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر محیط زیست، مدنظر بسیاری از اندیشمندان، پژوهشگران و محیط گرایان قرار گرفته است. در همین راستا جامعه شناسان تحلیل و بررسی مسائل زیست محیطی را نیازمند مطالعات جامعه شناختی و راه حل های اجتماعی می دانند. پژوهش حاضر در چارچوب رویکرد کمی و با هدف تبیین جامعه شناختی رفتارهای زیست محیطی جوانان شهر تهران انجام شد. روش استفاده شده در این پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود. جامعه آماری پژوهش، جوانان ۱۸-۳۵ ساله شهر تهران بودند که ۴۵۳ نفر از آن ها در مناطق مختلف شهر و با مدنظر قراردادادن وضعیت توسعه یافتگی این مناطق به عنوان نمونه انتخاب شده و با استفاده از شیوه نمونه گیری سهمیه ای مطالعه شدند. تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. یافته های توصیفی پژوهش نشان دهنده وضعیت نسبتاً

مطلوب رفتار زیست محیطی در بین افراد مطالعه شده است. یافته های استنباطی پژوهش بیانگر این است که متغیرهای مستقل پژوهش (طبقه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سطح دین داری، مصرف گرایی و آگاهی زیست محیطی) در مجموع ۲۶ درصد توان تبیین واریانس متغیر رفتار زیست محیطی را در بین افراد مطالعه شده دارند. اثر همه متغیرهای مستقل به جز متغیر سرمایه فرهنگی بر متغیر رفتار مخرب زیست محیطی به لحاظ آماری معنادار است. شایان ذکر است اثر متغیرهای طبقه اجتماعی و آگاهی زیست محیطی بر رفتار مخرب زیست محیطی معکوس و اثر متغیرهای مصرف گرایی و سطح دین داری بر این متغیر مستقیم است. متغیر طبقه اجتماعی نیز به صورت غیرمستقیم و با میانجی گری متغیر دین داری بر رفتار مخرب زیست محیطی اثر معکوس دارد.

کلیدواژه ها: رفتارهای زیست محیطی، جوانی، دین داری، مصرف گرایی، آگاهی

زیست محیطی.

۱. مقدمه

به زعم جامعه شناسان حوزه محیط زیست، تعامل میان انسان و محیط زیست تحت تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی مختلفی قرار دارد. یکی از راهکارهای اجتناب از آسیب رساندن به محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن، تغییر رفتار انسان ها به سمت وسوی ابعاد طبیعت گرایانه است. در گذشته، طبیعت آدمی را تهدید می کرد. در این دوران بشر قادر نبود دخل و تصرفی در آن انجام دهد. اگر تغییر جزئی هم در محیط زیست ایجاد می کرد، طبیعت به راحتی این تصرفات را تحمل، جبران و بازسازی می کرد، اما امروزه این انسان است که طبیعت پیرامونش را تهدید می کند. انسان بر اسرار طبیعت دست یافت و در اثر گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن رابطه انسان با طبیعت متحول شد؛ در نتیجه با بهره برداری بی رویه خود از منابع طبیعی زمینه تخریب و آلودگی محیط زیست را فراهم کرد. وسعت این تخریب و آلودگی برای طبیعت تحمل ناپذیر و جبران نشدنی بود. آلودگی بی سابقه آب، خاک،

تغییرات آب و هوایی، باران اسیدی، همه زمین را به سوی فاجعه زیست محیطی پیش برد (سباتینی^۱، ۲۰۰۹، ص. ۱۳۴).

رفتارهای زیست محیطی انسان به عنوان یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر محیط زیست، مدنظر بسیاری از پژوهشگران و محیط گرایان قرار گرفته است. بلیک^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در بررسی وضعیت مشکلات زیست محیطی در خاورمیانه، به این مشکلات در ایران پرداختند. مطابق بررسی های آنها، ناپایداری زیست محیطی و تخریب گونه های زیستی و جانوری، در خطر افتادن امنیت آب و منابع آب و آلودگی هوا از مهم ترین مشکلات زیست محیطی در حال حاضر در جامعه ایران هستند. از نظر آنها یکی از دلایل اصلی این مشکلات، شهرنشینی سریع و بی توجهی به توسعه پایدار است که زمینه آسیب های زیست محیطی را در سطوح فردی و سازمانی فراهم می کند (میرزایی، شریف زاده و سهرابی، ۱۴۰۰، صص. ۱۸۴-۱۸۵)

گسترده گی شهر تهران، تراکم جمعیت، مصرف انبوه، تولید انبوه زباله و سبک زندگی گوناگون و ناپایدار شهروندان، به علاوه وجود محدودیت های طبیعی، فرهنگی و ساختاری در ایجاد و شکل گیری سبک زندگی پایدار، این شهر را به گزینه مناسبی برای مطالعات جامعه شناختی، زیست محیطی و شهرنشینی پایدار تبدیل کرده است.

از بین گروه های مختلف اجتماعی نیز دانش آموزان و دانشجویان در حفظ محیط زیست نقش اساسی ایفا می کنند. درواقع، این قشر به چند دلیل از جایگاه ویژه ای برخوردارند. نخست رفتار کنونی آنان بر محیط زیستی که در حال حاضر در آن زندگی می کنند، تأثیر می گذارد؛ دوم، به عنوان نسل آینده که نقش قشر تحصیل کرده در جامعه را ایفا خواهند کرد، مشاغل حساسی را اشغال خواهند کرد که از نظر حفاظت محیط زیست اهمیت دارد (پایتختی اسکوئی، بابازاده و اکبری، ۱۳۹۸، ص. ۲۸). از طرفی با توجه به اینکه جوانان کنشگران فعال

1. Sabatini

2. Blake

در عرصه دگرگونی‌های اجتماعی‌اند، انتظار می‌رود با توجه به مخاطرات جدی و تخریب‌کننده‌ای که گریبان‌گیر محیط‌زیست در جامعه امروزی است، رفتار سنجیده و مناسبی انجام شود که بتواند شرایط لازم را برای ترویج رفتار زیست‌محیطی مطلوب در جامعه فراهم کند و بنیان‌گذار جریان آگاه‌سازی و جنبش اجتماعی مثبت در حوزه محیط‌زیست باشد؛ به همین دلیل و با توجه به اهمیت حفظ محیط‌زیست، پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی وضعیت رفتارهای زیست‌محیطی مخرب این گروه اجتماعی (جوانان) بپردازد. درواقع، هدف کلی این پژوهش تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی جوانان شهر تهران بود.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

نبوی و مختاری هشی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی خانواده‌های تهرانی» انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بین سرمایه فرهنگی خانواده‌ها و رفتار زیست‌محیطی آنان رابطه مستقیم وجود دارد، اما در رابطه با خرده مقیاس‌های سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و تجسم‌یافته اثر مستقیم بر رفتارهای زیست‌محیطی خانواده دارند و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده فاقد اثر مستقیم بر رفتار زیست‌محیطی است. درمجموع، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، سن و مدت اقامت در محله، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را بر رفتارهای زیست‌محیطی خانواده‌ها داشته‌اند. کیانی‌سلمی و شاطریان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست (مطالعه موردی: شهروندان کاشان)» به این نتایج دست یافتند: بین عوامل سرمایه فرهنگی، هویت اجتماعی-فرهنگی و همبستگی اجتماعی با حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری وجود ندارد، اما رابطه بین مشارکت اجتماعی و آموزش‌های اجتماعی و فرهنگی درباره مسائل

زیست محیطی و حفظ محیط زیست معنادار است. آقایاری هیر، هنرور و علیزاده اقدام (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نقش واسطه‌ای مصرف‌گرایی در ارتباط بین مادی‌گرایی و ردپای اکولوژیک (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه)» به این نتایج دست یافتند که متغیرهای مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اثر مثبت و معناداری بر میزان ردپای اکولوژیک مصرف در بین شهروندان شهر ارومیه دارد. میرفردی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی)» به این نتایج دست یافتند که رفتار محیط‌زیستی با متغیرهای احساس مسئولیت اجتماعی، نگرش زیست محیطی و پایگاه اقتصادی-اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد. درواقع، نتیجه پژوهش بیان می‌کند که باورداشت‌ها و نگرش‌های افراد که نشانگر شرایط اجتماعی شدن آن‌هاست، نقش مهمی در رفتارهای زیست محیطی آن‌ها دارد. نواح و فروتن کیا (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان دین‌داری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)» به این نتایج دست یافتند که بین متغیرهای سن، جنس و تحصیلات با رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین دین‌داری و ارزش‌های زیست محیطی و ارزش‌های زیست محیطی با رفتار زیست محیطی نیز معنادار است، ولی متغیر دین‌داری با رفتار زیست محیطی رابطه معنادار ندارد.

آسیلسویا و اوکاتی^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رفتار محیط‌زیستی به‌عنوان تعیین‌کننده اصلی شهروندی بوم‌شناختی» به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های عمومی بر نگرش‌های محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند. این نگرش‌های محیط‌زیستی بر آگاهی و دانش محیط‌زیستی تأثیر می‌گذارند و در نتیجه آگاهی از مشکلات محیط‌زیستی، فرد متعهد می‌شود که سطح مشخصی از رفتارهای محیط زیستی را انجام دهد. اداره کل محیط‌زیست کمیسیون

1. Asilsoy & Oktay

اروپا^۱ (۲۰۱۷) پژوهشی با «عنوان نگرش شهروندان اروپایی به محیط زیست» (مطالعه میدانی) انجام داد. براساس یافته‌ها، نگرش، درک شهروندان از محیط زیست و مسائل مربوط به محیط زیست مثبت است و با سرمایه‌های فرهنگی و شاخص‌های شهرنشینی ارتباط مثبت دارد. گرایمته^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «اثرات آموزش‌های زیست محیطی بر جوانان و آگاهی‌های زیست محیطی» به بررسی اثرات آموزش محیط زیست بر آگاهی زیست محیطی جوانان در کاهش آلودگی زیست محیطی پرداختند. نتایج نشان داد، ارتقای آموزش زیست محیطی می‌تواند دانش و آگاهی‌های زیست محیطی جوانان را افزایش دهد و آلودگی‌های زیست محیطی همانند آلودگی در چرخه آب را تقلیل دهد. اکسن و کورانی^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر اجتماعی و رفتارهای فرامحیطی: لایه‌های بازتابی چارچوب تأثیر» نشان دادند که نفوذ اجتماعی از طریق لایه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند بر رفتارهای زیست محیطی افراد اثر بگذارد؛ به عنوان نمونه، آگاهی تحت تأثیر گسترش اطلاعات کارکردی ارتقا می‌یابد و مصرف‌کنندگان با افزایش آگاهی خود به ارزیابی فناوری و منافع آن می‌پردازند. با این آگاهی، نگرش‌ها و رفتار افراد در محیط زیست و درباره محیط زیست شکل می‌گیرد.

لیدلی^۴ (۲۰۱۳) پژوهشی را با عنوان «تأثیر طبقه و متغیرهای فرهنگی بر رفتارهای زیست محیطی» در شهر ماساچوست و بر داده‌های جمع‌آوری شده از طریق آژانس‌های مختلف ایالتی انجام شد. وی به این نتیجه رسید که طبقه اجتماعی تأثیر معناداری بر رفتار زیست محیطی شهروندان همچون بازیافت و استفاده نکردن از خودروهای شخصی دارد. نتایج حاصل از مطالعه پیشینه تجربی نشان می‌دهد که رفتارهای زیست محیطی معلول عوامل متفاوتی است که بین این عوامل نیز رابطه وجود دارد. با مروری بر پژوهش‌های

1. European Commission, Directorate –General for Environment

2. Grimmette

3. Axsen & Kurani

4. Laidley

پیشین درمی‌یابیم، پژوهش حاضر از لحاظ جامعه آماری بررسی شده در داخل کشور تازگی دارد. درواقع، با توجه به منابع قابل‌دسترس چنین به نظر می‌رسد که در زمینه تبیین جامعه‌شناختی رفتارهای زیست‌محیطی در بین جوانان در شهر تهران، پژوهشی انجام نشده است. این پژوهش می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده در زمینه رفتارهای زیست‌محیطی محسوب شود.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق: جامعه‌شناسی رفتارهای زیست‌محیطی

درباره مطالعه نظری رفتارهای زیست‌محیطی هرچند به‌صورت محدود در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی محیط‌زیست بحث شده است، اما تحول نظری و کاربردی آن را می‌توان به ظهور «پارادایم نوین زیست‌محیطی»^۱ نسبت داد. دانلپ^۲ و ون‌لیر^۳ در اواسط دهه ۱۹۷۰ پارادایم نوین زیست‌محیطی را مطرح کردند. آنان در بررسی‌های خود دریافتند که همراه با ظهور محیط‌زیست‌گرایی، چالش‌هایی برای دیدگاه‌های مردم به‌ویژه در آمریکا و اروپا درباره طبیعت و رابطه انسان با آن به وجود آمده است (کایزر^۴، ولفینگ^۵ و فاهرر^۶، ۱۹۹۹، به نقل از ملکی، صالحی و کریمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۴). آن‌ها این چالش را به‌عنوان تمایز میان پارادایم پیشین (استثنایی دانستن انسان) و پارادایم نوین زیست‌محیطی مطرح کردند (هانینگان^۷، ۱۳۹۲، ص. ۴). مفهوم‌سازی آن‌ها درمورد پارادایم نوین زیست‌محیطی حول عقایدی درباره توانایی انسان در به هم ریختن تعادل طبیعت، وجود محدودیت‌هایی برای رشد جوامع انسانی و حق انسان برای حکمرانی بر طبیعت متمرکز است. گزاره اصلی پارادایم نوین زیست‌محیطی این است که هر جامعه‌ای پارادایم اجتماعی غالبی دارد که

1. New Environmental Paradigm (NEP)
2. Dunlap
3. Van Liere
4. Kaiser
5. Wolfing
6. Fuhrer
7. Hannigan

براساس تجربه بنا شده، در ارزش‌ها تجلی یافته و به رفتار واقعی مرتبط است. مشخصه پارادایم اجتماعی غالب که طی قرن‌های متعدد در جامعه غربی رشد یافته است، پارادایم معافیت بشر است (آرکری^۱، یوهانسن^۲ و اسکولای^۳، ۱۹۸۶، صص. ۴۰-۳۵). از نظر ساتن^۴، ایده معافیت بشر از آنجا گسترش یافت که صنعتی شدن انسان‌ها را به پرواز بر فراز زمین و سفر به زیر اقیانوس‌ها قادر ساخت و آن‌ها توانستند بر تمام محدودیت‌هایی که ظاهراً به علت طبیعتشان بر آن‌ها تحمیل شده بود، پیروز شوند. هم‌زمان با رشد شهرنشینی که تماس با طبیعت را کاهش داد، زندگی انسان در ظاهر به‌طور فزاینده‌ای مستقل از دنیای مادی شد. برای مدت زیادی این‌طور به نظر می‌رسید که پیشرفت فناوریانه انسان به معنی معافیت او از قوانین طبیعی است (ساتن، ۱۳۹۲، ص. ۷۴). کاتون^۵ و دانلاب (۱۹۸۰) در راستای پارادایم نوین زیست‌محیطی منکر این نبودند که نوع بشر ویژگی‌های خاصی دارد، ولی این موضوع را نیز قبول نداشتند که چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود تا گونه‌های انسانی از محدودیت زیست‌محیطی مستثنا شوند. در همین راستا، کاتون و دانلاب بر این اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران در حال رشد زیست‌محیطی نه تنها برای جهان طبیعت پیامدهایی دارد، بلکه برای جامعه انسانی نیز نتایج مهمی به بار خواهد آورد. این رویکرد عرصه جدیدی را در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که محیط‌زیست را به اندازه فرایندهای سیاسی و اقتصادی، برای درک شرایط اجتماعی ضروری می‌داند. پارادایم نوین زیست‌محیطی، نوع بشر را فقط به عنوان جزئی از یک اکوسیستم بزرگ‌تر معرفی می‌کند و معتقد است که امور انسانی تحت تأثیر طبیعت و جامعه قرار می‌گیرد؛ به همین ترتیب، محیط بیوفیزیک، محیط مادی برای کنش انسانی ایجاد می‌کند (ایروین^۶، ۲۰۰۱، به نقل از نصرتی‌نژاد، سراج‌زاده و دیهول،

1. Arcury
2. Johnson
3. Scollay
4. Sutton
5. Catton
6. Irwin

۱۳۹۸، ص. ۴). درباره جامعه‌شناسی رفتارهای زیست‌محیطی به‌نوعی می‌توان در راستای پارادایم نوین زیست‌محیطی بحث کرد؛ هرچند در دیگر دیدگاه‌ها نیز درمورد آن نظریه‌پردازی شده است. رابطه بین محیط‌زیست و رفتارهای انسان بنیاد جامعه‌شناسی رفتارهای زیست‌محیطی است که بر مبنای آن به تبیین عواملی پرداخته می‌شود که رفتارهای زیست‌محیطی انسان‌ها را شکل می‌دهند. فیتکائو^۱ و کسل^۲ (۱۹۸۱) در نظریه خود درباره رفتار زیست‌محیطی پنج عامل را در تعیین رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر می‌دانند: اول، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد درمورد مسائل زیست‌محیطی است؛ دوم، امکانات برای رفتار زیست‌محیطی است که شامل عوامل بیرونی، زیربنایی و اقتصادی است که افراد را قادر به در پیش گرفتن رفتارهای زیست‌محیطی می‌سازد یا از تحقق آن ممانعت می‌کند؛ سوم، مشوق‌های رفتاری است که عموماً شامل عواملی می‌شود که می‌توانند از رفتارهای زیست‌محیطی حمایت کرده یا آن‌ها را تقویت کنند (مانند مطلوبیت اجتماعی، کیفیت زندگی و پس‌انداز مالی)؛ چهارم، پیامدهای ادراک‌شده درمورد رفتارهای زیست‌محیطی است که براساس آن فرد باید درکی مثبت از تداوم رفتار زیست‌محیطی دریافت کند. این بازخورد می‌تواند درونی (مانند رضایت از انجام کارهای مطلوب) یا بیرونی باشد (مانند نریختن زباله در خیابان، بازیافت خانگی زباله، دریافت پول برای بطری‌های جمع‌آوری شده)؛ پنجم، دانش است که در مدل فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) بر رفتار زیست‌محیطی تأثیر مستقیم ندارد، اما می‌تواند سبب تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها شود و از این طریق بر رفتارهای زیست‌محیطی تأثیر بگذارد (کولموس^۳ و آیزمن^۴، ۲۰۰۲، ص. ۲۴۶).

-
1. Fietkau
 2. Kessel
 3. Kollmuss
 4. Agyeman

هاینس^۱ (۱۹۸۷) با همکاری هانگرفورد^۲ و تومرا^۳ نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه را ارائه کرد. طبق نظریه آنان، شش متغیر بر رفتارهای زیست محیطی افراد تأثیرگذار هستند: اول، دانش درباره مسائل است. افرادی که با مشکلات زیست محیطی و دلایل رخ دادن آنها آشنا هستند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز دارند؛ دوم، دانش درباره استراتژی های فعالیت است. افرادی که درباره استراتژی ها و راهبردهای عمل کردن در راستای کاهش آثار مسائل زیست محیطی آگاهی دارند، رفتارهای زیست محیطی خود را نیز در این راستا تنظیم می کنند؛ سوم، حوزه کنترل است. این متغیر در این باره است که افراد بتوانند به این بینش برسند که توان و قدرت ایجاد تغییرات از طریق رفتارهای زیست محیطی خودشان را دارند و می توانند بر محیط تأثیرگذاری مثبت داشته باشند. هرچه این بینش در افراد بیشتر باشد، احتمالاً رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت، چهارم، نگرش است. افرادی که دارای نگرش زیست محیطی قوی تری هستند، احتمالاً رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت؛ پنجم، تعهدات شفاهی است. افرادی که به صورت شفاهی و در زندگی روزمره ابراز تمایل می کنند که به محیط زیست احترام می گذارند و مسائل زیست محیطی برایشان مهم است، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری دارند. در نهایت، احساس مسئولیت پذیری متغیر دیگری است که بر رفتار زیست محیطی افراد تأثیرگذار است. افرادی که در زندگی روزمره خود و به مسائل مرتبط با محیط زیست مسئولیت پذیری بیشتری دارند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز خواهند داشت (هاینس، هانگرفورد^۴ و تومرا^۵، ۱۹۸۷، صص. ۸-۱).

-
1. Hines
 2. Hungerford
 3. Tomera
 4. Hungerford
 5. Tomera

بوردن^۱ و فرانکیس^۲ (۱۹۷۸) در نظریه خود درباره رفتارهای زیست محیطی نوع دوستانه سه متغیر را در رفتارهای زیست محیطی مهم می دانند: خودخواهی، جهت گیری رقابتی و نیاز شخصی. افرادی که خودخواهی شدید و جهت گیری رقابتی در مسائل اجتماعی و زندگی روزمره دارند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه کمتری در مقایسه با افراد دگرخواه و غیررقابتی دارند. همچنین افرادی که نیازهای شخصی خودشان را بهتر می توانند برآورده کنند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری دارند. این افراد عموماً دسترسی مناسب به منابع سرمایه ای (مانند زمان، پول، انرژی) دارند؛ به همین دلیل، دغدغه های شخصی کمتری دارند، مسائل زیست محیطی برایشان مهم تر است و در نتیجه رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری دارند؛ بنابراین می توان براساس دیدگاه بوردن و فرانکیس (۱۹۷۸) گفت که دسترسی افراد به منابع سرمایه ای (سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی) احتمالاً سبب خواهد شد که این افراد رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری داشته باشند.

اولاندر^۳ و توجرسون^۴ (۱۹۹۵) در نظریه خود درمورد الگوی چندگانه رفتار زیست محیطی این مسئله را طرح می کنند که در بررسی رفتارهای زیست محیطی افراد باید عوامل انگیزشی، توانمندی و فرصت را به صورت هم زمان در نظر بگیریم. عوامل انگیزشی شامل باورهای افراد به مسائل زیست محیطی (که بر نگرش آنان تأثیرگذار است) و هنجارهای اجتماعی و نگرش (که بر نیت افراد برای درپیش گرفتن رفتار زیست محیطی خاص تأثیرگذار است) می شود. توانمندی مرتبط با دانش و عادت های افراد درمورد مسائل زیست محیطی است. درنهایت هر فرد به فرصت هایی نیاز دارد تا بتواند به رفتارهای

1. Borden

2. Francis

3. Ölander

4. Thøgersen

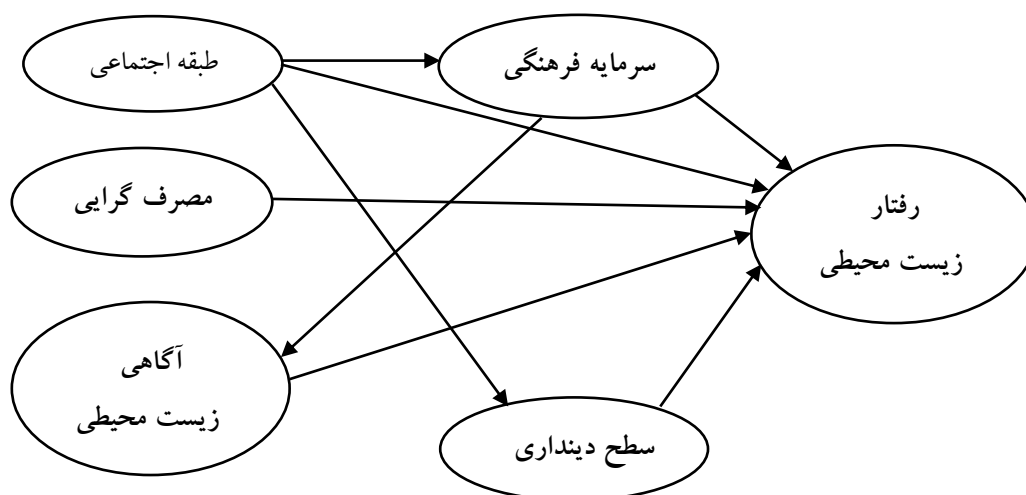
زیست محیطی مسئولانه‌ای داشته باشد. فرصت، پیش شرط‌های عینی برای رفتار زیست محیطی است (اولاندر و توجرسون، ۱۹۹۵، صص. ۳۶۰-۳۶۵، به نقل از پیٹیکاینن^۱، ۲۰۰۷، ص. ۱۵). بلیک (۱۹۹۹) این نظریه را مطرح می‌کند که سه عامل در رفتارهای زیست محیطی افراد نقش دارند: فردگرایی، مسئولیت‌پذیری و عمل‌گرایی. فردگرایی شامل عواملی می‌شود که بر شخص متکی بوده و به نگرش و خلق و خوی وی مرتبط است. وی معتقد است، این موانع در افرادی که نگرانی و دغدغه زیست محیطی چندانی ندارند، تأثیرگذارتر است. این نیازهای شخصی افراد است که رفتارهای زیست محیطی آنان را تعیین می‌کند؛ برای نمونه، نیاز یک فرد به پرواز از آمریکا به اروپا برای ملاقات خانواده‌اش سبب می‌شود که به حس مسئولیت‌پذیری به آلودگی آب و هوایی بی‌توجهی کند؛ دومین عامل، مسئولیت‌پذیری است. افرادی که رفتارهای زیست محیطی مناسب ندارند، احساس می‌کنند که توان و قدرت تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و موقعیت‌های زیست محیطی را ندارند و به همین دلیل مسئولیتی به محیط زیست احساس نمی‌کنند. وی این مسئله را مطرح می‌کند که فقدان اعتماد نهادی (و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی) سبب رفتارهای زیست محیطی غیرمسئولانه شده است؛ زیرا افراد به نهادها و دولت‌ها اعتماد ندارند و سیاست‌های زیست محیطی آن‌ها را مشکوک ارزیابی می‌کنند؛ سومین عامل، عمل‌گرایی است. عمل‌گرایی الزامی اجتماعی و نهادی است که افراد را از رفتارهای زیست محیطی بدون توجه به نگرش‌ها و نیت‌های آنان باز می‌دارد. فقدان زمان، فقدان پول و سرمایه اقتصادی، کمبود اطلاعات و... از جمله این الزامات هستند (کولوموس و آیژمن، ۲۰۰۲: ۲۴۷).

جدول ۱. فرضیات پژوهش و منابع نظری آنها

عنوان فرضیه	منبع نظری فرضیه	توضیح ارتباط نظریه و فرضیه
طبقه اجتماعی بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتارهای زیست محیطی (بلیک، ۱۹۹۹) نظریه رفتارهای زیست محیطی (فیتکائو و کسل، ۱۹۸۱)	بلیک (۱۹۹۹) معتقد است پول و سرمایه اقتصادی (شاخصه‌هایی از طبقه اجتماعی) بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار هستند. فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) نیز معتقدند که منابع مالی و غیرمالی افراد (شاخصه‌های طبقه اجتماعی) بر رفتارهای زیست محیطی آنان تأثیرگذار است.
مصرف‌گرایی بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه (هاینس و همکاران، ۱۹۸۷) نظریه رفتارهای زیست محیطی چندگانه (اولاندر و توجرسون، ۱۹۹۵)	هاینس و همکاران (۱۹۸۷) معتقدند، افرادی که به حفظ محیط زیست مسئولیت پذیر هستند (مصرف‌گرایی کمتری دارند)، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه‌تری نیز خواهند داشت. مصرف‌گرایی رفتاری در تضاد با مسئولیت‌پذیری زیست محیطی محسوب می‌شود. همچنین اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) معتقدند که عادت‌های افراد (از جمله مصرف‌گرایی) بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است.
سطح دین‌داری بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتارهای زیست محیطی (فیتکائو و کسل، ۱۹۸۱) نظریه رفتارهای زیست محیطی چندگانه (اولاندر و توجرسون، ۱۹۹۵)	فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) معتقدند که ارزش‌ها و نگرش‌های افراد بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است. دین‌داری را می‌توان منظومه‌ای از این ارزش‌ها و نگرش‌ها دانست. با توجه به فقدان نظریه‌ای برای تبیین تأثیرگذاری دین‌داری بر رفتارهای زیست محیطی می‌توان از این نظریه استفاده کرد. اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) نیز معتقدند که باورهای افراد (از جمله دین‌داری) بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است.
سرمایه فرهنگی بر رفتار زیست محیطی تأثیرگذار است.	نظریه رفتارهای زیست محیطی نوع دوستانه (بوردن و فرانکیس، ۱۹۷۸)	بوردن و فرانکیس (۱۹۷۸) معتقدند که هرچه افراد به منابع سرمایه‌ای دسترسی بیشتری داشته باشند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه‌تری خواهند داشت. سرمایه فرهنگی نیز یکی از این منابع سرمایه‌ای در کنار سرمایه اجتماعی و اقتصادی است.
آگاهی زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی	نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه (هاینس و همکاران	هاینس و همکاران (۱۹۸۷) معتقدند، افرادی که با مشکلات زیست محیطی و دلایل رخ دادن آنها آشنا هستند (آگاهی

عنوان فرضیه	منبع نظری فرضیه	توضیح ارتباط نظریه و فرضیه
تأثیرگذار است.	(۱۹۸۷)	زیست محیطی سطح بالایی دارند، رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری نیز دارند.

با توجه به نظریه‌های ارائه شده و مطالعات پیشین، مدل مفهومی تحقیق حاضر در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کمی و روش پیمایش انجام شده است. این پژوهش با توجه به معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار زمان، مقطعی است. جامعه آماری پژوهش، افراد ۱۸ تا ۳۵ سال شهر تهران در زمان مطالعه بودند. براساس آخرین آمار مربوط به سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعداد آن‌ها ۵۸۲۲۵۸ نفر است. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power و با مدنظر قرار دادن معیارهایی از جمله درصد خطا (۵ درصد)، توان آزمون (بیشتر از ۸۰ درصد)، حجم اثر شاخص ضریب تعیین (کمتر از

۵ درصد) و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل ۴۵۳ نفر برآورد شد. شیوه نمونه‌گیری در پژوهش حاضر نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. این تحقیق افراد خاصی را برای تکمیل پرسشنامه و آزمون متغیرهای خود در نظر گرفته است؛ به‌طوری‌که افراد واجد شرایط باید خصوصیات و ویژگی‌های خاصی داشته باشند؛ بنابراین نمونه‌گیری سهمیه‌ای برای این تحقیق به نظر مناسب است.

میرزایی، احمدی و لرستانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با هدف ارزیابی و تحلیل سطوح برخورداری مناطق کلان‌شهر تهران براساس ۳۲ شاخص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و خدماتی و تفریحی مناطق شهر تهران را به مناطق به شرح جدول ۲ دسته‌بندی کرده‌اند.

جدول ۲. خوشه‌بندی مناطق کلان‌شهر در عامل‌های تلفیقی

مأخذ: تلخیص از میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴

شرح	منطقه	درصد
فرا توسعه یافته	۶	۵
توسعه یافته رو به بالا	۳، ۱، ۲، ۷	۱۸
نیمه برخوردار	۱۱، ۵، ۴، ۱۳	۱۸
توسعه یافته رو به پایین	۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲	۵۵
منطقه محروم	۱۷	۵

در پژوهش حاضر از بین مناطق دسته‌بندی شده در جدول ۲، منطقه ۶ به عنوان تک منطقه فرا توسعه یافته، منطقه ۱۰ از بین مناطق کمتر توسعه یافته، منطقه ۱۷ به عنوان تک منطقه محروم، منطقه ۱۳ از بین مناطق نیمه برخوردار و منطقه ۲ از میان مناطق توسعه یافته انتخاب و مطالعه شدند. با توجه به حجم جمعیت هریک از مناطق مورد مطالعه به آن‌ها نمونه اختصاص داده شد. در جدول ۳ حجم جمعیت و نمونه هریک از این مناطق گزارش شده است.

جدول ۳. حجم جمعیت ۱۸ تا ۳۵ سال و نمونه آماری مناطق مطالعه شده

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵

منطقه	جمعیت	حجم نمونه
دو	۲۱۶۷۷۶	۱۶۹
شش	۸۴۸۶۶	۶۶
ده	۱۱۰۸۵۶	۸۶
سیزده	۷۷۶۵۶	۶۰
هفده	۹۲۱۰۴	۷۲

۳.۱. تعریف مفهوم و عملیاتی متغیرها

این قسمت به تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش در مدل نظری شامل متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش اختصاص یافته است. براساس مدل نظری پژوهش متغیرهای مستقل شامل طبقه اجتماعی، مصرف گرایی، سطح دین داری، سرمایه فرهنگی و آگاهی زیست محیطی است. متغیر وابسته پژوهش نیز رفتار زیست محیطی است.

۳.۱.۱. رفتار زیست محیطی

رفتار زیست محیطی^۱ مبین کنش ارادی فرد، یا گروه است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به تغییراتی در محیط زیست منجر می شود یا اینکه برای محیط زیست مفید یا مضر است (حمایت خواه، ارشاد، دانش و قربانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴). به منظور سنجش متغیر رفتار زیست محیطی در این پژوهش، بیشتر رفتارهایی مدنظر است که برای محیط زیست مضر است؛ از قبیل رها کردن زباله های در جنگل، ساحل و...، تبدیل یک باغ به سینما، یادگاری نوشتن روی درخت، روشن کردن آتش در جنگل و... درواقع، برای سنجش این مفهوم از ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت و مقیاس پنج گزینه ای شامل کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق

1. Environmental behavior

(۵) استفاده شده است. موافقت با این گویه‌ها بیانگر رفتار غیرمسئولانه در قبال محیط زیست و مخالفت با آن‌ها نشان‌دهنده رفتار محیط‌گرایانه یا مسئولانه در قبال محیط زیست است.

۳. ۱. ۲. طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی به بخشی از اعضای جامعه گفته می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت، فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشد (کوئن، ۱۳۷۰، ص. ۱۷۸). در این پژوهش عضویت در طبقه اجتماعی به عنوان جایگاه فرد برحسب میزان بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی و اجتماعی به صورت یک شاخص ترکیبی تعریف شده است. در طبقه اجتماعی، ملاک تشخیص نوع طبقه اجتماعی فرد، میزان بهره‌مندی او از معیاری عینی و ذهنی طبقه یعنی تحصیلات، درآمد، شغل، پایگاه اجتماعی و... در نظر گرفته شده است.

۳. ۱. ۳. سرمایه فرهنگی

بوردیو معتقد است که سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل متجسد^۱ یا تجسم یافته (تمایلات و گرایشات روانی فرد به استفاده از کالای فرهنگی یا به عبارتی سلیق فرهنگی)، عینیت یافته^۲ (میزان مصرف کالاهای فرهنگی‌ای چون کتاب‌ها، کامپیوتر، هنر و...) و نهادینه شده^۳ (مدارک واقعی یا شواهد پایگاه‌های علمی-فرهنگی مثل مدارک تحصیلی) وجود داشته باشد (تاجبخش، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۷). مبنای تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی در پژوهش حاضر تعریف بوردیو از این مفهوم است. درواقع، در این پژوهش سرمایه فرهنگی با سه بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته (ذهنی) عینیت یافته (عینی) و نهادی شده (ضابطه‌ای) با استفاده از ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت و مقیاسی پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) سنجش شده است.

1. Embodied

2. Objectified

3. Presuppositions

۳. ۱. ۴. مصرف گرایی

کاربریل و لانگ^۱ (۱۹۹۵) بر این عقیده‌اند که مصرف گرایی به زندگی‌ای اشاره دارد که در حد وسیعی با مصرف عجین شده است. مایلس^۲ (۱۹۹۸) مصرف گرایی را وجوه فرهنگی عمل شایع مصرف تعریف کرده است (علیخواه، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۳). گدازگر^۳ برای مصرف گرایی چهار بعد فرد محوری، کثرت گرایی، لذت گرایی و تخیل گرایی در نظر گرفته است (گدازگر، ۲۰۰۷، صص. ۳۸۹-۴۱۸). در این پژوهش متغیر مصرف گرایی در راستای چهار بعد فردمحوری، کثرت گرایی، لذت و تجمل گرایی و تخیل گرایی با استفاده از ۲۱ گویه در قالب طیف لیکرت و یک مقیاس پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) سنجش شده است. مخالفت با این گویه‌ها نشان‌دهنده مصرف گرایی کم و موافقت با آن‌ها بیانگر مصرف گرایی زیاد است.

۳. ۱. ۵. دین داری

دین داری عبارت است از وضعیت اعتقادی، احساسی، ادراکی، عاطفی انسان در مواجهه با امور قدسی که ابعاد مختلفی چون اعتقادی، مناسکی، اخلاقی و رفتاری را در برمی گیرد (حجازی و حیدرخانی ۱۳۹۱: ۱۳۴). برای سنجش سطح دین داری در این تحقیق، از مدل معروف گلاک و استارک^۴ استفاده شده است. در پژوهش حاضر دین داری افراد با استفاده از پنج بعد شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، مناسکی، دانشی و پیامدی و ۲۱ گویه در قالب طیف لیکرت و مقیاسی پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۵) سنجش شده است.

۳. ۱. ۶. آگاهی زیست محیطی

از نظر مفهومی، آگاهی زیست محیطی بر میزان اطلاعات فرد درمورد مسائل زیست محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت از چگونگی رفتار به منظور بهبود

1. Gabriel. & Lang

2. Miles

3. Godazgar

4. Glock and Stark

معضلات آن دلالت دارد (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). برای اندازه‌گیری متغیر آگاهی زیست محیطی از دو بعد آگاهی زیست محیطی عام و خاص و ۲۰ گویه در قالب یک طیف دوجهی با گزینه درست (بلی) و نادرست (خیر) استفاده شد. کسب نمره زیاد، نشان‌دهنده آگاهی زیست محیطی مطلوب و کسب نمره کم، بیانگر آگاهی زیست محیطی نامطلوب یا ضعیف است.

۳.۲. اعتبار و پایایی

برای بررسی اعتبار ابزار سنجش متغیرهای پژوهش از روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) و اعتبار سازه (رویکرد تحلیل عاملی تأییدی) و شاخص‌های مرتبط با این رویکرد شامل اعتبار همگرا^۱ (شاخص متوسط واریانس استخراج شده)^۲ و اعتبار ممیز^۳ (بارهای عاملی متقاطع^۴، معیار فورنل و لارکر^۵ و شاخص خصیصه متفاوت-خصیصه یکسان^۶) استفاده شده است. به منظور بررسی پایایی ابزار سنجش متغیرهای اصلی پژوهش نیز با توجه به تکنیک‌های رایج سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی از شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ^۷ استفاده شد. در جدول ۴ برآورد مقادیر مربوط به شاخص AVE و ضریب آلفای کرونباخ گزارش شده است.^۸

1. Convergent Validity
2. Average Variance Extracted
3. Discriminant Validity
4. Cross loadings
5. Fornell & Larcker
6. Hetero-Trait Mono-Trait Ratio
7. Cronbach's Alpha

۸. مقادیر مربوط به شاخص‌های اعتبار ممیز به دلیل حجم زیاد جداول مربوط به این شاخص‌ها در متن مقاله گزارش نشده است.

جدول ۴. برآورد مقادیر مرتبط با شاخص AVE، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی^۱

متغیر	ابعاد	AVE	ضریب آلفای کرونباخ
مصرف گرایی	فردمحوری	۰/۵۲	۰/۷۲
	کثرت گرایی	۰/۵۰	۰/۷۰
	لذت و تجمل گرایی	۰/۵۱	۰/۸۱
	تخیل گرایی	۰/۵۰	۰/۸۰
سطح دین داری	اعتقادی	۰/۵۰	۰/۸۲
	عاطفی	۰/۷۷	۰/۸۵
	پیامدی	۰/۵۸	۰/۷۶
	مناسکی	۰/۷۱	۰/۸۶
	دانشی	۰/۷۶	۰/۸۴
سرمایه فرهنگی	تجسم یافته	۰/۵۹	۰/۷۰
	عینیت یافته	۰/۵۰	۰/۸۵
	نهادینه شده	۰/۵۳	۰/۷۰
رفتار زیست محیطی	—	۰/۵۰	۰/۸۶

با توجه به مقادیر جدول ۴، شاخص AVE بر مطلوبیت اعتبار همگرایی ابزار سنجش متغیرهای پژوهش دلالت دارد. مقادیر ضریب آلفای کرونباخ نیز گویای دقت اندازه گیری ابزار سنجش متغیرهای پژوهش و به عبارت دیگر پایابودن ابزار این متغیرهاست.

۴. یافته های تحقیق

۴.۱. یافته های توصیفی

در این قسمت ابتدا برحسب متغیرهای جمعیت شناختی، توصیفی از نمونه آماری پژوهش ارائه شده و در ادامه متغیرهای اصلی پژوهش با استفاده از شاخص های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) توصیف شده اند.

۱. درباره متغیرهای طبقه اجتماعی و آگاهی زیست محیطی باید گفت، به دلیل ماهیت ساختی این متغیرها امکان گزارش مقادیر ضریب آلفای کرونباخ، شاخص AVE و شاخص های مربوط به اعتبار ممیز وجود ندارد.

توزیع نمونه آماری پژوهش برحسب متغیر جنس بیانگر این است که ۳۶/۹ درصد از نمونه آماری پژوهش را زنان و ۶۳/۱ درصد را مردان تشکیل دادند. سن نمونه آماری پژوهش از حداقل ۱۸ تا حداکثر ۳۵ سال و میانگین سن آن‌ها ۲۳ سال بود. توزیع نمونه آماری برحسب سن گویای این است که ۰/۲ درصد از نمونه آماری پژوهش بی‌سواد بودند. ۱۳/۷ درصد دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۵/۴ درصد دیپلم، ۱۰ درصد فوق دیپلم، ۲۷/۹ درصد کارشناسی، ۱۰/۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند. برحسب منطقه سکونت نیز باید گفت ۳۷/۵ درصد از نمونه آماری پژوهش ساکن منطقه ۲، ۱۴/۶ درصد منطقه ۶، ۱۳/۲ درصد منطقه ۱۰، ۱۹ درصد منطقه ۱۳ و ۱۵/۷ درصد ساکن منطقه ۱۷ بودند.

جدول ۵. توصیف متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر	نوع متغیر	شاخص			
		میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی
مصرف‌گرایی	مستقل	۳/۲۵	۰/۵۸	۰/۳۴	-۰/۰۸
سطح دین‌داری	مستقل	۳/۳۰	۰/۷۹	۰/۶۳	-۰/۴۰
سرمایه فرهنگی	مستقل	۳/۲۸	۰/۶۹	۰/۴۸	-۰/۲۱
آگاهی زیست‌محیطی	مستقل	۱۲/۶۸	۲/۳۴	۵/۵۹	-۰/۳۷
رفتار زیست‌محیطی	وابسته	۲/۱۸	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۶۵

مقادیر جدول ۵ نشان می‌دهد: الف. میانگین متغیرهای مستقل پژوهش ازجمله مصرف‌گرایی، سطح دین‌داری، سرمایه فرهنگی و آگاهی زیست‌محیطی بیشتر از حد متوسط برآورد شده است؛ یعنی میزان مصرف‌گرایی، سطح دین‌داری، سرمایه فرهنگی و آگاهی زیست‌محیطی نمونه آماری پژوهش در وضعیت نسبتاً مطلوب قرار دارد؛ ب. درباره متغیر وابسته پژوهش باید گفت، میانگین متغیر رفتارهای زیست‌محیطی کمتر از حد متوسط است.

درواقع، با توجه به سنجش متغیر رفتارهای زیست محیطی می توان گفت وضعیت این متغیر در بین نمونه آماری پژوهش نسبتاً مطلوب است.

۲.۴. یافته های استنباطی

این قسمت به طور مشخص به آزمون فرضیه پژوهش یا به عبارت دقیق تر برآزش مدل نظری پژوهش اختصاص دارد. به منظور برآزش مدل مذکور از رویکرد مدل سازی معادله ساختاری کواریانس محور استفاده شد. قبل از اجرای مدل سازی معادله ساختاری ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش محاسبه و گزارش شده است.

جدول ۶. برآورد مقادیر ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	طبقه اجتماعی	دین داری	مصرف گرایی	سرمایه فرهنگی	آگاهی زیست محیطی
دین داری	۰/۰۶				
مصرف گرایی	۰/۰۲	۰/۰۶			
سرمایه فرهنگی	۰/۴۰**	۰/۰۳	۰/۱۲*		
آگاهی زیست محیطی	۰/۱۱	۰/۱۰*	-۰/۱۰*	۰/۰۳	
رفتارهای زیست محیطی	-۰/۰۹*	۰/۲۰**	۰/۳۸**	۰/۰۳	-۰/۲۱**

مقادیر مربوط به برآورد ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۶ نشان می دهد: الف. بین متغیرهای طبقه اجتماعی، سطح دین داری، مصرف گرایی و آگاهی زیست محیطی با متغیر رفتارهای زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد ($\text{Sig} < ۰/۰۵$). با توجه به مقدار ضریب پیرسون رابطه متغیرهای طبقه اجتماعی و آگاهی زیست محیطی با این متغیر معکوس و رابطه متغیرهای سطح دین داری و مصرف گرایی با این متغیر مستقیم است؛ ب. رابطه بین متغیر سرمایه فرهنگی با رفتارهای زیست محیطی معنادار نیست.

شایان ذکر است، اجرای مدل سازی معادله ساختاری کواریانس محور مستلزم پیش فرض هایی از جمله حجم بهینه نمونه، بررسی موارد پرت چندمتغیره، توزیع نرمال چندمتغیره و واریانس هم خطی بین متغیرهای مستقل پژوهش است. در این پژوهش نیز

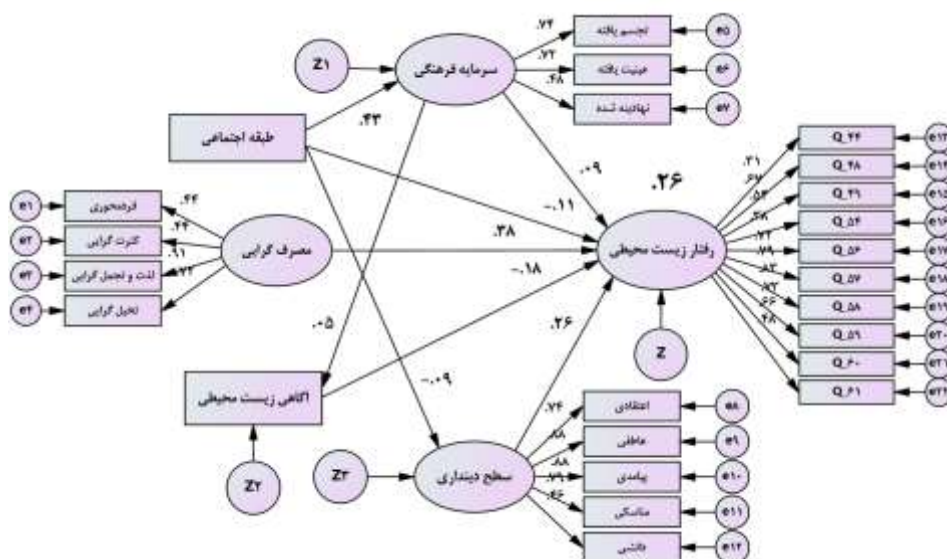
نخست با در نظر گرفتن میزان پیچیدگی مدل و حد زیاد نسبت حجم نمونه به تعداد متغیرهای مشاهده شده و پارامترهای آزاد (نسبت ۲۰ به ۱)، فرض بر این گذاشته شد که حجم نمونه ۴۵۳ نفر برای انجام مدل سازی کفایت لازم را دارد؛ دوم، برای شناسایی و حذف موارد پرت چندمتغیره از شاخص فاصله شاخص فاصله مالهونویس^۱ استفاده شد؛ سوم، برای بررسی توزیع نرمالیتی چندمتغیره ضریب مردیا^۲ محاسبه شد. همچنین برای واریانس هم خطی چندگانه بین متغیرهای مستقل پژوهش دو شاخص عامل تورم واریانس^۳ و شاخص تحمل^۴ مدنظر قرار گرفت. در جدول ۷ برآوردهای مربوط به این دو شاخص گزارش شده است.

جدول ۷. برآورد مقادیر شاخص های هم خطی چندگانه متغیرهای مستقل

متغیر	Tolerance	VIF
طبقه اجتماعی	۰/۷۲	۱/۳۸
مصرف گرایی	۰/۹۸	۱/۰۲
سطح دین داری	۰/۹۸	۱/۰۲
سرمایه فرهنگی	۰/۷۳	۱/۳۷
آگاهی زیست محیطی	۰/۹۶	۱/۰۴

در ادامه برآوردهای مربوط به مدل سازی معادله ساختاری شامل شاخص های برازش کلیت مدل و پارامترهای اصلی (اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) در شکل ۲ و جداول ۸ و ۹ ارائه شده است.

-
1. Mahalanobis Distance
 2. Mardia
 3. VIF (Variance Inflation Factor)
 4. Tolerance



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل پژوهش بر متغیر رفتار زیست محیطی

جدول ۸. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برآزش مطلق		برآزش تطبیقی			برآزش مقتصد		هلا
	GFI	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA	
مقدار	۰/۹۰	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۷۹	۲۴۶	۲/۸۷	۰/۰۶	۱۸۲

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها، درمجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود؛ به عبارت دیگر، برآزش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۹. برآورد اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر رفتار زیست محیطی

متغیر مستقل	میانجی	متغیر وابسته	ضریب تعیین	برآورد			
				مستقیم		غیر مستقیم	
				مقدار	بتا	مقدار	بتا
طبقه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	رشد اقتصادی	۰/۲۶	۰/۰۴۷	-۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۴۵۱
	سطح دین داری			-۰/۰۲	۰/۰۱۳		
	-			۰/۰۱۲	-		
	-			۰/۰۰۵	-		
	آگاهی زیست محیطی			۰/۱۴۱	۰/۰۹		
	آگاهی زیست محیطی			۰/۰۱۴	-		
	سرمایه فرهنگی			۰/۰۹	۰/۱۴۱	۰/۰۱	۰/۶۲۵
سطح دین داری	-	-	-	-			
مصرف گرایی	-	-	-	-			

مقادیر جدول ۹ نشان می دهد: الف. ضریب تعیین برابر با ($r^2 = 0/26$) است؛ به بیان دیگر، ۲۶ درصد از تغییرات متغیر رفتار زیست محیطی بر حسب متغیرهای مستقل پژوهش تبیین شدنی است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر، شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می شود؛ به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل پژوهش در حد زیاد، توان تبیین واریانس متغیر رفتار زیست محیطی را دارند؛ ب. اثر مستقیم همه متغیرهای مستقل به جز سرمایه فرهنگی شامل طبقه اجتماعی، سطح دین داری، مصرف گرایی و آگاهی زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/05$). با توجه به مقادیر مربوط به ضرایب تأثیر می توان گفت، اثر متغیر طبقه و آگاهی زیست محیطی بر رفتار زیست محیطی معکوس و در حد ضعیف و اثر متغیرهای مصرف گرایی و سطح دین داری مستقیم و در حد متوسط است؛ ج. اثر غیرمستقیم متغیر طبقه اجتماعی با میانجی گری دین داری بر رفتار زیست محیطی به لحاظ آماری معنادار است ($p < 0/05$)؛ بنابراین متغیر سطح دین داری در رابطه بین طبقه اجتماعی با رفتار زیست محیطی نقش میانجی ایفا می کند. با مدنظر قراردادن مقدار ضریب می توان گفت، این اثر معکوس و ضعیف است؛ این در حالی است که اثر

غیرمستقیم متغیر طبقه اجتماعی با میانجی‌گری سرمایه فرهنگی و اثر غیرمستقیم متغیر سرمایه فرهنگی با میانجی‌گری آگاهی زیست‌محیطی بر رفتار زیست‌محیطی به لحاظ آماری معنادار نیست ($p > 0/05$)؛ بنابراین متغیر سرمایه فرهنگی در رابطه بین متغیر طبقه اجتماعی با رفتار زیست‌محیطی و متغیر آگاهی زیست‌محیطی در رابطه بین سرمایه فرهنگی با رفتار زیست‌محیطی نقش میانجی ایفا نمی‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به دلیل اهمیت موضوع رفتارهای زیست‌محیطی، در چند دهه اخیر تحقیقات زیادی درباره این رفتارها انجام شده است که عوامل متعدد مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی را بررسی کردند. در این پژوهش تلاش شد، از منظر جامعه‌شناختی عوامل تأثیرگذار بر رفتار زیست‌محیطی جوانان شهر تهران تبیین شود.

نتایج نشان داد، در جامعه آماری مطالعه‌شده، طبقه اجتماعی در بخش کوچکی از جامعه آماری منجر به کاهش رفتارهای مضر زیست‌محیطی منجر شود. پیش فرض نظری این است که طبقات بالاتر از رفتارهای زیست‌محیطی بهتری برخوردارند. این نتایج در راستای نظریه‌های رفتارهای زیست‌محیطی بلیک (۱۹۹۹) و رفتارهای زیست‌محیطی فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) است. همان‌طور که بحث شد، این نظریه‌ها بر این باور هستند که شاخصه‌های طبقه اجتماعی مانند سرمایه، پول، منابع مالی و... رفتارهای زیست‌محیطی را تعیین می‌کنند. هرچه افراد دسترسی بیشتری به این منابع داشته باشند، یعنی طبقه اجتماعی-اقتصادی بالاتری داشته باشند، رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌تری دارند. درواقع، طبقات بالای جامعه کمتر به محیط‌زیست آسیب می‌زنند (در سطح خرد) و رفتارهای زیست‌محیطی مخرب و مضر آنان کمتر است. از لحاظ تجربی، یافته‌های این بخش پژوهش در راستای یافته‌های مطالعات لیدلی (۲۰۱۳)، آقایی هیر و همکاران (۱۳۹۵) و میرفردی (۱۳۹۵) است. براساس نتایج کلی این پژوهش‌ها، طبقه اجتماعی-اقتصادی بر رفتارهای زیست‌محیطی تأثیر معناداری دارد؛ بدین

صورت که هرچه طبقه افراد بالاتر باشد، رفتارهای مخرب زیست محیطی کمتری نیز خواهند داشت.

نتایج پژوهش نشان داد، تأثیر آگاهی زیست محیطی بر رفتارهای مضر زیست محیطی رابطه معکوس و ضعیفی دارد. آگاهی زیست محیطی در بخش کوچکی از جامعه آماری می تواند به کاهش رفتار زیست محیطی مضر منجر شود. این یافته نیز در تعامل با نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه هاینس و همکاران (۱۹۸۷) است که این ایده را طرح می کند که آگاهی زیست محیطی به رفتارهای زیست محیطی مسئولانه نیز منجر خواهد شد. نتایج پژوهش حاضر نیز مؤید همین ایده نظری بود. آگاهی زیست محیطی هنجارهای ذهنی افراد را تغییر می دهد و از این طریق بر رفتارهای زیست محیطی آنان تأثیر خواهد گذاشت. این نتایج از لحاظ تجربی در راستای یافته های مطالعات شمس و اخبار (۱۳۹۷) و گرایمه (۲۰۱۴) است، اما نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش صالحی و کریمزاده (۱۳۹۰) هماهنگی ندارد.

همچنین یافته ها نشان داد، مصرف گرایی در بین بخش زیادی از جامعه آماری می تواند به افزایش رفتارهای زیست محیطی مضر منجر شود. این یافته پژوهش با نتایج تحقیق زارع، حبیب پورگتایی و عابدینی (۱۳۹۹) و آقایاری هیر و همکاران (۱۳۹۶) که پیش بینی شده بود رابطه مثبت و معناداری بین مصرف گرایی و رفتارهای زیست محیطی وجود دارد، مطابقت دارد. از لحاظ نظری این نتیجه در تعامل با نظریه های مرسوم جامعه شناسی رفتارهای زیست محیطی مانند نظریه رفتار زیست محیطی مسئولانه هاینس و همکاران (۱۹۸۷) و نظریه رفتارهای زیست محیطی چندگانه اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) است. براساس این نظریه ها، مسئولیت پذیری در رفتارهای روزمره از جمله مصرف گرایی می تواند سبب تقویت رفتارهای زیست محیطی مسئولانه یا کاهش رفتارهای زیست محیطی مضر شود.

براساس یافته های پژوهش، در جامعه آماری مطالعه شده، سطح دین داری بر رفتار زیست محیطی تأثیر دارد؛ یعنی سطح دین داری در بین بخش کوچکی از جامعه آماری

می‌تواند به افزایش رفتارهای مضر زیست‌محیطی منجر شود. یافته‌های این تحقیق با نتایج تحقیق نواح، فروتن کیا و پورترکارونی (۱۳۹۰) که نشان داد بین دو متغیر سطح دین‌داری با رفتار زیست‌محیطی رابطه معنادار وجود ندارد، همسوست، اما با نتایج تحقیق ادهمی و اکبرزاده (۱۳۹۰) که اظهار کردند ارزش‌های سنتی و دینی بر حفظ محیط‌زیست و رفتارهای زیست‌محیطی مؤثر است، همسو نیست. همچنین از لحاظ نظری می‌توان گفت، یافته‌های این بخش پژوهش در تعامل با نظریه‌های رفتارهای زیست‌محیطی فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) و رفتارهای زیست‌محیطی چندگانه اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) است. این نظریه‌ها معتقد هستند که باورها و ارزش‌های افراد (از جمله دین‌داری) بر رفتارهای زیست‌محیطی تأثیرگذار هستند، اما مسئله مهم ماهیت باورها و ارزش‌هاست. در صورتی دین‌داری می‌تواند تأثیرگذاری مثبت بر رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه داشته باشد که ماهیتی ضد زیست-محیطی به خود نگیرد. برای تبیین این امر می‌توان گفت، به نظر می‌رسد افراد دین‌دار به آموزه‌های دینی در حفظ محیط‌زیست توجه نمی‌کنند؛ زیرا بخشی از کارکرد ابعاد اخلاقی و شرعی دین اسلام، توجه به محیط‌زیست است؛ در حالی که ابعاد اعتقادی و عبادی بیشتر جنبه متافیزیکی به خود گرفته‌اند و نقش کارکردی کمتری در رابطه با محیط ایفا می‌کنند.

از سوی دیگر نتایج تحقیق نشان داد، رابطه معناداری بین سرمایه فرهنگی با رفتارهای زیست‌محیطی وجود ندارد و سرمایه فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی افراد جامعه مطالعه‌شده تأثیر ندارد که با یافته‌های تحقیق کیانی سلمی و شاطریان (۱۳۹۶) که به این نتیجه رسیدند بین سرمایه فرهنگی با حفظ محیط‌زیست رابطه معناداری وجود ندارد، مطابقت دارد، اما با یافته‌های مطالعات نبوی و مختاری هشی (۱۳۹۷) و اداره کل محیط‌زیست اروپا (۲۰۱۷) همخوانی ندارد. از لحاظ نظری نیز این یافته پژوهش حاضر در تعارض با نظریه رفتارهای زیست‌محیطی نوع‌دوستانه بوردن و فرانکیس (۱۹۷۸) است. این نظریه معتقد است، دسترسی به منابع سرمایه‌ای از جمله سرمایه فرهنگی می‌تواند سبب رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه‌تری شود.

در انتها، روش شناسی علمی ایجاب می کند به این نکته اشاره شود که چنین تبیینی اگرچه با واقعیت های مشاهده شده همسازی داشته باشد، لزوماً موجه ترین تبیین نیست. برای آزمون تبیین های مختلف باید متغیرها و سازه های بیشتری را مدنظر قرار داد و براساس چشم اندازهای نظری و مدل های ساختاری دیگر، به این مسئله پرداخت. با توجه به اهمیت موضوع، پیشنهاد می شود پژوهش های آینده با چارچوب های نظری بدیل و آزمودنی های متفاوت در سطوح وسیع تر انجام پذیرد. درنهایت، به عنوان محدودیت پژوهش حاضر باید این نکته را مدنظر داشت که با توجه به شیوه نمونه گیری سهمیه ای به کاررفته، امکان تعمیم نتایج پژوهش حاضر در مقایسه با شیوه های نمونه گیری احتمالی، اطمینان کمتری دارد.

کتابنامه

۱. آقایی هیر، ت.، هنرور، ح.، و علیزاده اقدم، م. ب. (۱۳۹۶). نقش واسطه ای مصرف گرایی در ارتباط بین مادی گرایی و رد پای اکولوژیک (مورد مطالعه: شهروندان ارومیه). *آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، ۶(۱)، ۱-۱۸.
۲. بیرو، آ. (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*. (ب، ساروخانی، مترجم). تهران: کیهان.
۳. پایتختی اسکونی، ع.، بابازاده، م.، و طبقچی اکبری، ل. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل آموزشی بر رفتارهای زیست محیطی در ایران. *مطالعات جامعه شناختی*، ۱۱ (۴۲)، ۲۳-۴۹.
۴. تاجبخش، ک. (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، توسعه*. (ا. خاکباز، و ح. پویان، مترجمان) (چاپ سوم). تهران: نشر شیرازه.
۵. حجازی، ن.، و حیدرخانی، ه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میزان دین داری و سبک زندگی جوانان. *مطالعات جامعه شناسی*، ۴(۱۶)، ۱۲۷-۱۴۴.
۶. حمایت خواه جهرمی، م.، ارشاد، ف.، دانش، پ.، و قربانی، م. (۱۳۹۶). تأملی جامعه شناختی در باب مناسبات دانش، نگرش و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران). *مسائل اجتماعی ایران*، ۱(۱)، ۵-۲۵.

۷. زارع، ب.، حبیب‌پور گتایی، ک.، و عابدینی، ع. (۱۳۹۹). رابطه بین مصرف‌گرایی و جهت‌گیری‌های ارزشی با شهروندی زیست‌محیطی در بین شهروندان تبریز. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۹(۲)، ۷۳-۹۸.
۸. ساتن، ف. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی محیط‌زیست* (ص. صالحی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
۹. صالحی، ص.، و امام‌قلی، ل. (۱۳۹۱). مطالعه تجربی رابطه آگاهی و رفتارهای محیط‌زیستی (مطالعه مناطق شهری و روستایی شهرستان سنندج). *مجله مسائل اجتماعی ایران*، ۳(۱)، ۱۲۱-۱۴۷.
۱۰. علیخواه، ف. (۱۳۸۶). پیامدهای سیاسی مصرف‌گرایی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱)، ۲۳۱-۲۵۶.
۱۱. فروتن کیا، ش.، و نواح، ع. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی محیط‌زیست* (چاپ اول). تهران: انتشارات احسان.
۱۲. کوئن، ب. (۱۳۷۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی* (م. ثلاثی، مترجم). تهران: فرهنگ معاصر.
۱۳. کیانی سلمی، ص.، و شاطریان، م. (۱۳۹۶). شناسایی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست (مطالعه موردی: شهروندان کاشان) *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۶(۲)، ۱۱۰-۱۱۵.
۱۴. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری کشور. بازیابی از <http://amar.sci.org.ir>
۱۵. ملکی، ا.، صالحی، ص.، و کریمی، ل. (۱۳۹۳). بررسی رابطه پارادایم نوین اکولوژیکی و رفتار مصرف‌آب. *مجله آب و فاضلاب*، ۱۹، ۱۲۲-۱۲۹.
۱۶. میرزایی، ج.، احمدی، س.، و لرستانی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی سطوح برخورداری مناطق کلان‌شهر تهران از منظر اقتصاد شهری تهران. *فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، ۳(۱۱)، ۵۹-۷۷.
۱۷. میرزایی، ح.، شریف‌زاده، ح.، و سهرابی، م. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی در ایران (فراتحلیلی از تحقیقات موجود). *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۰(۲)، ۱۸۳-۲۰۳.

۱۸. میرفردی، ا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار زیست محیطی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی). *فصلنامه آموزش و محیط زیست و توسعه پایدار*، ۱۱(۴۲)، ۱۰۱-۱۱۴.
۱۹. نبوی، س. ح.، و مختاری هشی، ع. (۱۳۹۷). سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست محیطی خانواده های تهران. *مسائل اجتماعی ایران*، ۹(۲)، ۲۰۹-۲۳۲.
۲۰. نصرتی نژاد، ف.، سراج زاده، ح.، و دیهول، م. (۱۳۹۸). تبیین جامعه شناختی رفتار زیست محیطی (مطالعه موردی: شهروندان تهرانی). *فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی*، ۱(۳)، ۱-۲۱.
۲۱. نواح، ع. ر.، فروتن کیا، ش.، و پورترکارونی، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان دین داری با ارزش ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز). *مطالعات جامعه شناختی شهری*، ۱(۱)، ۷۷-۹۸.
۲۲. هانیگان، ج. (۱۳۹۲). *جامعه شناسی محیط زیست* (ص. صالحی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.
۲۳. وبلن، ت. (۱۳۹۲). *نظریه طبقه تن آسا* (ف. ارشاد، مترجم) (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
۲۴. وردیو، پ. (۱۳۹۳). *تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت های ذوق*. (ح. چاوشیان، مترجم). تهران: ثالث.
25. Arcury, T. A., Johnson, T. P., & Scollay, S. J. (1986). Ecological worldview and environmental knowledge: The "new environmental paradigm". *The Journal of Environmental Education*, 17(4), 35-40.
26. Asilsoy, B., & Oktay, D. (2018). Exploring environmental behaviour as the major determinant of ecological citizenship. *Sustainable Cities & Society*, 39, 765-771.
27. Axsen, J., & Kurani, K. S. (2014). Social influence and proenvironmental behavior: The reflexive layers of influence framework. *Environment and Planning B: Planning and Design*, 41(5), 847-862.
28. Borden, R. J., & Francis, J. L. (1978). Who cares about ecology? Personality and sex differences in environmental concern. *Journal of Personality*, 46(1), 190-203.
29. European Commission, Directorate-General for Environment. (2017). Attitudes of European citizens towards the environment, fieldwork. Retrieved from <http://ec.europa.eu/commfrontoffice/publicopinion>
30. Godazgar, H. (2007). Islam versus consumerism & post modernism in the context of Iran. London: SAGE.

31. Grimmette, K. A. (2014). *The impacts of environmental education on youth and their environmental awareness* (Unpublished master's thesis). University of Nebraska-Lincoln, Nebraska.
32. Hines, J. M., Hungerford, H. R., & Tomera, A. N. (1987). Analysis and synthesis of research on responsible environmental behavior: A meta-analysis. *The Journal of Environmental Education*, 18(2), 1-8.
33. Kollmuss, A., & Agyeman, J. (2002). Mind the gap: Why do people act environmentally and what are the barriers to pro-environmental behavior? *Environmental Education Research*, 8(3), 239-260.
34. Laidley, T. M. (2013). The influence of social class and cultural variables on environmental behaviors: Municipal-level evidence from Massachusetts. *Environment and Behavior*, 45(2), 170-19.
35. Pietikäinen, J. (2007). *A slow start at the beginning of the recycling chain: how to make consumers recycle their mobile phones?* (Unpublished master's thesis). University of Helsinki, Turko, Finland.
36. Sabatini, F. (2009). Social capital as social networks: A new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences. *Journal of Socio-Economics*, 38(3), 134-159.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

علی شریعتی؛ گسست از دانشکده ادبیات تا تعطیلی حسینیۀ ارشاد (مطالعه‌ای از منظر تاریخ شفاهی)

غلامحسین نوعی (دانشجوی دکتری تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

hossein.noee@gmail.com

امیر اکبری (استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران، نویسنده مسئول)

amirakbari84@yahoo.com

ابوالحسن مبین (استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

mobayen2005@yahoo.com

چکیده

زندگی علی شریعتی به عنوان مهمترین نظریه پرداز ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هنوز زوایای ناگفته بسیاری در خود دارد. زندگی وی چنان که خود وی می خواست عرصه عمومی بسیار بسیط و چشمگیری داشت. گسست تبعیدوار شریعتی از دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد و مستقر شدن او در حسینیۀ ارشاد نزد دوستان و دشمنان وی پرده ای است مهم و پرابهام از زندگی او. این مطالعه با اتکا بر رهیافت «نظریه بنیادی» می کوشد با اتکا عمده بر داده های حاصل از مصاحبه های شفاهی و اسناد ساواک تمام واژها حساس در این داده ها را چنان «نشانه/کد» در نظر بگیرد، از نشانه ها به سمت «مفاهیم» عزیزمت کند و نهایتاً «نظریه» ناظر بر حیات شریعتی در این مقطع کلیدی از زندگی او را مدون نماید. این مقطع از زندگی شریعتی را باید در قالب این «نظریه» درک کرد «تقدم رسالت بر تربیون»؛ بنابراین در هر چهار مقطع این برهه از زندگی شریعتی یعنی مقدمات و

تشریفات اداری پایان دادن به حضور شریعتی در دانشکده، پیوند خوردن علی شریعتی به حسینییه ارشاد، استقرار علی شریعتی در حسینییه ارشاد و نهایتاً بازنشستگی وی از دانشکده و تعطیلی حسینییه ارشاد می توان حکومت این اصل را مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: علی شریعتی، دانشکده ادبیات، مشهد، حسینییه ارشاد، تهران، ساواک، گروه تاریخ.

۱. مقدمه

تاکنون در مطالعه زندگی علی شریعتی از منظر تاریخ شفاهی تلاش جدی درخور ذکری نشده است که مبتنی بر روش‌شناسی مشخص باشد؛ درحالی‌که این پنجره با توجه به گذر زمان به سرعت در حال بسته شدن است. اثر علی رهنما با عنوان *مسلمانان* در جستجوی *ناکجا آباد* بیوگرافی بسیار قوی درمورد شریعتی است که تمرکز اصلی‌اش بر شفاهیات موجود درباره شریعتی نبوده است و می توان احتمال داد که نویسنده اساساً دسترسی‌های لازم را به اطرافیان شریعتی در ایران نداشته است. کتاب *طرحی از یک زندگی* نوشته پوران شریعت رضوی اثر منحصر به فردی است که به دلیل همراهی نویسنده با علی شریعتی در طول دوران دانشجویی و پس از آن، حاوی نکات و اسناد ارزشمندی درباره زندگی شریعتی و حوادث دوران دانشگاه است. کتاب شریعتی در *دانشگاه مشهد* نیز اثر درخور توجهی است و به‌طور اختصاصی درمورد حضور علی شریعتی در دانشگاه مشهد نگاشته شده است، اما در این اثر نیز مقطع مدنظر پژوهش، بیشتر از چشم‌انداز اسناد رسمی و دست بالای ملاحظات جلال متینی، ریاست وقت دانشکده ادبیات، تدوین شده و دیدگاه‌های دیگر همکاران شریعتی و دانشجویان بازتاب وسیعی نداشته است.

پژوهش حاضر با بهره‌برداری از داده‌های تاریخ شفاهی و با اتکا به نظریه بنیادی به ترسیم احوالات شریعتی و برآوردهای او درمورد خودش در مقطع زمانی محرومیت از تدریس در دانشکده تا تعطیلی حسینییه ارشاد به دست ساواک خواهد پرداخت تا نشان دهد چگونه او این مقطع را با محوریت اصل «تقدم رسالت بر تربیون» از سر گذارند.

داده‌های شفاهی به کارگرفته شده در این نوشتار مستخرج از «طرح تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد» است که به دلایلی تنها بخش مربوط به دانشکده ادبیات فارسی و علوم انسانی آن انجام و تکمیل شد. در این طرح، غلامحسین نوعی و غلامرضا آذری خاکستر به عنوان مجریان طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به ضبط و پیاده‌سازی مصاحبه‌های تاریخی شفاهی با ۳۲ تن از اساتید و ۱۵ تن از کارمندان و دانشجویان فعال دانشکده ادبیات در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ اقدام کردند. متن حاضر محتوای داده‌های شفاهی ۹ تن از دانشجویان و ۴ تن از دانشجویانی است که بعدتر در همان دانشکده به مقام استادی نائل آمدند. اطلاعات کاملی از افراد یادشده، نقش آن‌ها در دانشکده، تاریخ و تعداد جلسات مصاحبه با هریک از آن‌ها و محل نگهداری فایل مصاحبه آن‌ها، در بخش کتابنامه این نوشتار در دسترس است.

به لحاظ نظری نیز معدود مفاهیم پیشنهادی در نوشته حاضر بر «نظریه بنیادی» متکی است. این نظریه که با نام آنسلم استراوس و برنی گلاسِر گره خورده است، از دید صاحب‌نظران ترکیبی از سوابق حضور استراوس در سنت پراگماتیستی دانشگاه شیکاگو و پیشینه گلاسِر در سنت پوزیتیویستی دانشگاه کلمبیا است (برایانْت^۱، ۲۰۱۹، صص. ۱۵-۱۶؛ چرمز^۲، ۲۰۰۶، صص. ۶-۷). انگیزه این دو پژوهشگر فراتر رفتن از اصالت مفروضات (هستی‌شناختی و شناخت‌شناسی) برای پردازش نظریه اجتماعی بود که در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا اصلی مسلط به شمار می‌آمد. به این دلایل اصالت مفروضات نظری باید زیر سؤال می‌رفت: ۱. نظریه‌های موجود تمام ابعاد حیات اجتماعی را پوشش نمی‌دهند؛ ۲. نظریه‌های موجود در کاوش داده‌ها ریشه ندارند و در مطالعه موردی به کار نمی‌روند؛ ۳. واقعیت، بسیار متغیر و پویاست و تجربیات و نوآوری‌های شخصی جایگاه مهمی در پیدایش آن دارند (تُرنبرگ و دان^۳، به نقل از برایانْت، ۲۰۹، ص. ۳۱). به عنوان

1. Bryant

2. Charmaz

3. Thornberg & Dunne

جایگزین این وضعیت باید نظریه‌ای مطرح می‌شد که ۱. گردآوری داده و تحلیل آن‌ها را توأمان پیش برد، ۲. کدها و مقولات خود را از کاوش داده‌های خویش حاصل کند و نه از ملاحظات که با قیاس منطقی از پیش‌فرض‌های پژوهشگر استخراج شده‌اند، ۳. در هر مرحله از تحلیل، بررسی تطبیقی داده‌ها را مدنظر داشته باشد و ۴. نظریه گام به گام از دل چرخه گردآوری داده و تحلیل داده شکل بگیرد (چرمز، ۲۰۰۶، ص. ۵)، به این ترتیب، داده‌های گردآوری‌شده به ما «کد»هایی می‌دهند، با یادداشت‌برداری کدها و بررسی تطبیقی آن‌ها «مقوله/ مفاهیم» ظهور می‌کنند و از مطالعه تطبیقی «مقوله‌ها/ مفاهیم» امکان استخراج یک «نظریه» درباره یک موضوع اجتماعی خاص در زمینه زمانی-مکانی خاص میسر می‌شود (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۳۶)؛ البته نظریه‌ای که به اصطلاح رابرت مرتون باید آن را یک «نظریه میان‌برد» (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۴۹) دانست، نه نظریه خرد یا کلان. در حرکت از سمت کدها به سمت مفهوم و درنهایت نظریه، از آغازگاهی توصیفی بیش از پیش به سمت نتیجه‌گیری انتزاعی حرکت می‌کنیم (چرمز، به نقل از برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۳۶)؛ امری که تقریباً در شناخت هر جزئی از هستی به آن دست می‌زنیم؛ یعنی به لطف مفهوم‌ها و نظریه‌ها هستی بسیار گسترده خود را متراکم و طبقه‌بندی می‌کنیم و در دسترس شناخت قرار می‌دهیم. با کدگذاری به تقطیر داده‌ها اقدام می‌کنیم و زمینه مقایسه آن‌ها با هم را فراهم می‌آوریم (چرمز، ۲۰۰۶، ص. ۳). سپس با به دست آوردن «مقوله‌ها/ مفاهیم» از دل «کدها» به تدریج الگوی نظری ما برای آن موضوع خاص قوام بیشتری پیدا می‌کند، به حفره‌ها و کاستی‌های موجود در داده‌ها و تحلیل خود نیز پی می‌بریم و می‌توانیم با رجوع دوباره به افراد یا داده‌های مکتوب که مرجع گردآوری داده‌های ما بوده‌اند، این حفره‌ها و کاستی‌ها را رفع کنیم (چرمز، ۲۰۰۶، ص. ۳). به‌طور مشخص، برای نظریه بنیادی متن مرجعی وجود ندارد که همچون قانون‌نامه این روش‌شناسی راهنمای همه مخاطبان باشد. نظریه بنیادی اصول کلی دارد که افراد می‌توانند براساس آن پژوهش‌های جدی انجام دهند و درعین حال

روش‌شناسی‌ای باز-برای-همه است (ریچرتز^۱، به نقل از برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۴۳). با اصول نظریه بنیادی پژوهشگران می‌توانند درباره موضوعی واحد به نتایج مختلفی برسند، اما آن را نباید ضعف برای این نظریه دانست؛ بلکه به نوعی «ویژگی» این نظریه است. نظریه بنیادی، توازنی میان «تخیل» و «علم» از سویی و «کشف» و «خلاقیت» از سوی دیگر است (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۲۳)؛ یعنی استفاده از چارچوب‌هایی برای رسیدن به نتایجی نو به نو با کمترین تعهد به پیش‌فرض‌ها و توقعات پیشین هستی‌شناختی و شناخت‌شناسی و همچنین ناآگاهی از نتیجه احتمالی پژوهش تا لحظه رسیدن به آن. در نظریه بنیادی نیز «چرخش زبانی» یا «چرخش تفسیری» دهه ۱۹۶۰ تأثیر جدی داشته و درکل نمونه‌های جدیدی از نظریه بنیادی عرضه شده است که با مدل‌های پراگماتیک-پوزیتیویستی مدنظر استرواس و گلاسر تفاوت اساسی دارد (برایانت، ۲۰۱۹، ص. ۲۴)، اما نوشتار حاضر بیشتر بر همان نسل از نظریه بنیادی متکی است که استرواس و گلاسر تدوین کرده‌اند.

۲. پایان دانشکده؛ مقدمات و تشریفات اداری

شریعتی در طول دوران پنج‌ساله تدریس در دانشکده ادبیات به محوریته انکارناپذیر دست یافته بود. داشتن شخصیتی سیستم‌گریز و نظام‌ستیز در مقابل مسائلی چون ساعات کلاس و حضور و غیاب^۲، پرداختن بی‌مهابای او به موضوعات روز و ارائه راهکار برای آن‌ها^۳، رصد مداوم توان فکری دانشجویان و جست‌وجوی خلاقیت میان آن‌ها^۴، بی‌پاسخ نگذاشتن هیچ سؤالی از جانب هر جناحی از دانشجویان و استقبال از چالش‌های فکری^۵؛

1. Reichertz

۲. مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، جلسه دوم؛ مصاحبه با جاویدصباغیان، جلسه دوم؛ مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۳. مصاحبه با علیرضا ناظری، جلسه اول

۴. مصاحبه با محمدعلی احمدیان، جلسه دوم؛ مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، جلسه دوم؛ مصاحبه با عزت‌الله رادمش، جلسه دوم؛ مصاحبه با جاویدصباغیان، جلسه دوم

۵. مصاحبه با محمدعلی مطمئن؛ مصاحبه با عزت‌الله رادمش، جلسه اول؛ مصاحبه با ابراهیم عقدایی، جلسه اول

ایجاد پیوند بسیار صمیمی تا حد رفت و آمد خانوادگی با دانشجویان^۱، حضور گسترده در فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان همچون امداد رسانی به زلزله گناباد و نمایش «ابوذر»، همه و همه شریعتی را در یک کلام به پدیده‌ای منحصر به فرد تبدیل کرده بود که بسی فراتر از قالب‌های متعارف برای یک استاد یار تازه استخدام بود.

نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۴۹-۱۳۵۰ از طرف طیفی از استادان دانشکده تصمیم قطعی برای کنار گذاشتن شریعتی گرفته شد. براساس گزارش ساواک به تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۴۹، شریعتی که از «افکار و عقاید خاص و... استدلال قوی‌تر» برخوردار بود و می‌دانست چگونه «ضمن تدریس مطالب انتقادی و اجتماعی را در لفافه بیان» کند و از همین رهگذر به «سمبل روشنفکری جامعه دانشگاهی» تبدیل شده بود، به طور کاملاً جدی «مخالفت استادان قدیمی و بی‌سواد دانشکده» را علیه خود برانگیخت.^۲ در صدر این طیف از اساتید، مؤیدی، مفخم پایان و متینی خواستار خلاص شدن از دست شریعتی بودند. در گام اول، درس‌های شریعتی به چهار واحد کاهش یافت و بقیه دروس او به وحدتی و وهاب‌ولی سپرده شد. در گام دوم، نفرات اول و سوم که موضوع ربط مستقیم‌تری با آن‌ها داشت، از دو جهت به شریعتی تاختند. مؤیدی، به عنوان عضو یا رئیس گروه تاریخ، روی تطابق نداشتن مدرک کارشناسی ادبیات و مدرک دکتری شریعتی دست گذاشت و همچنین به خاطر آورد که رساله شریعتی ترجمه‌ای از یک متن عربی است و در حد و اندازه یک رساله دکتری نیست؛ این در حالی بود که خود وی در سال ۱۳۴۴ همان مدارک را برای عضویت شریعتی در گروه کافی تشخیص داده بود، اما متینی چهره مدیریتی خود را حفظ کرد و چون شریعتی را «عامل بیشتر تشنجات دانشجویان» می‌دانست، در پی کنار گذاشتن او بود^۳؛ باین حال، متینی نیز در

۱. مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۲. «در دانشکده ادبیات، چهار پنج تن از استادیاران جوان و هم فکر شریعتی بودند که یک جناح اقلیت تشکیل داده بودند و از زمره مخالفان ریاست و شورای دانشکده محسوب می‌شدند» (یاحقی، ۱۳۹۷، جلد دوم، ص. ۲۲۱).

۳. موضوع دکتر علی شریعتی، تاریخ گزارش ۱۳۴۹/۱۱/۲۹، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۳۷۰-۳۷۲

مسیر دغدغه‌های مدیریتی خود چیزهایی از دغدغه‌های رقابتی مؤیدی قرض گرفت. متینی به غلامرضا ذات‌علیان «پيله» کرد تا از خلال مکاتبه، رساله شریعتی را از فرانسه فراهم آورد. ذات‌علیان چون پی برده بود، «حتماً ایشان [متینی] پشت پرده مسئله‌ای دارند»، از انجام این کار طفره می‌رفت؛ البته متینی رأساً به رساله شریعتی دست پیدا کرد و حقیقتاً نیز رساله چشمگیری نبود؛ ترجمه سرگذشت ۸۰ تن از شیوخ عرب بود که چهل‌تای آن‌ها قبلاً انجام شده بود و چهل‌تای آن‌ها را هم شریعتی انجام داده بود و «کل رساله همین بود»^۱. هیچانات در دانشکده تا جایی بالا رفت که استادیاران همفکر با علی شریعتی به سرکردگی سیروس سهامی به برگزار نکردن کلاس‌ها تهدید کردند. با توجه به این شرایط، در گزارش پیش‌گفته، ساواک «شنبه» نظر داده بود که شریعتی فعلاً در سفر حج است، اما ممکن است در صورت موافقت وی با اعتصاب، استادان همفکر او تهدید خود را عملی کنند. «یکشنبه» نوشت که شریعتی بین دانشجویان «محبوبیت زیادی» دارد و اکثر استادان هم با او «هم‌صدا» هستند؛ پس بهتر است در مکه با او تماس گرفته شود و از خلال مذاکره فضا تعدیل شده و درمورد تدریس او تصمیم حادی گرفته نشود.^۲ تصمیم‌گیری درمورد شریعتی برای ساواک حقیقتاً به مسئله‌ای تبدیل شده بود. تحلیل‌های متعدد و گهگاه متناقضی از شخصیت شریعتی، به‌ویژه از سال ۱۳۴۷ به این سو در آن سازمان دست به دست می‌شد. کمی قبل از این التهابات دانشکده هم مجدداً نوشتن تحلیل درمورد شریعتی به یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان تبدیل شده بود. در یکی از این تحلیل‌ها، او «فردی ... ملی» دانسته شد که از «سوسیالیست اسلامی [کذا]»، طرفداری می‌کند. او بیشتر تابستان ۱۳۴۹ را در اتاق کارش در دانشکده به گفت‌وگو با اصغر مصدق رشتی، احمدرضا مظفری، سیدهاشم منتجبی گذرانده بود در این مورد که باید جوانان را به حرکت واداشت و مطالب نو و تازه به آن‌ها آموخت و آلا از «تاریخ بیهقی یا فلان تاریخ قرن ششم و هفتم که وقایع را بدون ذکر علل بازگو می‌کند»

۱. مصاحبه با غلامرضا ذات‌علیان، جلسه دوم

۲. موضوع دکتر علی شریعتی، تاریخ گزارش ۱۳۴۹/۱۱/۲۹، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۳۷۰-۳۷۲

چیزی دست جوانان را نمی‌گیرد. در پای این گزارش، «شنبه» که معمولاً تحلیل‌های قوی‌تری بر شخصیت علی شریعتی ارائه می‌داد، نظریه گذاشته بود که شریعتی فردی است ملی و مخالف همه تشکیلات موجود. وی تلاش دارد «به هر طریق ممکن در دانشکده بماند و به همین روش تا حد ممکن دانشجویان را از نظر فکری بسازد». برای دستیابی به این هدف، او نه با کسی تماس می‌گیرد و نه با کسی حرف می‌زند، مگر در دانشکده «تا مشکلی از نظر ساواک برایش پیش نیاید»^۱. شاید همین کلیدواژه «ملی» موجب شد که پیوند حقوقی شریعتی و دانشکده ادبیات تا اردیبهشت ۱۳۵۲ نیز به درازا بینجامد و در آن تاریخ به‌طور کامل بگسلد. به هر روی، برای شریعتی در نیم‌سال دوم ۱۳۴۹-۱۳۵۰ تنها درس «تاریخ تمدن» را باقی گذاشته بودند^۲؛ پس طبیعی بود که شریعتی انتهای مسیر همکاری خود با دانشکده ادبیات را به‌روشنی در افق مشاهده کند و در جست‌وجوی مسیری جایگزین باشد.

۳. حسینه ارشاد؛ پیوند یافتن شریعتی

محمدتقی شریعتی در محرم سال ۱۳۴۲ با ممانعت ساواک که از طریق شهربانی ابلاغ شد، برای حرکت دسته عزاداری «کانون نشر حقایق اسلامی» به حرم رضوی و سخنرانی وی در انتهای عزاداری مواجه شد؛ امری که برای چندین سال سنت کانون در دهه محرم به شمار می‌آمد؛ البته محمدتقی شریعتی در میان تعجب همگان هیچ اصراری برای کسب مجوز نکرد و به فعالیت کانون پایان داد^۳، اما این گوشه‌گیری محمدتقی شریعتی چندان به درازا نینجامید و او در تابستان ۱۳۴۵ به تهران عزیمت کرد، ساکن شد و روشنگری مذهبی خود را در قالب جلسات حسینه ارشاد در پیش گرفت. تابستان ۱۳۴۷ وی مجدد به مشهد بازگشت و مصمم بود که ساختمان نیمه‌تمام کانون را تکمیل کند و به فعالیت‌های تبلیغی خود در این شهر

۱. موضوع دکتر علی شریعتی، تاریخ گزارش ۱۳۴۹/۱۰/۸، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۳۷۳-۳۷۴

۲. مصاحبه با نقی لطفی، جلسه چهارم

۳. رکنی، ۱۳۶۶، ص. ۲۴

ادامه دهد. این بازگشت و این تصمیم برای احیای کانون احتمالاً ناشی از تفاوت‌ها در شیوه تبلیغی-ترویجی محمدتقی شریعتی و هیئت‌مدیره کانون بود. به محض بازگشت شریعتی به مشهد، ناظرزاده کرمانی مدیر جدید حسینی، به اجرای برنامه‌هایی مثل مشاعره مذهبی، سخنرانی‌های نوگرایانه دینی و برگزاری مسابقاتی با مضامین مذهبی دست زد که در آن‌ها ضمن در نظر گرفتن جوایز قابل توجه، تمام هزینه‌های افراد شرکت‌کننده که از تمام کشور دعوت می‌شدند، از طرف حسینیہ تقبل می‌شد. در عید مبعثی که باید در آذر سال ۱۳۴۷ بوده باشد، محمدتقی شریعتی، علی شریعتی، نعمت میرزازاده و طاهر احمدزاده، دسته‌جمعی به تهران و حسینیہ عزیمت کردند: دو نفر نخست برای سخنرانی، نفر سوم برای شرکت در مشاعره عید مبعث و نفر چهارم ظاهراً به عنوان همراه. بنا بر گزارش ساواک، این هیئت دراصل به منظور جلب نظر تجار تهران برای تأمین هزینه‌های کانون در مشهد و تماس با مقامات ارشد کشور از طریق میهمانان حسینیہ برای مجوز کانون به تهران سفر کرده بود و به گردآوری اعانه‌هایی نیز موفق شد.^۱ به نظر، اینجا علی شریعتی برای اولین بار با آن گزینه جایگزین دانشکده آشنا شده باشد. در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۰، گزارشی در ساواک تنظیم شد که محتوای اظهارات سعید سمندری از چهره‌های وقت جبهه ملی و تحلیل ساواک بر این اظهارات بود. از میان اظهارات سمندری ساواک روی این بخش حساس شده بود که شریعتی پدر و پسر حسینیہ ارشاد را به پایگاه خود تبدیل کرده‌اند و «خیال می‌کنند که از راه آموزش به اصطلاح دینی» می‌توانند مردم را به حرکت علیه حکومت و تغییر شرایط وادارند. ساواک این اظهارات را طبیعتاً در تطابق با دیگر اطلاعات دردسترس خود بسیار جدی گرفت. در همین گزارش، ساواک تأکید کرد که شریعتی پدر و پسر با نهضت آزادی ارتباط گسترده دارند و خود علی شریعتی هم که «درمورد استخدام وی از ساواک استعلام نشده»، بنا بر گزارش ساواک خراسان، در دانشگاه «تحریکاتی می‌نماید»؛ بنابراین به کار گرفتن او در

۱. سند شماره ۱۸۵، گزارش ساواک تحت عنوان ارتباط حسینیہ ارشاد تهران با کانون نشر حقایق اسلامی مشهد، تاریخ

۱۳۴۷/۹/۷، صص. ۵۳۱-۵۳۲؛ منصوری، ۱۳۹۶

موقعیت‌هایی غیر از کادر آموزشی «اصلح» است.^۱ این دومین باری بود که گزارش‌های ساواک بر خارج کردن شریعتی از دانشکده تأکید داشتند و البته شاید همان کلیدواژه «ملی» که در آخرین تحلیل‌های ساواک درمورد وی رایج شده بود، فعلاً انفصال کامل او از نظام اداری را ضروری نمی‌کرد و تغییر موقعیت کاری او را کافی می‌دید. در یکی از همین روزهای تعلیق که احتمالاً باید در تابستان بوده باشد، شریعتی دانشجویان را فراخواند و از ساعت ۲، ۳ بعد از ظهر تا ۱۰ شب برای آن‌ها سخن گفت؛ با این موضوع محوری که «اصلی‌ترین و فوری‌ترین نیازی که ایران دارد چیست؟» به مناسبت فضایی که بر جلسه حاکم شد، کسی یادداشت برنمی‌داشت. در پایان آن محفل دوستانه بر همه مشخص شد که شریعتی «قصدش خداحافظی بود و دیگر او را ندیدیم».^۲

۴. حسینه ارشاد؛ استقرار شریعتی

سال ۱۳۵۰ سال افزایش سرکوب‌ها و گسترش اختیارات ساواک بود و با نزدیک‌تر شدن جشن‌های ۲۵۰۰ ساله این تنگنا خفقان‌آورتر هم می‌شد.^۳ شریعتی از موقعیت حسینه ارشاد با تمام وجود خرسند بود.^۴ اغلب بحث‌هایی را که به حسینه ارشاد می‌برد، قبلاً در کلاس تهیه کرده بود و حاصل تأملات او برای کلاس‌های درس و تعاملات او با دانشجویان موافق و مخالفش بود؛ مثل سخنرانی «حسین وارث آدم» که ابتدا آن را در کلاس خوانده بود.^۵ پیش دانشجویانش اذعان داشت، «توفیق نصیب من شده که حسینه ارشاد شروع شد»^۶ و

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۶۰۴-۶۰۵.

۲. مصاحبه با نقی لطفی، جلسه چهارم

۳. مصاحبه با نقی لطفی، جلسه چهارم

۴. سخنرانی‌های آتشین شریعتی، سرنوشت حسینه ارشاد را دگرگون کرد. استقبال بی‌سابقه‌ای که در تهران از این سخنرانی‌ها شد، همه ذهن‌ها و ازجمله توجه ساواک را به آن جلب کرد (نگاه کنید به محمدجعفر یاحقی، ۱۳۹۷، آن سال‌ها (دفتر دوم: یادهای جوانی و سال‌های دانشجویی)، جلد دوم، تهران، معین، ص. ۲۲۱).

۵. مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، جلسه دوم

۶. مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، جلسه سوم

درعین حال دانشجویان را تشویق می‌کرد که از ایران بروند و جهان را ببینند. به قولی تأکید مؤکد می‌کرد به غرب بروید و آنجا را ببینید و تجربه کسب کنید؛ شده با «گرسنگی» بروید و نمائید.^۱ به قولی دیگر تأکید داشت، آن‌ها که از فرانسه آمده‌اند مگر چه آورده‌اند؟ شما بروید الجزایر، بروید مصر و آنجا دکتری معارف اسلامی بگیرید.^۲ با اینکه تبعید از دانشگاه به بهانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در پاییز ۱۳۵۰ و رفتن به حسینیه ارشاد به لحاظ جایگاه اجتماعی ارتقا و ترفیع به شمار نمی‌آمد، اما دانشجویانی که وی را در آن مقطع در حسینیه دیده بودند، از رضایت او حکایت داشتند؛ ازجمله در یکی از موارد که طلبه جوانی در اعتراض به برگزاری نمایش ابوذر در حسینیه ارشاد، مقابل حسینیه جلوی شریعتی را گرفت و تهدید کرد که خود را در همان مکان با بنزین آتش خواهد زد. شریعتی با طنز و شوخ طبعی خاص خود پاسخ داده بود: «فکر بدی هم نیست. ما نمی‌توانیم تبلیغ بکنیم و این کار شما باعث تبلیغ ما می‌شود.»^۳ اما ساواک شریعتی را به شوخی نگرفته بود. کتاب‌هایی او حتی در شهرستان مرزی خوی هم در کتابخانه‌های عمومی عامدانه دور از دسترس نگه داشته می‌شدند.^۴ در ۱۳ دی ماه ۱۳۵۰ که از طرف دانشکده ادبیات تهران از شریعتی برای سخنرانی دعوت شد، با اینکه وی هنوز نیروی مأمور به خدمت دانشکده ادبیات در وزارت علوم بود، ساواک در تماس با کاظمی، معاون آموزشی دانشگاه تهران، اعلام کرد که وی عضو جبهه ملی است، با نهضت آزادی در ارتباط است و در بررسی‌های تابستان ۱۳۵۰ مشمول تصفیه از دانشگاه مشهد شده، اما با وساطت ریاست دانشگاه به تدریس ادامه می‌دهد؛ در نتیجه سخنرانی وی در دانشگاه تهران به صلاح نیست.^۵

۱. مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۲. مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، جلسه سوم

۳. مصاحبه با حسن محمودی، جلسه اول

۴. مصاحبه با رضا عسل‌فروش، جلسه اول

۵. درباره علی شریعتی، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد اول، صص. ۴۲۳-۴۲۴

ملاحظه ساواک کاملاً درست بود. شریعتی دقیقاً در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۵۰ فاقد «صلاحیت تدریس» تشخیص داده شده بود.^۱ دوره تعلیق از دانشگاه مشهد او از مهر ۱۳۵۰ تا اسفند ۱۳۵۱ به طول انجامید. شریعتی در تمام این یک سال و نیم از دانشگاه حقوق می گرفت و این امری مخالف با آیین نامه بود؛ اگر استادی بیش از سه روز غیبت بدون مجوز می داشت، مورد «محاكمه اداری» قرار می گرفت چه برسد به یک سال و نیم تعلیق.^۲ به اعتقاد یکی از طرفداران شریعتی، وی زیر ضربه یکی از کاری ترین نیرنگ های ساواک قرار گرفته بود که همان تخریب شخصیت مخالفین است. او را به وزارت علوم منتقل کرده بودند و آنجا دفتر بزرگی در اختیار او قرار دادند و حتی از مباحث اسلام شناسی او در دانشکده ادبیات به طور مرتب یادداشت هایی در روزنامه اطلاعات به چاپ می رسید.^۳ گزارش ۱۶ مهر ۱۳۵۱ ساواک حاکی از آن است که شریعتی مسیر سومی را که از پی یک سال حضور خود در حسینیة ارشاد گشوده بود، کاملاً پربار ارزیابی می کرده است. او در ملاقات با افراد جبهه ملی ابراز کرده بود، حسینیة ارشاد قبلاً «کانون مرتجعین و آخوندها» بوده است و افرادی مثل کاسمی و فلسفی به آن رفت و آمد داشتند، «ولی از وقتی من شروع به کار کردم و چند هزار دانشجو در اینجا آمده اند، دیگر کسی جرئت نمی کند در اینجا فعالیت ارتجاعی کند.» در همین ملاقات، شریعتی از برنامه آینده خودش نیز پرده برداشت و اعلام کرد ممکن است به مشهد برگردم یا خارج بروم و این «سنگر» نباید دست مرتجعان و خائنین باشد.^۴

۱. درباره دکتر علی شهرت شریعتی مزینانی فرزند محمدتقی، منظور: استعمال نظریه درباره اعزام نام برده بالا جهت مأموریت علمی به کشور فرانسه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، صص. ۲۰۱-۲۰۲

۲. غلامرضا ذات علیان، جلسه اول

۳. مصاحبه با ابراهیم عقدایی، جلسه اول

۴. موضوع: ملاقات چند تن از افراد جبهه به اصطلاح ملی سابق با آقای دکتر علی شریعتی مزینانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، ص. ۹۰

۵. بازنشستگی از دانشکده و تعطیلی حسینیه؛ تلاش برای پایان دادن به شریعتی

با تعطیلی حسینیه ارشاد در زمستان ۱۳۵۱، شریعتی هنوز دل در پی دانشکده داشت و در عین حال چنانکه به دانشجویانش هم توصیه کرده بود، خارج شدن از کشور را هم فرصتی می‌دید. او بالاخره در اسفند ۱۳۵۱ تقاضایی خطاب به گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد نوشت و خواستار اعطای فرصت مطالعاتی یک ساله به مقصد فرانسه شد. چنانکه در نیم‌سال دوم ۱۳۴۹-۱۳۵۰، اینجا همه بر سر رفتار با شریعتی دوقطبی در دانشکده شکل گرفت. متنی که بیشتر دغدغه‌اش درمورد شریعتی مصیبت‌های اداری-مدیریتی حضور مجدد او در دانشکده بود، به افراد کنجکا و اعلام کرد این فرصت مطالعاتی راه‌حلی است که وزیر برای مسئله شریعتی تدبیر کرده است؛ درحالی‌که مدرسینی چون صدیقه یغمایی، برادران رفیعی، رامپور صدر نبوی و گیتی فلاح رستگار، به دنبال کسب رأی مثبت خزائلی و ولی در گروه تاریخ برای موافقت با اعزام شریعتی بودند. درمقابل، ساواک ترتیبی داده بود که «تا اعلام نظر اداره کل» این درخواست فعلاً در گروه که ریاست آن در آن مقطع با مهوش نیکجو بود، مطرح نشود.^۱ در پاسخ به استعلام «نظریه» از ساواک برای موافقت یا مخالفت با درخواست فرصت مطالعاتی شریعتی، در ۱۹ فروردین ۱۳۵۲ ساواک طی نامه‌ای نسبتاً مفصل ضمن برشمردن سوابق علی شریعتی، در نهایت ضمن حذف کلیدواژه «ملی» از توصیفات خود درمورد شریعتی تأکید کرد: «مشارالیه که دارای افکار منحرف می‌باشد، در پوشش سخنرانی‌های مذهبی مقاصد براندازانه خود را به صورت تلویحی به مستمعین تلقین» می‌کند و باید با اعزام او به خارج کشور مخالفت شود.^۲ در همین اوایل سال ۱۳۵۲ بود که حقوق شریعتی از طریق دانشکده قطع شد و ذات‌علیان در تماس با پوران شریعت‌رضوی، ضمن اعلام این موضوع از این بابت که درمورد این «حکم اداری» کاری از دستش بر نمی‌آید هم

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، صص. ۱۹۸-۱۹۹

۲. درباره دکتر علی شریعتی مزینانی فرزند محمدتقی، منظور: استعلام نظریه درباره اعزام نام‌برده بالا جهت مأموریت علمی به کشور فرانسه، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷، جلد دوم، صص. ۲۰۱-۲۰۲

اظهار تأسف کرد.^۱ در همان سال ۱۳۵۲ نیز مأموری از وزارت علوم به محل بازداشت علی شریعتی مراجعه کرد و اعلام کرد قصد وزارتخانه بر اخراج اوست که به این ترتیب به زن و بچه او حقوقی تعلق نمی‌گیرد؛ پس بهتر است او استعفا دهد یا درخواست بازنشستگی کند و شریعتی که بعدها این رویداد را برای یکی از دانشجویانش نقل می‌کرد، چون اذعان داشت تنها یک «برادر» چنین پیشنهادی می‌کند، همان‌جا تقاضای بازنشستگی خود را نوشت و تحویل آن مأمور داد.^۲

عرصه را هر روز بر شریعتی تنگ‌تر می‌کردند. از یک طرف که با روش‌های خاص ساواک در مظان خیانت و خودفروشی قرار می‌گرفت. از سمت دیگر هم طیف مشخصی از روحانیت دست به تحریم او زدند. برجسته‌ترین چهره‌ها در میان این طیف، آیت‌الله سیدهادی حسینی میلانی بود که در ۱۲ خرداد ۱۳۵۳ فتوایی در تحریم شریعتی و اندیشه‌های او صادر کرد. وقتی شریعتی در سال ۱۳۴۱ برای شرکت در عزای مادر خود به مشهد آمده بود، هنگام رفتن به ملاقات میلانی، میلانی با شنیدن خبر نزدیک شدن او به خانه «از جای خود پریده» و در خیابان به استقبال او رفت و او را در آغوش کشید؛^۳ باین‌حال، افرادی مثل سیدفاضل حسینی میلانی که از ایرانیان اخراج‌شده از عراق در سال ۱۳۴۹ بودند، اخبار حسینیه ارشاد را آن‌طور که دوست داشتند، به آیت‌الله میلانی می‌رساندند و به‌عنوان مثال تأکید می‌کردند که در اذان حسینیه ارشاد «اشهد ان علیاً ولی الله» گفته نمی‌شود.^۴ درنهایت، میلانی

۱. مصاحبه با غلامرضا ذات‌علیان، جلسه دوم

۲. مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، جلسه سوم

۳. جمعی از نویسندگان، مشهد از مقاومت تا پیروزی بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱-۱۳۵۷، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۷

۴. جمعی از نویسندگان، مشهد از مقاومت تا پیروزی بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱-۱۳۵۷، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۹

رفتن به حسینیه ارشاد را حرام اعلام کرد^۱ و برخی دیگر از علما از جمله ابوالحسن حسینی قزوینی، سیدکاظم اخوان مرعشی، آیت الله ملک حسینی، سیدعبدالله شیرازی، سیدعلی غائی اصفهانی و شیخ علی نمازی شاهرودی نیز طی احکام جداگانه‌ای، حتی تا پس از مرگ شریعتی، به تحریم او و آثار او ادامه دادند^۲. در عین حال، وقتی سیدعلی خامنه‌ای در سال

۱. «حضرت آیت الله: به خدا سوگند که ترس از فتوای سرکار و بیم زیان و خطری که ممکن است متوجه من شود، مرا به نوشتن این نامه و نداشته است، که علت نوشتن این نامه احساس این درد بزرگ است که می‌بینیم شما را چنان زندانی منافع خویش کرده‌اند و در حصار تنگ گرفته‌اند که تنها راه ارتباطتان به عالم خارج، فقط از طریق یکی دو نفری است که جز اتصال سببی، با شخص شما هیچ‌گونه تجانسی ندارند و از شما ماشینی می‌خواهند بسازند برای صدور فتوا علیه و له هر که و هر چه می‌خواهند. برای ما سخت ناگوار است که مرجع بزرگ علمی و دینی ما، امروز، بر کتاب راه بهشت و شجره انسان که می‌نویسد: «پیغمبر فرمود هر که خربزه بخورد به بهشت می‌رود»، تغریظ می‌نویسند و خواندنش را بر مسلمین توصیه می‌فرمایند و آنگاه بعثت و ایدئولوژی مهندس بازرگان و اسلام‌شناسی مرا تحریم و تکفیر می‌کنند!؟»
عبدالکریمی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۶

۲. علمای تحریم‌کننده اسلام‌شناسی علی شریعتی

سیدهادی حسینی میلانی: «آنچه آقایان اهل منبر در مورد شخص معهود گفته‌اند صحیح است». ۱۳۵۳/۳/۱۲ مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۱

ابوالحسن حسینی قزوینی: «نظر به مطالعه اجمالی کتب مذکور مطابق با مذهب تشیع نمی‌باشد». مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۲

سیدکاظم اخوان مرعشی: «نشریات علی شریعتی چون خالی از انحراف نیست ... مطالعه آن‌ها برای افرادی که اطلاعات کافی ندارند، جایز نیست». مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۵

آیت الله ملک حسینی: «کتب علی شریعتی بلاشبیه از کتب ضلال و محرف عقاید حقه شیعه امامیه و خطرناک‌ترین ضربه را بر افکار مرفی و نورانی امت تشیع وارد آورده است». ۱۳۵۷/۲/۵، مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۶

سیدعبدالله شیرازی: «کتب مشارالیه دارای مطالب منحرف کننده می‌باشد ... مطالعه آن کتب برای افرادی که عقاید دینی آن‌ها ثابت و محکم و غیر قابل تزلزل است ... مانعی ندارد». مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۲

سیدعلی غائی اصفهانی: «نوشته‌جات نام‌برده مشتمل بر اباطیل گوناگون است و برای کسانی که قدرت علمی بر تشخیص غش و ثمین آن‌ها ندارند و عالم نیستند، خرید و مطالعه آن‌ها حرام است». ۲۵ ذی قعدة ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۴

شیخ علی نمازی شاهرودی: «این قبیل کتاب‌ها و نوشته‌جات مشتمل بر توهین به مقام مقدس فقها و علمای شیعه مانند شیخ کلینی و علامه مجلسی می‌باشد ...». ذی حجه ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، ۱۳۵۴۴۳/۷

۱۳۵۴ ممنوع‌المنبر شد و مقرر بود تبعید شود، در پاسخ به سؤال برخی از فعالان انقلابی از جمله اکبر صابری‌فر و حسن حکیم‌زاده که از مخاطبان همیشگی مناظر او بودند، مبنی بر اینکه در غیبت او به چه کاری مشغول باشند، گفت به مطالعه و در پاسخ به اینکه به مطالعه چه کتبی، گفت «کتاب‌های دکتر».^۱ شریعتی تنگناهای ایجادشده از سوی ساواک، وضعیت شغلی و برخی طیف‌های روحانیت را چهار سال دیگر یعنی تا ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ تاب آورد.

۶. نتیجه‌گیری

از تابستان ۱۳۵۰ تا بهار ۱۳۵۲، شریعتی پربارترین و طوفانی‌ترین مقاطع زندگی فکری خود را از سرگذراند؛ مقطعی که تا به حال کمتر از منظر تاریخ شفاهی به آن پرداخته شده است. ابتدا مقدمات و تشریفات اداری کنار گذاشتن شریعتی از دانشکده کلید زده شد. شریعتی موجب شده بود که استادان قدیمی و بی‌سواد دانشکده احساس خطر کنند؛ پس برای کنار گذاشتن او فرایندی از بهانه‌تراشی‌ها آغاز شد. رفت و آمدهای سال ۱۳۴۷ شریعتی را با حسینیه ارشاد آشنا کرده بود؛ بنابراین وقتی بر او مسجل شد که نمی‌خواهند در دانشگاه مشهد باشد، فرصت به دست آوردن تربیونی جدید را غنیمت شمرد و به‌نوعی از شاگردان خود طی سخنرانی مفصل در منزل خود خداحافظی کرد. وقتی در حسینیه ارشاد مستقر شد، کاملاً بر آنچه تکلیف خود می‌دانست متمرکز شد و مخالفت‌های روحانیت سنتی را به شوخی و بذله‌گویی از سر می‌گذراند. حسینیه ارشاد، دیگر اوج تحقق اصل «رسالت مقدم بر تربیون» برای شریعتی بود. او آنجا را «سنگری» علیه طیف مترجع روحانیون می‌دانست، به‌طور علنی آن موقعیت را «توفیقی» برای خود خوانده بود، دانشجویان خود را تشویق می‌کرد که بروند و دنیا را ببینند، مهاجرت کنند تا برای مبارزه پیش‌رو هر چه بیشتر پخته شوند. وقتی تعطیلی حسینیه ارشاد مسجل شد، شریعتی کوشید خود نیز مهاجرت کند، اما این مسیر را بر او بستند و مضاف بر حسینیه ارشاد حکم بازنشستگی او را از دانشگاه مشهد

۱. مصاحبه با اکبر صابری‌فر، جلسه اول

نیز صادر کردند و در عمل کوشیدند پایانی بر پدیده شریعتی بگذارند. شریعتی برای ماندن در دانشکده ادبیات تقلاً نکرد؛ بلکه از فرصت حسینییه ارشاد استقبال کرد و در نهایت وقتی هر دو تریبون دانشکده و حسینییه را از او گرفتند، منزوی شد و در خود فرو رفت.

کتابنامه

۱. اخوان مرعشی، س. ک. (بی تا). فتوا. مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۵.
۲. آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۳ آذر). مصاحبه با رضا عسل فروش، فعال دانشجویی و استاد دانشکده ادبیات-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۸ آذر). مصاحبه با رضا عسل فروش، فعال دانشجویی و استاد دانشکده ادبیات-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۴. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۱، ۲۷ اسفند). مصاحبه با محمدعلی احمدیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۱۱ آبان). مصاحبه با محمدتقی ایمان پور، فعال دانشجویی و استاد دانشکده ادبیات-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۱۸ آبان). مصاحبه با محمد جاوید صباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۷. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۲۷ مهر). مصاحبه با مهدی ناصح، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۸. اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۲۸ آبان). مصاحبه با محمد جاوید صباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده - جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. بی. نا. (بی. تا). مصاحبه با اکبر صابری فر، فعال انقلابی در مشهد. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشر نشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۰. جلالی، غ. ر.، طاهری وحدتی، ح.، و قلی زاده، ع. ع. (به کوشش). (۱۳۷۷). تقویم تاریخ مشهد از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۳). مشهد از مقاومت تا پیروزی بررسی مبارزات علما و مردم مشهد از ۱۳۴۱ - ۱۳۵۰. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. حسینی قزوینی، ا. (بی. تا). فتوا. مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۲.
۱۳. حسینی میلانی، س. ه. (۱۳۵۳). فتوا. تاریخ ۱۳۵۳/۳/۱۲، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۱.
۱۴. رکنی، م. م. (۱۳۶۶). چراغی که در کانون درخشید. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (یادنامه شادروان محمد تقی شریعتی)، ۲۰ (۷۶-۷۷)، ۵-۲۹.
۱۵. سهامی، س. (۱۳۴۹). گزارش ساواک. تاریخ ۱۳۴۹/۵/۱۹، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۷۰۳۰/۲.
۱۶. شیرازی، س. ع. (بی. تا). فتوا. مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۲.
۱۷. عبدالکریمی، ب. (۱۳۹۳). نوشته های اساسی شریعتی. تهران: نقد فرهنگ.
۱۸. غانی اصفهانی، س. ع. (۱۳۹۷). فتوا. تاریخ ۲۵ ذی قعدة ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۴.
۱۹. متینی، ج. (۱۳۹۵-۲۰۱۶). خاطرات سال های خدمت از دبیرستان البرز تا فرهنگستان ادب و هنر ایران. لس آنجلس: شرکت کتاب.
۲۰. مرکز اسناد انقلاب اسلامی. (۱۳۹۷). شریعتی به روایت اسناد ساواک (جلدهای اول و دوم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۱. ملک‌حسینی، آ. (۱۳۵۷). فتوا. تاریخ ۵ / ۲ / ۱۳۵۷، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۶.
۲۲. منصوری، پ. (۱۳۹۶). محمدتقی شریعتی و کانون نشر حقایق اسلامی به روایت اسناد. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۳. نجومیان، ح. (۱۳۸۶). یادها و باورها. مشهد: انتشارات چهارم.
۲۴. نمازی شاهرودی، ش. ع. (۱۳۹۷). فتوا. ذی‌حجه ۱۳۹۷، مرکز اسناد آستان قدس، شماره اموال ۱۳۵۴۴۳/۷.
۲۵. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۱۱ خرداد). مصاحبه با عزت‌الله رادمشر، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه چهارم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۶. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۱۴ اردیبهشت). مصاحبه با عزت‌الله رادمشر، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۷. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۱۷ اردیبهشت). مصاحبه با محمد جاوید صباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه سوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۸. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۰ فروردین). مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۹. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۱ خرداد). مصاحبه با محمد جاوید صباغیان، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه چهارم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۰. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۳ فروردین). مصاحبه با سیدحسن رئیس‌السادات، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۱. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۷ فروردین). مصاحبه با علیرضا ناظری، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۲. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۲۸ اردیبهشت). مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه سوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۳. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۳۱ فروردین). مصاحبه با حسن محمودی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۴. نوعی، غ. ح. (۱۳۹۳، ۷ اردیبهشت). مصاحبه با عزت‌الله رادمنش، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۵. نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۴ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه اول. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳۶. نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۵ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه دوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیرنظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۷. نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۸ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه سوم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۸. نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر. (۱۳۹۰، ۱۹ آذر). مصاحبه با تقی لطفی، شاگرد مستقیم علی شریعتی در دانشکده-جلسه چهارم. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۹. نوعی، غ. ح.، و اسماعیلی، ز. (۱۳۹۲، ۶ آبان). مصاحبه با محمدعلی مطمئن، کارمند کتابخانه دانشکده ادبیات. تاریخ شفاهی دانشگاه فردوسی مشهد (طرح پژوهشی منتشرنشده) (زیر نظر نوعی، غ. ح.، و آذری خاکستر، غ. ر.). آرشیو انجمن پارسه، دانشگاه فردوسی مشهد.

۴۰. یاحقی، م. ج. (۱۳۹۷). آن سال‌ها (دفتر دوم: یادهای جوانی و سال‌های دانشجویی). تهران: معین.

41. Bryant, A. (2019). *The verities of grounded theory*. Chennai: Sage Publications.

42. Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory*. Chennai: Sage Publications.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

شایعه‌های منتشر شده در همه‌گیری کوید-۱۹: علل و استراتژی‌های مهار آن

افسانه قاسمی (دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

afsaneh_ghasemi@yahoo.com

حامد ملازاده (دانش آموخته کارشناسی ارشد بیومکانیک ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران،

ایران)

mollazadeh.hamed@gmail.com

چکیده

شایعه‌ها در موقعیت‌های بحرانی منتشر می‌شوند و جامعه را بیش از پیش با مشکل روبه‌رو می‌کنند. همه‌گیری کوید-۱۹ نیز به‌عنوان یک بحران به شکل‌گیری شایعه‌های مختلف منجر شد؛ بنابراین هدف مقاله حاضر تحلیل محتوای شایعه‌هایی بود که در همه‌گیری کوید-۱۹ در جامعه منتشر شد. شایعه‌های منتشر شده در دو خبرگزاری ایسنا و ایرنا از ابتدای همه‌گیری بیماری تا اعلام رسمی تولید و تزریق واکسن آن با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل محتوا شدند. شایعه‌ها در ۹ مقوله اصلی و ۱۸ زیرمقوله شناسایی شدند. سه گروه اصلی شایعات عبارت بودند از: شایعات مرتبط با ویروس، پیشگیری از بیماری، درمان و مهار بیماری، مرگ و میر و فوت‌شدگان، شیوع بیماری و ابتلا، تعطیلی و بازگشایی اماکن مختلف، اقدامات دولت، وضعیت دسترسی به اجناس مختلف و سایر شایعه‌ها. انتشار شایعه براساس انگیزه‌های مبتنی بر ترس، بدبینی، کنجکاوی، آرزویی، فریب و اقتصادی صورت گرفت که تأثیر منفی زیادی بر جامعه داشت. استراتژی‌های مهار شایعه نیز شامل استراتژی تکذیب و بازایابی می‌شد. براساس

روند کلی مقولات، شایعه‌ها واکنش طبیعی جامعه به همه‌گیری یک بیماری کاملاً ناشناخته و کشنده بودند که برای سلامت جسمانی و روانی جامعه تهدید محسوب می‌شدند.
کلیدواژه‌ها: شایعه، همه‌گیری کووید-۱۹، استراتژی مهار شایعه.

۱. مقدمه

شایعه^۱ اظهارات و اطلاعات تأیید نشده‌ای است که در شرایط ابهام، خطر و تهدید بالقوه رواج می‌یابد (بردیا و دیفونزو^۲، ۲۰۰۷، ص. ۱۳) و سپس می‌تواند به عنوان اظهارات درست، نادرست و تأیید نشده ارائه شود (مورایاما^۳، ۲۰۲۱، ص. ۱۳). لاسول شایعه را از طبیعی‌ترین پدیده‌های اجتماعی می‌داند (هماصدر، ۱۳۸۸، ص. ۶۰) که به مدیریت موقعیت خطرزا کمک می‌کند (دیفونزو و بردیا، ۲۰۰۷، ص. ۱۳). شایعه زمانی با افسارگسیختگی رواج می‌یابد که مردم در انتظار وقوع واقعه عظیم هستند (آلپرت و پستمن، ۱۳۷۴، ص. ۵۷). درواقع، شایعه تلاشی جمعی برای توضیح وضعیت دشواری است که گروه با نبود قطعیت مواجه است (دیفونزو و بردیا، ۱۹۹۸، ص. ۲۹۶). شایعه در زمان‌های بحران به مراتب حادثه نیز می‌شود (هماصدر، ۱۳۸۸، ص. ۶۰).

در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹، موردی از التهاب ریه با عاملی ناشناخته در چین گزارش شد (سازمان جهانی بهداشت^۴، ۲۰۲۰ الف) که بیماری کوید-۱۹ نام گرفت. به دلیل شیوع سریع این بیماری سازمان جهانی بهداشت در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ آن را دنیاگیری اعلام کرد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۲۰ ب). شیوع کوید-۱۹ علاوه بر اینکه چالشی برای سلامتی و سیستم بهداشتی کشورها بود، شرایط زندگی را نیز در جهان تغییر داد (تسنیم، حسین و مازومدر^۵،

-
1. Rumor
 2. Difonzo & Bordia
 3. Murayama
 4. WHO
 5. Tasnim, Hossain & Mazumder

۲۰۲۰، ص. ۱۷۱) و اطلاعات نادرست نیز به سرعت افزایش یافت (رادوان و رادوان^۱، ۲۰۲۰، ص. ۱). سازمان جهانی بهداشت از این وضعیت با عنوان اینفودمیک^۲ یاد کرد (چن^۳ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۸۷۰). برای مبارزه با اینفودمیک درک چرایی و چگونگی گسترش شایعه‌ها بسیار مهم است (یانگ، رن، وانگ و ژانگ^۴، ۲۰۲۲، ص. ۱).

جامعه ایران نیز درگیر بیماری کوید-۱۹ و شایعه‌های مرتبط با آن شد. از آنجاکه به شایعه‌ها در بحران‌های اجتماعی توجه بیشتری می‌شود، می‌تواند به ضعف روحیه مردم و تهدید امنیت جامعه منجر شوند (افروز، ۱۳۷۶، ص. ۲۱) پیامد انتشار اخبار نادرست و شایعه‌ها در همه‌گیری کوید-۱۹ گسترش اختلال، وحشت و ترس بود که مانع از مهار بیماری (رادوان و رادوان^۵، ۲۰۲۰، ص. ۱) و حتی افزایش مرگ و میر در جامعه شد. در چنین شرایطی شایعه‌ها هوشیاری بیشتری را نسبت به ویروس واقعی می‌طلبند؛ چراکه با طوفان‌های فکری منفی در اینترنت و انتشار گسترده، هراس را در جامعه افزایش می‌دهند و برای ثبات اجتماعی و امنیت شهروندان تهدید محسوب می‌شوند (شی، کیو، جیا و لیو^۶، ۲۰۲۰، ص. ۳۷۶)؛ از این رو شناسایی و کنترل شایعه‌ها در طول همه‌گیری کوید-۱۹ موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شود.

شایعه‌های منتشر شده مرتبط با سلامتی در همه‌گیری کوید-۱۹ بر سلامت جهانی تأثیر درخور توجهی داشت؛ بنابراین رد و تکذیب شایعه‌ها به اندازه مبارزه با همه‌گیری اهمیت پیدا کرد. ناتوانی در تکذیب شایعه‌ها و ارائه پاسخ قاطع موجب گمراهی مردم، افزایش هراس اجتماعی، خدشه‌دار شدن اعتبار دولت و تهدید سلامت عمومی می‌شود و دولت باید در پیشگیری و کنترل شایعه‌ها پاسخگو باشد (یانگ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۳)؛ در نتیجه

1. Radwan & Radwan

2. Infodemic

3. Chen

4. Yang, Ren, Wang & Zhang

5. Radwan & Radwan

6. Shi, Qu, Jia & Lyu

شناسایی استراتژی‌های مهار شایعه اهمیت دارد. شناسایی استراتژی‌های مهار شایعه در همه‌گیری کوید-۱۹ علاوه بر کنترل مناسب‌تر پیامدهای آن می‌تواند به شناسایی استراتژی در بحران‌های مشابه کمک کند. چون عملکرد یک جامعه و نوع واکنش آن در یک شرایط ناشناخته می‌تواند نشان‌دهنده ویژگی‌های آن جامعه باشد، شناسایی شایعه‌های منتشر شده به شناخت بهتر جامعه ایران کمک می‌کند.

شایعه‌های مختلفی در خبرگزاری‌ها منتشر شد که چون شأن، مرتبه و جایگاه بالایی به‌عنوان منبع خبری دارند (ربانی، برندگی و مهربانی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲)، می‌توانند مبنای مردم برای دسترسی به خبرها و بررسی درستی یا نادرستی آن‌ها قرار گیرند. در همه‌گیری کوید-۱۹ خبرگزاری‌های مختلف تلاش کردند با بررسی، توضیح، شفاف‌سازی یا تکذیب شایعه‌های منتشرشده از فشار و بحران واردشده بر جامعه بکاهند.

به‌رغم اهمیت و تأثیر زیادی که شناسایی شایعه‌ها و علل انتشار آن دارد، تاکنون پژوهشی در زمینه شایعه‌های منتشرشده در همه‌گیری کوید ۱۹ در ایران انجام نشده است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، تحلیل شایعه‌های منتشرشده در همه‌گیری کوید-۱۹، شناسایی علل انتشار شایعه‌ها و استراتژی‌های مهار آن‌هاست. سؤال پژوهش این است که محتوای شایعه‌های منتشرشده در همه‌گیری کوید-۱۹ و اهداف انتشار و استراتژی مهار شایعه‌ها چه بود؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

در این بخش به مرور ادبیات پژوهش در جهان و ایران پرداخته شده است. ابتدا پژوهش‌های مربوط به علل انتشار شایعه بررسی شده، سپس به پژوهش‌های مربوط به شایعه در دوران همه‌گیری کوید-۱۹ اشاره شده و در آخر به مرتبط‌ترین پژوهش‌ها با عنوان تحقیق حاضر پرداخته شده است.

گوودوین، هاکه، نتو و مایرز^۱ (۲۰۰۹) ذکر کردند، بحران‌های اجتماعی می‌توانند به شکل‌گیری شایعه منجر شوند. جونز، تامسون، شترو سیلور^۲ (۲۰۱۷) بیان کردند، شایعه‌ها در موقعیت‌های بحرانی و در خلأ مجراهای اطلاعاتی و کمبود مجراهای رسمی اطلاع‌رسانی شکل می‌گیرند. یافته‌های پژوهش احسن، کوماری و شارما^۳ (۲۰۱۹) نشان داد، در بحران‌های اجتماعی موضوعات مهم می‌تواند به بروز شایعه منجر شود.

الزمان و همکاران (۲۰۲۰) هفت مضمون شامل محبوبیت سیاسی، بهداشتی و آموزشی، جنایت و حقوق بشر، مذهبی، سیاسی و سرگرمی برای محتوای شایعه‌های رسانه‌های اجتماعی بنگلادش در همه‌گیری کوید-۱۹ شناسایی کردند که بیشتر شایعات به سلامت منفی مربوط بود. شایعه‌های مرتبط با سلامت در همه‌گیری کوید-۱۹ در چین در یافته‌های پژوهش پی‌یو و همکاران^۴ (۲۰۲۱)، شامل نه دسته ویژگی‌های ویروس، کانال‌های انتقال، منابع عفونی، پیش‌آگهی بیماری، درمان پزشکی مدرن، جمعیت مستعد، روش‌های پیشگیری، علوم و تشخیص و درمان طب سنتی چینی بود. یافته‌های پژوهش رحماواتی و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد، بسیاری از پیام‌های نادرست در طول همه‌گیری کوید-۱۹ به دروغ‌پردازی‌ها در مورد مسائل بهداشتی مربوط بود. الزمان (۲۰۲۱) اخبار نادرست مرتبط با کوید-۱۹ را در هفت مضمون اصلی سلامت، مذهبی-سیاسی، جرم و جنایت‌ها، سرگرمی، مذهبی و متفرقه شناسایی کرد. وانگ^۵ و همکاران (۲۰۲۱) بیان کردند، بین انتشار شایعه و قطبیت عاطفی و احساسات منفی و شایعه پراکنی در همه‌گیری کوید-۱۹ رابطه علی وجود دارد. چنگ و همکاران (۲۰۲۱) از محققانی بودند که در بررسی شایعه‌های همه‌گیری کوید-۱۹ به خبرگزاری‌های رسمی نیز توجه کردند. آن‌ها شایعه‌های منتشرشده در این دوره را

1. Goodwin, Haque, Neto & Myers
2. Jones, Thompson, Schetter & Silver
3. Ahsan, Kumari & Sharma
4. Pu
5. Wang

براساس اطلاعات منابع مختلف مانند توئیتر و وبسایت‌های رسمی خبری مانند ای‌بی‌اس^۱ و سی‌ان‌ان^۲ بررسی کرده و پایگاه داده‌ای برای شایعه‌های مرتبط با کوید-۱۹ ایجاد کردند. ترکمان و شهابی (۱۳۹۵) ذکر کردند، ابهام در خبر و اهمیت موضوع بر پذیرش شایعه تأثیر دارند. یافته‌های پژوهش ربانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد، بین اهمیت خبر و اشاعه و گسترش آن رابطه مثبت وجود دارد. یافته‌های پژوهش قانع عزآبادی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد، تصور اطلاع‌رسانی مفید از علل انتشار شایعه است. زمانیان و همکاران (۲۰۲۰) ترس و شایعه مرتبط با کوید-۱۹ را در بزرگسالان ایرانی بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد، سطح تحصیلات با ترس از کوید-۱۹ مرتبط است و اعتماد به شایعه‌ها نیز متأثر از سن، تحصیلات، بیماری زمینه‌ای و وضعیت محل کار است. تقی‌پور (۲۰۲۱) انتشار و پذیرش اطلاعات نادرست را در همه‌گیری کوید-۱۹ در مصاحبه با ۱۹ متخصص ایرانی در رشته علوم اطلاعات و ارتباطات بررسی کردند. شش مقوله اصلی شامل اخبار رسمی و سامانه اطلاع‌رسانی، ماهیت اطلاعات نادرست، کاربران، رسانه‌ها، منبع اطلاعات نادرست و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده بود. کاشی و شهریاری (۱۴۰۰) بیان کردند، چالش‌های ذهنی مردم در همه‌گیری کوید-۱۹ شامل کمبود تجهیزات بهداشتی، بی‌توجهی به قرنطینه، اخبار و شایعات، وضعیت روحی، اطلاع‌رسانی نشانه‌ها، پیشگیری، کنترل و درمان، اقدامات دولتی و مردمی، رعایت نکردن بهداشت فردی، میزان مرگ در مبتلایان و نحوه دفن، تعطیلی فعالیت‌های آموزشی و مشکلات اقتصادی بود. نتایج پژوهش هاتفی (۱۴۰۱) با بررسی الگوی گفتمانی مدیریت و پخش شایعه در شرایط همه‌گیری کوید-۱۹ نشان داد، به هر میزان منابع اعتبارسنجی اخبار اعتبار خود را از دست می‌دهند، زمینه شکل‌گیری شایعه در نسبت با تقلب و جعل بیشتر می‌شود.

1. ABS

2. CNN

بررسی پیشینه تجربی نشان می‌دهد، پژوهشی در زمینه محتوای شایعه‌های منتشر شده در همه‌گیری کوید-۱۹ در ایران انجام نشده است. در پژوهش حاضر شایعه‌های منتشر شده در همه‌گیری کوید-۱۹ در خبرگزاری ایسنا و ایرنا تحلیل محتوا و بررسی شده‌اند.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

شایعه به معنی «خبری است که فاش شود، ولی صحت و درستی آن معلوم نباشد. شایعه خبرهای بی‌اصل و نادرست است. شایعه‌سازی نیز خبر نادرست ساختن است» (دهخدا، ۱۳۴۵، ص. ج ۸/۱۴۱۰۳). شایعه پدیده‌ای اجتماعی است که برای ساختن آن حداقل به دو نفر نیاز است (آلپرت و پستمن^۱، ۱۳۷۴، ص. ۵۹). شایعه اغلب به رویدادهای مهم، اشخاص مشهور، مسئولان، مردم و سازمان‌ها و نهادها مربوط می‌شود (افروز، ۱۳۷۶، ص. ۲۱). شایعه زمانی با افسارگسیختگی رواج می‌یابد که مردم در انتظار وقوع واقعه‌ای عظیم هستند (آلپرت و پستمن، ۱۳۷۴، ص. ۵۷). درواقع، شایعه‌ها راه‌هایی برای کمک به ما برای کنار آمدن با اضطراب‌ها و نبود قطعیت‌ها هستند (راسنو و فوستر^۲، ۲۰۰۵، ص. ۲). از ویژگی‌های شایعه می‌توان به ابهام در منبع، انتشار در سطح وسیع، انتشار توسط مردم، پذیرش زیاد، دشواری در کنترل، بازتاب پیش‌بینی‌نشده و دشواری در مبارزه اشاره کرد (تولایی، ۱۳۹۶، ص. ۳۹۱).

رسانه‌ها یکی از منابع انتشار شایعه هستند. با گسترش اینترنت، شایعه‌ها در منابع برخط^۳ افزایش یافته است (الزمان و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۸۰). با گسترش رسانه‌ها مفهوم جدیدی چون «شایعه‌های رسانه‌ای» خلق شد که توسط یک یا چند نفر درباره رویدادهای تأیید نشده به صورت خود به خودی ایجاد شده و به وسیله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مدرن پخش می‌شوند (ژلتوخینا^۴، ۲۰۱۶، ص. ۱۰۵۸۲).

1. Allport & Postman

2. Rosnow & Foster

3. Online

4. Zheltukhina

با همه گیری کوید-۱۹، برخی از سامانه های رسانه ای گردش و انتشار اطلاعات نادرست را تقویت کردند. چون در زمان بحران و وحشت، حفظ سلامت و زندگی بسیار مهم تر است، کلمات باورپذیر می شوند (رحماواتی، مولیانا، لوماکتو، ویندیساری و آنیندهیتا^۱، ۲۰۲۱، ص. ۲۲۳). از آنجاکه کوید-۱۹ در ابتدا بیماری ناشناخته ای بود، شایعه های گوناگونی نیز درباره آن شکل گرفت. زمانی که ماهیت پدیده ای روشن نباشد و نشانه های پیرامون آن مبهم باشد، فضای ترس، تنش و تهدید به آن اضافه شده که به شکل گیری شایعه منجر می شود (هاتفی، ۱۴۰۱، ص. ۳۶)؛ به گونه ای که سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد، در همه گیری کوید-۱۹، جهان فقط با بیماری مبارزه نمی کند، بلکه در حال مبارزه با اینفودمیک نیز است (هو، یانگ، لی و ژانگ^۲، ۲۰۲۰). دو شرط اهمیت و ابهام در انتقال شایعه بسیار مهم اند. هرچه ابهام یا اهمیت موضوعی صفر باشد، شایعه ای وجود نخواهد داشت (آلپرت و پستمن، ۱۳۷۴، صص. ۴۵-۴۸) که این شرایط ابهام و اهمیت در همه گیری کوید-۱۹ به بیشترین حد خود رسیده بود. در چنین شرایط مبهمی، مردم از پخش شایعه اهدافی دارند که عبارت اند از: ایجاد بدبینی در جامعه، افزایش نگرانی و اضطراب، ایجاد فضای ناسالم اجتماعی، ترور شخصیت، ایجاد تقابل، کسب وجاهت و منزلت اجتماعی و کسب حمایت عاطفی، ایجاد ترس و نگرانی، مجاب کردن دیگران به امری خاص، ایجاد شک در جامعه (تولایی، ۱۳۹۶، ص. ۳۹۴).

شایعه از نظر انگیزه ایجاد و نوع آن به دسته های مختلف تقسیم می شود. نپ^۳ در سال ۱۹۴۴ شایعه را به شایعه های ترس (ترسناک و وقایع منفی)، شایعه آرزویی (امیدوارکننده و وقایع مثبت) تقسیم کرد. آلپرت و پستمن در سال ۱۹۴۷ نیز شایعه کنجکاوی را به این تقسیم بندی افزودند (دیفونزو و بردیا، ۲۰۰۷، ص. ۳۷). شایعه کنجکاوی شایعه ای است که

1. Rahmawati, Mulyana, Lumakto, Viendyasari & Anindhita

2. Hu, Yang, Li & Zhang

3. Knapp

به علت کنجکاوی عده‌ای و کسب آگاهی به وجود می‌آید و پخش می‌شود (تولایی، ۱۳۹۶، ص. ۳۹۳). شایعه بدبینی به منظور ترویج بدبینی به اشخاص و گروه‌های محبوب و مقتدر جامعه شکل می‌گیرد. هدف شایعه تفرقه‌افکن، ایجاد اختلاف بین اعضای گروه و جامعه است. از شایعه فریب برای پنهان‌سازی اهداف واقعی استفاده می‌شود. هدف شایعه اقتصادی، ایجاد ترس در بازار مالی و اوضاع اقتصادی جامعه به‌ویژه در زمان بحران‌ها و جنگ‌هاست (آذرشین و تاجیک اسماعیلی، ۱۳۹۶، ص. ۶۶). اهداف اغنایی و خصمانه نیز از دیگر اهداف انتشار شایعه است (زابلی‌زاده و شمس، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۴).

کوید-۱۹ به واسطه ویژگی‌هایش تأثیرات مختلف مثبت و منفی در جامعه ایجاد کرد که این امر بر شایعات منتشر شده نیز تأثیر گذاشت؛ در نتیجه شایعه‌های این دوران را می‌توان بسته به ایجاد نوع تأثیرات و احساسات به شایعه‌های مثبت و منفی تقسیم کرد. شایعه‌های آرزویی، امیدوارکننده‌اند و عواقب خوشایند را پیش‌بینی کرده و تأثیرات و احساسات مثبت ایجاد می‌کنند. شایعه‌هایی مانند شایعه ترس جزو شایعه‌های منفی محسوب می‌شوند و احساسات منفی در افراد جامعه ایجاد می‌کنند و تأثیرات منفی از خود به جای می‌گذارند (کامینز، فولکس و پرنز^۱، ۱۹۹۷، ص. ۱۶۹).

کنترل شایعه‌ها با مشارکت چندین نهاد همچون دولت، سازمان‌های اجتماعی و شرکت‌های رسانه‌ای، مزایای متنوعی دارد و نهادهای مختلف باید استراتژی‌های متفاوتی با توجه به نوع شایعه‌ها اتخاذ کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۳). برخی از این استراتژی‌ها عبارت‌اند از: پاسخ ندادن/کاری نکردن، رد و تکذیب/عمل متقابل، بازیابی/تأیید کاری انجام دادن، انبار و ذخیره کردن. در استراتژی پاسخ ندادن در مقابل شایعه منتشر شده سکوت صورت می‌گیرد. در استراتژی رد و تکذیب که مستقیم‌ترین پاسخ در مقابل شایعه است، پاسخ تکذیبی به شایعه داده می‌شود. در استراتژی بازیابی، هدف نجات جامعه از شایعه است و اطلاعاتی درباره موضوع داده می‌شود که به بازیابی ذهن افراد

درباره شایعه منتشرشده منجر می شود. در استراتژی ذخیره سازی، ویژگی های منفی شایعه با اهداف دیگری که مثبت ارزیابی می شوند، پیوند زده می شود (مقیم و غفاری، ۱۳۹۵، صص. ۸-۹).

شایعه به عنوان آسیبی اجتماعی و ناهنجاری در دورانی مانند همه گیری کوید-۱۹ محسوب می شود، اما کارکردهای مثبتی همچون افزایش انسجام اجتماعی، کاهش فشار عصبی و تخلیه روانی افراد نیز دارد. شایعه ها می توانند برای ساختن جامعه منسجم به کار روند. گاهی حرف زدن درباره یک نگرانی باعث تضعیف آن می شود. شایعه ها باعث تقویت روابط اجتماعی و نزدیک تر شدن افراد می شوند. همچنین شایعه ها به عنوان وسیله تحقیق درمورد حقیقت، باعث می شوند توجه افراد به بررسی اطلاعاتی جلب شود که برای به دست آوردن آن ها راه دیگری وجود ندارد (ربانی و همکاران، ۱۳۶۲، صص. ۴-۵).

۳. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر تحلیل محتوای کیفی است. در تحلیل محتوا «پژوهشگر به آزمون دستاوردهای ارتباطات اجتماعی انسان ها که نوعاً از جنس مدرک (مکتوب و غیرمکتوب) است می پردازد. درواقع، در این روش محتوای نامه ها، مقالات، روزنامه ها، صورت جلسه ها، کتاب ها و مجلات، اشعار، ترانه ها، نقاشی ها، سخنرانی ها و هر نوع متن و سند دیگری تحلیل می شود» (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵، ص. ۹۳).

در پژوهش حاضر تحلیل داده ها در چند مرحله انجام شد که شامل فراهم کردن داده های اولیه، سازمان دهی داده های جمع آوری شده، تقلیل و تخلیص داده ها در قالب مقوله ها از طریق گدگذاری بود. ابتدا دو رسانه پرمخاطب ایسنا و ایرنا برای بررسی شایعه های منتشرشده در همه گیری کوید-۱۹ انتخاب شدند و داده ها از این دو خبرگزاری استخراج شدند. بازه زمانی بررسی شده از اعلام رسمی شیوع کوید-۱۹ در ایران یعنی ۱ اسفند ۱۳۹۸ تا اعلام تولید و تزریق واکسن کوید-۱۹ در ۲۳ آذر ۱۳۹۹ به عنوان مرحله ای بود که طی آن

مبارزه با بیماری وارد مرحله جدیدی شد که امید به مبارزه با بیماری بسیار افزایش یافت. واژه «شایعه» در بازه زمانی بررسی شده در سایت‌های خبرگزاری ایسنا و ایرنا جست‌وجو شد. همه خبرهای مرتبط با شایعه در همه‌گیری کوید-۱۹ در این دو خبرگزاری شناسایی و بررسی شدند و مرتبط‌ترین خبرها که ۳۴۷ خبر بود، برای تحلیل انتخاب شدند. مبنای انتخاب شایعه‌ها نیز تعریف آن بود. طبق تعریف، شایعه خبری مهم و باورپذیر است که ویژگی اصلی آن شک درباره صحت آن است (دیفونزو بردیا، ۲۰۰۲، ص. ۳).

هدف تحلیل محتوای کیفی، بررسی محتوای درون متن است. واحد تحلیل در این پژوهش خبرهای شایعه بودند که با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری شدند. ابتدا کدگذاری باز انجام شد و الصاق مفاهیم اولیه به داده‌های خام صورت گرفت. در مرحله بعد یعنی کدگذاری محوری، مفاهیم با سطح انتزاع بالاتر شناسایی شدند. در کدگذاری گزینشی نیز مقوله هسته شناسایی شد.

برای اعتباریابی یافته‌ها پژوهش از روش سازگاری روش‌شناختی و زاویه‌بندی استفاده شد. براساس سازگاری روش‌شناختی تلاش شد که همه رویه‌های روش‌شناسی مدنظر قرار گیرد. با استفاده از روش زاویه‌بندی تلاش شد که از منابع گوناگون داده و تحلیلگرهای متعدد برای تحلیل داده‌ها استفاده شود.

۴. یافته‌های تحقیق

شایعه‌های منتشر شده در همه‌گیری کوید-۱۹ در ۹ مقوله اصلی و ۱۸ زیرمقوله شناسایی شدند. نُه مقوله اصلی عبارت بودند از: شایعه‌های مرتبط با ویروس، پیشگیری از بیماری، درمان و مهار بیماری، مرگ و میر و فوت‌شدگان از بیماری، شیوع بیماری و ابتلا، تعطیلی و بازگشایی اماکن مختلف، اقدامات دولت، وضعیت دسترسی به اجناس مختلف و سایر شایعه‌ها.

۴. ۱. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با ویروس

با همه‌گیری کوید-۱۹ شایعه‌های مرتبط با ویژگی‌های ویروس، روش‌های پیشگیری و درمان بیماری رواج بسیاری یافت. شایعه‌های مرتبط با ویروس کوید-۱۹ در دو زیرمقوله ویژگی‌های ویروس و کانال‌های انتقال شناسایی شد. مقوله ویژگی‌های ویروس دربرگیرنده زیرمقوله‌های جهش، از بین رفتن یا خفیف شدن ویروس بود. در ارتباط با کانال‌های انتقال ویروس نیز شایعه‌های مختلفی از جمله انتقال ویروس از طریق حیوانات خانگی، آب زیرزمینی، اینترنت، هوا و غیره شکل گرفت. درواقع، این شایعه‌ها نشان‌دهنده مبهم بودن شرایط، کنجکاوی و تلاش مردم برای شناخت بیشتر ویروس و بیماری هستند.

ایرنا (۹ اردیبهشت ۱۳۹۹) با تیتراژ تهران به ویروس کرونا آلوده نیست نوشت:

«معاون نظارت بر بهره‌برداری شرکت آب و فاضلاب استان تهران ... گفت: به آب ... کلر زده می‌شود که این امر باعث از بین رفتن هرگونه ویروس می‌شود ...»

۴. ۲. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با روش‌های مختلف پیشگیری و درمان بیماری

روش‌های مختلف پیشگیری و درمان برای مهار بیماری نیز در قالب شایعه‌های مختلف منتشر شد که دربرگیرنده روش‌های مختلف پیشگیری از بیماری مانند استفاده از درمان‌های مختلف خانگی و سنتی بود. در زمینه درمان و مهار بیماری زیرمقوله‌های روش‌های مختلف درمان، وضعیت امکانات درمانی، واکسن کوید-۱۹ و مهار بیماری شناسایی شد. این شایعه نشانه آرزوی مردم برای کنترل، پیشگیری و درمان بیماری بود.

ایسنا (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹) با تیتراژ واکنش پلیس به تأثیر مصرف مواد مخدر برای پیشگیری

از کرونا نوشت:

«سردار مسعود زاهدیان ... گفت: مافیای مواد مخدر از هر فرصتی برای تبلیغ و فروش مواد مخدر استفاده می‌کند و به‌تازگی هم شیوع بیماری کرونا در کشور دستاویز خوبی برای سوءاستفاده آنان شده است ...»

ایسنا (۲۰ فروردین ۱۳۹۹) با تیتراژ خوردن الکل کرونا را نابود نمی‌کند نوشت:

«... امیرپور یادآور شد این سخن تنها یک شایعه بوده و متأسفانه عده زیادی به دلیل مصرف بیش از حد الكل جان خود را از دست می‌دهند...»

با ادامه بیماری و گسترش آن و افزایش مبتلایان، شایعه‌هایی در زمینه وضعیت امکانات درمانی شکل گرفت که شامل کم‌کاری کادر درمان، مرگ و میر بیماران در بیمارستان به علت قطع برق، کمبود امکانات درمانی، پذیرش نکردن بیماران، دسترسی سریع نداشتن به اورژانس، استفاده از کیت‌های تشخیص آلوده یا ناقص، کمبود دارو، هزینه زیاد درمان در بیمارستان‌ها، پذیرش نکردن بیماران تبعه افغان بود. این شایعه‌ها نشان‌دهنده نگرانی و حتی بدبینی جامعه به وضعیت امکانات موجود برای درمان بیماری است. شایعه‌هایی نیز در زمینه تولید واکسن به عنوان روشی برای مهار بیماری شکل گرفت که عبارت بودند از: تولید واکسن کوید-۱۹، تغییر DNA با تزریق واکسن، واکسن برای پولدار شدن، توطئه بیل گیتس، واکسن عامل ناباروری، ورود واکسن به ایران، کفایت یک بار تزریق واکسن برای پیشگیری از بیماری. محتوای شایعه‌های منتشر شده در زمینه واکسن کوید-۱۹ نشان‌دهنده وجود رویکرد اغلب منفی در ابتدای همه‌گیری به تولید و تزریق واکسن در برخی از مردم جامعه است.

ایرنا (۱۳ فروردین ۱۳۹۹) ذیل تیتر ضد عفونی اتوبوس‌های شرکت واحد تهران با جوهر نمک شایعه است نوشت:

«مدیرعامل شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران ضمن رد ادعاهایی ... گفت: اتوبوس‌های تهران براساس دستورالعمل ابلاغی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ضد عفونی می‌شود.»

مهار بیماری نیز از جمله شایعاتی بود که در همه‌گیری کوید-۱۹ شکل گرفت که شامل مواردی چون ارائه تاریخی مشخص برای تمام شدن بیماری و حتی برپایی جشن پایان همه‌گیری توسط گروهی از جامعه بود.

۴.۳. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با مرگ و میر و فوت شدگان از بیماری

همه‌گیری کوید-۱۹ باعث شکل‌گیری شایعه‌های زیادی در زمینه مرگ و میر ناشی از بیماری کوید-۱۹ و فوت‌شدگان شد. این شایعه‌ها درباره میزان مرگ و میر حاصل از بیماری، دفن فوت‌شدگان و مرگ و میر افراد مشهور بود. از ابتدای همه‌گیری بیماری شایعاتی در زمینه میزان مرگ و میر بیماران مبتلا به کوید-۱۹ شکل گرفت.

ایسنا (۲ فروردین ۱۳۹۹) با تیتیر تکذیب یک ادعا درباره جانباختگان کرونا در ایران به شایعات مرتبط با مرگ و میر مردم واکنش نشان داد و نوشت:

«مرکز مقابله با شایعات سایبری اعلام کرد که روز گذشته نقل قولی منتسب به سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا در فضای مجازی منتشر شده و مدعی بود که در هر دقیقه، یک نفر در ایران به خاطر ابتلا به کرونا جان می‌بازد. با بررسی‌ها ... مشخص شد که این خبر کذب بوده و دکتر جهانپور ... آمار هر ۱۰ دقیقه یک فوتی را اعلام کرده است ...»

ازجمله شایعه‌های مهم و درعین حال نگران‌کننده مرتبط با بیماری به دفن کسانی مربوط بود که از بیماری کوید-۱۹ جان باختند. ابهام در زمینه ویروس و انتقال بیماری از افراد فوت‌شده و اهمیت رعایت شرع در زمینه دفن فوت‌شدگان به شکل‌گیری این شایعه‌ها منجر شد. روی زمین ماندن اجساد، دفن نامناسب مردگان، دفن غیرشرعی، دفن دسته‌جمعی، دفن در مکان‌های خاص از شایعه‌هایی بودند که در جامعه شکل گرفت.

ایسنا (۳ اردیبهشت ۱۳۹۹) با تیتیر بر کفن و دفن بهداشتی و شرعی متوفیان کرونایی نظارت می‌شود نوشت:

«دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمانشاه گفت: خاکسپاری متوفیان کرونایی در کرمانشاه طبق موازین بهداشتی و شرعی انجام می‌گیرد ... یکی از شایعاتی که در دو ماه اخیر مطرح شده، درخصوص چگونگی نحوه کفن و دفن متوفیان مبتلا به این بیماری است.»

۴.۴. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با میزان شیوع و ابتلا

میزان شیوع و ابتلای بیماری نیز از جمله موضوعاتی بود که به شکل‌گیری شایعه منجر شد. میزان شیوع بیماری، ابتلا یا ابتلا نیافتن گروه‌های خاص، ابتلای کارکنان فروشگاه‌ها و کارمندان و ورود بیماری یا بیماران مشکوک به بیماری به شهرها از این موارد بودند. آمارهای غیرواقعی در زمینه شیوع از جمله شایعه‌هایی بود که از ابتدای همه‌گیری بیماری شکل گرفت. شایعه‌هایی در زمینه ابتلا یا ابتلا نیافتن کودکان یا گروه‌های خونی خاص نیز در زمان همه‌گیری بیماری منتشر شد. همچنین شایعه‌هایی در زمینه ابتلای کارکنان و کارمندان شکل گرفت که می‌توانست موجب شیوع بیشتر بیماری در جامعه شود و به افزایش هراس در جامعه منجر شد. شایعه‌هایی در زمینه ورود بیماری یا بیماران مشکوک به کوید-۱۹ در شهرهای مختلف منتشر شد. شایعه‌هایی چون فرار افراد بیمار از بیمارستان، انتقال بیماران به سایر شهرها، اسکان بیماران در سایر شهرها، اسکان مسافران نوروزی در هتل‌ها، ورود اتباع خارجی، حضور اتباع خارجی در اماکن عمومی از جمله این شایعات بودند که به هراس جمعی دامن زدند و نشانه نگرانی جامعه از شیوع بیشتر بیماری بود.

ایرنا (۲۱ فروردین ۱۳۹۹) با تیترو شایعه ابتلای مردم محله گنجشگیر ایذه به کرونا تکذیب شد نوشت:

«حسین لامی‌زاده ... اظهار داشت: ... برخی افراد فرصت‌طلب با طرح شایعات فراوان، اقدام به برهم زدن جو روانی جامعه کرده‌اند ... در روزهای اخیر خبری در فضای مجازی منتشر شده که در آن به ابتلای همه مردم محله گنجشگیر ایذه به ویروس کرونا و قرنطینه کامل این منطقه اشاره شده است ...»

۴.۵. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با تعطیلی یا بازگشایی اماکن

تعطیلی یا بازگشایی اماکن عمومی و اماکن آموزشی و تفریحی نیز از دغدغه‌هایی بود که موجب شکل‌گیری شایعه‌هایی در زمان‌های مختلف همه‌گیری کوید-۱۹ شد. شایعه‌هایی چون تعطیلی پمپ بنزین، بازار، مرغداری‌ها، نانوائی‌ها، فروشگاه‌ها و تعطیلی یا بازگشایی

مدارس، موزه‌ها و امکان تفریحی نشانه نگرانی مردم در زمینه دسترسی به امکانات ضروری زندگی بود.

ایرنا (۲۲ اسفند ۱۳۹۹) نوشت: فرماندار نظرآباد تعطیلی فروشگاه‌ها را تکذیب کرد. «فرماندار نظرآباد شایعه تعطیلی فروشگاه‌ها و مراکز خرید را به دلیل شیوع بیماری کرونا در این شهرستان تکذیب کرد...»

۴.۶. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با اقدامات دولت

شایعه‌هایی نیز در زمینه اقدامات دولت و ارزیابی آن شکل گرفت که شامل جریمه خودروهای پرتدد، بستن مرزها و حتی نمایشی خواندن ضدعفونی اماکن عمومی بود. ایسنا (۶ فروردین ۱۳۹۹) با تیتیر تکذیب شایعه بسته شدن مرز دوغارون نوشت: «علی رسولیان با اعلام اینکه شایعاتی در فضای مجازی مبنی بر بسته شدن مرز دوغارون توسط ایران منتشر شد که به شدت آن را تکذیب می‌کنیم، اظهار کرد: روز گذشته به دلیل بارش باران و سیل چند ساعتی توسط مسئولین محلی، محدودیت ترددی در مرز دوغارون ایجاد شد ... و هم‌اکنون مبادله کالا در حال انجام است...»

۴.۷. مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با وضعیت دسترسی به اجناس مختلف

کمبود یا نایاب شدن اجناس ضروری‌ای چون بنزین، آرد، نان و اقلام بهداشتی مانند ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده از جمله شایعه‌هایی بود که به هراس عمومی دامن می‌زد و به خریدهای بی‌رویه و نامتعارف کالاهای مختلف در جامعه منجر شد. این شایعه‌ها در برهه‌های زمانی مختلف در شهرهای مختلف رواج یافت و حاصل نگرانی مردم از کمبود اقلام ضروری و گسترش بیماری بود.

ایرنا (۲۳ اسفند ۱۳۹۹) با تیتیر کمبودی در ارزاق عمومی شهرستان پیشوا وجود ندارد اعلام کرد که فرماندار پیشوا گفت:

«برخی افراد برای سلب آسایش و آرامش فکری مردم، شایعاتی مبنی بر کمبود اقلام و مایحتاج عمومی شهروندان بیان می‌کنند...»

۴. ۸ سایر شایعات

خودکشی دانش‌آموز به‌خاطر دسترسی نداشتن به امکانات آموزش مجازی، کاهش عمر ورزشکاران، ابتلای کودکان مبتلا به سندرم خاص، مرگ و میر دانش‌آموزان، مضر بودن لبنیات برای بیماری، از جمله شایعات دیگری بودند که در پی همه‌گیری بیماری کوید-۱۹ در جامعه شکل گرفتند.

۴. ۹. انگیزه‌های انتشار شایعه و استراتژی‌های صورت گرفته

از انگیزه‌های انتشار هریک از شایعه‌ها می‌توان به مواردی چون، ترس، کنجکاوی، بدبینی، توطئه، آرزویی، فریب و انگیزه اقتصادی اشاره کرد. در جدول ۱ انگیزه انتشار شایعه‌ها و استراتژی مهار آن‌ها مشخص شده است.

جدول ۱. زیرمقوله‌های شناسایی شده شایعه‌ها براساس انگیزه انتشار و استراتژی مهار آن

مقوله اصلی	زیرمقوله‌ها	انگیزه شایعه	استراتژی مدیریت شایعه
مرتبط با ویروس	ویژگی‌های ویروس	ترس و کنجکاوی	تکذیب و بازیابی
	کانال‌های انتقال	ترس و کنجکاوی	تکذیب و بازیابی
پیشگیری از بیماری	روش‌های مختلف پیشگیری	آرزویی	تکذیب و بازیابی
درمان و مهار بیماری	روش‌های مختلف درمان	آرزویی	تکذیب و بازیابی
	وضعیت امکانات درمانی	ترس و بدبینی	تکذیب و بازیابی
	واکسن کوید-۱۹	ترس، بدبینی، توطئه، آرزویی	تکذیب
	مهار کوید-۱۹	آرزویی	تکذیب
مرگ و میر و فوت شدگان از بیماری	میزان مرگ و میر	ترس	تکذیب و بازیابی
	مرگ و میر افراد مشهور	ترس	تکذیب
	دفن فوت شدگان	ترس و بدبینی	تکذیب و بازیابی
شیوع بیماری و ابتلا	میزان شیوع بیماری	ترس و بدبینی	تکذیب و بازیابی
	ابتلا یا ابتلا نیافتن گروه‌های خاص	آرزویی	تکذیب و بازیابی

مقوله اصلی	زیرمقوله‌ها	انگیزه شایعه	استراتژی مدیریت شایعه
	ابتلای کارکنان فروشگاه‌ها و کارمندان	ترس	تکذیب
	ورود بیماری یا بیماران مشکوک به شهرها	ترس	تکذیب و بازیابی
تعطیلی یا بازگشایی اماکن	تعطیلی یا بازگشایی اماکن تهیه اقلام ضروری	ترس	تکذیب
	تعطیلی یا بازگشایی اماکن آموزشی و تفریحی	ترس	تکذیب
اقدامات دولت	اقدامات دولت برای مهار و درمان	شایعه بدبینی	تکذیب
وضعیت دسترسی به اجناس مختلف	کمبود یا نایاب شدن اقلام مختلف	فریب و اقتصادی	تکذیب
سایر شایعات	-	ترس و اقتصادی	تکذیب و بازیابی

مبنای شکل‌گیری و انتشار بسیاری از شایعات، ترس ناشی از ابتلا یا شیوع بیماری و دسترسی نداشتن به اقلام و امکانات ضروری بود که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها سلامت مردم به خطر می‌افتاد. برخی از شایعه‌ها مانند وضعیت امکانات درمانی، واکسن کوید-۱۹، دفن فوت‌شدگان، میزان شیوع بیماری، اقدامات دولت برای مهار و درمان، علاوه بر ترس، دربرگیرنده تردید و بدبینی به اقدامات صورت گرفته، مناسب نبودن اقدامات و کافی نبودن اطلاعات ارائه شده به مردم بود و با شایعه‌های منتشرشده اقتدار سیستم به چالش کشیده می‌شد. برخی شایعه‌ها مانند پیشگیری و درمان بیماری با روش‌های سنتی و مواد غذایی خاص، مهار کوید-۱۹، کشف واکسن، ابتلا یا ابتلا نیافتن گروه‌های خاص، دربرگیرنده آرزو و امیدواری مردم برای کنترل هر چه بیشتر بیماری یا حتی اتمام بیماری در جامعه بود. برخی شایعه‌ها مانند کمبود یا نایاب شدن اقلام مختلف، حاصل تلاش برخی افراد برای فریب مردم و فروش کالاهایشان به منظور دستیابی به سود بیشتر اقتصادی بود.

استراتژی‌هایی که جامعه در قبال شایعه‌های منتشرشده در پیش گرفت نیز استراتژی تکذیب و بازیابی بود. شایعه‌ها طی خبرهایی تکذیب می‌شدند و در برخی موارد که به ارائه

اطلاعات بیشتر برای ترمیم اذهان عمومی نیاز بود، علاوه‌بر تکذیب شایعه، مسئولان و متخصصان اطلاعاتی درباره موضوع شایعه ارائه می‌کردند.

جدول ۲. شایعه‌های منتشر شده براساس نوع تأثیرگذاری

نوع شایعه‌ها	مصادیق شایعه‌ها
شایعه‌های مثبت	تولید واکسن کوید-۱۹، ورود واکسن به ایران، مهار کوید-۱۹ تا تاریخ مشخص، برپایی جشن پایان بیماری. جریمه اتومبیل‌های با تردد زیاد، منع تردد خانوادگی، بستن مرزها.
شایعه‌های منفی	جهش ویروس، شایعه‌های انتقال ویروس مانند انتقال از طریق حیوانات خانگی، آب زیرزمینی، اینترنت و غیره. کم‌کاری کادر درمان، مرگ و میر بیماران در بیمارستان به‌علت قطع برق، کمبود امکانات درمانی، پذیرش نکردن بیماران، دسترسی سریع نداشتن به اورژانس، استفاده از کیت‌های تشخیص آلوده یا ناقص، کمبود دارو، هزینه زیاد درمان در بیمارستان‌ها، پذیرش نکردن بیماران تبعه افغان. تغییر DNA با تزریق واکسن کرونا، واکسن کرونا برای پولدار شدن، توطئه بیل‌گیتس، عامل ناباروری، آمار غیرواقعی مرگ و میر بیماران، مرگ و میر ورزشکاران و افراد مشهور. شایعه‌های مرتبط با دفن فوت‌شدگان مانند روی زمین ماندن اجساد، دفن نامناسب مردگان و غیره. آمارهای غیرواقعی از شیوع، ابتلای کادر درمان، ابتلای دسته جمعی مردم در برخی شهرها، ابتلای کارکنان کشتارگاه‌ها، ابتلای سالمندان کهریزک، ابتلای کارکنان فروشگاه‌ها. فرار افراد بیمار از بیمارستان، انتقال بیماران به سایر شهرها، اسکن بیماران در سایر شهرها، اسکان مسافران نوروزی در هتل‌ها، ورود اتباع خارجی، حضور اتباع خارجی در اماکن عمومی. تعطیلی اماکن فروش کالاهای ضروری مانند پمپ بنزین، بازار، مرغداری‌ها و غیره. تعطیلی یا بازگشایی مدارس، موزه‌ها و اماکن تفریحی. استعفای مسئولان، بستن مرزها، نمایشی بودن ضدعفونی‌ها، کمبود اقلام بهداشتی و ضروری، خودکشی دانش‌آموز به‌خاطر دسترسی نداشتن به امکانات آموزش مجازی، کاهش عمر ورزشکاران، ابتلای کودکان مبتلا به سندرم خاص، مرگ و میر دانش‌آموزان، مضر بودن لبنیات برای بیماری.
شایعه‌هایی با پیامدهای دوگانه	کفایت یک بار تزریق واکسن برای پیشگیری، از بین رفتن ویروس با گرما، غلبه شکل خفیف ویروس، درمان و پیشگیری از بیماری با ویتامین‌های زیاد، حمام داغ، تزریق واکسن آنفلوآنزا، پرخوری، مصرف زیاد نوشیدنی گرم، مصرف مواد مخدر، ادرار شتر و نیش زنبور. پیشگیری یا درمان بیماری از طریق مصرف داروهای خانگی، غذاهای خاص مانند سیر و غذای تند، مصرف آب زیاد، مصرف الکل، مصرف جوش شیرین، مصرف روغن بنفشه و بادام، استفاده از داروهای گیاهی. تفاوت در مرگ و میر زنان و مردان، ابتلا یا ابتلا نیافتن کودکان، مبتلا نشدن ابتلای برخی گروه‌های خونی.

یافته‌ها نشان می‌دهد، پیامد اغلب شایعه‌ها در جامعه منفی بود و شایعه‌های کمی تأثیرات مثبت داشتند و برخی از شایعه‌ها تأثیرات دوگانه مثبت و منفی داشتند.

۵. نتیجه‌گیری

همه‌گیری کوید-۱۹ در ایران نیز مانند همه دنیا، بحران بزرگ اجتماعی، سلامت و حتی اقتصادی محسوب می‌شد که به شکل‌گیری شایعه‌های مختلف منجر شد. یافته‌های حاصل از تحلیل شایعه‌های منتشرشده در خبرگزاری‌های ایرنا و ایسنا نشان داد، شایعه‌ها در ۹ مقوله شایعه‌های مرتبط با ویروس، پیشگیری از بیماری، درمان و مهار بیماری، مرگ و میر و فوت‌شدگان از بیماری، شیوع بیماری و ابتلا، تعطیلی و بازگشایی اماکن مختلف، اقدامات دولت، وضعیت دسترسی به اجناس مختلف و سایر شایعه‌ها شناسایی شدند. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های تقی‌پور و همکاران (۲۰۲۱)، پی‌یو و همکاران (۲۰۲۱)، الزمان (۲۰۲۱) هم‌راستاست که نشان دادند، اطلاعات نادرست در همه‌گیری کوید-۱۹ درباره جنبه‌های مختلف ویروس مانند انتقال، درمان و کنترل آن است. در پژوهش حاضر نیز نشان داده شد، بخش مهمی از شایعات منتشرشده راه‌های انتقال، پیشگیری و درمان بیماری است. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش رحماواتی و همکاران (۲۰۲۱) هم‌راستاست که نشان دادند، شایعات منتشرشده در همه‌گیری کوید-۱۹ درباره مسائل بهداشتی بود.

ابهام و اهمیت بیماری نقش مهمی در شکل‌گیری شایعه‌ها داشت. کوید-۱۹ بیماری کاملاً ناشناخته و کشنده‌ای بود که جامعه پزشکی درمانی برای آن نمی‌شناخت و می‌توانست جان مردم را به صورت جدی به خطر اندازد. طبق یافته‌ها این شرایط باعث ایجاد کنجکاوی، ترس، بدبینی و ویژگی‌های دیگری شد که می‌توانست باعث ایجاد شایعه شود؛ چنانکه هاتفی (۱۴۰۰) نشان داد، رواج شایعه در نسبت با مسئله مرگ قرار می‌گیرد. درواقع، تبعات مرگباری که ویروس کوید-۱۹ در زندگی مردم داشت، بر شکل‌گیری این شایعات اثرگذار بود. ربانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان دادند، اهمیت موضوع بر انتشار شایعه اثرگذار است.

به نظر می‌رسد، اهمیت سلامت برای مردم و جامعه یکی از دلایل شکل‌گیری شایعه‌ها در زمینه بیماری و نحوه پیشگیری و درمان آن بود. شکل‌گیری شایعه در زمینه امکانات و اقسام ضروری‌ای که مردم برای زندگی روزمره به آن‌ها نیاز دارند نیز اهمیت این موضوع را بیشتر نشان می‌دهد. کمبود اقسام بهداشتی و امکانات درمانی می‌توانست موجب درگیری بخش بزرگی از جامعه با ویروس کوید-۱۹ شود که اهمیت این امر برای مردم باعث شکل‌گیری شایعه‌هایی حول محور دسترسی به اقسام موردنیاز و امکانات لازم برای پیشگیری یا درمان بیماری شد؛ چنانکه یافته‌های پژوهش کاشی و شهریاری (۱۴۰۰) نیز نشان داد، مسائلی مانند پیشگیری، کنترل، درمان، اقدامات دولتی و مردمی، بهداشت فردی، میزان مرگ و مبتلایان، نحوه دفن و تعطیلی فعالیت‌های آموزشی، از جمله موضوعاتی بودند که چالش‌های ذهنی مردم در همه‌گیری کوید-۱۹ محسوب می‌شدند. به دلیل ارتباط هریک از این موضوعات با سلامت جسمی و روانی جامعه، مردم نمی‌توانستند به‌سادگی از آن‌ها گذر کنند.

همچنین یافته‌ها نشان داد، استراتژی مسئولان برای مهار شایعه‌ها، تکذیب و بازیابی بود. استراتژی تکذیب و بازیابی می‌توانست به کاهش اثرات روانی و اجتماعی شایعه‌های مختلف بر مردم و انجام اعمال مناسب در راستای بهبود سلامت جامعه منجر شود. به‌رغم تأثیر مثبت برخی از شایعه‌ها، بیشتر آن‌ها تأثیرات منفی بر جامعه داشتند. نتیجه این قسمت از پژوهش نیز با یافته‌های پژوهش الزمان و همکاران (۲۰۲۰) هم‌راستا است که نشان دادند، بیشتر شایعه‌های منتشر شده در همه‌گیری کوید-۱۹ در بنگلادش شایعه‌های منفی بودند.

درنهایت می‌توان گفت، اغلب مقوله‌های شناسایی شده زیر عنوان محور نگرانی برای سلامت جسمانی و روانی جامعه قرار دارند. شناسایی ویژگی‌های ویروس، شناسایی پیشگیری یا درمان بیماری، بررسی وضعیت ابتلا و فوت شدگان و نحوه دفن آن‌ها، وضعیت تعطیلی اماکن مختلف عمومی و آموزشی و ارزیابی اقدامات جامعه، همه این مقوله‌ها نشانه واکنش عادی جامعه به مقوله مهم سلامت و تلاش برای شناسایی راه‌هایی برای هدایت جامعه به سمت آن هستند.

کتابنامه

۱. افروز، غ.ع. (۱۳۷۶). مبانی روان‌شناسی شایعه. روابط عمومی، (۹)، ۲۰-۲۳.
۲. ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) (۱۴۰۰). *کرونا جان دو نفر را در قم گرفت*. بازیابی از <https://www.isna.ir/news/98113022898> در ۲۰ آبان ۱۴۰۰
۳. آذرشین، ا. و تاجیک اسماعیلی، س. (۱۳۹۶). بررسی میزان باورپذیری پدیده شایعه در پیام‌رسان‌های موبایلی بین مردم شهرستان اهواز با تأکید بر نقش رسانه ملی. مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۱۸ (۴۰)، ۶۵-۹۴.
۴. آلپرت، ج.د. و پستمن، ل. (۱۳۷۴). *روان‌شناسی شایعه* (س. دبستانی، مترجم). تهران: سروش
۵. ترکمان، ف. و شهابی، ز. (۱۳۹۵). شایعه و عوامل اجتماعی مؤثر در پذیرش آن. *راهبرد/اجتماعی و فرهنگی*، (۱۹)، ۱۹۱-۲۱۶.
۶. تولایی، م.ع. (۱۳۹۶). تأثیر شایعه بر افکار عمومی. *حقوق ملل*، (۲۷)، ۳۸۷-۴۰۷.
۷. ربانی، ر.، برندگی، ب. و مهربانی، م. (۱۳۹۲). تحلیل و تبیین اشاعه خبر و گسترش شایعه (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان). *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰ (۲)، ۱-۲۲.
۸. زابلی‌زاده، ا. و شمس، م. (۱۴۰۰). نقش صدا و سیما در مقابله با شایعات سیاسی انتشار یافته در شبکه‌های اجتماعی مجازی. *رسانه و فرهنگ*، ۱۱ (۱)، ۱۳۸-۱۷۷.
۹. صدیق سروستانی، ر. (۱۳۷۵). کاربرد تحلیل محتوی در علوم اجتماعی. *نامه علوم اجتماعی*، ۸ (۸)، ۹۱-۱۱۴.
۱۰. قانع عزآبادی، م.، شادی، ض. و فتوره‌چی، م.م. (۱۳۹۹). جوانان و شایعه‌پراکنی در دوران پیام‌رسان‌های موبایلی. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، (۴۹)، ۳۳-۵۲.
۱۱. کاشی، ا. و شهریاری، م. (۱۴۰۰). پایش چالش‌های ذهنی مردم در فضای مجازی در دوران کرونا. *مطالعات مدیریت کسب و کار هوشمند*، ۱۰ (۳۷)، ۲۱۵-۲۳۲.
۱۲. مقیمی، م. و غفاری، ر. (۱۳۹۵). پابندی مدیران به اخلاق و مدیریت شایعه در سازمان‌های دولتی ایران. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۴ (۱)، ۱-۲۶.

۱۳. هاتفی، م. (۱۴۰۱). الگوی گفتمانی مدیریت و پخش شایعه در شرایط همه‌گیری کرونا در شبکه اجتماعی تلگرام. زبان‌پژوهی، ۴(۴۴)، ۳۵-۵۸.

۱۴. همایون‌زاد، ص. (۱۳۸۸). مدیریت شایعه: پذیرش و پایش. تدبیر، (۲۱۰)، ۵۹-۶۳.

15. Ahsan, M., Kumari, M., & Sharma, T. P. (2019). Rumors detection, verification and controlling mechanisms in online social networks: A survey. *Online Social Networks and Media*, 14, 100050.
16. Al-Zaman, M. (2021). COVID-19-Related social media fake news in India. *Journalism and Media*, 2(1), 100-114.
17. Al-Zaman, M., Sultana, M., Sultana Ahona, K. T., Sife, S. A., Akbar, M., & Sarkar, N. (2020). Social media rumors in Bangladesh. *Journal of Information Science Theory and Practice*, 8(3), 77-90.
18. DiFonzo, N., & Bordia, P. (1998). A tale of two corporations: Managing uncertainty during organizational change. *Human Special Issue-Employee Communications*, 37(3-4), 295-303.
19. DiFonzo, N., & Bordia, P. (2002). Corporate rumor activity, belief and accuracy. *Public Relations Review*, 28(1), 1-19.
20. DiFonzo, N., & Bordia, P. (2007). *Rumor psychology: Social and organizational approaches*. Washington: American Psychological Association.
21. Goodwin, R., Haque, S., Neto, F., & Myers, L. B. (2009). Initial psychological responses to Influenza A, H1N1 ("Swine flu"). *BMC Infectious Diseases*, 9(1), 1-6.
22. Hu, Zh., Yang, Zh., Li, Q., & Zhang, A. The COVID-19 infodemic: infodemiology study analyzing stigmatizing search terms. *Journal of medical Internet Research*, 22(11): e22639.
23. Jones, N. M., Thompson, R. R., Schetter, C. D., & Silver, R. C. (2017). Distress and rumor exposure on social media during a campus lockdown. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 114(44), 11663-11668.
24. Kamins, M. A., Folkes, V. S., & Perner, L. (1997). Consumer responses to rumors: Good news, bad news. *Journal of Consumer Psychology*, 6(2), 165-187.

25. Lv, W., Zhou, W., Gao, B., Han, Y., & Fang, H. (2022). New insights into the social rumor characteristics during the COVID-19 pandemic in China. *Frontiers in Public Health*, 10, 864955.
26. Murayama, T. (2021). Dataset of fake news detection and fact verification: A survey. *arXiv*. 2111.03299. Retrieved from <https://arxiv.org/abs/2111.03299>
27. Pu, G., Jin, L., Xiao, H., Shu-Ting, W., Xi-Zhe, H., Ying, T., & Yibo, W. U. (2021). Systematic evaluation of COVID-19 related Internet health rumors during the breaking out period of COVID-19 in China. *Health Promotion Perspectives*, 11(3), 288.
28. Radwan, E., & Radwan, A. (2020). The spread of the pandemic of social media panic during the COVID-19 outbreak. *European Journal of Environment and Public Health*, 4(2), em0044.
29. Rahmawati, D., Mulyana, D., Lumakto, G., Viendyasari, M., & Anindhita, W. (2021). Mapping disinformation during the Covid-19 in Indonesia: Qualitative content analysis. *Jurnal ASPIKOM*, 6(2), 222-234.
30. Rosnow, R. L., & Foster, E. K. (2005). Rumor and gossip research. *Psychological Science Agenda*, 19(4), 1-2.
31. Shi, A., Qu, Z., Jia, Q., & Lyu, C. (2020). Rumor detection of COVID-19 pandemic on online social networks. Paper presented at the *Proceedings of the IEEE/ACM Symposium on Edge Computing; IEEE/ACM Symposium on Edge Computing*, San Jose, CA.
32. Taghipour, F., Ashrafi-Rizi, H., & Soleymani, M. R. (2021). Dissemination and acceptance of COVID-19 misinformation in Iran: A qualitative study. *International Quarterly of Community Health Education*, 0272684X211022155.
33. Tasnim, S., Hossain, M. M., & Mazumder, H. (2020). Impact of rumors and misinformation on COVID-19 in social media. *Journal of Preventive Medicine and Public Health*, 53(3), 171-174.
34. Wang, P., Shi, H., Wu, X., & Jiao, L. (2021). Sentiment analysis of rumor spread amid COVID-19: Based on weibo text. *Healthcare*, 9(10), 1275.
35. World Health Organization (WHO). (2021a). *COVID-19–China*. Retrieved 2021, December 2, from <https://www.who.int/emergencies/disease-outbreak-news/item/2020-DON229>
36. World Health Organization (WHO). (2021b). *WHO director-general's opening remarks at the media briefing on COVID-19*. Retrieved 2021,

- December 2, from <https://www.who.int/director-general/speeches/detail/who-director-general-s-opening-remarks-at-the-media-briefing-on-covid-19---11-march-2020>
37. Yang, F., Ren, Y., Wang, S., & Zhang, X. (2022). Health-related rumor control through social collaboration models: Lessons from cases in China during the COVID-19 Pandemic. *Healthcare*, 10(8), 1475.
38. Zamanian, M., Ahmadi, D., Sindarreh, S., Alebrahim, F., Vardanjani, H. M., Faghihi, S. H., ... & Nasirian, M. (2020). Fear and rumor associated with COVID-19 among Iranian adults. *Journal of Education and Health Promotion*, 9, 355.
39. Zheltukhina, M. R., Slyshkin, G. G., Ponomarenko, E. B., Busygina, M. V., & Omelchenko, A. V. (2016). Role of media rumors in the modern society. *International Journal of Environmental and Science Education*, 11(17), 10581-10589.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد (مورد مطالعه: مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره))

محمد صفری (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

safarifrs@gmail.com

علیرضا موغلی (استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

ar.mooghali@pnu.ac.ir

چکیده

با توجه به پیچیدگی روزافزون مسائل اجتماعی و ناتوانی روش‌های سنتی برای پاسخگویی به این مسائل، تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد از اهمیت بسیار برخوردار شده است؛ بنابراین هدف این پژوهش، تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی در مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) بود. این پژوهش از نظر جهت‌گیری کاربردی بود و از رویکرد پژوهش‌های کیفی تبعیت کرده است. جامعه آماری آن اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، مدیران و کارشناسان خبره کمیته امداد و فعالان حوزه کارآفرینی اجتماعی در شهر شیراز بودند. با روش نمونه‌گیری هدفمند تا مرحله اشباع نظری، ۱۸ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و تحلیل داده‌ها براساس روش شش مرحله‌ای تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) و پس از سه مرحله کدگذاری در قالب شبکه مضامین ارائه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد، مدل کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد شامل هفت بُعد ساختار منعطف، فرهنگ کارآفرینی، ارزش آفرینی اجتماعی، راهبردهای کارآفرینانه، رهبری اجتماع محور، کارکنان خدمت‌گرای اجتماعی و فرایندهای نوآورانه است؛ بنابراین

پیشنهاد می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد برای پاسخگویی بهتر به مسائل اجتماعی، از الگوی طراحی‌شده در این پژوهش بهره‌برند.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز نیکوکاری، کمیته امداد امام خمینی (ره).

۱. مقدمه

کارآفرینی اجتماعی^۱ زمینه تحقیقاتی نوآورانه و جدیدی است که اخیراً به‌عنوان گفتمان غالب در مطالعات مربوط به کارآفرینی شناخته شده است. اهمیت رو به رشد این مفهوم و توجه مدیریتی و آکادمیک به آن در طیف وسیعی از مقالات با هدف درک بهتر آن کاملاً مشهود است. در دهه‌های اخیر، بسیاری از مراکز و محافل علمی و پژوهشی در دنیا، برای یافتن راه‌حل‌های نوآورانه و پایدار در راستای کاهش فقر و مسائل مرتبط با آن که از دلایل ریشه‌ای بی‌عدالتی و توزیع ناهمسان و نابرابر ثروت در جهان است، به کارآفرینی اجتماعی روی آورده‌اند (گریکو^۲، ۲۰۱۵).

در حوزه اجرا نیز با توجه به شرایط پیچیده کنونی، تحقق اهداف دولت‌ها در زمینه توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به کارآفرینی اجتماعی و مشارکت و همپاری سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم‌نهاد وابسته شده است؛ این سازمان‌ها از طریق گسترش کارآفرینی اجتماعی می‌توانند نقش بسیار مهمی در فرایند توسعه ایفا کنند؛ به همین دلیل، سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم‌نهاد در کشورهای در حال توسعه بسیار مدنظر قرار گرفته‌اند و بخش‌های دولتی و خصوصی توانسته‌اند با همکاری این سازمان‌ها در تحقق اهداف خود توفیق بیشتری کسب کنند (الوانی، ۱۳۸۷، ص. ۳۹).

در اقتصادهای به اصطلاح توسعه‌یافته، از جمله ایالات متحده آمریکا و اروپا، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در قالب بنگاه‌های اجتماعی برای حل نگرانی‌های اقتصادی-اجتماعی

1. Social Entrepreneurship (SE)
2. Grieco

کاملاً مشهود است؛ به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۰، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بنگاه‌های اجتماعی توانستند ۱۳/۶ میلیون شغل جدید ایجاد کنند. اوکراین و شورای بریتانیا تخمین می‌زنند که یک صد هزار بنگاه اجتماعی فعال در بریتانیا توانستند حدود دو میلیون نفر را استخدام کنند. در ایالات متحده آمریکا نیز بنگاه‌های اجتماعی ۳/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند (نیگوبن، کار، هاجتس و فوچارت^۱، ۲۰۲۱، ص. ۱).

در نتیجه در بسیاری از کشورها، سازمان‌های مردم‌نهاد با اتخاذ رویکردهای جدید و نوآورانه توانسته‌اند، نقش مؤثری در ارائه خدمات حمایتی و رفاه اجتماعی ایفا کنند، اما در کشور ما به رغم تلاش‌ها، اثربخشی خدمات آنان چندان مشهود نیست. ناتوانی سازمان‌های غیر انتفاعی و مردم‌نهاد در تأمین نیازها و مشکلات اجتماعی در ایران دلایل متعددی دارد. در این زمینه می‌توان به کمبود امکانات و منابع مالی، کمبود نیروهای متخصص و آزموده، موازی‌کاری‌ها، همپوشانی خدمات، ارائه خدمات موقت و کم‌اثر، بهره‌برداری لازم نکردن از ظرفیت‌های اجتماعی و... اشاره کرد (گزارش مدیریتی کارآفرینی اجتماعی کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۴۰۰، ص. ۷). همین موضوع باعث شده است تا ابطحی و همکارانش یکی از چالش‌های کارآفرینی اجتماعی در ایران را نبود تحول در ساختار سازمان‌ها و نهادهایی بدانند که باید برای پاسخ‌گویی به مشکلات قرن بیست و یکم نقش‌آفرینی کنند (ابطحی، شریف‌زاده و ابراهیم‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶). آنان در پاسخ به این چالش و چالش‌های پیش‌رو ضرورت به‌کارگیری مدل‌های بومی کارآفرینی اجتماعی را در سازمان‌های غیر انتفاعی گوشزد می‌کنند و بر این باورند که سازمان‌های اجتماعی باید با استفاده از مفهوم کارآفرینی تحولی اساسی در ساختار سنتی خود به وجود آورند و با استفاده از مفاهیم و الگوهای جدید کارآفرینی اجتماعی، خدماتی با کارایی و اثربخشی بیشتر به جامعه هدف خود ارائه کنند (زارع و صفری دشتکی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۹).

1. Nguyen, Carr, Hodgetts & Fauchart

در همین زمینه یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با کمیته امداد امام خمینی (ره) که به دلیل نوپا بودن و سنتی بودن شیوه‌های مدیریتی حاکم بر آن (به‌خاطر استفاده از معتمدین و خیرین محلی) نیازمند الگوهای جدید کارآفرینی اجتماعی است، مراکز نیکوکاری است. همان‌طور که در اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) (مصوب‌شده در ۱۳۹۴/۱/۱۵) ذکر شده است، این نهاد دارای هویت دینی و مردمی، جهادی، عام‌المنفعه و غیرانتفاعی است و هدف از تشکیل آن، توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و تأمین خوداتکایی، تقویت رشد ایمانی و اعتقادی نیازمندان و محرومان است (اسناد راهبردی کمیته امداد امام خمینی (ره) سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶، ۱۳۹۶، ص. ۱۹). در سال‌های اخیر، کمیته امداد امام خمینی (ره) با تدوین سیاست‌های مختلف از جمله سیاست‌های توسعه و ساماندهی مشارکت‌های مردمی در امر خیر و احسان و سیاست‌های احسان و حمایت از نیازمندان، رویکردهای کارآفرینی اجتماعی خود را بهبود بخشیده و با اجرای این سیاست‌ها تلاش کرده تا است اصول علمی و نوین کارآفرینی اجتماعی را در ارائه خدمات حمایتی خود به کار گیرد. یکی از راهکارهای به‌کارگرفته‌شده توسط این نهاد، تشویق و ترغیب فعالان اجتماعی برای تأسیس «مراکز نیکوکاری» با هدف واگذار کردن امور حمایتی به خود مردم و مردمی کردن بخشی از فعالیت‌های این نهاد است. براساس تعاریف موجود، مرکز نیکوکاری کمیته امداد، شکل مردمی مستقل (اشخاص حقیقی و حقوقی) است که با کسب مجوز از کمیته امداد امام (ره) و به‌صورت داوطلبانه به‌منظور جذب کمک‌های مردمی و ارائه خدمات به نیازمندان در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران و با نظارت عالی کمیته امداد امام (ره) در سطح جغرافیایی مشخص فعالیت می‌کند (ستاری، ۱۳۹۱، ص. ۲).

طبق آخرین برآوردها، در سال ۲۰۱۵ تقریباً ده میلیون سازمان مردم‌نهاد در دنیا وجود داشته است. در ایران نیز حدود چهارده هزار سازمان مردم‌نهاد وجود دارد (حاتمی، قاضی‌نژاد، باستانی و راد، ۱۳۹۹، ص. ۲۵). از مجموع شکل‌های مردم‌نهاد در کشور، ۵۴۰۹ شکل با عنوان مرکز نیکوکاری مردمی، با مجوز کمیته امداد امام خمینی (ره) فعالیت می‌کنند

(سالنامه آماری ۱۳۹۹ کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۵). این مراکز متشکل از تعدادی از خیرین و معتمدین محلی هستند که داوطلبانه و به شکل کاملاً مردمی و با ساختار هیئت‌مدیره‌ای و معمولاً به روش خیریه‌های سنتی اداره می‌شوند. به هر حال، اگر کارآفرینی اجتماعی را پاسخ اثربخش، نوآورانه، پایدار و داوطلبانه افراد یا مؤسسات اجتماعی به یک یا چند نیاز اجتماعی تعریف کنیم، بی‌شک مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) که اغلب به شیوه‌های قدیمی و سنتی در حال ارائه خدمات اجتماعی هستند، تا رسیدن به مرحله کارآفرینی اجتماعی هنوز فاصله زیادی دارند (گزارش مدیریتی کارآفرینی اجتماعی، ۱۴۰۰، ص. ۸)؛ به همین دلیل، یکی از راهکارهای ارتقای کارآفرینی اجتماعی در مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره)، تدوین و ارائه الگوی مطلوب کارآفرینی اجتماعی است تا شیوه‌های مدیریتی این مراکز را متحول کند؛ در نتیجه هدف اصلی این مطالعه، تدوین الگوی کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد از جمله مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره) است.

۲. مبانی نظری تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر مقالات علمی درمورد کارآفرینی اجتماعی به‌طور درخور توجهی در سطح جهانی افزایش یافته است. اغلب تحقیقات انجام‌شده بر حوزه جغرافیایی آمریکای شمالی و قاره اروپا متمرکز است؛ به‌طوری‌که بیش از ۶۰ درصد از مقالات قبلی را در بر می‌گیرد (گاپتا، چاوهان، پل و جیسوال^۱، ۲۰۲۰)؛ با این حال، تحقیقات موجود دامنه وسیع‌تری دارد و تمرکز بر ویژگی‌های کارآفرینان اجتماعی، ویژگی‌های سازمانی و روابط بین بنگاه‌های اجتماعی و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی را که در آن فعالیت می‌کنند، در بر می‌گیرد (گاریا جاردو، پرز-ابارا و نوا^۲، ۲۰۲۱)؛ این در حالی است که تا به امروز، محققان به این موضوعات در اقتصادهای نوظهور توجه کمتری داشته‌اند (شورای

1. Gupta, Chauhan, Paul & Jaiswal

2. García-Jurado, Pérez-Barea & Nova

انگلستان در سرمایه‌گذاری اجتماعی، ۲۰۱۵). پژوهشگران بر این باورند که برای گسترش دانش کنونی از نقش رهبری و ملاحظات فرهنگی در رابطه با عملکرد بنگاه‌های اجتماعی در داخل و بین محیط‌های مختلف، به انجام تحقیقات بیشتری نیاز است (گاریا جاردو و همکاران ۲۰۲۱؛ گاپتا و همکاران، ۲۰۲۰؛ نیگوین و همکاران، ۲۰۲۱)؛ به همین دلیل در سال‌های اخیر، علاقه علمی به کارآفرینی اجتماعی و مشارکت‌پذیری سازمان‌ها در آن افزایش یافته است (دورادو و ونترسکا^۱، ۲۰۱۳؛ مک مولن و برگمن^۲، ۲۰۱۷).

البته کارآفرینی اجتماعی پدیده‌ای پیچیده است و تعاریف قادر به پوشش دادن کل مفهوم آن نیست. مسائل مربوط به تعریف واحد از یک مفهوم نیز به این واقعیت بستگی دارد که این نهادها به شدت از حیث زمینه و شرایط جغرافیایی متغیر هستند و اینکه کشورهای مختلف نگاه متفاوتی به کارآفرینی اجتماعی دارند. در هر صورت، باید تعریف کرد که کارآفرینی اجتماعی چیست؛ این هدفی است که به‌طور گسترده‌ای در پژوهش‌های پیشین نیز دنبال شده است. واقعیت این است که محققان به دلیل جدید بودن موضوع کارآفرینی اجتماعی و سختی ایجاد خطی شفاف بین کارآفرینی و سایر زمینه‌ها نظیر کارآفرینی اجتماعی و مدیریت کسب‌وکار، هنوز به تعریف جامعی از کارآفرینی اجتماعی نرسیده‌اند. با این پیش‌زمینه نظری مبهم، تعجب‌آور نیست که گاهی اوقات یک اصطلاح یا عبارت، یک مسئله محسوب می‌شود؛ برای مثال، اصطلاحات کارآفرینی اجتماعی، بنگاه اجتماعی، کارآفرین اجتماعی و نوآوری اجتماعی گاهی مواقع به جای هم و به صورت مترادف استفاده شده و گاهی اوقات از یکدیگر متمایز شده‌اند (وستلی و انتادز^۳، ۲۰۱۰).

کارآفرینی اجتماعی به خودی خود یک هدف نیست؛ بلکه ابزاری برای رسیدن به اهداف اجتماعی و کمک به ایجاد تغییرات اجتماعی است؛ بر این اساس، هدف اصلی کارآفرینی اجتماعی، تغییر یا اصلاح تمهیدات اقتصادی یا اجتماعی است که به ایجاد وضعیت ناتوانی

-
1. Dorado & Ventresca
 2. McMullen & Bergman
 3. Westley & Antadze

در تأمین نشدن نیازهای اساسی منجر شده است (جریکو^۱، ۲۰۱۵، ص. ۷). در همین رابطه مطالعات قبلی نشان می‌دهد، محققان از زوایا و ابعاد مختلف به این پدیده اجتماعی پرداخته‌اند. از نظر مقیمی (۱۳۸۳)، مهم‌ترین هدف کارآفرینی اجتماعی توجه به انگیزه اجتماعی مانند بهبود انسجام اجتماعی، مبارزه با فقر، دفاع از حقوق بشر و ارتقای خدمات بهداشتی و درمانی است (مقیمی، ۱۳۸۳). از طرفی رویکرد نوآورانه‌ای که کارآفرینان اجتماعی در زمان تلاش برای دستیابی به برآیندهای اجتماعی اتخاذ می‌کنند، مؤلفه دیگری است که عموماً محققان به عنوان ویژگی مشترک بنگاه‌های اجتماعی می‌پذیرند. به اعتقاد صاحب‌نظران این حوزه تخصصی، کارآفرینان اجتماعی افرادی هستند که از راه‌حل‌های نوآورانه (اشوکا^۲، ۲۰۱۱) یا سنت‌شکنانه (لایت^۳، ۲۰۰۶) بهره می‌گیرند و به این ترتیب عاملان تغییر (بنیاد شواب، ۲۰۱۱) در جامعه هستند تا اینکه تنها تکرارکننده‌ها یا تقلیدکننده‌های ساده شیوه‌ها یا بنگاه‌های موجود باشند (اوستین^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). این تعریف به محصولات، خدمات یا فرایندها و شیوه‌های نوآورانه تحویل و ترویج محصولات و کالاها و به اهداف نوآورانه اشاره دارد (جریکو، ۲۰۱۵، ص. ۲۷).

مؤلفه دیگری که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند، ویژگی‌های ساختاری و سازمانی کارآفرینی اجتماعی است. از نظر پولدرینی و تورتیا (۲۰۱۹)، مفهوم کارآفرینی اجتماعی در دهه‌های پایانی قرن گذشته برای شناسایی ترکیب مثبت بین ابعاد و اهداف مختلف سازمانی (کارآفرینی، تجاری و اجتماعی) معرفی شده است و به دنبال آن مدل‌های سازمانی جدیدی ظهور کرده‌اند که با اشکال خاص نوآورانه، حقوقی، کنترل، حکمرانی و مدیریت مشخص می‌شوند؛ مانند حاکمیت چند ذی‌نفعی در مقابل حاکمیت تک ذی‌نفعی (برگا و ساجتی^۵، ۲۰۱۵)؛ بر این اساس، توانایی بنگاه‌های اجتماعی در تعقیب اهداف اجتماعی تابعی از مدل

1. Grieco

2. Ashoka

3. Light

4. Austin

5. Borzaga & Sacchetti

سازمانی جدید از طریق انتخاب افراد دارای انگیزه اجتماعی و تعامل بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع در داخل مرزهای سازمانی است که ممکن است ماهیت اجتماعی و نه اقتصادی داشته باشد و محدودیت‌های قانونی در توزیع سود نیز داشته باشد. این پیچیدگی بیشتر برای انطباق رفتار فردی و جمعی با اهداف سازمانی مورد نیاز است (تورتی و ساکتی^۱، ۲۰۲۰)؛ بنابراین اهمیت ارتباط بین این عوامل از طریق چارچوب‌های مختلف مانند اینگلهارت (۱۹۹۷) و سایر مطالعات بعدی افزایش یافته است و بسیاری از محققان خاستگاه اصلی کارآفرینی اجتماعی را سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم‌نهاد می‌دانند (صفری، ۱۴۰۱، ص. ۳۳). سازمان‌های مردم‌نهاد متشکل از گروهی افراد داوطلب است که بدون وابستگی به دولت و به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه با تشکیلات سازمان‌یافته، در جهت اهداف و موضوعات متنوع فرهنگی، اجتماعی، خیریه‌ای و صنفی فعالیت می‌کنند (رضایی، ۱۴۰۰، ص. ۱۱۷). سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد را می‌توان سازمان‌های خودگردان، داوطلبانه و غیرانتفاعی تعریف کرد که هدف از فعالیت‌هایشان کسب منافع تجاری نیست؛ بلکه هدف آن‌ها پیشرفت در حوزه‌های رفاه اجتماعی به منظور تحقق اهداف عمومی است (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۵). در حال حاضر، ذیل اهداف توسعه پایدار، مشارکت برای توسعه به‌ویژه بین دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد، هدفی ارزشمند به شمار می‌رود و سازمان‌های غیردولتی تضمین‌کننده حکمرانی خوب هستند (بنو^۲، ۲۰۱۹، ص. ۱۲۸۳). با توجه به ناکامی دولت‌ها و مؤسسه‌های تجاری برای حل مسائل توسعه‌ای، جامعه امروزی برای رویارویی با مسائل پیچیده اجتماعی به کارآفرینی و خلاقیت اجتماعی نیازمند است (فلاح، جعفری و عبادی، ۱۳۹۹) و البته تحقق اهداف کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد نیازمند الگوهای مناسب و اثربخش است.

-
1. Tortia & Sacchetti
 2. M.Bano

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از آن است که تاکنون مدل‌های متعددی از کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد ارائه شده است و هرکدام از این مدل‌ها به ابعاد مختلفی از کارآفرینی اجتماعی پرداخته‌اند؛ برای نمونه، دییز^۱ (۱۹۹۸) پنج بعد کلیدی کارآفرینی اجتماعی را مأموریت اجتماعی، جست‌وجوی فرصت‌های جدید، نوآوری مداوم، اجرای قوی و حس پاسخگویی می‌داند. سلوس و مایر^۲ (۲۰۰۵) پاسخگویی اجتماعی، توسعه پایدار و تأمین نیازهای نسل امروز بدون ایجاد مخاطره در تأمین نیازهای نسل آینده را به‌عنوان ابعاد کارآفرینی اجتماعی شناسایی کرده است (ابطحی و همکاران، ۱۳۸۹). مورت، ویراواردنا و کارنج^۳ (۲۰۰۳) با بهره‌گیری از ماهیت چندگانه کارآفرینی اجتماعی، مدل چندبعدی کارآفرینی اجتماعی ارائه کردند. مدل کارآفرینی آن‌ها شامل چهار بُعد است: در بُعد نخست، کارآفرینی اجتماعی به مأموریت‌های اجتماعی متعهد است و برای دستیابی به آن به‌دنبال ایجاد ارزش‌های اجتماعی، بهتر از رقبای خود است که نتیجه آن در رفتارهای مختلف کارآفرینان نمود پیدا می‌کند؛ در بُعد دوم، کارآفرینان اجتماعی واجد قضاوت‌های متوازن و متعادل، یگانگی در هدف و آینده‌مداری در مواجهه با پیچیدگی‌های مسائل اجتماعی هستند؛ بُعد سوم مدل حکایت از این دارد که کارآفرینی اجتماعی فرصت‌هایی را برای ایجاد ارزش اجتماعی بهتر کشف و شناسایی می‌کند؛ در بُعد چهارم این مدل، کارآفرینان اجتماعی ویژگی‌های نوآوری، آینده‌مداری و ریسک‌پذیری را در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و مهم خود در نظر می‌گیرند (صفری، ۱۴۰۱، ص. ۳۷).

مدل دیگری که در حوزه کارآفرینی اجتماعی ارائه شده است، مدل ویراواردنا و مورت (۲۰۰۶) است. مدل کارآفرینی اجتماعی این دو نظریه‌پرداز با هدف دستیابی به مأموریت‌های اجتماعی و حل مسائل اجتماعی مطرح شده است و دارای هفت متغیر پویایی محیطی، نوآوری، آینده‌مداری، مدیریت ریسک، پایداری، مأموریت اجتماعی و شناسایی و شکار

1. Dees

2. Seelos & Mair

3. Mort, Weerawardena & Carnegie

فرصت است (گزارش مدیریتی کارآفرینی اجتماعی، ۱۴۰۰، ص. ۱۰). دیوید و ویراوردنا (۲۰۱۷) در مطالعات خود، معیار رفتاری جهت‌گیری کارآفرینی اجتماعی (SEO) پیشنهاد داده‌اند که رفتار کارآفرینانه را در زمینه‌های محدود به منابع نشان می‌دهد. آنان پنج بُعد کارآفرینی یعنی نوآوری، فعال بودن، مدیریت ریسک، جهت‌گیری مؤثر و جهت‌گیری مأموریت اجتماعی را شناسایی کردند. ابطی و همکاران (۱۳۸۹) نیز با استفاده از مدل ویراوردنا و مورت (۲۰۰۶) و مدل سلیوان و همکاران (۲۰۰۰) مدل کارآفرینی اجتماعی ارائه کردند. عناصر اصلی این مدل مفهومی شامل نوآوری، آینده‌مداری، مدیریت ریسک، قضاوت‌های متعادل و مناسب، فضیلت و شایستگی‌های کارآفرینان و شناسایی و شکار فرصت‌هاست که تحت‌تأثیر عوامل پایداری، پویایی‌های محیطی و مأموریت‌های اجتماعی عمل می‌کند (ابطی و همکاران، ۱۳۸۹).

به‌طورکلی، مرور اجمالی پیشینه نظری و تجربی کارآفرینی اجتماعی گویای این واقعیت است که محققان با رویکردهای مختلف به مفهوم‌سازی کارآفرینی اجتماعی پرداخته‌اند و تاکنون الگوهای مختلفی از کارآفرینی اجتماعی در دنیا ارائه شده است. از نظر موضوعی هرکدام از این مدل‌ها به یک یا چند بُعد یا ویژگی کارآفرینی اجتماعی تأکید کرده‌اند، برای نمونه، مقیمی (۱۳۸۳) به اهداف کارآفرینی اجتماعی، اشوکا (۲۰۱۱) و لایت (۲۰۰۶) به ویژگی‌های کارآفرینان اجتماعی، جریکو (۲۰۱۵) و دییز (۱۹۹۸) به فرایندهای تحقق اهداف اجتماعی، چیریکو (۲۰۰۵) به فرهنگ کارآفرینی اجتماعی و پولدرینی و توریتا (۲۰۱۹) و تورتی و ساکتی (۲۰۲۰) به ویژگی‌های ساختاری سازمان کارآفرین اجتماعی پرداخته‌اند.

۳. روش تحقیق

در این مطالعه برای جمع‌آوری داده‌های مدنظر درباره ادبیات تحقیق و پیشینه آن، به‌کمک روش کتابخانه‌ای، از اسناد در دسترس همچون کتب، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و محتوای پایگاه‌های اطلاعاتی اعم از فارسی و انگلیسی فیش‌برداری شد. سپس با استفاده از ادبیات

تحقیق و پیشینه پژوهش، سؤال‌های اولیه مصاحبه طراحی شد. بدیهی است، سؤال‌های تکمیلی پژوهش به‌مرور و در ادامه فرایند پژوهش کیفی و با توجه به پاسخ مصاحبه‌شوندگان، کشف و مطرح شدند. آنگاه از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند (غیرتصادفی) متخصصان و خبرگان موضوع، از بین فعالان کارآفرینی اجتماعی، اساتید دانشگاه‌ها و متخصصان کمیته امداد امام خمینی (ره) شناسایی شدند و ترتیب برگزاری جلسات مصاحبه به‌صورت حضوری و مجازی داده شد. حجم نمونه تا مرحله اشباع نظری به ۱۸ نفر رسید (جدول ۱). داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های عمیق با نمونه‌های انتخابی جمع‌آوری شد و فرایند تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون انجام شد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی نمونه‌های کیفی

مدیریت توسعه	مدیریت دولتی	مدیریت دولتی	تخصص
مدیر در کمیته امداد	مدیر در کمیته امداد	مدیر در کمیته امداد	شغل
مرد	مرد	مرد	جنسیت
۲۳	۲۴	۲۵	سابقه (سال)
کارشناسی ارشد	دکترای تخصصی	کارشناسی ارشد	سطح تحصیلات
۱۲	۱۱	۱۰	ردیف
جامعه شناسی	کار آفرینی	مدیریت دولتی	تخصص
کارشناس امور اجتماعی	کارشناس امور اجتماعی	هیئت علمی دانشگاه	شغل
زن	مرد	مرد	جنسیت
۲۵	۲۰	۱۵	سابقه (سال)
کارشناسی ارشد	دکترای تخصصی	دکترای تخصصی	سطح تحصیلات
۳	۲	۱	ردیف

تخصص	مدیریت منابع انسانی	کارآفرینی	روانشناسی سازمانی	مدیریت اجرایی	کارآفرینی	توسعه اقتصادی
شغل	کارشناس کمیته امداد	مدیر مرکز مشاوره	مدیر در کمیته امداد	کارشناس اجتماعی	مدیر توسعه کارآفرینی	مدیر در کمیته امداد
جنسیت	مرد	مرد	مرد	مرد	مرد	مرد
سابقه (سال)	۷	۲۰	۲۵	۱۹	۲۰	۲۸
سطح تحصیلات	کارشناسی ارشد	دکترای تخصصی	کارشناسی ارشد	کارشناسی ارشد	دکترای تخصصی	کارشناسی ارشد
ردیف	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
تخصص	مددکاری اجتماعی	اقتصاد نظری	علوم اجتماعی	کارآفرینی	کارآفرینی	کارشناس اجتماعی
شغل	هیئت علمی دانشگاه	هیئت علمی دانشگاه	کارشناس امور اجتماعی	مدیر کارآفرینی	مدیر در کمیته امداد	مشاور در کمیته امداد
جنسیت	زن	مرد	زن	زن	مرد	مرد
سابقه (سال)	۱۲	۲۱	۱۸	۱۸	۱۳	۲۹
سطح تحصیلات	دکترای تخصصی	دکترای تخصصی	کارشناسی ارشد	دکترای تخصصی	کارشناسی ارشد	کارشناسی
ردیف	۴	۵	۶	۷	۸	۹

شایان ذکر است، در این پژوهش اطلاعات از منابع مختلف کتابخانه‌ای و مشارکت‌کنندگانی جمع‌آوری شده است که جزو متخصصان حوزه کارآفرینی اجتماعی بودند و فرایند تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها در یک پژوهش تحلیل مضمون به صورت هم‌زمان انجام

می‌شود. نظرهای نخبگان دانشگاهی در رشته‌های کارآفرینی، مدیریت، علوم اقتصادی، علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی نیز برای تأیید صحت کدگذاری و شکل‌دهی طبقات دریافت شد که این امر نشان از اعتبار سازه‌ای و درونی این پژوهش دارد. علاوه بر این، کارشناسان خبره و متخصصان کمیته امداد امام خمینی (ره) و مراکز نیکوکاری به‌عنوان نمونه برای مصاحبه به‌منظور افزایش اعتبار بیرونی تحقیق انتخاب شدند؛ زیرا تجربیات و گفته‌های آن‌ها موجب کشف کدها و طبقاتی در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در بخش کیفی این مطالعه شد که درعمل به واقعیت نزدیک‌تر است و تکرارپذیری آن را افزایش می‌دهد. مصاحبه‌ها با صاحب‌نظران و متخصصان حوزه کارآفرینی اجتماعی و همچنین کارشناسان و مدیران کمیته امداد امام خمینی (ره) و مراکز نیکوکاری، توسط پژوهشگر و با راهنمایی و هدایت کارشناس پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره) صورت پذیرفت. نتایج حاصل از کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم به تأیید صاحب‌نظران دانشگاهی، تعدادی از مدیران و کارشناسان خبره و عالی‌کمیته امداد امام خمینی (ره) و تعدادی از مدیران فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی رسید که خود تأییدی بر پایایی پژوهش است.

۴. یافته‌های تحقیق

در این پژوهش برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در این راستا داده‌های کیفی لازم از طریق مصاحبه با ۱۸ نفر از اساتید دانشگاه‌ها، مدیران و کارشناسان حوزه کارآفرینی اجتماعی و همچنین مدیران و کارشناسان کمیته امداد امام خمینی (ره) و مراکز نیکوکاری جمع‌آوری شد. آنگاه پژوهشگر به‌منظور شناخت معانی و الگوهای صریح و مستتر در متن مصاحبه، به پیاده‌سازی، بازخوانی و مرور مکرر داده‌های ضبط‌شده و شناسایی و استخراج کدهای اولیه موجود در متون مصاحبه‌ها اقدام کرد. در مرحله بعد و با هدف شناخت کدهای گزینشی، پژوهشگر از طریق ترکیب کدهای مختلف به‌دنبال خلق کدهای گزینشی از دل کدهای استخراجی بود که با کنارگذاشتن کدهای

تکراری، ناقص و نامرتب، ۱۳۴ کدگزینشی شناسایی شد. در جدول ۲ نمونه‌هایی از متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها آورده شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده

کدهای استخراجی	متون مصاحبه
داشتن حس نوع‌دوستی و بشردوستانه قوی، دارای انگیزه زیاد خدمت به دیگران، ابراز همدردی و همدلی به دیگران، علاقه‌مند به حل مشکلات اجتماعی، خوش‌اخلاقی و خوش‌رویی در رفتارهای اجتماعی، متکی به پادشاه‌های معنوی و درونی، مقدم دانستن منافع دیگران بر منافع خود.	باید عرض کنم که کارکنان یک سازمان مردم‌نهاد مانند مراکز نیکوکاری کمیته امداد باید قبل از هر چیز، خود علاقه زیادی به کمک کردن به دیگران مخصوصاً افراد فقیر و نیازمند داشته باشند. یعنی معاشرت با افراد نیازمند را ذاتاً دوست داشته باشند. باید بتوانند پای صحبت و درد دل فقرا بشینند، با آنها ابراز همدردی کنند و به حرف‌های آنها گوش بدهند. حتی اگر هم نمی‌توانند مشکلات نیازمندان را حل کنند، باید با زبان خوش و خوش‌رویی با آنان رفتار کنند. کار کردن در جایی مثل مراکز نیکوکاری کمیته امداد خیلی سخت است؛ با سایر ادارات خیلی فرق می‌کند. کارمندان سازمان‌های مردم‌نهاد فقط برای حقوق و مزد کار نمی‌کنند؛ بلکه آنها باید کارشان خدایی و برای رضای خدا باشد. بعضی وقت‌ها آنها باید برای آسایش و رفاه هم‌نوعان خودشان، از رفاه و آسایش خود و خانواده‌شان بگذرند. این کارها، کار هرکسی نیست. عشق و ذوق و انگیزه و علاقه زیادی لازم دارد.

در مرحله بعد ضمن بازبینی و بررسی کدهای گزینشی و تشکیل مجموعه‌ای از مضامین و همچنین بررسی اعتبار مضمون سازمان‌دهنده، ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد. درنهایت، پس از بررسی عمیق مضامین سازمان‌دهنده از تجمع و ترکیب آن هفت مضمون فراگیر به دست آمد. در جدول ۳ فرایند استخراج کدها و مضامین مذکور مشاهده می‌شود.

جدول ۳. مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	کدها
ساختار منعطف	مرزگستری	داشتن ساختار سازمانی برای مدیریت نیروهای مردمی، تأثیرگذاری بر افراد با اعتقادات دینی مختلف، انعطاف پذیری خدمات در مرزهای جغرافیایی مختلف،	

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	کدها
فرهنگ کارآفرینی	جمع‌سپاری		توانایی پیشبرد اهداف سازمان در قومیت‌های مختلف، پذیرش دیدگاه‌ها و سلیقه‌های مختلف، مرزهای فیزیکی، مجازی، ذهنی و ادراکی منعطف، توسعه تعامل و ارتباطات سازمانی با بخش‌های ثالث جامعه، بازبینی مرزهای سازمانی متناسب با فرصت‌های جدید، ایجاد فرصت‌های ارائه خدمات کارآفرینی اجتماعی برای اقلیت‌ها.
			مشارکت با گروه‌های مختلف اجتماعی، استفاده از ظرفیت مردمی در طبقات مختلف فرهنگی، به‌کارگیری نیروهای داوطلب مردمی، توانایی شبکه‌سازی اجتماعی، تیم‌گرایی، توانایی استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی، توانایی سازماندهی ذی نفعان و بازیگران غیردولتی در فعالیت‌های مرتبط با خدمات حمایتی، واگذاری خدمات به شبکه‌های حمایتی داوطلب.
	اعتمادآفرین		ارائه خدمات به صورت شفاف و صریح، سلامت مالی، ارائه تصویر سازمانی مطلوب، صداقت در کار، راستگویی در گفتار و کردار، تطابق گفتار با رفتار، پرهیز از دروغ‌گویی و ریا، پایداری رفتار، پرهیز از حقه و نیرنگ، پایبندی به اصول اجتماعی (قانون، فرهنگ، اعتقادات)، قابل‌پیش‌بینی بودن رفتار، خوش‌نامی و امانت‌داری.
		مسئولیت‌پذیر	پایبندی به تعهدات، حساسیت به نیازهای اجتماعی، پاسخگویی به مشکلات اجتماعی، تعهد اخلاقی و اعتقادی نسبت به دیگران و جامعه، داشتن تعهد اجتماعی.
	ارزش‌آفرینی اجتماعی	نوع‌دوست	داشتن حس بشردوستانه قوی، دارای انگیزه زیاد کمک به دیگران، تقدم منافع عمومی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به دیگران، ابراز همدلی و همدردی با دیگران، علاقه‌مند به حل مشکلات اجتماعی، دادن بازخورد مثبت به دیگران، خوش‌اخلاقی و خوش‌رویی در رفتارهای اجتماعی، متکی به پاداش‌های معنوی و درونی، داشتن مهر و عاطفه به دیگران.
		توانمندسازی اجتماعی	تقویت مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی افراد فقیر، کمک به ارتقای سطح دانش و توان علمی افراد نیازمند، ایجاد تخصص و مهارت‌های لازم در خانواده‌های فقیر، تدوین برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای توانمندسازی افراد فقیر، استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی برای حل مشکلات افراد نیازمند،

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	کدها
راهبردهای کارآفرینانه	حمایتگری اجتماعی		کمک به رشد و توسعه مؤسسات خیریه و سازمان های مردم نهاد، ساخت مدرسه، بیمارستان و مراکز عام المنفعه برای فقرا.
			کمک به درمان بیماران نیازمند، ساخت مسکن برای نیازمندان و بی سرپناهان، تأمین نیازهای مالی نیازمندان، کمک به ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان خانواده های نیازمند، کمک به اشتغال بیکاران، پرداخت وام قرض الحسنه به نیازمندان، کمک به تشکیل خانواده و ازدواج جوانان فقیر، تأمین غذا و پوشاک و لوازم زندگی برای فقرا و بی سرپرستان.
	هم افزایی اجتماعی		کمک به رشد سازمان های مردم نهاد، حمایت از مؤسسات خیریه و مردمی، تشویق فعالان و کارآفرینان اجتماعی، آموزش مؤسسات خیریه و سازمان های مردم نهاد، انتقال دانش به بخش های غیردولتی، بسترسازی برای فعالیت بخش ثالث جامعه، تشریک مساعی و همگرایی با سازمان های مردم نهاد، تشویق و ترغیب بخش غیردولتی برای ورود به فعالیت های حمایتی.
			تأمین منابع مورد نیاز برای ارائه خدمات اجتماعی، شناسایی و به کارگیری ظرفیت های حمایتی و کارآفرینی اجتماعی در نهادهای مدنی، شناسایی مؤسسات خیریه فعال، شناسایی و به کارگیری سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی، شناسایی و به کارگیری ظرفیت های بخش خصوصی در حوزه کارآفرینی اجتماعی.
رهبری اجتماع محور	نوآور		ارائه خدمات جدید اجتماعی، ارائه روش های جدید خدمات رسانی، الگوبرداری از روش های جدید، پیشگام بودن در تأمین نیازهای جدید اجتماعی، ارائه راهکارهای جدید در برابر آسیب های نوپدید اجتماعی، پاسخ های نوآورانه به نیازهای اجتماعی، ترکیب منحصر به فرد منابع، تحمل ابهام منطقی، استقبال از فرصت های ناشناخته، ریسک پذیری منطقی، قانع نبودن به شرایط موجود، بر هم زدن تعادل موجود، شکار فرصت های اجتماعی، شناسایی نیازهای اجتماعی به منظور تأمین آن، داشتن بینش و بصیرت اجتماعی، حساس بودن به تغییرات اجتماعی، پیشگام بودن برای انجام تغییرات اجتماعی، دارای چشم انداز اجتماعی قوی، تخریب سیستم های سستی و ناکارآمد اجتماعی، طراحی اهداف اجتماعی گسترده، حل مسائل بزرگ مقیاس، آینده نگری و داشتن

مضمون اصلی	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	کدها
			سناریوی پیشرفت.
		مشارکت‌جو	استفاده از ظرفیت کارآفرینان اجتماعی، افزایش مشارکت‌های اجتماعی در کارآفرینی اجتماعی، تقویت انسجام و پیوندهای اجتماعی، مراودات و ارتباطات اجتماعی اثربخش، استفاده از ظرفیت نخبگان اجتماعی، به‌کارگیری هوش و استعدادهای سازمانی و اجتماعی، استفاده از دانش و اطلاعات کارکنان داخل و خارج از سازمان، قابلیت استفاده از ظرفیت اعتقادات دینی، مذهبی و فرهنگی جامعه، توانایی به‌کارگیری دیگران.
		کارآمد	توانایی ترکیب منحصر به فرد منابع، دارای پشتکار زیاد، عمل‌گرا، ارائه خدمت با هزینه کمتر، ارائه خدمات بهنگام.
	کارکنان خدمت‌گرای اجتماعی	فرانقش	انجام وظایف فراتر از تکالیف اداری، داشتن روحیه ایثار و گذشت، علاقه‌مند به حل مشکلات اجتماعی، پیشتاز در کمک به افراد نیازمند، فعال در مسائل اجتماعی جامعه، دارای روحیه همدلی و همدردی اجتماعی.
		تعامل‌گرا	تمایل زیاد به ارتباطات جمعی، علاقه‌مند در انتقال دیدگاه‌های بشردوستانه به دیگران، قرار گرفتن در مرکز شبکه‌های ارتباطاتی، علاقه‌مند به مطرح شدن، مهارت در سخنرانی، توانایی مذاکره، پذیرش اجتماعی و مقبول بودن در نزد دیگران، خوش‌اخلاق، خوش‌برخورد.
		توفیق‌گرا	طراحی اهداف برتر اجتماعی، اعتماد به نفس بالا در تحقق اهداف، داشتن امید به آینده، انتخاب اهداف چالشی، ایجاد اثرات اجتماعی قابل توجه.
	فرایندهای نوآورانه	فرایندهای چابک	تقویت فرایند های غیررسمی، حذف کاغذبازی‌های زائد، حذف فرایندهای غیرضروری، تأکید بر فرایندهای معطوف به خدمات اجتماعی، سرعت در ارائه خدمات.
		خدمات تحت شبکه	داشتن بانک‌های اطلاعاتی لازم، ارائه خدمات به‌صورت غیرحضوری، ارائه خدمات به‌صورت الکترونیکی، ارائه خدمات تحت شبکه جهانی اینترنت.

یکی از ابزارهای تحلیل مضمون، ترسیم شبکه مضامین است که ساختاردهی و تصویرسازی از مضامین را تسهیل می‌کند و هدف آن درک بیشتر موضوع یا کشف معنای

ایده است؛ بر همین اساس، شبکه مضامین حاصل از مضامین فراگیر در این پژوهش شامل هفت مضمون فراگیر است.

اولین مضمون «ساختار منعطف» نام گرفت. مصاحبه‌شونده با کد A01 در این باره گفت: «یک سازمان مردم‌نهاد موفق باید بتواند در شرایط مختلف تمامی افراد داوطلب که تمایل به همکاری با آن سمن را دارند، به شکل مناسبی سازماندهی و مدیریت کند.» این موضوع حاکی از آن است که سازمان‌های مردم‌نهاد باید از نظر ساختاری بسیار منعطف باشد تا بتوانند بدون محدودیت در مدت زمان کوتاهی به جذب، سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای داوطلب با ویژگی‌های گوناگون و در نقاط جغرافیایی مختلف اقدام کنند.

دومین مضمون شناسایی‌شده، «راهبردهای کارآفرینانه» نام‌گذاری شد. در همین رابطه مصاحبه‌شونده با کد B17 بر این باور بود: «یک موضوع اساسی در این‌گونه سازمان‌ها، تأمین منابع مالی برای انجام خدمت به دیگران است. یک سازمان مردم‌نهاد که هیچ کمک مالی از دولت نمی‌گیرد، باید سیاست‌ها و برنامه‌های جدید و مناسبی برای تأمین منابع مالی موردنیاز داشته باشد.»

سومین مضمون، «ارزش‌آفرینی اجتماعی» است که تعداد چشمگیری از مصاحبه‌شوندگان به‌نوعی به مضامین فرعی‌تر آن اشاره داشتند؛ برای نمونه، مصاحبه‌شونده کد B11 به مصاحبه‌کننده گفت: «فلسفه وجودی سمن‌ها، شناسایی مشکلات و معضلات اجتماعی و تلاش برای رفع آن‌هاست؛ برای نمونه، سمن‌ها باید به مشکل اشتغال، ازدواج، مسکن و درمان خانواده‌های فقیر و نیازمند جامعه رسیدگی کنند.»

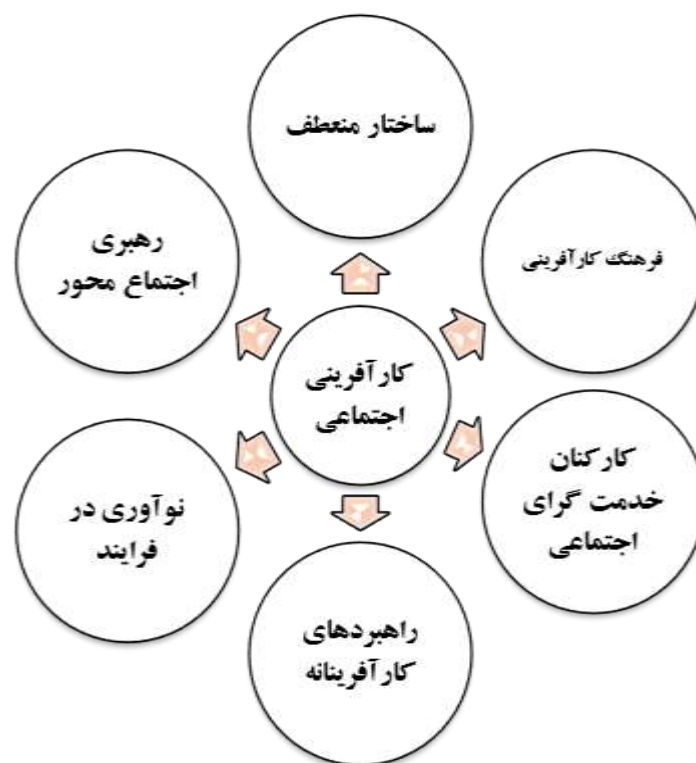
از دیگر مضامین شناسایی‌شده، «فرهنگ کارآفرینی» است. مصاحبه‌شونده با کد C15 بر این باور بود: «افرادی که در سمن‌ها کار می‌کنند، دارای یک‌سری ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری خاص هستند. آن‌ها دوست دارند همیشه به دیگران کمک کنند. خود را در مقابل دیگران مسئول می‌دانند. همیشه به فکر دیگران و رفع مشکلات آنان هستند.»

«رهبری اجتماع‌محور» از دیگر مضامین کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد است. یکی از مصاحبه‌شوندگان با کد C8 در این باره گفت: «سمن‌های موفق، مدیران موفق دارند. نقش مدیریت در سمن‌ها خیلی مهم و کلیدی است. اصلاً مدیریت در سازمان مردم‌نهاد خیلی متفاوت‌تر از یک سازمان دولتی است. مدیر یک سمن اگر خلاقیت نداشته باشد، اگر فرصت‌شناس نباشد و اگر روش استفاده از ظرفیت‌ها را نداند، دوام نمی‌آورد.»

از دیگر مضامین کارآفرینی اجتماعی، «فرایندهای نوآورانه» است. مصاحبه‌شونده با کد A07 در این باره بیان کرد: «سمن‌ها نباید مانند یک سازمان رسمی دولتی به دنبال کاغذبازی و بوروکراسی اداری باشند. آنان باید خدمات اجتماعی خود را به موقع و به سرعت انجام بدهند.»

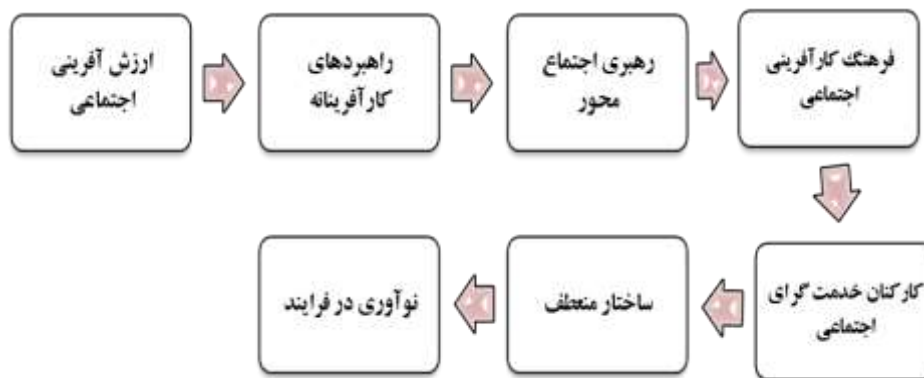
آخرین مضمون فراگیر، «کارکنان خدمت‌گرای اجتماعی» نام‌گذاری شد. مصاحبه‌شونده B05 اظهار کرد: «کارکردن در سازمان مردم‌نهاد خیلی سخت است و با سازمان دولتی خیلی فرق دارد. برخی اوقات آن‌ها باید برای آسایش و رفاه هم‌نوعان خودشان، از رفاه و آسایش خود و خانواده‌شان بگذرند. این کارها کار هرکسی نیست. عشق و ذوق و انگیزه و علاقه زیادی لازم دارد.»

شبکه مضامین در قالب شکل ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱. شبکه مضامین کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد

شایان ذکر است، برخی پژوهشگران مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله‌مراتب آن‌ها، دسته‌بندی می‌کنند. در این پژوهش براساس نظر خبرگان، سلسله‌مراتب شبکه مضامین شاخص‌های کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد به روش کینگ (۱۹۹۸) به ترتیب اهمیت در هفت بُعد دسته‌بندی شد: ارزش‌آفرینی اجتماعی، راهبردهای کارآفرینانه، رهبری اجتماع‌محور، فرهنگ کارآفرینی اجتماعی، کارکنان خدمت‌گرای اجتماعی، ساختار منعطف و نوآوری در فرایندها (شکل ۲).



شکل ۲. سلسله‌مراتب مضامین کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس یافته‌های این پژوهش، یکی از ویژگی‌های ساختاری کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد، ساختار منعطف است. براساس نظریه اقتضایی، سازمان‌ها برای بقا و ماندگاری ناچارند خود را با موقعیت‌های محیطی سازگار کنند؛ بنابراین در شرایط پیچیده محیطی، ساختار سازمان‌ها باید متناسب با اوضاع محیطی از قابلیت انعطاف برخوردار باشد؛ در نتیجه ساختار سازمانی سازمان‌های کارآفرینی اجتماعی باید قابلیت مرزگستری به‌منظور مشارکت و به‌کارگیری نیروهای داوطلب مردمی با تخصص‌ها و مهارت‌های لازم، دیدگاه‌ها و اعتقادات مختلف مذهبی، سلیق و فرهنگ‌های متفاوت در گستره مرزهای فیزیکی، مجازی و اداری سازمان داشته باشد و پیوسته قادر باشد ساختار سازمانی خود را متناسب با شرایط جدید اجتماعی بازنگری و به‌روزرسانی کند. علاوه بر این، ساختار سازمانی سازمان‌های کارآفرین اجتماعی باید از ظرفیت پیاده‌سازی برنامه‌های جمع‌سپاری خدمات اجتماعی به مردم، شهروندان و شبکه‌های فعال اجتماعی برخوردار باشد و ضوابط و سازوکارهای تشکیلاتی لازم به‌منظور پیاده‌سازی برنامه‌های جمع‌سپاری برای استفاده بهنگام

از ظرفیت‌های اجتماعی را فراهم کند تا بتواند در حوزه تأمین منابع و ارائه خدمات اجتماعی از طریق مردم‌سپاری، شهروندسپاری و شبکه‌سپاری مأموریت‌ها و برنامه‌های اجتماعی، به شکار فرصت‌ها برود. تراسی^۱ (۲۰۰۷) بر این باور است که شکل سازمانی این نوع کارآفرینی باید به‌طور کارآمد بتواند منابع را برای حل مسائل اجتماعی بسیج کند. اسمیت و استونز^۲ (۲۰۱۰) نیز در نوع‌شناسی کارآفرینی اجتماعی به ساختارزدایی برای تحقق اهداف اجتماعی تأکید دارند. همچنین ساکتی و تورتم (۲۰۲۰) توانایی سازمان کارآفرین اجتماعی در تعقیب اهداف اجتماعی را تابعی از مدل سازمانی آن می‌دانند (صفری، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۸). یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، داشتن فرهنگ کارآفرینی است. براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان در این پژوهش، یک سازمان مردم‌نهاد فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی باید از ویژگی‌های فرهنگ کارآفرینی اجتماعی برخوردار باشد. فرهنگ کارآفرینی اجتماعی آن دسته از آداب و رسوم کارکنان یک سازمان قلمداد می‌شود که در تحقق و پیشبرد مأموریت‌های اجتماعی سازمان مؤثر است؛ بر همین اساس، فرهنگ اعتمادآفرین، فرهنگ مسئولیت‌پذیر و فرهنگ نوع‌دوست از شاخص‌های مهم فرهنگ کارآفرینی است. داشتن مقبولیت اجتماعی، اعتمادزایی و ارائه تصویر سازمانی مطلوب و مسئولیت‌پذیر بودن در قبال مسئولیت‌ها و نیازهای اجتماعی بستر ساز افزایش حمایت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی در سازمان‌های کارآفرین اجتماعی است. در تأیید این مطلب، ایوایز (۲۰۰۳) در مدل کارآفرینی خود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه را یکی از ابعاد اصلی کارآفرینی اجتماعی می‌داند. عمرانی، حقیقی کفاش و کفاش (۱۳۸۹) بر فرهنگ خطرپذیری و مقیمی (۱۳۸۳) بر فرهنگ نوآوری در کارآفرینی اجتماعی تأکید کرده‌اند.

سومین بُعد یا ویژگی سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، ارزش‌آفرینی اجتماعی است. از دیدگاه آلتر (۲۰۰۶)، محرک و انگیزه اصلی تشکیل سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، ایجاد

1. Tracey

2. Smith & Stevens

ارزش اجتماعی است؛ بنابراین یکی از اهداف اصلی سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، ارزش‌آفرینی در مصاف با مسائل اجتماعی است. سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی باید به‌طور مستمر ارزش‌های جدید اجتماعی را شناسایی کنند و از طریق ارائه خدمات نوآورانه اجتماعی سطح ارزش‌آفرینی خود را ارتقا بخشند؛ به همین دلیل، کارآفرینی اجتماعی همواره با خلق ارزش‌ها، جست‌وجو برای کشف فرصت‌ها و تدبیر همراه است. در همین راستا، تراسی (۲۰۱۰) انگیزه زیربنایی کارآفرینی اجتماعی را خلق ارزش‌های اجتماعی می‌داند. کیم و لیم (۲۰۱۷)، به نقل از هیبرت و همکاران، (۲۰۱۷) کارآفرینی اجتماعی را رفتار کارآفرینانه برای دستیابی به اهداف اجتماعی و فراهم کردن مزایا برای گروه‌های محروم می‌دانند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، داشتن راهبردهای کارآفرینانه است. بی‌شک، تحقق اهداف و مأموریت‌های ارزش‌آفرین سازمان‌های غیرانتفاعی در جامعه نیازمند بازنگری در راهبردهای سنتی و کهنه و به‌کارگیری راهبردهای کارآمد و کارآفرینانه است. سازمان‌های غیرانتفاعی هرچند چشم‌انداز یا اهداف اجتماعی مطلوب داشته باشند، بدون داشتن راهبردهای مناسب قادر نخواهند بود اهداف یا چشم‌اندازهای اجتماعی خود را محقق کنند. دو راهبرد اصلی سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، خلق منابع جدید و هم‌افزایی اجتماعی برای تحقق اهداف اجتماعی است. در این زمینه، سازمان همکارهای اروپا (۱۹۹۹) کارآفرینی اجتماعی را فعالیتی می‌داند که در راستای منافع عمومی و همراه با راهبرد کارآفرینانه سازماندهی شده باشد (نیکوز، ۲۰۱۵، ص. ۲۲).

از دیگر ویژگی‌های سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، رهبری اجتماع‌محور یا رهبری اجتماعی است. براساس متون مصاحبه با خبرگان، مدیریت در سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی بسیار متفاوت با دیگر سازمان‌هاست. سازمان‌های غیرانتفاعی و مردم‌نهاد با هدف بازگشت سود و استفاده از آن برای مدیران یا کارکنان خود، فعالیت نمی‌کنند و چنانچه نتوانند به‌شکل نوآورانه، کارآمد و مشارکت‌جویانه و متفاوت‌تر از

سازمان‌های انتفاعی فعالیت‌های سازمانی خود را مدیریت و تأمین منابع کنند، در مدیریت منابع انسانی و به‌کارگیری آن با چالش‌های جدی مواجه می‌شوند؛ در نتیجه مدیران سازمان‌های کارآفرین اجتماعی باید مدیرانی نوآور، مشارکت‌جو و کارآمد باشند تا در نقش یک رهبر کارآفرین اجتماعی قادر باشند با تقویت انگیزه در نیروهای داوطلب اجتماعی آنان را در جهت حل مشکلات اجتماعی بسیج کنند. عمرانی و همکاران (۱۳۸۹) نوآوری و قدرت رهبری را از عوامل اثرگذار بر فرایند کارآفرینی اجتماعی ذکر کرده‌اند. علاوه بر این، هوکرتز (۲۰۱۷)، به نقل از دیس^۱، (۱۹۹۸) نوآوری را از ویژگی‌های یک کارآفرینان اجتماعی برمی‌شمارد.

یکی دیگر از ابعاد کارآفرین اجتماعی، کارکنان خدمت‌گرای اجتماعی است که آن دسته از کارکنانی قلمداد می‌شوند که شوق و انگیزه بسیار برای انجام خدمات اجتماعی دارند. آنان افرادی توفیق‌گرا، فرائقش و تعامل‌گرا هستند و همواره با انتخاب اهداف چالشی و نسبتاً سخت به دنبال کسب موفقیت‌های بیشتر در رفع مشکلات و مسائل اجتماعی هستند. آن‌ها برای تحقق اهداف ارزشمند خود با مشکلات می‌جنگند و حاضرند فراتر از وظایف و تکالیف اداری خود در جهت تحقق اهداف اجتماعی گام بردارند. آنان تعامل‌جو هستند و برای هم‌افزایی بیشتر برای دستیابی به اهداف اجتماعی به دنبال تعامل با دیگران هستند. آنان انگیزه‌های معنوی بسیاری دارند و با مشوق‌هایی فراتر از مشوق‌های دنیوی برانگیخته می‌شوند. در همین زمینه، عمرانی و همکاران (۱۳۸۹) بر این باورند که افراد به‌ویژه کارکنان، بیشترین اثرگذاری را بر توسعه کارآفرینی اجتماعی دارند. احمدی فارس‌سانی و صفری (۱۳۹۶) نیز مهم‌ترین انگیزه کارآفرینی اجتماعی را نوع دوستی، کمک به هم‌نوعان و دستگیری از نیازمندان می‌دانند.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های سازمان‌های کارآفرین اجتماعی، به‌کارگیری فرایندها و روش‌های نوآورانه خدمات‌رسانی و کنار گذاشتن شیوه‌های ناکارآمد و سنتی است. سازمان

کارآفرین اجتماعی چه در فرایندهای تأمین منابع و چه در فرایندهای مربوط به ارائه خدمات اجتماعی باید از روش‌های نوآورانه‌ای استفاده کنند که به سهولت یا تسریع در ارائه خدمات به جامعه هدف منجر شود؛ بنابراین دو شاخص خدمات چابک، سریع و مهربانانه و همچنین خدمات الکترونیکی، تحت شبکه و در دسترس، از ویژگی‌های یک سازمان نوآورانه و سنت شکنانه است که عموماً محققان به عنوان ویژگی مشترک سازمان‌های کارآفرین اجتماعی پذیرفته‌اند. در این زمینه، یادگار، بازرگان و فقیه (۱۳۹۰) و آذربگ (۲۰۰۷) بر این باورند که برای تحقق کارآفرینی اجتماعی، منابع موجود باید به شکل نوآورانه‌ای ترکیب شوند یا به عبارت دیگر، ترکیب جدیدی از واقعیت‌های موجود شکل گیرد.

یکی از انتقادهای وارد شده به مدیریت دولتی نوین، نارسایی دولت‌ها در تأمین مطلوب نیازهای اجتماعی است. این موضوع خلئی ایجاد کرده است تا سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند شکل بگیرند و پاسخگوی آن بخش از نیازهای اجتماعی باشند که دولت‌ها به هر دلیلی قادر به تأمین آن نیستند. از طرفی تأمین نیازهای اجتماعی در قرن بیست و یکم، مأموریت ساده‌ای نیست که انجام آن از عهده هر سازمان مردم‌نهادی برآید. امروزه تنها سازمان‌هایی موفق خواهند بود در حوزه خدمات اجتماعی اثربخش باشند که بتوانند از الگوهای علمی و کارآفرینانه کمک بگیرند؛ در نتیجه یکی از راهکارهای بهبود کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد مانند مراکز نیکوکاری کمیته امداد امام خمینی (ره)، حرکت به سمت الگوهای مطلوب کارآفرینی اجتماعی است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه کارآفرینی اجتماعی با استفاده از الگوی طراحی شده در این پژوهش و مقایسه ابعاد کارآفرینی اجتماعی خود با ابعاد و شاخص‌های ارائه شده در این مطالعه، برای بهبود سطح کارآفرینی اجتماعی سازمان متبوع گام بردارند. علاوه بر این، براساس رتبه‌بندی انجام شده، از ابعاد کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های غیرانتفاعی که با کمک خبرگان و صاحب‌نظران حاصل شده است، ارزش‌آفرینی اجتماعی مهم‌ترین بُعد کارآفرینی اجتماعی محسوب می‌شود؛ در نتیجه پیشنهاد می‌شود، سازمان‌های غیر انتفاعی فعال در حوزه

کارآفرینی اجتماعی ضمن بازتعریف مأموریت‌ها و اهداف اجتماعی خود از طریق خلق ارزش‌های اجتماعی جدید، سطح کارآفرینی اجتماعی خود را ارتقا بخشند.

کتابنامه

۱. ابطحی، س.، شریف‌زاده، ف.، و ابراهیم‌پور، ح. (۱۳۸۹). بررسی مفاهیم، نظریه‌ها و مدل‌های کارآفرینی و ارائه مدل مفهومی. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۸(۲۱)، ۸۲-۱۱۲.
۲. احمدی فارسانی، م.، و صفری، ع. (۱۳۹۶). کارآفرینی اجتماعی: عوامل و پیامدها با رویکرد نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، ۵(۱۸)، ۹۹-۱۱۸.
۳. حاتمی، خ.، قاضی‌نژاد، م.، باستانی، س.، و راد، ف. (۱۳۹۹). فراتحلیل پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد: با تأکید بر علل مشارکت افراد در این سازمان‌ها. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۹(۲)، ۲۳-۴۶.
۴. رضایی، ف.، توکلی‌نیا، ج.، و صرافی، م. (۱۴۰۰). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری (نمونه موردی کلانشهر تهران). نشریه علمی جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۵(۷۷)، ۱۱۳-۱۳۰.
۵. زارع، ر.، و صفری دشتکی، م. (۱۳۹۸). طراحی و تبیین مدل پارادایمی کارآفرینی اجتماعی با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: کمیته امداد امام خمینی (ره) استان فارس). زن در توسعه و سیاست، ۱۷(۱)، ۱۴۷-۱۷۱.
۶. سالنامه آماری ۱۳۹۹ کمیته امداد امام خمینی (ره). (۱۴۰۰). تهران: انتشارات مرکز برنامه ریزی و پژوهش.
۷. ستاری، س. (۱۳۹۱). دستورالعمل مدیریت شبکه‌های ارتباطی و حمایتی (شبکه‌های نیکوکاری) کمیته امداد امام خمینی (ره). تهران: انتشارات شورای عالی پژوهش و برنامه ریزی.
۸. صفری، م. (۱۴۰۱). طراحی سنجش‌ای به منظور اندازه‌گیری کارآفرینی اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد (مورد مطالعه: کمیته امداد امام خمینی (ره) استان فارس) (پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی‌ارشد رشته مدیریت دولتی). دانشگاه پیام نور مرکز شیراز، شیراز، ایران.

۹. عمرانی، ز.، حقیقی کفاش، م.، و کفاش، ن. (۱۳۸۹). اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر کارآفرینی اجتماعی در ایران از دیدگاه فعالان اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۳(۲)، ۱۱-۳۶.
۱۰. فلاح، م.، جعفری، م.، و عبادی، ر. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای بررسی و تبیین نقش وقف بر اندازه دولت در اقتصاد با تأکید بر نقش کارآفرینی اجتماعی. مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۴)، ۵-۳۰.
۱۱. کمیته امداد امام خمینی (ره). (۱۳۹۶). اسناد راهبردی کمیته امداد امام خمینی (ره) (سال ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶). تهران: انتشارات دفتر مرکزی کمیته امداد امام خمینی (ره).
۱۲. کمیته امداد امام خمینی (ره). (۱۴۰۰). گزارش مدیریتی کارآفرینی اجتماعی. تهران: دفتر مطالعات و پژوهش.
۱۳. مقیمی، س. (۱۳۸۳). کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن. فرهنگ مدیریت، ۵، ۱۷۰-۱۷۷.
۱۴. الوانی، س. م. (۱۳۸۷). بررسی نقش سازمان‌های غیر دولتی بر توسعه. فصلنامه علوم مدیری، ۱(۴)، ۳۷-۶۴.
۱۵. یادگار، ن.، بازرگان، ع.، و فقیه، ن. (۱۳۹۰). فرایند شکل‌گیری ابتکارات کارآفرینان اجتماعی: الگویی برگرفته از نظریه برخاسته از داده‌ها. توسعه کارآفرینی، ۱۳(۴)، ۷-۲۹.

16. Alter, K. (2006). *A social enterprise typology: Virtue ventures*. Retrieved 2013, April 28, from <http://virtueventures.com>
17. Austin, J., Gutierrez, R., Ogliastri, E., & Reficco, E. (2006). *Effective management of social enterprises: Lessons from businesses and civil society organizations in Iberoamerica*. Cambridge: Harvard University.
18. Bano, M. (2019). Partnerships and the good-governance agenda: Improving service delivery through state-NGO collaborations. *VOLUNTAS: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 30(6), 1270-1283
19. Borzaga, C., & Sacchetti, S. (2015). *Why social enterprises are asking to be multi-stakeholder and deliberative: An Explanation around the Costs of Exclusion*, Euricse WP, 75|15. Retrieved 2018, June 15, from https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2594181
20. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
21. Dees, G. (1998). *The meaning of social entrepreneurship*. Retrieved from <https://centers.fuqua.duke.edu/case/wp->

- content/uploads/sites/7/2015/03/Article_Deess_MeaningofSocialEntrepreneurship_2001.pdf
22. Dorado, S., & Ventresca, M. J. (2013). Crescive entrepreneurship in complex social problems: Institutional conditions for entrepreneurial engagement. *Journal of Business Venturing*, 28(1), 69–82.
 23. García-Jurado, A., Pérez-Barea, J. J., & Nova, R. (2021). A new approach to social entrepreneurship: A systematic review and meta-analysis. *Sustainability*, 13, 2754.
 24. Grieco, C. (2015). *Assessing social impact of social enterprises: Does one size really fit all?* Cham: Springer.
 25. Gupta, P., Chauhan, S., Paul, J., & Jaiswal, M. (2020). Social entrepreneurship research: A review and future research agenda. *Journal of Business Research*, 113, 209–229.
 26. Hockerts, K. (2017). Determinants of social entrepreneurial intentions. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 41(1), 1-26.
 27. Kim, D., & Lim, U. (2017). Social enterprise as a catalyst for sustainable local and regional development. *Sustainability*, 9(8), 1427.
 28. Light, P. C. (2006). *Reshaping social entrepreneurship*. Stanford Social Innovation Review. Retrieved from <https://wagner.nyu.edu/files/performance/ReshapingSE.pdf>
 29. McMullen, J. S., & Bergman, B. J. (2017). Social entrepreneurship and the development paradox of prosocial motivation: A cautionary tale. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 11(3), 243–270.
 30. Mort, G. S., Weerawardena, J., & Carnegie, K. (2003). Social entrepreneurship: towards conceptualisation. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, 8(1), 76–88.
 31. Nguyen, M. H. T., Carr, S. C., Hodgetts, D., & Fauchart, E. (2021). Why do some social enterprises flourish in Vietnam? A comparison of human and ecosystem partnerships. *Sustainability Accounting Management and Policy Journal*, 12(6), 1312-1347.
 32. Seelos, C., & Mair, J. (2007). Profitable business models and market creation in the context of deep poverty: A strategic view. *The Academy of Management Perspectives*, 21(4), 49–63.
 33. Smith, B., & Stevens, C. (2010). Different types of social entrepreneurship: The role of geography and embeddedness on the measurement and scaling of social value. *Entrepreneurship and Regional Development*, 22(6), 1-43.
 34. The British Council in Partnership with Social Enterprise UK. (2015). London, UK: Think Global Trade Social: The British Council.

35. Tortia, E. C., Sacchetti, S., & Valentinov, V. (2020). The 'protective function' of social enterprises: Understanding the renewal of multiple sets of motivations. *Review of Social Economy*, 78(3), 371-410.
36. Tracey, P., & Jarvis, O. (2007). Toward a theory of social venture franchising. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31(5), 667-685.
37. Weerawardena, J., & Mort, G. S. (2006). Investigating social entrepreneurship: A multidimensional model. *Journal of World Business*, 41(1), 21-35.
38. Westley, F., & Antadze, N. (2010). *Making a difference: Strategies for scaling social innovation for greater impact*. London: Routledge.
39. Ashoka. (2011). Retrieved 2013, April 28, from <http://www.ashoka.org/>. Accessed 28 Apr 2013.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

کشاورزان و عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه: مطالعه کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای

امراه کشاورز (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

a.keshavarz@ltr.ui.ac.ir

ثریا معمار (دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

s.memar@ltr.ui.ac.ir

رضا همتی (دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)

r.hemati@ltr.ui.ac.ir

علی قنبری برزبان (استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

چکیده

در سال‌های اخیر بخش کشاورزی ایران، در معرض بحران‌ها و مخاطرات محیط زیستی گوناگونی قرار گرفته که اثرات عمیق و جبران‌ناپذیری بر پیکره روستاها وارد کرده است. نقش زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را در بروز این بحران‌ها و مخاطرات و همچنین در شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای ایجادکننده این مخاطرات در میدان کشاورزی نمی‌توان نادیده گرفت؛ بنابراین هدف این پژوهش، واکاوی عادت‌واره بوم‌شناختی کشاورزان شهرستان ازنا و کشف بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری آن بود. این پژوهش با استفاده از روش کیفی و نظریه زمینه‌ای انجام شد. نمونه‌گیری پژوهش از نوع هدفمند بود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مشارکت‌کنندگان ۳۳ نفر بودند. تکنیک این پژوهش از نوع مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. یافته‌ها نشان داد، فشارهای ساختاری ادراک-شده و دوگانه انفعال-ناکارآمدی دولت به‌عنوان شرایط علی، معادله توارث و تقسیم که خردشدن بیش از حد اراضی کشاورزی را در پی دارد، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر و تیغ

دولبه کشت مکانیزه به عنوان شرایط زمینه‌ای، موجب به حاشیه رفتن عادت‌واره بوم‌شناختی می‌شوند. کشاورزان در مواجهه با این شرایط، کشاورزی سازگار با بازار، استفاده بیش از حد از نهاده‌های شیمیایی و آیش نگذاشتن زمین را به عنوان راهبرد انتخاب می‌کنند که در نتیجه موجب تراژدی منابع آبی، فرسایش خاک و مهاجرت می‌شود. مداخلات از نوع قانون‌گذاری، ترویج و آموزش و توجه به دانش سنتی و بومی کشاورزان می‌تواند به ارتقای عادت‌واره بوم‌شناختی کشاورزان و حفظ زیست‌بوم منجر شود.

کلیدواژه‌ها: دانش بومی، زیست‌بوم، عادت‌واره بوم‌شناختی، فشار ساختاری، کشاورزی.

۱. مقدمه

امروزه کشاورزی در جهان، از اثرات نامطلوب محیط‌زیستی در امان نمانده است. کشاورزی در جهان با مسائلی مانند تغییرات آب و هوا، باران‌های اسیدی، آفات و بیماری‌های محصولات کشاورزی، عوارض ناشی از مهندسی و دست‌کاری ژنتیک نظیر مشکلات جدی محیط‌زیستی و استفاده روزافزون سموم، امنیت غذایی، معیشت نامناسب کشاورزان و... درگیر است (کالیچوگلو، فلامینی، براکو، بلو و سیمز^۱، ۲۰۱۹، صص. ۲-۳). ممکن است در نگاه نخست، ماهیت وجود چنین چالش‌ها و مسائلی در زمینه کشاورزی، با نگرش جغرافیایی، اقتصادی، تکنیکی و فنی دیده شود، اما نمی‌توان نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی را در وقوع چنین وضعیتی بی‌تأثیر دانست. اصولاً بحران محیط‌زیست، زاییده نوع نگاه انسان به رابطه بین انسان و طبیعت است. به نظر بسیاری از محققان، در بسیاری از کشورها، مسائل محیط‌زیستی قبل از داشتن محتوای فنی، محتوای اجتماعی و فرهنگی دارند (فروت‌کیا و نواح، ۱۳۹۵، ص. ۱۸).

کشور ایران نیز به عنوان کشوری در حال توسعه، از این مخاطرات در امان نمانده است. نشانگر این امر، شاخص‌های عملکرد محیط‌زیستی است. شاخص‌های عملکرد محیط‌زیستی

1. Calicioglu, Flammini, Bracco, Bellù & Sims

که بر دو هدف اصلی یعنی حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت صحیح منابع طبیعی تأکید دارند، جایگاه ایران را به لحاظ مسائل محیط‌زیستی در سال‌های اخیر، نگران‌کننده نشان می‌دهند؛ چنانکه در بین ۱۸۰ کشور جهان، ایران رتبه هشتاد را در این شاخص‌ها کسب کرده است (شاخص عملکرد محیط‌زیستی، ۲۰۱۸). همانند ابعاد مختلف شاخص‌های عملکرد محیط‌زیستی، در بعد کشاورزی نیز ایران عملکرد مناسبی نداشته است. مشکلاتی نظیر بحران آب، خشکسالی، چالش ناپایداری، کاشت مکرر اراضی کشاورزی، فرسایش خاک، خرد بودن قطعات اراضی کشاورزی، کمبود تاریخی سرمایه، تخریب مراتع، منابع طبیعی و جنگل‌ها، کم‌بودن سواد کشاورزان و حضور ناچیز تحصیل‌کرده‌های دانشگاه در بخش کشاورزی، چالش‌های این بخش ذکر شده‌اند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶؛ طولابی‌نژاد، بذرافشان و قنبری، ۱۳۹۷؛ حاتمی و نوربخش، ۱۳۹۸؛ کنعانی و احمدوند، ۱۳۹۸). در مطالعه آینده‌پژوهی ایران (۱۳۹۶)، از مسائل محیط‌زیستی و کشاورزی مانند بحران آب و پیامدهای آب، نزاع‌ها بر سر انتقال آب در داخل ایران، تخریب تنوع زیستی، مسائل جنگل‌ها و گونه‌های زیستی جانوری، بی‌توجهی به پایداری محیط‌زیست، تخریب منابع خاک، پیامدهای تغییرات اقلیمی بر ایران و آلودگی‌های آب به‌عنوان چالش‌های اساسی پیش روی ایران نام برده شده است (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶). در بروز این چالش‌ها، رویکرد کشاورزان به کشاورزی اهمیت بسیاری می‌تواند داشته باشد؛ چنانکه نتایج پژوهش کنعانی و احمدوند (۱۳۹۸) نشان می‌دهد، با تغییر نگاه کشاورزان، رویه‌های رایج کشاورزی انواع گوناگونی از خسارات محیط‌زیستی نظیر آلودگی آب‌های زیرزمینی در نتیجه استفاده بیش از حد از کودهای شیمیایی یا آفت‌کش‌ها، فرسایش خاک، زوال زیست‌بوم‌های طبیعی و کاهش تنوع ژنتیکی را تولید کرده‌اند (کنعانی و احمدوند، ۱۳۹۸).

شهرستان ازنا به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استان لرستان، ۴ دهستان و ۹۶ روستا دارد که معیشت تمامی روستاییان و حتی بسیاری از مردمان ساکن شهر به کشاورزی وابسته

است. به طور کلی، شهرستان ازنا از دو ناحیه فرهنگی و اقلیمی - کشاورزی تشکیل شده است. این دو ناحیه شامل جاپلق و پاچه لک است که به لحاظ کشاورزی، جاپلق در یک منطقه کم آب و البته با میانگین بارش سالیانه ۴۰۰ میلی متر واقع شده است؛ به طوری که غالباً کشاورزی دیم در آنجا شکل گرفته است؛ این در حالی است که ناحیه پاچه لک که در دامنه اشترانکوه واقع شده است، از منابع آبی فراوانی برخوردار است؛ بنابراین زمینه برای شکل گیری زراعت آبی فراهم شده است. میدان کشاورزی شهرستان ازنا که در این پژوهش مطالعه شده است، با مسائل و چالش هایی مواجه است که در بسیاری از آن ها با جامعه ایران اشتراک دارد. نظام کشاورزی روستاهای منطقه، غالباً سنتی و مبتنی بر تجارب نسل های گذشته است که از نگاه محققان، پراکندگی، قطعه قطعه و کوچک بودن زمین های کشاورزی از دلایل عمده سنتی بودن کشاورزی منطقه است (تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹). به موازات تغییرات نسبی نظام کشاورزی از سنتی به مدرن، نحوه رفتار با زمین و نوع بهره برداری از آن، الگوی کشت، مراحل کاشت، داشت و برداشت محصول، نگاه به منابع محیط زیستی مانند زمین، آب و غیره، دچار تغییراتی شده است. برخی پژوهش ها به مسائلی نظیر کوچکی و پراکندگی اراضی و نقش آن ها در استفاده بهینه نکردن از آب، زمین، سیستم های نوین آبیاری، نیروی انسانی، مکانیزاسیون و دیگر عوامل مؤثر در تولید کشاورزی و همچنین کاهش جمعیت روستاها در اثر مهاجرت و سنتی بودن کشاورزی منطقه پرداخته اند (مهدوی، کیانی و دانشور عامری، ۱۳۹۶؛ تقدیسی و بسحاق، ۱۳۸۹؛ تقوایی، بسحاق و سالاروند، ۱۳۹۰)؛ بر این اساس، در پژوهش حاضر قصد بر آن است تا به فهم فضای اجتماعی شهرستان ازنا و میدان های تعاملی ای که کشاورزان بازیگر اصلی آن قلمداد می شوند، پرداخته شود. هدف این پژوهش، شناسایی بسترها، زمینه ها و شرایط شکل گیری نگرش ها، دانش ها، ارزش ها و رفتارهای مرتبط با بوم است؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش، واکاوی ملاحظات بوم شناختی کشاورزان در میدان کشاورزی شهرستان ازنا است.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

عادت‌واره بوم‌شناختی یکی از مفاهیمی است که در پژوهش‌های داخلی توجه بسیار به آن نشده است. پژوهش‌های داخلی بیشتر در زمینه رفتارها، نگرش‌ها و آگاهی محیط‌زیستی انجام شده‌اند. شفیعی، رضوانفر و میرترابی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار استفاده از کودهای زیستی به‌وسیله کشاورزان استان البرز» با روش پیمایش انجام دادند. یافته‌ها نشان داد، ادراک محیط‌زیستی و اقتصادی اثرات استفاده از کودهای زیستی و عوامل انگیزشی، مهم‌ترین عامل برای مصرف کودهای زیستی هستند. زارع، قادری، کوهی و مشیری (۱۳۹۷) مطالعه‌ای با عنوان «تبیین فرهنگی و اجتماعی مصرف آب در بخش کشاورزی با تأکید بر نگرش سنجی کشاورزی شهرستان گرمسار» با استفاده از روش پیمایش انجام دادند. یافته‌ها نشان داد، انواع مختلف سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌صورت غیرمستقیم و از طریق خرده‌فرهنگ دهقانی بر نگرش به مصرف آب توسط کشاورزان تأثیر دارند. عینالی، کاظمی، چراغی و رابط (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیلی بر آگاهی و عملکرد زیستی کشاورزان در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ارومیه)» با روش پیمایش به این نتیجه رسیدند، بین آگاهی محیط‌زیستی و عملکرد زیستی کشاورزان، همبستگی برقرار است. در پژوهش‌های خارجی تأکید زیادی بر نقش عادت‌واره بوم‌شناختی در رفتارهای محیط‌زیستی گروه‌های مختلف، به‌ویژه کشاورزان شده است که در ادامه تعدادی از این پژوهش‌ها ذکر شده است.

کربی (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان «استقرار و مقایسه عادت‌واره بوم‌شناختی در اجتماعات محیط‌زیستی»^۱ انجام داد. این مطالعه با رویکرد کیفی و تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. به اعتقاد کربی، اجتماعات محیط‌زیستی از زمان پیدایش در اواخر دهه ۱۹۷۰، ویژگی مهم جنبش‌های محیط‌زیستی بوده و غالباً دغدغه بوم‌شناختی داشته‌اند. نتایج بیانگر

1. Environmental communities

آن بود که عامل اصلی شکل‌گیری عادت‌واره بوم‌شناختی، مواضع مختلف نظری است که در جنبش‌های رادیکال محیط‌زیستی و بوم‌شناختی مشهود است. نیلان^۱ (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان «عادت‌واره بوم‌شناختی دانشجویان محیط‌زیست‌گرای اندونزیایی» انجام داد. رویکرد این پژوهش کیفی و تکنیک آن مصاحبه بود. یافته‌ها بیانگر آن بود که پاسخگویان معانی ذهنی بحران‌های محیط‌زیستی را به سطوح محلی و شخصی برمی‌گردانند. این امر با اقدامات عملی همراه است. آن‌ها سرمایه فرهنگی و تمایلات مولد عادت‌واره را کسب کرده‌اند تا بتوانند دانش واقعی را داشته باشند. کارفاگنا و همکاران (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «عادت-واره بوم‌شناختی در حال ظهور: پیکربندی مجدد عملکردهای سرمایه‌ی فرهنگی بالا در میان مصرف‌کنندگان اخلاقی» با روش مطالعه موردی انجام دادند. هدف این پژوهش، واکاوی عادت‌واره‌ای بود که به آن «مصرف اخلاقی» یا «مصرف آگاهانه» گفته می‌شود. یافته‌ها نشانگر آن بود که عملکردهای مسئولانه محیط‌زیستی، فردی نیستند؛ بلکه این عملکردها به‌منزله راهبرد مصرف جمعی‌اند که این راهبرد با عنوان «عادت‌واره بوم‌شناختی» ظهور می‌کند. کسپر (۲۰۰۹) مطالعه‌ای با عنوان «عادت‌واره بوم‌شناختی: به‌سوی فهم بهتر روابط اجتماعی-بوم‌شناختی» با استفاده از روش اسنادی انجام داد. هدف این مطالعه، بسط مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی برای پیشرفت در مطالعه روابط اجتماعی-بوم‌شناختی بود. وی با استفاده از کارهای تکمیلی در نظریه جامعه‌شناسی، مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی را بسط داده و آن را به‌عنوان ابزار کاربردی متفاوت برای اندیشیدن و بررسی بیشتر پدیده‌های بوم‌شناختی اجتماعی^۲ و رفتار محیط‌زیستی مطرح کرده است. هالوزا-دیلای (۲۰۰۶) پژوهشی با عنوان «تمرین محیط‌زیست‌گرایی: خلق عادت‌واره اکولوژیک از ایجاد حس نوع‌دوستانه نسبت به مکان: آگاه‌سازی محیط‌زیستی و اجتماعی در سازمان‌های محیط‌زیستی» انجام داد. او با استفاده از نظریه جامعه‌شناختی بوردیو، جنبش‌های اجتماعی را بر مفهوم محیط‌زیست‌گرایی^۳

1. Nilan

2. Socioecological phenomena

3. Environmentalism

متمرکز و مفهوم‌سازی کرده و بر مبنای رویکرد جامعه‌شناختی، جهت‌گیری مستحکمی برای جنبش‌ها ارائه داده است. این پژوهش از مفهوم عادت‌واره بوردیو استفاده کرده است تا توضیح دهد چرا تغییرات اجتماعی در زمینه محیط‌زیست بسیار دشوار بوده است: اصولاً در یک جامعه که به لحاظ اجتماعی شرایط محیط‌زیستی نامناسب است، تغییر عادت‌واره به روش‌های مناسب‌تر اکولوژیک بسیار دشوار خواهد بود. استدلال این است جنبش محیط‌زیستی با مفهوم‌سازی خود برای خلق عادت‌واره بوم‌شناختی، نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود. عادت‌واره‌ای که در حوزه اجتماعی خود تولید می‌شود، رمزگذاری فرهنگی را هنوز به روش غیرقطعی منتقل می‌کند.

در پژوهش‌های مختلف، نقش مفهوم عادت‌واره در رفتارها، نگرش‌ها و آگاهی محیط‌زیستی بررسی شده است، اما یکی از خلأهای عمده پژوهش‌ها، توجه نداشتن به ادراک کشاورزان از عادت‌واره بوم‌شناختی است. درواقع، شکل‌گیری مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی در این پژوهش‌ها واکاوی نشده است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، پوشش دادن این خلأ و واکاوی ادراک کشاورزان از مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی در بستر کشاورزی متعارف است.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

یکی از مفاهیم مهمی که می‌تواند به درک نگرش‌ها و رفتارهای محیط‌زیستی انسان‌ها کمک کند، عادت‌واره^۱ است. بوردیو^۲ از مفهوم عادت‌واره برای درک تمایلات، سلیق، شناخت‌ها، نگرش‌ها، عادات و رفتارها استفاده می‌کند که در قالب یک ساختار طبقاتی عمل می‌کند (کارفاگنا^۳ و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۵۸). در مطالعات اخیر، پیوندهایی بین این مفهوم و مسائل محیط‌زیستی در قالب کاربست مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی^۴ برقرار شده است؛ به بیان ساده، عادت‌واره بوم‌شناختی به جنبه‌هایی از عادت‌واره اشاره دارد که در

1. Habitus

2. Bourdieu

3. Carfagna

4. Ecological habitus

ارتباط با بوم هستند؛ بر این اساس، عادت‌واره بوم‌شناختی کشاورزان شامل نظامی از تمایلات، علایق، ارزش‌ها، سلیق، عادات و نگرش‌های بوم‌شناختی می‌شود که در رابطه با محیط‌زیست، زمین، خاک، آب و... رقم می‌خورد و راهنمای انجام کنش کشاورزان در میدان کشاورزی است. این عادت‌واره می‌تواند در راستای حفظ محیط‌زیست، توسعه پایدار و کشاورزی ارگانیک یا در تقابل با آن‌ها باشد و حتی خنثی عمل کند. این عادت‌واره به صورت بین نسلی منتقل می‌شود (کسپر^۱، ۲۰۰۹، ص. ۲).

عادت‌واره بوم‌شناختی چیزی بیش از نگرانی‌ها و آگاهی‌ها درمورد تأثیرات بوم‌شناختی است. این عادت‌واره فراتر از شناخت و ارزش‌های محیط‌زیستی است، با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی همراه است و با توجه به این زمینه‌ها تغییر می‌کند. بوردیو عادت‌واره را «ابزاری مفهومی» می‌بیند که بینش‌هایی را درمورد جهان اجتماعی ارائه می‌دهد. عادت‌واره در کنار میدان و سرمایه، اجزای نظریه وسیع‌تر عمل بوردیو هستند که برای تحلیل هرگونه رابطه‌ای باید مدنظر قرار گیرند. عادت‌واره واسطه اصلی بین کنشگران با ساختار یا میدان است و فعالیت‌های کنشگر در میدان‌های مختلف از طریق عادت‌واره‌های مربوط به آن میدان انجام می‌شود (لو و تاپاچی^۲، ۲۰۲۰، ص. ۱۲). عادت‌واره صرفاً در نقش درونی‌سازی منفعلانه ساختارهای بیرونی ظاهر نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند منطق محدودکننده ساختارهای نهادی را نیز تحت تأثیر قرار دهد^۳ و به این صورت مدیریت حرفه‌ای فرد در میدان مدنظر را تقویت کند. بوردیو از مفهوم عادت‌واره برای درک تمایلات، سلیق، شناخت‌ها، نگرش‌ها، عادات و رفتارها استفاده می‌کند که در قالب یک ساختار طبقاتی، عمل می‌کند (کارفاگنا و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۵۸). به عقیده او، عادت‌واره نوعی آمادگی عملی، آموختگی ذهنی و تربیت اجتماعی است که به عامل امکان شناسایی قواعد، آداب، ارزش‌ها، روندها و... را می‌دهد تا براساس آن‌ها عمل کند و اثرگذار باشد (بوردیو، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).

1. Kasper

2. Lowe & Tapachai

3. Capable of disembodying

برخی جامعه‌شناسان با استفاده از مفهوم عادت‌واره بورديو و اضافه کردن پسوندهایی نظیر مذهبی، علمی و... آن را در انواع میدان‌های اجتماعی به‌کار گرفته‌اند. در مطالعات اخیر جامعه‌شناسی، پیوندهایی بین این مفهوم و مسائل محیط‌زیستی در قالب کاریست مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی برقرار شده است (اسمیت^۱، ۲۰۰۱؛ هورتون^۲، ۲۰۰۲؛ کراسلی^۳، ۲۰۰۳؛ هالوزا-دیلای^۴، ۲۰۰۸؛ کسپر^۵، ۲۰۰۹؛ گابلر^۶، ۲۰۱۵). عادت‌واره بوم‌شناختی برگرفته‌شده از مفهوم عادت‌واره در نظریه جامعه‌شناسی، به تجسم^۷ سیستمی بادوام و درعین‌حال تغییرپذیر از تمایلات، عملکردها، ادراکات و شرایط مادی مرتبط با محیط‌زیست اشاره دارد که می‌تواند به‌عنوان سبک زندگی درک شود و تحت تأثیر زمینه اجتماعی بوم‌شناختی^۸ شکل می‌گیرد و در شکل‌گیری آن نیز مؤثر است (کسپر، ۲۰۰۹، ص. ۳۱۸)؛ بنابراین شناخت رفتار محیط‌زیستی مستلزم به رسمیت شناختن آن به‌عنوان پدیده‌ای است که محصول روابط فعال بین افراد و زمینه‌های متقابل مختلفی است که در آن رشد و زندگی می‌کنند.

هالوزا دی‌لی از مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی برای توصیف «جهت‌گیری که ملاحظات بوم‌شناختی را ترجیح می‌دهد» استفاده می‌کند. او شکاف «نگرش-رفتار» را در زمینه مشکلات محیط‌زیستی و اینکه چگونه این امر تا حد زیادی به «معضل ساختار-عاملیت» نسبت داده می‌شود، بررسی می‌کند. وی عادت‌واره بوم‌شناختی را چیزی فراتر از نگرانی‌ها و آگاهی‌ها درمورد تأثیرات بوم‌شناختی می‌داند. این عادت‌واره فراتر از شناخت و ارزش‌های محیط‌زیستی است و چنانکه کسپر نیز بیان می‌کند، با زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی همراه است و با توجه به این زمینه‌ها تغییر می‌کند. در انسان‌شناسی اجتماعی بورديو، رفتار همیشه

-
1. Smith
 2. Horton
 3. Crossley
 4. Haluza-DeLay
 5. Kasper
 6. Gäbler
 7. Embodiment
 8. Socioecological contexts

محصول روابط فعال بین نهادها و شبکه‌های اجتماعی و انواع عوامل فعال در آنهاست؛ بنابراین رفتارهای سازگار با محیط‌زیست نیز به‌طور مشابه به‌واسطه این کنش متقابل عوامل و میدان‌ها شکل می‌گیرند (هالوزا- دیلای و برزان، ۲۰۱۰، صص. ۱۱-۱۲).

اسمیت از مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی برای اشاره به «حس عملی محیط‌زیستی» یا «اخلاق مکان» استفاده می‌کند که در جهت محدود کردن تمایلات مخرب محیط‌زیستی حاکم، ضروری به نظر می‌رسد. این اخلاق را نه می‌توان صرفاً از طریق انتقال اطلاعات آموخت و نه با نهاد ساده قوانین ایجاد کرد؛ به عبارت دیگر، او به این واقعیت اشاره می‌کند که این امر نمی‌تواند از طریق منطق فردی یا اجبار ساختاری به وجود آید و محققان باید به فرایندهای رابطه‌ای توجه کنند که ممکن است به‌واسطه آن، اخلاق مکان ایجاد شود. کربی نیز در پاسخ به ماهیت عادت‌واره بوم‌شناختی به رویه‌های خوب زندگی کردن به لحاظ اجتماعی و بوم-شناختی در مکان اشاره می‌کند (کربی^۱، ۲۰۱۸).

مفهوم عادت‌واره بوم‌شناختی در پژوهش حاضر، لنز نظری و مفهومی حساس در نظر گرفته شده است. این مفهوم پژوهشگران را درمورد شرایط، بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری نگرش‌ها، رفتارها و ارزش‌های محیط‌زیستی حساس می‌کند.

۳. روش تحقیق

در این پژوهش برای شناخت تفسیر و ادراک کشاورزان از عادت‌واره بوم‌شناختی از رویکرد کیفی و نظریه زمینه‌ای سیستماتیک اشتراوس و کوربین (۱۳۹۳) استفاده شد. دلیل استفاده از رویکرد سیستماتیک این بوده است که منظم‌تر است، برای فهم فرایندهای اجتماعی قابلیت کاربرد بیشتری دارد و در سطح دنیا نیز بیشتر از این رویکرد استفاده می‌شود؛ درحالی‌که در رویکردهای دیگر مانند رویکرد برساخت‌گرای چارمز، تفسیر و نقش

محقق در مقایسه با تفسیر و نقش مشارکت‌کننده اهمیت بیشتری دارد. برای گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد.

مشارکت‌کنندگان پژوهش، ۳۳ کشاورز در مناطق پاپه‌لک و جاپلق ازنا بودند. انتخاب کشاورزان براساس معیار سنخ کشاورز، مقدار زمین، منطقه محل سکونت، جایگاه اجتماعی، نوع کشت (آبی، دیم، آبی و دیم) و سابقه کشاورزی بود. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بود که در آن، از راهبرد حداکثر تنوع استفاده شد. منطق حاکم بر این روش و راهبرد تا حد زیادی با نمونه‌گیری نظری سازگار است. مفاهیم، راهنمای پژوهشگر در انتخاب مشارکت‌کنندگان بودند. درواقع، چون واحد تحلیل در نظریه زمینه‌ای مفهوم است، آن‌ها می‌گویند که مشارکت‌کنندگان چگونه انتخاب شوند؛ بنابراین با نمونه‌گیری از مفاهیم، مشارکت‌کنندگانی انتخاب شدند که نمونه‌گیری نظری در آن روی داده است؛ بر این اساس، بهترین راهبرد هدفمند از میان راهبردهای ده‌گانه، راهبرد نمونه‌گیری با حداکثر تنوع انتخاب شد.

نمونه‌گیری تا سطح اشباع نظری ادامه یافت؛ یعنی تا جایی که داده‌های مصاحبه، اطلاعات جدیدی را به پژوهش اضافه نکند. معیارهای مختلفی برای اشباع نظری وجود دارد: اول اینکه داده‌ها آنقدر مملو از جزئیات^۱ باشند که داده‌های جدید مطلب جدیدی به مطالب قبلی اضافه نکنند که در این پژوهش اتفاق افتاده است. معیار بعدی این است که مقوله‌های جدیدی که به دست آوردیم، یافته‌هایمان به اندازه کافی آن‌ها را تأیید کنند؛ یعنی با اظهارات چند نفر از مشارکت‌کنندگان نمی‌توان پذیرفت مقوله تأیید شده است؛ بلکه باید به اندازه کافی شواهدی مبنی بر تأیید مقوله‌ی مدنظر داشته باشیم. این قضیه درباره ابعاد و خصیصه‌ها نیز مصداق دارد؛ به عنوان مثال، در این پژوهش، در رابطه با عملکرد دولت طیفی ترسیم شده است که کنشگری دولت را از دید مشارکت‌کنندگان در قالب پیوستار انفعال تا مداخلات ناکارآمد نمایش می‌دهد؛ یعنی خصیصه‌های کنشگری دولت در میدان کشاورزی توسط محققان ترسیم شده است. مسئله دیگر در اشباع نظری، به روابط بین مقولات با همدیگر و

1. Redundant

قدرت تبیین‌کنندگی آن‌ها برمی‌گردد که در مرحله کدگذاری محوری مشخص شد و به ترسیم مدل پارادایمی منجر شد. آخرین چیزی که در رابطه با اشباع نظری مدنظر قرار گرفت، حمایت داده‌ها از مقوله هسته بود. در این پژوهش داده‌ها از مقوله هسته کاملاً حمایت می‌کنند. با رعایت چنین پیش‌فرض‌هایی اشباع نظری صورت گرفت.

کدگذاری در این پژوهش در سه مرحله راهبرد نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین^۱ (۱۳۹۳) استفاده شد که این سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی بود. درواقع، هر گزاره‌ای یک برچسب مفهومی برچسب خورد و مجموعه‌ای از مفاهیم یک برچسب بزرگ‌تر به نام مقوله محوری برچسب خوردند و درنهایت همه مقولات یک برچسب کلی‌تر به نام مقوله هسته خوردند؛ به عبارت دیگر، در این پژوهش، گزاره‌ها جمله به جمله مفهوم‌بندی شده و سپس مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند و درنهایت در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته انتخاب شد که تقریباً دربرگیرنده تمامی مقولات بود.

یکی از روش‌های اعتمادپذیری در پژوهش کیفی، ممیزی^۲ است. برای برآوردن این معیار اعتبار، داده‌ها و مقوله‌ها توسط اساتید راهنما و مشاور به عنوان ممیزان کیفی بازبینی شدند و صحت آن‌ها تأیید شد. همچنین برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها ضبط شده و در فایل متنی پیاده شدند.

روش دیگر بازبینی توسط اعضا^۳ است که در این پژوهش، برای برآوردن این معیار، داستان داده‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. در برخی موارد ناهماهنگی‌هایی مشاهده شد که برطرف شد. فرایند تحلیل در جدول مفهوم‌بندی نشان می‌دهد که گزاره‌ها تحلیل شده و مفاهیم استخراج شده‌اند.

1. Strauss & Corbin

2. Auditing

3. membercheck

در جدول ۱، اسامی مصاحبه‌شوندگان آمده است. به منظور حفظ اسرار مشارکت‌کنندگان، در پژوهش از اسامی مستعار استفاده شده است.

جدول ۱. مشخصات کشاورزان مشارکت‌کننده

نام مستعار مصاحبه‌شونده	سطح تحصیلات	جنسیت	سن	بخش محل سکونت	نوع کشت
فروزان	کارشناس ارشد زراعت	مرد	۵۰	چاپلق	آبی
اسکندر	راهنمایی	مرد	۵۳	چاپلق	آبی
پاپی علی	بی سواد	مرد	۶۶	پاچه‌لک	آبی، دیم
محمود	ابتدایی	مرد	۴۵	پاچه‌لک	آبی
سیدعلی	ابتدایی	مرد	۴۴	پاچه‌لک	آبی، دیم
حاج کریم	بی سواد	مرد	۶۳	چاپلق	دیم
عبدالرضا	ابتدایی	مرد	۴۳	چاپلق	دیم، آبی
رحیم	ابتدایی	مرد	۵۱	چاپلق	دیم
اشرفی	ابتدایی	مرد	۵۹	چاپلق	آبی
خان محمد	بی سواد	مرد	۷۲	چاپلق	دیم
فلاح	ابتدایی	مرد	۵۶	چاپلق	دیم
شیخ	بی سواد	مرد	۶۶	چاپلق	دیم
فرامرز	ابتدایی	مرد	۵۰	چاپلق	دیم، آبی
احمد	دیپلم	مرد	۴۴	چاپلق	دیم، آبی
باجلان	راهنمایی	مرد	۵۵	چاپلق	دیم
مصطفی	دبیرستان	مرد	۴۸	چاپلق	آبی
مومنی	دیپلم	مرد	۵۶	چاپلق	آبی
داراب	سیکل	مرد	۵۲	چاپلق	دیم
سلطان	بی سواد	مرد	۶۰	چاپلق	دیم
حافظ	بی سواد	مرد	۵۷	چاپلق	دیم
شکراه	دبیرستان	مرد	۴۶	چاپلق	دیم
عشقی	ابتدایی	مرد	۶۲	پاچه‌لک	آبی
سالار	ابتدایی	مرد	۴۷	پاچه‌لک	آبی و باغداری

نام مستعار مصاحبه‌شونده	سطح تحصیلات	جنسیت	سن	بخش محل سکونت	نوع کشت
جودی	دیپلم	مرد	۲۹	پاچه‌لک	آبی
محمدتقی	کارشناسی ارشد باغبانی	مرد	۳۲	جاپلق	آبی و باغداری
حسن	کارشناسی	مرد	۵۲	جاپلق	آبی و گلخانه
چراغ‌علی	ابتدایی	مرد	۴۱	جاپلق	دیم، آبی
رشید	دیپلم	مرد	۴۵	جاپلق	آبی
شهاب	دیپلم	مرد	۴۱	پاچه‌لک	آبی
سمیه	کارشناسی	زن	۳۲	پاچه‌لک	آبی و باغداری
ابراهیم	کارشناسی	مرد	۳۶	جاپلق	آبی
بهرام	دیپلم	مرد	۴۹	جاپلق	آبی
سلیمان	حوزوی	مرد	۴۴	جاپلق	دیم

۴. یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های پژوهش در قالب هفت مقوله دوگانهٔ انفعال-ناکارآمدی دولت، فشارهای ساختاری ادراک‌شده، معادله توارث و تقسیم، تیغ دولبه کشت مکانیزه، سازگاری با بازار، تراژدی منابع آب و فرسایش خاک و ۴۶ مفهوم توصیف شده است که در ادامه، مقولات استخراج‌شده ابتدا در قالب جدول و سپس به صورت متنی توصیف شده و نقل قول مشارکت‌کنندگان نیز به عنوان شواهد میدانی ارائه و تفسیر شده است.

جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های محوری و مقوله هسته

مقوله هسته	مقوله‌های محوری	مفاهیم
عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه	دوگانه انفعال- ناکارآمدی دولت	بی‌توجهی دولت به کشاورزی، فقدان الگوی کشت، بی‌تفاوتی دولت به قطعه‌قطعه شدن اراضی، بی‌توجهی دولت به کشاورزی بوم‌شناختی، بی‌توجهی دولت به تولید محصولات ارگانیک، خرید نکردن تضمینی محصولات ارگانیک توسط دولت، مدیریت ناکارآمد منابع آبی، حمایت ضعیف دولت از طرح‌های آبیاری بارانی و نوار تیپ، تخصیص ناقص بودجه لایروبی قنوات و کانال‌ها، نرخ‌گذاری ناعادلانه خریدهای تضمینی، تخصیص ناکارآمد ادوات کشاورزی
	فشارهای ساختاری ادراک‌شده	زیادبودن هزینه‌های تولید کشاورزی، ادراک اقتصادی نبودن کشاورزی، کاشت متوالی زمین، نکاشتن برخی محصولات به دلیل ریسک قیمت در زمان برداشت، بی‌ثباتی قیمت محصولات کشاورزی، فقدان الگوی کشت، استقبال نکردن مردم از محصول ارگانیک، ناتوانی مالی مردم در خرید محصول ارگانیک، بازارپسند نبودن محصول ارگانیک، کاهش کیفیت کود و سم، منصفانه نبودن قیمت‌گذاری محصولات تضمینی توسط دولت، اقتصادی نبودن تولید محصولات ارگانیک
	معادله توارث و تقسیم	خرد شدن زمین بین وراثت، فقدان سرمایه‌گذاری در کشاورزی در نتیجه انحصار وراثت، افزایش اختلافات ملکی، مالکیت اشتراکی چاه‌ها بین وراثت
	تبغ دولیه کشت مکانیزه	افزایش عملکرد، افزایش سطح زیر کشت، کاشت یکنواخت‌تر بذر، پرتی کمتر بذر، کودپاشی یکنواخت‌تر، پرتی کمتر محصول، از بین رفتن بخشی از محصولات کشاورزی در اثر تردد ادوات کودپاشی و سمپاشی در زمین، فشار بر منابع آب
	کشاورزی سازگار با بازار	سودآوری بیشتر و تغییر کشت، گسترش تک‌کشتی، انتخاب نوع کشت براساس کشتش بازار
	استفاده بیش از حد از نهاده‌های شیمیایی	مصرف سم به دلیل سودآوری بیشتر، مصرف سم و بازارپسندی محصول، فاقد توجه اقتصادی بودن کشاورزی در صورت استفاده نکردن از کود و سم، کود و سم ابزار درآمدزایی، برداشت محصول بیشتر
	آیش نگذاشتن زمین	آیش نگذاشتن زمین در اثر زیاد بودن هزینه‌ها، آیش نگذاشتن زمین در اثر فشار افزایش جمعیت، کنارگذاشتن آیش در اثر گسترش مکانیزاسیون

مقاله هسته	مقاله‌های محوری	مفاهیم
	تراز دی منابع آب	خشکسالی‌های متوالی، کاهش منابع آبی، خشک شدن قنات‌ها، کاهش مداوم سطح آب‌های زیرزمینی
	فرسایش خاک	آبشویی خاک، تخریب زمین‌های شیب‌دار، سفت شدن خاک
	مهاجرت	مهاجرت در اثر کم بودن درآمد کشاورزی، کاهش آب و مهاجرت، مثله شدن زمین و مهاجرت، مهاجرت در اثر کاهش سطح زیر کشت آبی

شرایط علی

بر اساس داده‌های پژوهش، دوگانه انفعال-ناکارآمدی دولت و فشارهای ساختاری ادراک‌شده، شرایط علی پدیده عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه هستند. در ادامه این به این دو مفهوم پرداخته شده است.

الف. دوگانه انفعال-ناکارآمدی دولت

دوگانه انفعال-ناکارآمدی دولت، به‌عنوان یکی از شرایط علی «عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه» عمل می‌کند. این دوگانه به طیفی اشاره دارد که از انفعال تا مداخلات ناکارآمد دولت در نظام کشاورزی را در بر می‌گیرد. در ابتدای طیف، انفعال دولت وجود دارد که منظور از انفعال، مداخله نکردن دولت در کشاورزی و بی‌توجهی به این حوزه است. محور انفعال شامل بی‌توجهی دولت به کشاورزی بوم‌شناختی، بی‌توجهی دولت به تولید محصولات ارگانیک، خرید نکردن تضمینی محصولات ارگانیک توسط دولت، نظارت نداشتن دولت بر مصرف کود و سم، فقدان الگوی کشت، بی‌توجهی دولت به تجمیع اراضی و فقدان عدالت توزیعی در تخصیص امکاناتی نظیر چاه می‌شود. با حرکت به سمت محور ناکارآمدی، با مداخلات ناکارآمد دولت در زمینه کشاورزی مواجه هستیم. این مداخلات شامل مدیریت ناکارآمد منابع آبی، حمایت ضعیف دولت از طرح‌های آبیاری بارانی و نوار تیپ، تخصیص

ناقص بودجه لایروبی قنوات و کانال‌ها، نرخ‌گذاری ناعادلانه خریدهای تضمینی و تخصیص ناکارآمد ادوات کشاورزی می‌شود.

اکثر کشاورزان مصاحبه‌شده، بر انفعال و مداخله ناکارآمد دولت در کشاورزی تأکید دارند. از نظر آن‌ها یکی از عوامل زمینه‌ساز انفعال و ناکارآمدی دولت در زمینه کشاورزی، نوع نگاه و دغدغه متفاوت دولت در زمینه کشاورزی بوده است. از دیدگاه کشاورزان، در این حوزه اساساً دغدغه دولت متفاوت از دغدغه کشاورزان است. نتیجه این نگاه و دغدغه متفاوت، کم‌توجهی دولت به بخش کشاورزی است که به شکل‌های مختلف ظهور پیدا کرده است. رشید به‌عنوان یکی از کشاورزان دوستدار محیط‌زیست در این باره می‌گوید:

«دغدغه اداره جهاد کشاورزی با دغدغه کشاورز یکی نیست. سازشان با هم کوک نیست. ما که خیلی ساله ندیدیم؛ یعنی کمتر مدیر جهاد کشاورزی را دیدیم بیاد بشینه پای درد دل کشاورز. من می‌گم ایراد نداره مدیر اداره کشاورزی روز بسیج را تبریک بگه، اما اگر با امام جمعه یک دیدار داره با کشاورزا چند تا دیدار داشته باشه. ما ندیدیم مدیر کشاورزی با کشاورز جلسه گذاشته باشه و بگه کشاورز مشکلات چیه یا از کشاورز ایرادی بگیره. فکر می‌کنم براش حفظ پست مهم‌تره. کشاورزی را نباید سیاسی کرد. انتخاب مدیر نباید دست نماینده مجلس باشه.»

به باور کشاورزان، فقدان الگوی منطقه‌ای کشت یکی از عواملی است که به لحاظ بوم-شناختی و اقتصادی مسائلی را برای محیط‌زیست و آب و خاک کشاورزی ایجاد کرده است. نوع کشت تا حد زیادی تابع قیمت محصول است؛ بنابراین با برهم‌خوردن تعادل منحنی عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی، بسیاری از محصولات به فروش نمی‌رسند و گاهی اوقات از سوی کشاورزان برداشت نمی‌شوند؛ از این رو وجود الگوی کشت اهمیت پیدا می‌کند. فروزان یکی از کشاورزان تحصیل‌کرده در این زمینه اعتقاد دارد:

«امسال چون هویج گران شده، ممکنه سال آینده خیلی از کشاورزان از نایی هویج بکارن. خب اینا نه تنها الگوی کشت را رعایت نکرده‌اند، بلکه ممکنه به خاطر بالا بودن سطح زیر

کشت در آن سال، قیمت محصولشان پایین بیاد و ضرر زیادی کنند یا در بعضی سال‌ها محصول آب‌بری مثل هندوانه کاشته شده، ولی روی دست کشاورز مانده؛ بنابراین هم کشاورز به لحاظ اقتصادی کلی ضرر کرده هم مقدار زیادی آب هدر رفته است. برای تولید هر کیلو هندوانه ۳۰۰-۴۰۰ لیتر آب مصرف می‌شه.»

از نظر کشاورزان، یکی از چالش‌های کشاورزی منطقه، تجمع نشدن اراضی است و کم-توجهی و انفعال دولت در این زمینه مشهود است. با وجود نقش اساسی بستر اجتماعی در این زمینه، نباید نقش نهادهای متولی کشاورزی را نادیده گرفت. کوچک بودن قطعات زمین-های کشاورزی، تبعات منفی برای آب، خاک و به‌طور کلی محیط‌زیست دارد. یکی از تبعات کوچک بودن زمین‌های کشاورزی، اقتصادی نبودن اجرای طرح‌های آبیاری بارانی در این نوع اراضی است که با توجه به غرقابی بودن آبیاری این زمین‌ها و فقدان کانال‌های مدرن انتقال آب، مصرف بی‌رویه، هدررفت و در نهایت بهره‌وری بسیار کم آب را به دنبال دارد. اظهارات دو تن از مشارکت‌کنندگان در توصیف این وضعیت بدین شرح است:

«در این روستا دختر اومده ۱۰۰۰ متر زمین دیمزار ارث و میراثی گرفته و رهاش کرده و همین جور بکر مانده. آیا ارزش کاشت دارد؟ نه. دولت باید قانونی تصویب کنه که بعد از فوت پدر زمین کشاورزی به یک نفر برسه؛ درحالی‌که دولت بی تفاوتنه به این قضیه.» (رشید، ۴۵ ساله)

«من شش ساعت آب دارم توی دوازده روز. دو ساعت طول می‌کشه تا آب بیاد سر زمینم. خب اگر زمینم یک‌جا باشه آبم کمتر هدر می‌ره. اگر زمینام یک‌جا بود، دیگه مجبور نبودم آبمو ببرم سر یه زمین دیگه، ولی این طوری که باشه باید دو ساعت دیگه ببرمش تا سر اون زمین و باز دو ساعت دیگه ببرمش سر اون یکی. خب این طوری شش ساعت آبم تموم می‌شه و کشتام هم آب نداده می‌مونن.» (عبدالرضا، ۴۳ ساله)

با توجه به دیدگاه کشاورزان، یکی از مداخلات ناکارآمد دولت، مدیریت منابع آبی است. به اعتقاد کشاورزان، فقدان عدالت توزیعی در تخصیص چاه‌های کشاورزی، موجب حفر

چاه‌های زیادی در برخی روستاها شده است؛ درحالی‌که مجوزی برای برخی دیگر از روستاها صادر نشده است. به اعتقاد کشاورزان، حفر چاه در منطقه پاجه‌لک موجب تخلیه آب سفره‌های زیرزمینی در منطقه جاپلق شده است. همچنین به دلیل سیستم حفر چاه سنتی و آبیاری غرقابی، بهره‌وری آب در آن‌ها بسیار کم است. توصیف داراب و حسن از کشاورزان روستاهای ازنا درباره مداخله دولت در زمینه آب بدین گونه است:

«آب‌مون تو این ۴۵ سال، سال به سال کمتر شده. برای اینکه روستاهایی که مجوز چاه گرفتن و چاه زدن، سطحشون از سطح روستای ما پایین‌تره (در بین روستاهای منطقه، ارتفاع روستای ما بالاتر از همه است). این باعث خشک شدن آب قنات و چشمه‌های روستای ما شده. روستاهایی که چاه زدن و فرضاً تو ۸۰ متری به آب رسیدند، ولی بعداً آبشون کم شد، دوباره نباید بهشون مجوز می‌دادن که چاه را عمیق‌تر کنن. الآن توی مرزبان چاه زدن ۲۲۰ متر. خب نباید دولت مجوز می‌داد، ولی همه چی شده آشنابازی.» (داراب، ۵۲ ساله)

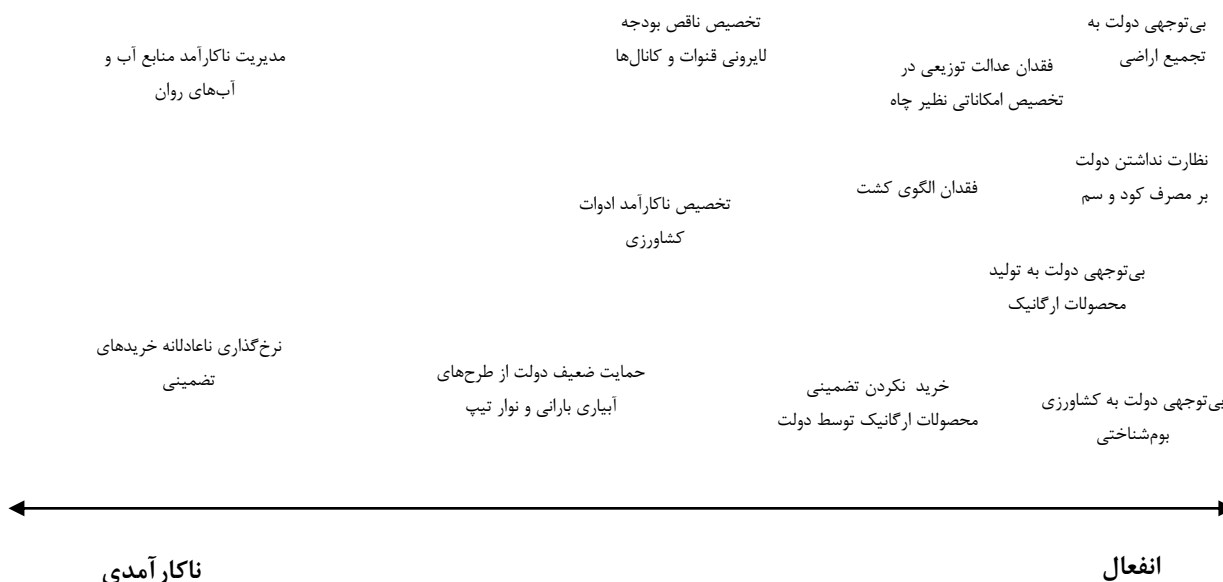
«دولت مدیریت آب را رها کرده. کارشناس درست نداره. با وجود اینکه اوضاع و احوال آب بحرانیه، در صورت درخواست مجوز کشاورز برای چاه از آن‌ها مثلاً ۱۵۰ می‌گیره و مجوز برداشت یک لیتر آب را می‌ده. اگه آب نیست، پس چرا با پول آب رو می‌فروشین؟ اگه هست، پس چرا پول می‌گیرین؟ دولت دنبال پوله. حالا نه تو بخش کشاورزی، تو بخش صنعت هم همین جوهره.» (حسن، ۵۲ ساله)

یکی دیگر از زمینه‌های مداخله ناکارآمد دولت، مدیریت آب‌های روان است. تقریباً از اواسط پاییز تا اواخر فروردین، کشاورزان به آبیاری مزارع نیاز ندارند؛ بنابراین در مناطقی که امکان جمع‌آوری آب‌های روان باشد، نیاز به ورود دولت و احداث بندهای خاکی و اجرای طرح‌های آبخیزداری برای مهار آن‌ها و تغذیه سفره‌های زیرزمینی احساس می‌شود. در اظهارات سلطان به عنوان یکی از کشاورزان نسبتاً مسن منطقه جاپلق که کشاورزی‌اش بسیار به بارندگی‌های فصلی وابسته است، این ضعف برنامه‌ریزی گزارش شده است:

«دولت با مهار کردن آب‌های روان می‌تونه عوارض خشکسالی را کمتر کنه. همین بارندگی یک ماه پیش به حدی شدید بود که تمام جوی‌ها و استخرها را پر کرد از گل و لای، همه خاکا رو شست و برد. خب اگر مهار می‌شد، هر جفت کشاورزی می‌تونست چهار تا پنج هکتار زمین کشاورزی را آبیاری کنه. دولت اگه چهار تا بند خاکی توی مسیر رودخانه که الآن آب نداره بزنه، خب این آب اگه دو ماه توی این بندها بمونه، می‌شینه داخل آب‌های زیرزمینی.»

بی‌مدیریتی دولت در زمینه تولید محصول ارگانیک یکی از ضعف‌های آن محسوب می‌شود که از نگاه مشارکت‌کنندگان مغفول نمانده است. به باور مصاحبه‌شوندگان، دولت باید با خرید تضمینی محصول ارگانیک موجب گرایش کشاورزان به کاشت چنین محصولاتی شود. بهرام در این زمینه می‌گوید:

«دولت باید بگه کشاورز این سیب‌زمینی رو بکار و یه مهندس کشاورزی بگذاره و کشاورز زیر نظر اون کار کنه و بگه این سم رو استفاده نکنید و به جای سم بگه از این حشره استفاده کن. بعد قیمت نهایی محصول منو حساب کنه. یه سودی هم برای من تعیین کنه که ضرر نکنم. دولت باید بگه من تضمین می‌کنم شما اگه پنج هزار تولیدت درمیا، کیلویی هشت هزار تو من ازت می‌خرم که تو کشاورز با کاشت کشت ارگانیک ضرر نکنی.»



شکل ۱. طیف انفعال-ناکارآمدی دولت در حوزه کشاورزی

ب- فشارهای ساختاری ادراک‌شده

این مقوله به دنبال بررسی تأثیر ساختارهای حاکم بر کنشگری کشاورز است. فشارهای ساختاری به عنوان شرایط علی در این مدل، از بیرون به کشاورز تحمیل می‌شود و او را به سمت بهره‌کشی بیشتر از آب و خاک هدایت می‌کند. کنشگر در انتخاب کنش خود آزادی عمل نسبی دارد، اما شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه، کنشگری او را به عنوان عضوی از جامعه محدود می‌کند. این مقوله متشکل از مفاهیم زیر است:

کاشت متوالی زمین، ادراک اقتصادی نبودن کشاورزی، زیاد بودن هزینه‌ها، استقبال نکردن مردم از محصول ارگانیک، ناتوانی مالی مردم در خرید محصول ارگانیک، بازارپسند نبودن محصول ارگانیک، اقتصادی نبودن تولید محصولات ارگانیک کاهش کیفیت کود و سم، منصفانه نبودن قیمت‌گذاری خرید محصولات تضمینی.

فشارهای ساختاری در بعد اقتصادی، کشاورزان را به انطباق با شرایط بازار مجبور می‌کند. زیاد بودن هزینه‌ها و مخارج زندگی، افزایش فشارهای اقتصادی و تنگناهای مالی کشاورزان را به دنبال دارد و آن‌ها را ترغیب می‌کند برای افزایش درآمد و متوازن کردن درآمد و هزینه، بیشتر از کود و سم استفاده کنند و به تولید محصول ارگانیک رغبت نداشته باشند. شهاب به‌عنوان یکی از کشاورزان عمده‌مالک در این زمینه می‌گوید:

«من کشاورز وقتی می‌بینم با کود شیمیایی مثلاً می‌توان ۱۲۰ تن پیاز در هکتار برداشت کرد، ولی با کود ارگانیک فقط می‌توان ۴۰ تن برداشت کرد، خب معلومه که از کود شیمیایی استفاده می‌کنم. اگر درآمد کشت ارگانیک اندازه کشت عمل‌آمده با کود شیمیایی باشه، کشت ارگانیک می‌کارم، ولی نیست. باید دولت محصول ارگانیک را گران‌تر بخرد.»

فشار بازار نیز یکی از عواملی است که کشاورز را به سمت تولید محصول بازارپسند سوق می‌دهد. محصول بازارپسند دارای ظاهر مطلوبی است و برای تولید آن از کودها و سموم شیمیایی استفاده می‌شود. در صورت استفاده نشدن از کودها و سموم شیمیایی، ظاهر محصولات بازارپسند نخواهد شد. اظهارات ابراهیم به‌عنوان یکی از کشاورزان در این راستاست:

«کشت ارگانیک یعنی سیب کرمو، گوجه ریز، اما وقتی این محصولات را می‌بری میدان بار، خریدار نداره؛ پس من کشت ارگانیک نمی‌کارم؛ چون نمی‌صرفه برام.»

فشارهای ساختاری امکان کشت ارگانیک و مصرف محصول ارگانیک را فراهم نمی‌کند. با توجه به یافته‌های پژوهش، قیمت زیاد محصولات ارگانیک یکی از موانع خرید آن‌هاست. همچنین ذهنیت کشاورزان نشانگر آن است که تولید محصولات ارگانیک، فاقد توجیه اقتصادی است. دولت نیز از کاشت محصولات ارگانیک حمایت نمی‌کند. توصیف کشاورزان مصاحبه‌شونده به‌خوبی این وضعیت را بازنمایی می‌کند. محمدتقی، یکی از کشاورزان باغدارانی که با اجاره سی‌ساله اراضی منابع طبیعی به احیای زمین‌های منابع طبیعی اقدام کرده است، می‌گوید:

«الآن مردم لنگ حداقل هاشونن. ببینید توی این شرایط کسی به این فکر نمی‌کنه که ارگانیک مصرف کنه. فعلاً باید شکمو سیر کنه. مردم در حال حاضر لنگن؛ یعنی طرف به فکر اینه یه چیزی حتی اگه مشکل داره، ولی ارزونه اونو بخره تا زندگی کنه، ولی اگه کسی وضعش خوب باشه، میره دنباله یه چیز خوب. ما ایرانیا این‌طوری‌ایم.»

شرایط مداخله‌گر

معادله توارث و تقسیم

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی بهره‌برداران کشاورزی منطقه ازنا، مسئله خرد بودن اراضی به‌خاطر تقسیم زمین بین وراث است که در برخی موارد با توجه به تعداد زیاد وراث، شدت خرد شدن اراضی کشاورزی به قطعات کوچک‌تر بیش از پیش تشدید شده است. خرد شدن زمینه‌ساز بروز مشکلات اقتصادی نظیر کاهش بازدهی زمین و درآمد کشاورزان، افزایش هزینه‌های تولید، بی‌رغبتی به مکانیزاسیون و مشکلات محیط‌زیستی مانند گسترش ویلاسازی در اراضی کشاورزی و حتی تغییر کامل کاربری زمین کشاورزی به مسکونی و دیگر کاربری‌ها، هدررفت آب و بی‌علاقگی به سرمایه‌گذاری در زمینه مصرف بهینه آب و به لحاظ اجتماعی، باعث تشدید اختلافات و کاهش سطح همکاری و مشارکت جامعه‌ی کشاورزی در پروژه‌های مشترک می‌شود.

در این پژوهش، معادله توارث و تقسیم به تقسیم و خرد شدن زمین‌های کشاورزی بین وراث اشاره دارد. این مقوله از مفاهیم زیر تشکیل شده است:

خرد شدن زمین بین وراث، کنار گذاشتن آیش، تغییر کاربری اراضی کشاورزی، گسترش باغ ویلاسازی در اراضی، سرمایه‌گذاری نکردن روی کشاورزی به‌دلیل انحصار وراثت، افزایش اختلافات ملکی بین وراث در اثر ارزشمند شدن زمین کشاورزی، اجرانشدن طرح‌های نوین آبیاری به‌دلیل مالکیت اشتراکی چاه‌ها بین وراث.

چنانکه پیش از این ذکر شد، یکی از مسائلی که تقسیم زمین بین وراث در پی داشته، خرد شدن و فروش آن به دیگران بوده است. این دغدغه در توصیف پاپی‌علی به این شکل بیان شده است:

«قدیم زمین زیادتری داشتیم؛ چون زمین بین ورثه تقسیم نشده بود، ولی الآن زمین پدر ما بین پنج برادر تقسیم شده. وقتی زمین تقسیم شد بین وراث، به هر نفر زمین نمی‌رسد، شاید نیم یا یک هکتار. خب نمی‌ارزه یک نفر خودش را علاف یک هکتار زمین کند. کشاورزی توجیه اقتصادی ندارد؛ پس او مجبور می‌شه زمینش را بفروشد.»

با توجه به توانایی نداشتن برخی وراث در انجام عملیات کشاورزی، آن‌ها به احداث باغ-ویلا یا فروش زمین اقدام می‌کنند. این مسئله موجب تغییر کاربری زمین به تفریحی می‌شود. داراب این موضوع را به این شکل توصیف می‌کند:

«به نظرم وضعیت کشاورزی ما در آینده روز به روز بدتر می‌شه: یکی به‌خاطر آب و دیگری خرد شدن زمینا. پدرم ۲۰ هکتار زمین کشاورزی داشته که الآن بین پنج یا شش نفر تقسیم شده. وارثان کشاورزی نمی‌کنن؛ بلکه چهار تا درخت در زمین خودشون کاشتن به‌عنوان باغ که برای تفریح مدتی به باغ بیایند و بعد هم بروند. کسی که تهران زندگی می‌کنه، نمی‌تونه شخم بزنه و درو کنه. نمی‌تونه خونه و زندگی‌اش رو رها کنه و بیاد اینجا؛ چون امیدی به اینجا نداره؛ بنابراین فقط برای تفریح میاد اینجا.»

با توجه به اظهارات کشاورزان، تقسیم زمین بین وراث موجب کشت بی‌رویه زمین شده است. از آنجاکه سهم وراث بسیار ناچیز است، درآمد کشاورزی روندی کاهشی را طی می‌کند. نتیجه این امر، کاشت هر ساله زمین و کاهش قدرت باروری و حاصلخیزی زمین در طول زمان است؛ در نتیجه، کشاورزان از تقویت‌کننده‌های شیمیایی استفاده کرده و منابع آبی و خاکی را آلوده می‌کنند. پاپی‌علی در این زمینه بیان می‌کند:

«به‌خاطر تقسیم ارث، زمین پدران بین فرزندان تقسیم شده که باعث شده است زمین هر کدام از ما در حدود یک هکتار باشه؛ بنابراین برای اینکه درآمدمون کم نشه، هر سال

زمینمان را می‌کاریم؛ پس برای تقویت زمین باید به آن کود داد؛ درحالی‌که قبلاً چون جمعیت کم بود، زمین‌ها رو هر سال نمی‌کاشتیم.»

یکی از مصائب تفکیک و خرد شدن زمین‌های کشاورزی بین وراثت، کوچک شدن قطعات آن‌هاست که بی‌رغبتی وراثت به سرمایه‌گذاری در این زمینه را به دنبال دارد. مالکیت چرخشی و اشتراکی وراثت، بر مدیریت منابع آبی اثر نامطلوب داشته است. این امر موجب کاهش سرمایه‌گذاری روی فناوری‌هایی نظیر ماشین‌آلات کشاورزی و سامانه‌های نوین آبیاری شده است؛ زیرا توجه اقتصادی در زمین‌های خرد و کوچک وجود ندارد. خلیل، کشاورز منطقه جاپلق که از کمبود آب بسیار رنج می‌برد، در توصیف همکاری نکردن کشاورزان برای اجرای طرح‌های آبیاری بارانی می‌گوید:

«بعضی از کشاورزان داخل روستا زندگی نمی‌کنند و رفتند شهر و بی‌خیال روستا شدند. بعضیا هم وضعشون خوبه و براشون مهم نیست کشاورزی و آب روستا چگونه باشه. بعضیا هم وراثت ملک پدری شدن، اما چون چندتا وارث هستن، هر سال یکی از آن‌ها می‌کاره؛ بنابراین خیلی به درآمد کشاورزی وابسته نیستند و نمی‌تونن برای حل مشکل کشاورزی‌شون با هم به توافق برسن. این به ضرر کشاورزان داخل روستا شده و کسی پیگیر آبیاری بارانی نیست.»

شرایط زمینه‌ای

تیغ دولبه کشت مکانیزه

یکی از ویژگی‌های کشاورزی متعارف امروزی، استفاده از ماشین‌آلات گوناگون در مراحل مختلف کشاورزی است؛ به‌طوری‌که بدون استفاده از ادوات کشاورزی، درعمل امکان عملیات کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی تصورنشدنی است. تیغ دولبه کشت مکانیزه به استفاده کشاورزان از ماشین‌آلات گوناگون در مراحل مختلف کشاورزی اشاره دارد که دخالت نیروی انسان در انجام فعالیت‌های کشاورزی را کاهش داده است و ضمن تأثیر مثبت بر آسایش و راحتی کشاورزان و همچنین افزایش بهره‌وری کشاورزی، لبه تیز

دیگرش، ایجاد خراش‌های روانی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی روی پوست کشاورز و کشاورزی (میدان کشاورزی) به دنبال داشته است. این تصویر از مکانیزاسیون کشاورزی همسو با تصویری است که آنتونی گیدنز برای توصیف مرحله پیشرفته مدرنیته یعنی مدرنیته‌ی رادیکال یا متأخر به کار می‌برد. گیدنز در توصیف مدرنیته‌ی رادیکال یا متأخر از مفهوم «گردونه خردکننده مدرنیته» استفاده می‌کند و آن را شبیه به موتور خارج از کنترل دارای قدرت مهیب می‌داند که ما انسان‌ها می‌توانیم تا اندازه‌ای پشت فرمانش بنشینیم، اما هر لحظه ممکن است کنترلش از دست ما خارج شده و واژگون شود (گیدنز، ۱۹۹۰: ۱۳۹).

نقش تسهیل‌کنندگی ماشین‌آلات کشاورزی، میل زیاد به استفاده از آن‌ها را در بین کشاورزان در پی داشته است؛ چراکه کشاورزان تقریباً تا پیش از دو دهه گذشته، فعالیت‌های بسیار سنگین و انرژی‌بر را به وسیله نیروی انسانی و حیوانی انجام می‌دادند؛ بنابراین انتظار می‌رود با توجه به نقش تسهیل‌کنندگی این ادوات، نگرش بسیار مثبت به ورود چنین فناوری‌هایی داشته باشند؛ اما توسعه ادوات و ماشین‌آلات کشاورزی، پیامدهای منفی و مثبت برای جامعه و محیط‌زیست به دنبال داشته است. این مقوله از مفاهیم زیر تشکیل شده است: افزایش عملکرد، افزایش سطح زیر کشت، کاشت یکنواخت‌تر بذر، کودپاشی یکنواخت-تر، پرتی کمتر بذر، از بین رفتن بخشی از محصولات کشاورزی در اثر تردد ادوات کودپاشی و سمپاشی در زمین، فشار بر منابع آب.

انجام فعالیت‌های کشاورزی به وسیله انسان، بسیار زمان‌بر است. مکانیزاسیون، افزایش عملکرد و صرفه‌جویی در زمان کشاورزی را به همراه دارد و این مسئله را حل می‌کند. شاید بتوان گفت، در رابطه با مقایسه بین ویژگی‌های کشاورزی قدیم و جدید، تمامی مشارکت-کنندگان بر سرعت عمل و عملکرد زیاد اتوماسیون به عنوان اولین مزیت آن تأکید داشتند. رشید نقش مکانیزاسیون را این‌گونه توصیف می‌کند:

«وقتی که تراکتور آمد، کشاورزا شروع کردن به شخم کردن زمینا و روز به روز زمین بیشتری را شخم کردن. منابع طبیعی و مراتع را شخم کردن. شروع کردن به شخم زدن کوه‌ها.» (رشید، ۴۵ ساله)

از نظر فلاح به‌عنوان یکی از کشاورزان منطقه جاپلق که نوع کشاورزی دیمی را انجام می‌دهد، مزیت اقتصادی مکانیزاسیون در برداشت مکانیزه گندم توسط کمباین مشهود است. او بیان می‌کند:

«به کشاورزی مکانیزه نگاهم مثبته؛ مثلاً ۱۰ تا کارگر از صبح تا غروب دو تن گندم رو نمی‌تونن درو کنن، ولی کمباین با دو دور چرخیدن توی زمین، دو تن گندم برداشت می‌کنه.»

امروزه یکی از موارد استفاده از ماشین‌آلات، استفاده از آن‌ها برای بذرپاشی و کودپاشی است. این کار ضمن صرفه‌جویی در وقت کشاورز، کاشت یک‌دست و هماهنگ بذر و کود و همچنین پرتی کمتر بذر و کود شیمیایی را به دنبال داشته است. دقت زیاد دستگاه‌های کاشت بذر و کودپاش‌های دستگاهی موجب استقبال کشاورزان از این وسایل شده است. توصیف مصطفی به این صورت است:

«الآن کشاورزی مکانیزه شده. با تراکتور و ادوات کشاورزی کار کاملاً مکانیزه شده. قبلاً با دست لوبیا می‌پاشیدند که چهل درصد اون روی خاک می‌موند، ولی الآن با دستگاه پیشرفته‌ای که عمق بذر رو هم معلوم می‌کنه می‌کاریم؛ جوری که بهتر محصول بده. در کشاورزی علمی اعتقاد بر اینه که بذری باید ده برابر خودش خاک روش باشه.»

آبیاری بارانی، کاهش هدررفت آب را به دنبال داشته، اما کشاورز نه‌تنها از مصرف آب مازاد، صرف‌نظر نکرده است، بلکه از آن در راستای به‌زیرکشت بردن باقی زمین‌هایش استفاده کرده است که قبلاً به‌دلیل کمبود آب امکان کاشت آن‌ها میسر نبود. کاشت بخشی از زمین‌ها و کاشت پیایی و هرساله زمین‌ها که قبلاً به‌دلیل کمبود آب امکان کشت آن‌ها میسر نبود، ضمن آنکه بهره‌برداری استثمارگونه از زمین را در پی داشته، مصرف آب و در نتیجه

برداشت بیش از حد از منابع آب زیرزمینی و تخلیه آب سفره‌های زیرزمینی را نیز به دنبال داشته است. علاوه بر این، مصرف حجمی و بی‌ضابطه آب، این وضعیت را تشدید کرده است. اظهارات صفا این وضعیت را توصیف می‌کند:

«قدیم آب کشاورزیمون از قنات تأمین می‌شد که هر شش روز نوبت آب یک نفر می‌شد، اونم در حد دو تا سه ساعت، ولی الآن همه مردم روستا چاه عمیق زدن و ۲۴ ساعت آب در اختیار دارن. الآن در روستای ما ۶۰ حلقه چاه وجود دارد که سه ماه تابستان بکوب روشن و آب به لوییا می‌دیم. خب اگه یکی به ما بگه کلزا بکارید، چون فقط چهار تا آب در اردیبهشت و خرداد می‌خواد، این یعنی تابستون می‌تونیم این چاه‌ها را خاموش کنیم که در گرمای تابستان این قدر آب بخار نشه. تشویق کشاورز، مصرف آب را مدیریت کنه.»

راهبردها

الف. کشاورزی سازگار با بازار

در کشاورزی جدید، نقش بازار و بازیگری آن اهمیتی تعیین‌کننده پیدا کرده است. این امر مهم کشاورز را به سمت کشت محصولات پردرآمد، سودآور و بازارپسند هدایت کرده، اما هزینه‌هایی را نیز بر جامعه و محیط‌زیست تحمیل کرده است. مراد از مقوله سازگاری با بازار، به عنوان راهبرد کشاورزان، تطبیق کشت محصولات توسط کشاورزان با نیازهای بازار است. این مقوله از مفاهیم زیر تشکیل شده است:

سودآوری بیشتر و تغییر کشت، گسترش تک‌کشتی، انتخاب نوع کشت بر اساس کشتش بازار.

یکی از راهبردهای کشاورزان به منظور سازگاری با بازار کاشت محصولاتی است که در مقایسه با دیگر کشت‌ها درآمد بیشتری نصیب آن‌ها کند. احمد در این زمینه می‌گوید:

«الآن یونجه، شبدر، ماشک و نخود که زمینو پوک می‌کنن و برا زمین خوبن را نمی-

کاریم؛ چون درآمدشون کمتره؛ در عوض لوییا می‌کاریم.»

علاوه بر این، طی سال‌های گذشته، یکی از راهبردهای کشاورزان در راستای سازگاری با بازار و تأمین محصولات موردنیاز بازار، کاشت محصولاتی خاص بوده که نمود آن به‌شکل تک‌کشتی بوده است. درحالی‌که در کشاورزی سنتی و معیشتی کشاورزان به کشت انواع محصولات به‌منظور پاسخگویی به نیازهای معیشتی خانوار خود مجبور بودند، در کشاورزی متعارف، کشاورزان ترجیح می‌دهند که فقط یک محصول پردرآمد بکارند؛ بر این اساس، شهاب از راهبرد تک‌کشتی که در تقابل با حفظ محیط‌زیست است، به‌منظور سازگاری با بازار بهره برده است:

«هفت هشت ساله هویج می‌کارم؛ چون درآمدش بهتره. امسال یک هکتار هویج ۴۰۰ میلیون درآمد داشته. خب فکر کن اگر کلزا بکارم، ۲۰ میلیون درآمد داره. معلومه که این کشتو نمی‌کارم.»

ب. استفاده بیش از حد از نهاده‌های شیمیایی

از دیدگاه کشاورزان، از آنجاکه رویکرد مسلط بر کشاورزی رویکردی درآمدزایی است، یکی از راهبردهای افزایش تولید و درآمد برای اغلب آن‌ها، استفاده از نهاده‌های شیمیایی است. نقش نهاده‌های شیمیایی در کشاورزی امروز آنقدر پررنگ است که در نگاه بیشتر کشاورزان بدون استفاده از این نهاده‌ها، کشاورزی فاقد توجیه اقتصادی خواهد بود. کدهایی نظیر مصرف سم به‌دلیل سودآوری بیشتر، مصرف سم و بازارپسندی محصول، فاقد توجیه اقتصادی بودن کشاورزی در صورت استفاده نکردن از کود و سم، کود و سم ابزار درآمدزایی و برداشت محصول بیشتر، مفاهیمی بودند که از مصاحبه‌ها استخراج شدند. نمونه‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان در زمینه استفاده از نهاده‌های شیمیایی بیان می‌شود:

«فقط برای درآمد بیشتر کود می‌ریزم. من امتحان کردم. کود نریختم و کشتم، اما رشد نکرده و دوش هم خیلی تعریفی نداشته.» (رحیم، ۵۱ ساله)

«هر کشتی که بخوای بکاری، اول باید بهش سم بزنی و بعد بکاری تا بتونی چیزی برداشت کنی. کود شیمیایی هم اسمش رو شه، شیمیاییه و شیمیایی یعنی سم. مگه غیر از اینه؟»

همین یونجه‌ای که بنده کاشتم تا سم و کود نزنم، بازدهی نداره و صرفه اقتصادی نداره.» (عشقی، ۶۲ ساله)

«اگر بخوایم اقتصادی کشاورزی کنیم، باید کود و سم بیشتری بدیم. اگر کود و سم کم بدیم، تولیدمون کم می‌شه.» (محمود، ۴۵ ساله)

ج. آیش نگذاشتن زمین

یکی از راهبردهای کشاورزان در بستر کشاورزی متعارف امروزی، کاشت هر ساله و بهره‌برداری بیش از حد از زمین است؛ مسئله‌ای که نتیجه آن، کاهش بازدهی زمین و آسیب دیدن بافت خاک به عنوان یک پدیده غیربوم‌شناختی است. به منظور جبران کاهش بازدهی زمین و مقابله با آفات، کشاورز از مصرف تقویت‌کننده‌های شیمیایی و سموم ناگزیر است که در واقع آن هم از جنس عادت‌واره غیربوم‌شناختی است. این مقوله از مفاهیم زیر تشکیل شده است: آیش نگذاشتن زمین در اثر زیاد بودن هزینه‌ها، آیش نگذاشتن زمین در اثر فشار افزایش جمعیت، کنار گذاشتن آیش در اثر گسترش مکانیزاسیون.

به باور مشارکت‌کنندگان، کنار گذاشتن آیش، پیامدهای نامطلوبی نظیر کاهش توان زمین و فقیر شدن خاک، مصرف کود برای تقویت زمین، آفت گرفتن زمین و ضرورت استفاده از سم، تهدید سلامتی جامعه به دلیل مصرف بی‌رویه کود و سم در تولید محصولات کشاورزی و هزینه‌های اقتصادی برای جامعه و محیط‌زیست را به دنبال دارد، اما به منظور کسب درآمد، از کنار گذاشتن آن ناگزیر هستند. توصیف فرامرز در این زمینه نشان می‌دهد، چگونه شرایط حاکم بر جامعه، کشاورز را به سمت کنار گذاشتن آیش سوق داده است:

«قبلاً مردم خرج زیادی نداشتن. حشم کمی داشتند و نیاز نبود هر سال بکارن. الآن توقعات رفته بالا. مجبوریم هر سال بکاریم؛ چون علوفه کم میاریم و قیمت علوفه با گندم برابره. حداقلش اینه اگر گندما بار نگیرن کاه دارن.»

اظهارات حافظ یکی از کشاورزان نسبتاً مسن از منطقه جاپلق نشان می‌دهد که چگونه حذف این جزء از سیستم کشاورزی موجب کاهش بازدهی زمین شده است:

«پنج شش ساله که زمینا رو هر سال می‌کاریم. خب این باعث شده زمین کشت نده؛ چون زندگی مون نمی‌چرخه و درآمدمون کمه، مجبوریم هر سال بکاریم.» (حافظ، ۵۷ ساله)

نقش تسهیل‌کنندگی ادوات کشاورزی و سرعت عمل زیاد آن‌ها در مقایسه با نیروی انسانی، کشاورزان را به سمت کاشت هر ساله زمین بدون توجه به ضرورت آیش سوق داده که مسلم است نتیجه آن بهره‌برداری و استثمار بیش از حد از زمین بوده است. خلیل کشاورز ۵۵ ساله که غالباً به شکل دیم‌کاری کشاورزی می‌کند و به دنبال کاهش بارندگی و تداوم خشکسالی درآمد چندانی از کشاورزی ندارد، با وجود ادراک مفید بودن آیش، اما برای کسب درآمد سالیانه تمامی زمین‌های خود را کشت می‌کند:

«آیش خیلی خوبه برای زمین، ولی من هر سال زمینام رو می‌کارم، به جای اینکه آیش بذارم و بعد از یه سال انتظار دو برابر محصول برداشت کنم. هر سال می‌کارم چون این برام بهتره که امسال هیچ درآمدی نداشته باشم.»

در مجموع، کشاورزان با وجود ادراک مفید بودن آیش، در عمل به دلایل اقتصادی به کاشت هر ساله زمین اقدام می‌کنند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، برخی کشاورزان در عمل به رویه آیش گذاشتن زمین که جزئی از سیستم کشاورزی سنتی است، هنوز پایبند هستند؛ در حالی که برخی دیگر با توجه به نگاه منفعت‌طلبانه و سوداگرانه به زمین، این رویه را کنار گذاشته‌اند.

پیامدها

الف. تراژدی منابع آب

یکی از پیامدهای راهبرد سازگاری با بازار توسط کشاورزان، کاهش منابع آبی در همه اشکال است. این روند کاهشی موجب بحران‌هایی در زمینه منابع آبی شده است که در این پژوهش از آن به عنوان تراژدی منابع آب تعبیر می‌شود. خشکسالی‌های متوالی، کاهش منابع آبی، خشک شدن قنات‌ها، کاهش مداوم سطح آب‌های زیرزمینی، ابعاد این تراژدی‌اند.

طی سال‌های گذشته، ماهیت خشکسالی کاملاً متفاوت شده است؛ به طوری که خشکسالی‌ها به صورت متوالی و پشت سرهم اتفاق می‌افتند؛ برای نمونه، یکی از کشاورزان به نام شیخ، وضعیت را این گونه توصیف می‌کند:

«قدیم هم بعضی سال‌ها خشکسالی می‌شد، ولی هیچ سالی این جوری نبود؛ نه دیگه پشت سرهم. قبلاً یه سال خشکسالی می‌شد ولی نه هرساله.»

فشار زیاد روی منابع آبی، در نتیجه استفاده بی‌رویه از آن موجب کاهش این منابع در اشکال مختلف نظیر آب‌های زیرزمینی، قنات‌ها و چاه‌ها شده است. در ادامه، عبدالرضا در این زمینه بیان می‌کند:

«آبمون نسبت به قدیم خیلی کمتر شده. فشار آب این قنات قبلاً این قدر زیاد بود که در موقع آبیاری آب را روی چهار درازبند^۱ می‌داشتیم، ولی الان آب را روی یه درازبند می‌ذاریم.»

یکی دیگر از کشاورزان به نام شهاب، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی را به شکل زیر بیان می‌کند:

«سال ۱۳۷۰، یک زمینی را غرقابی آبیاری می‌کردیم. آب از رودخانه میومد از بالای روستای تمبک توی جوب بزرگ چالسبار تا سر زمین ۱۰ هکتار پدریم. بعداً آن آب خشک شد و سال ۷۶ شروع کردیم چاه زدن. چاهی که سال ۷۶ زدیم، سال ۸۴ چاه خشک شد. درواقع، آب جوب که خشک شد، چاه هم خشک شد. سال ۷۶ که ما چاه زدیم در دو متری به آب رسیدیم. سال ۸۴ که دوباره چاه زدیم در ده متری به آب رسیدیم و عمق چاه را کردیم بیست متر. باز دوباره سال ۹۷ دوباره همان چاه بیست متری خشک شد، باز آمدیم چاه جدید زدیم. اگر به همین روش پیش ببریم، آن نهر، جوب و همه خشک می‌شن.»

۱. کشاورزان برای آبیاری راحت‌تر و بهتر زمین آبی، آن را به صورت طولی به چند قسمت با عرض تقریباً دو تا سه متری تقسیم می‌کنند که به آن «درازبند» می‌گویند.

ب. فرسایش خاک

فرسایش خاک یکی دیگر از مقولاتی است که از مصاحبه‌های کشاورزان استخراج شده است. منظور از فرسایش خاک به عنوان یکی از پیامدهای کشاورزی متعارف، از بین رفتن خاک سطحی حاصلخیز که گیاهان بیشترین مواد مغذی و آب مورد نیاز خود را از آن دریافت می‌کنند، توسط آب، باد و فعالیت‌های گوناگون کشاورزی است. فرسایش، حاصلخیزی خاک را کاهش می‌دهد و بر عملکرد و بازدهی زمین و کیفیت محصول تأثیر منفی دارد. در این پژوهش، مقوله فرسایش خاک از این مفاهیم تشکیل شده است: آبشویی خاک، تخریب زمین‌های شیب‌دار، سفت شدن خاک.

در کشاورزی متعارف، زمین هرساله زیر کشت می‌رود و برای انجام این کار به استفاده از ماشین‌آلات در مراحل مختلف کاشت، داشت، برداشت و حمل محصولات کشاورزی نیاز است. این دو رویه یعنی کاشت هرساله و تردد ادوات در زمین کشاورزی، بهره‌کشی بیش-از-احد از زمین و فرسایش خاک را موجب می‌شوند؛ از این‌روست که سلیمان، یکی از کشاورزان منطقه جاپلق، اعتقاد دارد برای حفظ خاک لازم است که کشاورزان با اجتناب از کاشت هرساله زمین، زمینه حفظ پوشش گیاهی را فراهم کنند تا مانع از آبشویی خاک شود: «اگر بخوای خاک را بهش برسیم، خاک رو از دست ندیم و زود خراب نشه، همین‌ه که شما زمینو آیش بزاری؛ یعنی اگر آیش بمونه، فرسایش خاک کمتر می‌شه؛ یعنی وقتی زمینی بافت گیاهی زیاد داشته باشه، تو زمستون بارون کمتر می‌تونه خاک اون رو بشوره ببره، ولی وقتی شما هر سال می‌کاری و هرسال این زمین شخمه، به محض اینکه بارون بیاد، چون شخمه و نرمه بارندگی، همه این خاکو می‌بره با خودش و هرچقدر شیب بیشتر باشه، آب خاکو بیشتر می‌بره، ولی اگر آیش باشه و شخم نشده باشه، بافت گیاهی هم داره. شاید آب باران جاری هم که بشه یک درصد روی خاک تأثیر منفی نمی‌ذاره.»

رویه غالب به‌منظور عملیات کاشت محصول، شخم زدن زمین است. با توجه به اینکه شخم زدن زمین، بقایای محصول را زیر خاک دفن می‌کند، خاک را برهنه و بدون پوشش

می‌کند؛ بنابراین بیشتر در معرض اثرات فرسایشی بارندگی قرار می‌گیرد. برآیند مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد، بیشتر آن‌ها ادراک مثبت درباره عملیات شخم با گاواهن دارند؛ بنابراین داشتن چنین ذهنیتی کشاورزان را وادار می‌کند تا با استفاده از گاواهن زمین را شخم کنند؛ درحالی‌که کاهش شخم بخش مهمی از رویکرد بوم‌شناختی به کشاورزی است. خلیل مانند بیشتر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، عملیات آماده‌سازی زمین را به وسیله شخم زدن انجام می‌دهد:

«من با گاواهن شخم می‌زنم. گاواهن بهتره؛ چون عمق بیشتری از خاک رو زیر و رو می‌کنه.»

برای سازگار شدن با بازار و تولید محصول بیشتر، کشاورزان به استفاده از ماشین‌آلات مجبور هستند. در نتیجه ورود ادوات کشاورزی به زمین‌های کشاورزی، بافت خاک فشرده و متراکم می‌شود. اشرفی، کشاورز منطقه پاچه‌لک، در این زمینه می‌گوید:

«یک سال زمینی را شخم زده بودیم، پر از کلوخ‌های بزرگ شده بود؛ چون سال قبل چغندر کاشته بودیم و برای حمل چغندر از کامیون استفاده کرده بودیم. چون زمینم یه مقداری نم داشته بود، ماشینا که توش حرکت کرده بودند، زمین سفت شده بود.»

ج. مهاجرت

شرایط اقتصادی حاکم و راهبردهای کشاورزان برای سازگاری با شرایط بازار، آن‌ها را به سمت مهاجرت از روستاها سوق داده است. داده‌های تحقیق حکایت از موج فزاینده مهاجرت به‌ویژه در بین روستاییان منطقه جاپلق دارد. کدهای مرتبط با مقوله مهاجرت شامل مهاجرت جوانان در اثر کم بودن درآمد کشاورزی، کاهش آب و مهاجرت، مثله شدن زمین و مهاجرت و مهاجرت در کاهش سطح زیر کشت آبی می‌شود.

کشاورزی منبع اصلی درآمد روستاییان است. از دید کشاورزان، توجه دولت غالباً به بخش صنعت معطوف است و به بخش کشاورزی بی‌توجه است. این بی‌توجهی که در زمینه‌های مختلف بروز پیدا کرده، از جمله در زمینه آب، امکان معاش کشاورزان از طریق

کشاورزی سنتی را به چالش کشیده است. مهاجرت روستاییان یکی از پیامدهای این بی-توجهی بوده است. توصیف یکی از کشاورزان منطقه به نام احمد از مهاجرت به این شرح است:

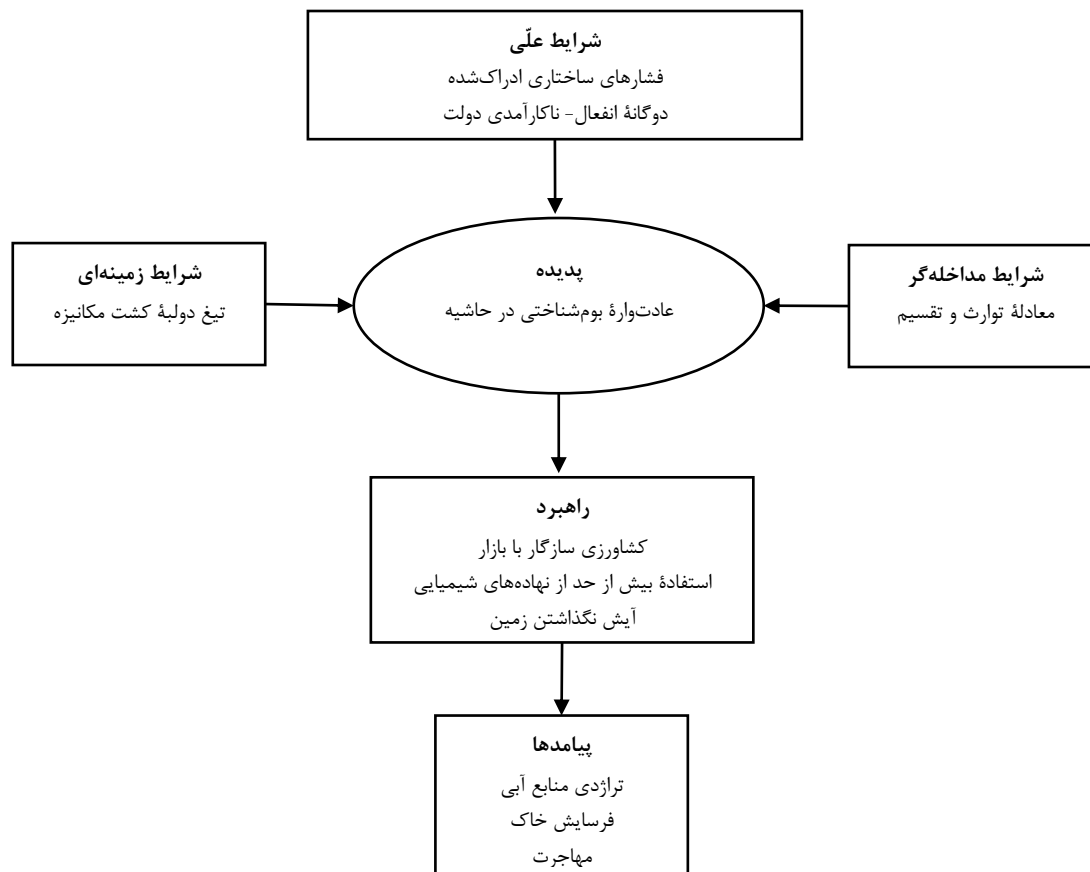
«اگه کشاورزی خوب باشه و رو حساب کتاب باشه که کشاورزا نمی‌رن کارگری در شهرها. اکثر کشاورزا رفتن این طرف و اون طرف برای کار. به نظر من اگه درآمد داشتن از اینجا نمی‌رفتن. اینکه مردم خیلی از روستاها را خالی کردند به خاطر کمبود آب. اولین مشکل ما اینه که آب خیلی کم شده. اگر آب باشه سطح زیر کشت آبی مردم می‌ره بالا، درآمد مردم بالا میره.»

در منطقه جاپلق که وابستگی کشاورزی به باران بیشتر است، کشاورزی دیم شیوه غالب کشاورزی است. تشدید خشکسالی طی سال‌های اخیر، منابع آب زیرزمینی و قنات‌ها و در نتیجه کشاورزی را دچار مشکل کرده است. رخداد متوالی خشکسالی که کاهش درآمد کشاورزان را به دنبال داشته، زمینه‌ساز تشدید مهاجرت به عنوان یکی از پیامدهای این رویداد طبیعی شده است. سلیمان در این زمینه اعتقاد دارد:

«خب سمت ما دیم‌کاریم. دیگه دیم‌کاری کفاف نمی‌ده. هزینه‌های زندگی رو تأمین نمی‌کنه. یکی از دلایل مهاجرت همینه دیگه.»

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مقولات عمده و توضیحات ارائه شده می‌توان گفت که مفهوم یا مقوله هسته «عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه» است؛ مقوله‌ای که می‌تواند همه مقولات و مباحث پژوهش را پوشش دهد و جنبه تحلیلی نیز داشته باشد. درک تغییرات عادت‌واره بوم‌شناختی در جامعه مطالعه شده و چگونگی ارتباط بین مفاهیم، مقولات عمده و نیز مقوله هسته نهایی در قالب یک مدل زمینه‌ای شامل شرایط، فرایند/ راهبرد و پیامد در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳. مدل پارادایمی عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه

در چارچوب مدل پارادایمی و مقوله هسته، خط داستانی تحقیق شکل گرفته است. خط داستانی تحقیق بیان می‌کند که در گذشته، عادت‌واره کشاورزان، بوم‌شناختی و سازگار با محیط‌زیست بود و کشاورزان از آب و خاک در حد تأمین نیازهای معیشتی خود بهره‌برداری می‌کردند؛ اما در دوران مدرن، باتوجه به برخی فشارهای ساختاری بر کشاورزان و همچنین انفعال و ناکارآمدی دولت در حوزه کشاورزی، این عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه قرار

گرفت. تیغ دولبه کشت مکانیزه نیز به عنوان بستر و مسئله توارث که موجبات خردشدن بیش از حد اراضی کشاورزی را در پی دارد به عنوان شرایط مداخله‌گر، عادت‌واره بوم‌شناختی را بیشتر در حاشیه قرار داد. در این دوره، ساختار نیرومند بازار، کشاورزان را به اتخاذ راهبرد سازگاری با بازار مجبور کرد که پیامد آن فشار بر منابع آب و خاک (تراژدی منابع آب، فرسایش خاک) بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به ادراک کشاورزان، کنش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های آن‌ها، تحت تأثیر شرایط علیّی تحمیل شده توسط ساختارهای اجتماعی و دولتی است. همان‌گونه که زارع و همکاران (۱۳۹۷) اشاره می‌کنند، سرمایه‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با اثرگذاری غیرمستقیم از طریق خرده‌فرهنگ‌ها بر نگرش کشاورزان را تأثیر می‌گذارند. فشارهای ساختاری که بیشتر جنبه اقتصادی دارند و سازوکارهای بازار هستند، عادت‌واره بوم‌شناختی کشاورزان را به حاشیه رانده است؛ یعنی عادت‌واره مرتبط با بوم و ارزش‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و رفتارهای دوستدار محیط‌زیست به دلیل شرایط ساختاری، کم‌اهمیت شده‌اند. عادت‌واره بوم‌شناختی در حاشیه، در بستر شرایط ساختاری، زمینه‌های مستعد و معیوب و شرایط مداخله‌گر ظهور یافته است.

ردپای دولت در فشارهای ساختاری رؤیت‌شدنی است. دخالت دولت در بخش کشاورزی، طیفی از انفعال تا ناکارآمدی را در بر می‌گیرد. در بسیاری از زمینه‌های کشاورزی که نیازمند مداخلات دولتی هستند، اثری از این دخالت‌ها وجود ندارد. این انفعال در زمینه‌های قانون‌گذاری بخش کشاورزی، اثرات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته است؛ برای مثال، درحالی‌که بستر اجتماعی و فرهنگی از تقسیم و خرد شدن زمین بین وراثت دفاع می‌کند، فقدان قانون مدون در زمینه تقسیم اراضی، موجبات تشدید خردشدن اراضی کشاورزی را به دنبال داشته است. حمایت نکردن دولت از کشاورزی بوم‌شناختی و تولید محصول ارگانیک و نظارت نداشتن دولت بر مصرف کود و سم، تنها بخشی از انفعال دولت در بخش کشاورزی است؛ درحالی‌که در مقابل انفعال، مداخلات ناکارآمد دولت وجود دارد؛ برای

مثال، نرخ گذاری های دستوری و ناعادلانه روی محصولات کشاورزی و دخالت دولت در تخصیص ادوات کشاورزی، این نهاد را از وظیفه اصلی خود که تنظیم بازار و قانون گذاری در بخش کشاورزی است، بازداشته است.

با توجه به انفعال دولتی در عرصه قانون گذاری بخش کشاورزی، شرایط مداخله گر مانند معادله توارث و تقسیم، در به حاشیه راندن عادت واره بوم شناختی، نقش تسریع کننده داشته است. در نتیجه فقدان یا ضعف قوانین در بخش کشاورزی، مسائل مربوط به ارث، مانند خرد شدن زمین بین وراث، افزایش اختلافات ملکی در نتیجه تقسیم زمین بین وراث، مالکیت اشتراکی چاه ها و فقدان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی، به شرایط نامطلوب بخش کشاورزی دامن زده است.

زمینه عادت واره بوم شناختی به حاشیه رانده شده، وجود کشاورزی مدرن و استفاده از ماشین آلات مکانیزه بوده است. با ورود به دنیای مدرن، کشاورزی نیز تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. گسترش مکانیزاسیون یکی از تحولات عمده کشاورزی مدرن است. کشت مکانیزه به رغم داشتن تبعات مثبت و تسهیل در کشاورزی، اثرات منفی نیز برای محیط زیست داشته است. فشار بر منابع آب و خاک و از بین رفتن محصولات کشاورزی، بخشی از اثرات گسترش مکانیزاسیون بوده است.

کشاورزان در تطبیق شغل خود با شرایط زندگی مدرن، راهبرد سازگاری با بازار، استفاده از نهاده های شیمیایی و آیش نگذاشتن زمین را اتخاذ کرده اند. در این راهبردها، کشاورزان به استفاده از کودها و سموم شیمیایی در تولید محصولات مجبور هستند؛ زیرا با استفاده از نهاده های شیمیایی، بهتر می توانند به نیازهای بازار پاسخ دهند و سودآوری بیشتری داشته باشند. با توجه به نتایج پژوهش شفيعی و همکاران (۱۳۹۷)، عملکردهای محیط زیستی مانند استفاده از کودهای زیستی نیز با ادراک از پیامدهای اقتصادی و محیط زیستی آن انجام می-شود. در مطالعه حاضر همسو با پژوهش ذکر شده، این نکته مدنظر قرار گرفته است که اتخاذ راهبردهای سازگاری توسط کشاورزان با ادراک اقتصادی آنها صورت می پذیرد. همچنین با

توجه به یافته‌های مطالعه نیلان (۲۰۱۷) می‌توان این‌گونه استدلال کرد که کشاورزان با توجه به شرایط، به اتخاذ راهبردهای محلی برای حفظ شغل خود دست می‌زنند؛ زیرا آن‌ها تمایلات مولد عادت‌واره را در جهت کنش‌های خود به کار می‌گیرند. آیش نگذاشتن زمین نیز یکی از راهبردهای کشاورزان است. آن‌ها با وجود آگاهی از پیامدهای مثبت آیش نظیر تقویت زمین، بی‌نیازی از مصرف کود و سم و در نتیجه حفظ سلامتی جامعه و محیط‌زیست، اما به منظور کسب درآمد، ناگزیر از کنار گذاشتن آن هستند.

اتخاذ راهبردهای سازگاری با بازار، استفاده از نهاده‌های شیمیایی و آیش نگذاشتن زمین پیامدهای منفی برای جامعه و محیط‌زیست از جمله مهاجرت از روستاها، فرسایش خاک و تراژدی منابع آب را به دنبال داشته و محصولات ارگانیک را به حاشیه برده است. استفاده زیاد از کودها و سموم شیمیایی و گسترش تک‌کشتی برای سودآوری بیشتر و پاسخگویی به کنش بازار به برهم خوردن تعادل بوم‌شناختی منجر شده است. کاهش بارندگی، خشکسالی و خشک شدن قنات‌ها و آب‌های زیرزمینی در نتیجه استفاده بی‌رویه از آن‌ها، تراژدی منابع آب را به همراه داشته است. مهاجرت نیز به عنوان یک پیامد اجتماعی حاصل این شرایط بوده است. در نتیجه کشاورزی سازگار با بازار که تنها درآمدزایی را مدنظر قرار می‌دهد، کیفیت زمین و آب رو به تحلیل رفته و در نتیجه، مهاجرت از روستاها افزایش یافته است. خاک نیز کیفیت گذشته خود را از دست داده و دچار فرسایش شده است. به طبع، تا زمانی که تولید محصولات کشاورزی بازارپسند به عنوان راهبرد کشاورزان مطرح باشد، محصولات ارگانیک و سالم به حاشیه می‌روند و سلامت جامعه به خطر می‌افتد.

با توجه به نتایج پژوهش، حمایت‌های دولتی از تولید محصولات ارگانیک و کشاورزی بوم‌شناختی، می‌تواند یکی از راه‌های تقویت عادت‌واره بوم‌شناختی کشاورزان باشد. مداخلات دولتی در زمینه کشاورزی باید در سطح قانون‌گذاری باشد و اتکا به دانش بومی کشاورزان و احیای روش‌های سنتی کشاورزی می‌تواند عاملی در جهت حفظ زیست‌بوم کشاورزی باشد. گسترش آگاهی‌های کشاورزان در زمینه کشاورزی بوم‌شناختی از طریق

تسهیلگری اجتماع محور و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، گامی مثبت در جهت ارتقای عادت‌واره بوم‌شناختی کشاورزان است؛ در نتیجه نهادها اعم از دولتی یا خصوصی، باید اقدامات خود را به آموزش، ترویج و قانون‌گذاری محدود کنند تا شاهد ارتقای بخش کشاورزی باشیم.

کتابنامه

۱. اشتراوس، ا.، و کوربین، ج. (۱۳۹۳). *مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای* (ا). افشار، مترجم). تهران: نشر نی.
۲. بوردیو، پ. (۱۳۹۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی* (م. مردیها، مترجم). تهران: انتشارات نقش و نگار.
۳. تقدیسی، ا.، و بسحاق، م. ر. (۱۳۸۹). چالش‌های کشاورزی و تأثیر آنها بر جمعیت روستایی با تأکید بر تغییرات سطح زیر کشت (مطالعه موردی: دهستان سیلاخور شرقی - شهرستان ازنا). *پژوهش‌های روستایی*، (۲)، ۱۶۱-۱۳۷.
۴. تقوایی، م.، بسحاق، م. ر.، سالاروند، ا. (۱۳۸۹). تحلیلی بر عوامل مؤثر در عدم استفاده از سیستم‌های آبیاری تحت فشار در روستاهای ایران (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان ازنا). *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۱ (۲)، ۲۳-۱۱.
۵. حاتمی، ع.، و نوربخش، س. (۱۳۹۸). بازسازی معنایی بحران آب در شرق اصفهان براساس نظریه زمینه‌ای. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰ (۱)، ۱۴۲-۱۲۳.
۶. زارع، ب.، قادری، ص.، کوهی، م. ک.، و مشیری، ژ. (۱۳۹۷). تبیین فرهنگی و اجتماعی مصرف آب در بخش کشاورزی با تأکید بر نگرش سنجی کشاورزی شهرستان گرمسار. *مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، ۷ (۲)، ۳۷-۹.
۷. شفیعی، ف.، و رضوانفر، ا.، و میرترابی، م. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر رفتار استفاده از کودهای زیستی به وسیله کشاورزان استان البرز. *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۰، ۱۰۵-۱۱۸.
۸. طولابی‌نژاد، م.، بذرافشان، ج.، و قنبری، س. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت پایداری روستاهای شهرستان پلدختر بر اساس نگرش‌های محیط‌زیستی. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۶ (۲)، ۲۱۳-۱۴۱.

۹. عینالی، ج.، کاظمی، ن.، چراغی، م.، و رابط، ع. ر. (۱۳۹۵). تحلیلی بر آگاهی و عملکرد زیستی کشاورزان در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ارومیه). *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۸، ۳۹۵-۴۰۵.
۱۰. فروتن کیا، ش.، و نواح، ع. ر. (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی محیط‌زیست*. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۱. کنعانی، ا.، و احمدوند، م. (۱۳۹۸). تبیین رفتار محیط‌زیستی کشاورزان گندم‌کار آبی: کاربرد تئوری ارزش، اعتقاد، هنجار. *فصلنامه علمی-آموزشی محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۷(۳)، ۳۵-۴۶.
۱۲. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۶). *آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۶*. بازیابی از <https://css.ir/fa/content/112771>
۱۳. مهدوی، ا.، کیانی، م.، و دانشور عامری، ژ. (۱۳۹۶). ارزیابی موانع یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی (مورد مطالعه روستاهای شهرستان ازنا). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۸(۲)، ۳۳۳-۳۴۲.

14. Calicioglu, O., Flammini, A., Bracco, S., Bellù, L., & Sims, R. (2019). The future challenges of food and agriculture: An integrated analysis of trends and solutions. *Sustainability*, 11(1), 222.
15. Carfagna, L. B., Dubois, E. A., Fitzmaurice, C., Ouimette, M. Y., Schor, J. B., Willis, M., & Laidley, T. (2014). An emerging eco-habitus: The reconfiguration of high cultural capital practices among ethical consumers. *Journal of Consumer Culture*, 14(2), 158-178.
16. CCPI. (2018). Retrieved 2022, June 2, from <https://ccpi.org/download/the-climate-change-performance-index-2018/>
17. Crossley, N. (2003). From reproduction to transformation: Social movement fields and the radical habitus. *Theory, Culture & Society*, 20(6), 43-68.
18. Gäbler, K. (2015). Green capitalism, sustainability, and everyday practice. In *Global sustainability* (pp. 63-86). Cham: Springer.
19. Haluza-DeLay, R. (2008). A theory of practice for social movements: Environmentalism and ecological habitus. *Mobilization*, 13, 205-218.
20. Haluza-DeLay, R. (2006). The practice of environmentalism: creating ecological habitus. *Conference Papers-American Sociological Association* (Vol. 1). Washington: American Sociological Association.
21. Horton, D. R. (2002). *Searching for sustainability: AN ethnography of everyday life among environmental activists* (Unpublished doctoral dissertation). University of Lancaster, Lancaster.

22. Kasper, D. V. (2009). Ecological habitus: Toward a better understanding of socioecological relations. *Organization & Environment*, 22(3), 311-326.
23. Kirby, J. (2018). Grounding and comparing ecological habitus in environmental communities. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 10(2), 154-169.
24. Lowe, S., & Tapachai, N. (2020). Bourdieusian interaction: actors' habitus, agentic activities and field resources. *Journal of Business & Industrial Marketing*, 36(6), 893-904.
25. Nilan, P. (2017). The ecological habitus of Indonesian student environmentalism. *Environmental Sociology*, 3(4), 370-380.
26. Smith, M. (2001). *An ethics of place: Radical ecology, postmodernity, and social theory*. Albany; Great Britain: State University of New York Press.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مطالعه عوامل مؤثر در نظم خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی با رهیافت فراترکیب^۱

محبوبه نژادموسی میانکلی (دانشجوی دکترای تخصصی جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

ma.nejadmoosa@yahoo.com

افسانه ادیسی (دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

a_edrisi@iaui.ac.ir

افسانه توسلی (دانشیار، گروه مطالعات زنان و خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)،

تهران، ایران)

afsaneh_tavassoli@alzahra.ac.ir

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر در نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی است. هدف کاربردی پژوهش، ارائه پیشنهادها و راهکارهای مناسب به نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی با توجه به شرایط کنونی جامعه و خانواده‌های کشور است. روش پژوهش به کار گرفته شده در این مطالعه کیفی فراترکیب است. ابتدا با استفاده از روش تحلیل کیفی فراترکیب به استخراج شاخص‌ها از مقالات و مطالعات پیشین اقدام شد و از ۲۸۰ مقاله به دست آمده، از ۳۲ مقاله نهایی برای بررسی عوامل مؤثر بر نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی استفاده شد. در ادامه با مقوله‌بندی شاخص‌ها و انجام آنالیز شانون، محتوای طرح تحلیل شد، شاخص‌های اصلی شناسایی شد و میزان اهمیت

۱. این مقاله پژوهشی و مستخرج از پایان‌نامه دوره دکترای تخصصی است.

هریک از شاخص‌ها مشخص شد. تحلیل داده‌های پژوهش در فاز کیفی با نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. با استناد به یافته‌های پژوهش، ۷ مقوله اصلی و ۵۶ مقوله فرعی (کد) با استفاده از روش تحلیل کیفی فراترکیب از متون مقالات پیشین استخراج شد. مقوله‌های اصلی استخراج‌شده عبارت‌اند از: احترام و ارزش، نشاط خانوادگی، قواعد خانوادگی، تأمین معیشتی، پرورش و تربیت، تعهد و اعتماد متقابل و نوع‌دوستی. به‌طور کلی می‌توان اذعان کرد، مواردی نظیر کمک به فقرا را گداپروری ندانستن، یاری‌رسانی را وظیفه خود شمردن، علاقه‌مندی به امور خیریه، مشارکت داوطلبانه برای کمک‌رسانی در بحران‌ها، بی‌تفاوت نبودن به مشکلات اعضای خانواده و از همه مهم‌تر حمایت کردن از اعضای خانواده، از جمله پیامدهای مثبت و درخور تأمل در پیاده‌سازی اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: رویکرد کیفی فراترکیب، نظم نهاد خانواده، اخلاق اجتماعی، اخلاق خانواده.

۱. مقدمه

خانواده از منظر جامعه‌شناسی اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که در شکل‌گیری ساختار کلان جامعه و افزایش بهره‌وری آن نقش بسزایی دارد (مالیگ^۱، ۲۰۲۰، ص. ۳). بافت اجتماعی به‌نوعی تحت‌تأثیر تحولات خانواده قرار دارد و هرگونه انحرافی در فضای خانواده‌ها لزوماً در جامعه منعکس می‌شود. استواری بنیان خانواده یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت و پیشرفت جوامع به‌ویژه جامعه ایران محسوب می‌شود (کانن^۲ و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۴). خانواده به‌منزله یکی از ارکان اصلی رفع نیازهای اجتماعی، زیستی و فرهنگی انسان محسوب می‌شود. از یک سو، سلامت روانی و جسمانی و عاطفی فرد و از سوی دیگر، تأمین اجتماعی فرد از طریق سازمانی منظم نظیر خانواده، تضمین‌کننده سلامت روانی و

1. Mulliqi

2. Cannon

اجتماعی جامعه نیز خواهد بود (حیدربرقی، سوادى و فتحى، ۱۳۹۸، ص. ۱۷). خانواده اولین نهاد اجتماعى است که اعضاى آن با برقرارى ارتباط با یکدیگر و انجام کار و فعالیت مشترک هدف مشترکى را نیز دنبال مى کنند (دیرکس، دولیگر و واندنبروک^۱، ۲۰۲۰، ص. ۳۳۹). این ارتباط به درستی انجام نمى گیرد؛ مگر آنکه اعضاى خانواده با نوعى تفهیم و درک متقابل با یکدیگر تعامل داشته باشند. خانواده از طریق گفت و گو و برقرارى ارتباط و تعامل کلامى مى تواند پیوند عاطفى بین اعضاى خود را حفظ کند و از این طریق یکى از کارکردهاى خود را انجام دهد (آیت اللهی، بانكى و ملكى، ۱۳۹۹، ص. ۳۲).

نهاد اجتماعى خانواده در اشکال مختلف در هر جامعه اى یافت مى شود. در بقایای سکونت های انسان ماقبل تاریخ نیز دلایل روشنی بر وجود اجتماع خانوادگی به عنوان یکى از قدیمی ترین نهادهاى اجتماعى وجود دارد. خانواده کارکردهاى مختلف دارد و گذشته از کارکرد فرزندآورى و پرورش کودک، نقش ها و وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت اقتصادى، آموزش و پرورش و اجتماعى کردن فرد را نیز بر عهده دارد. خانواده برای تأمین سلامت اعضا و سلامت جامعه به وجود آمده است. خانواده را مى توان از دیدگاه هاى مختلف مطالعه کرد. تضادگرایان نظم اجتماعى را مصنوعى و محصول دخالت و نظارت گروه هاى مسلط بر دیگران مى بینند و دگرگونى هاى اجتماعى را سریع و نابسامان مى دانند. نظریه پردازان نظم به ویژه کارکردگرایان ساختى، ارزش ها و هنجارهاى مشترک را برای جامعه بنیادى مى انگارند و بر نظم مبتنى بر توافقاى ضمنى تأکید دارند و دگرگونى ها را سامانمند و داراى آهنگى کند مى دانند (آزاد ارمکى، زند و خزائى، ۱۳۷۹، ص. ۱۲).

اگرچه در تحقیقات مختلف، به خصوص مطالعات داخل کشور، بر تأثیرگذارى نهاد خانواده بر جامعه تأکید زیادى شده است، باید توجه داشت که رابطه خانواده و جامعه، دوسویه است. همانگونه که خانواده به اشکال مختلف بر جامعه تأثیر دارد، اجتماع نیز به

1. Dierckx, Devlieghere & Vandenbroeck

صور مختلف بر نهاد خانواده تأثیرگذار است (لینچ^۱، ۲۰۱۹، ص. ۵). به طور خاص در رابطه با بحث اخلاق، خانواده‌ها به راه‌های مختلف از اجتماع تأثیر می‌پذیرند. درواقع هنجارها، رفتارها و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر اجتماع تأثیر زیادی بر اخلاق خانواده و اعضاء آن دارد (مورفی و کاسیاتوره^۲، ۲۰۱۷، ص. ۱۸)؛ بر این اساس، در راستای نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در خانواده باید به مقوله اخلاق اجتماعی توجه زیادی شود. اخلاق اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط آدمیان را با خود، با جامعه و تاریخ مطرح می‌کند؛ زیرا جامعه می‌تواند یک تمدن را بسازد و نه یک فرد. اجتماع انسانی پیوسته تاریخ را ساخته و به پیش برده است. در حوزه روابط خانواده نیز اخلاق اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های اثرگذار مطرح بوده است (قربانی و جمعه‌نیا، ۱۳۹۷، ص. ۱۵).

بروز برخی پدیده‌های ناهنجار اجتماعی به خصوص در دو دهه اخیر باعث شده است که ساختار خانواده‌های ایرانی با چالش‌های بسیار مهمی روبه‌رو شود. با توجه به این موضوع که نهاد خانواده در فرهنگ ایرانی به عنوان یک نهاد مقدس در نظر گرفته می‌شود و اخلاقیات از مباحث بسیار مهم در روان‌شناسی خانواده محسوب می‌شود، توجه بیشتر به تأثیرات بالقوه نظام اخلاقی جامعه بر نهاد خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. درواقع، توجه به اخلاق در خانواده بدون در نظر گرفتن جامعه، منطقی به نظر نمی‌رسد. در رابطه با اهمیت جامعه باید به این موضوع اشاره کرد که زندگی در جامعه بدون در نظر گرفتن اجتماع و مناسبات اجتماعی تصورشدنی نیست؛ به همین دلیل، انسان عصر حاضر، بدون ارتباط با دیگران قادر به برآوردن نیازهایش نخواهد شد و برای برقراری ارتباطی معقول و با در نظر گرفتن منافع طرفین، نیازمند داشتن اخلاق است (فهیمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۲). کیفیت روابط خانواده برای رشد اعضای خانواده بسیار مهم است. هنگامی که خانواده به خوبی کار کند،

1. Lynch

2. Murphy & Cacciatore

موجب می شود که اعضای خانواده با احتمال کمتری دچار مشکلات اجتماعی و روان شناختی شوند، عملکردهای منسجم تری داشته باشند، قادر به انطباق با عوامل استرس زا باشند و قواعد و مرزهای خانوادگی مشخص و آشکاری داشته باشند؛ بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی در خانواده ضروری به نظر می رسد. با این توضیحات مشخص می شود که پرداختن به مبحث اخلاق در خانواده و به طور خاص تأثیرگذاری ساختار اخلاقی جامعه بر خانواده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است (گرانیکا^۱، ۲۰۲۱، ص. ۱۰۳).

تحقیقات مختلف نمونه های متعدد به هم ریختگی ابعاد نظم خانواده را نشان می دهند. از اصول نظم خانواده به هم فکری مشترک اشاره شده است؛ یعنی درک مشترک و ارزشیابی مشترک. اگر هم فکری مشترک نباشد، در سه عنصر نظم یعنی فرد، تعامل و «ما» اختلال به وجود می آید، قابلیت یادگیری افراد کاهش می یابد و از ظرفیت اجرایی فرد به طور مؤثر استفاده نمی شود. در خانواده هایی که نبود تعهد اخلاقی و پیمان شکنی دیده می شود، این بخش از اصول نظم با اختلال روبه رو می شود. در خانواده هایی که گرایش همسران به بی وفایی و خیانت مشاهده می شود، همگامی مشترک با بحران روبه روست (باوفا و قربانی، ۱۳۹۷، ص. ۳۱). در غیاب هم فکری مشترک، تعاملات حداقل در بعد ارتباطی کارکرد خود را از دست می دهند و به تدریج حریم فرهنگی مخدوش و کم رنگ می شود. در این صورت، فرد احساس تعهد و تعلق خود را دیگران از دست می دهد و انسجام درونی دچار مشکل می شود. در خانواده هایی که شکاف اخلاقی را تجربه می کنند، همدلی مشترک کاهش می یابد و همدلی متقابل و احساس تعلق افراد و وابستگی عاطفی به دیگران و ارزش گذاری به هویت جمعی جای خود را به طلاق عاطفی می دهد. دورکیم پایه هر نظم اجتماعی را عاطفه می داند (حیدربرقی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳۷).

هم‌بختی مشترک، نفع مشترک و اقبال مشترک و میزان نیاز متقابل افراد به تشریک مساعی فیزیکی است؛ یعنی همان تقسیم کار که در فقدان تعهد اخلاقی در خانواده چندان معنایی ندارد. آمار درصد رو به افزایش طلاق و شکل‌گیری خانواده‌های هم‌باشی که گویا نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را در ذهن تداعی می‌کند، از چالش‌های جدی عصر حاضر در حوزه خانواده است که درصد زیادی از آن به بحث تعهدات اخلاقی و کم‌ارزش شدن هنجارهای دینی و نبود جامعه‌پذیری صحیح برمی‌گردد.

براساس مطالب ذکرشده روشن می‌شود، از چالش‌هایی که نظام خانواده را در دوره‌های اخیر درگیر کرده است، تعهد به اصول اخلاقی است. روابط بین اعضای خانواده بدون اصول و قواعد تصورش‌دنی و ممکن نیست، اما این اصول و قواعد کدام‌اند؟ دیدگاه اخلاق مبتنی بر وظیفه بر این است که اخلاق مجموعه‌ای از اصل‌ها و قواعدی است که رفتارهای ما را جهت می‌دهد و هدایت می‌کند؛ از این رو جایگاه و شأن اخلاق در کنش و رفتار انسانی همان شأن و جایگاه منطق در تفکر است. همان‌طور که منطق به یاری اصول و قواعد منطقی، فکر ما را از کج‌اندیشی و گرفتار شدن در اندیشه‌های ناصواب حفظ می‌کند، اخلاق نیز به کمک اصول و قواعد اخلاقی، ما را از کج‌رفتاری و افتادن در ورطه رفتارهای نادرست نگه می‌دارد. یکی از عواملی که می‌تواند بر نظم خانواده مؤثر باشد، فاصله افتادن بین اصول پذیرفته‌شده و عمل به آن اصول باشد. اینکه به صورت شفاهی و زبانی به اصولی معتقدیم، ولی در عرصه رفتار و عملکرد آن خلاف آن اصول را انجام می‌دهیم، نظم و انسجام خانواده را با مسائل جدی روبه‌رو می‌کند. آنچه در پژوهش پیش‌رو مدنظر است، مطالعه اثر اخلاق بر نظم خانواده است؛ بنابراین هدف این پژوهش، یافتن پاسخ برای این سؤال است که عوامل مؤثر بر نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی چیست؟

۲. مبانی نظری تحقیق

نحوه تأثیرپذیری نظم نهاد خانواده از اخلاق اجتماعی را می‌توان براساس نظریه یادگیری اجتماعی توضیح داد. یادگیری اجتماعی یک نظریه یادگیری و رفتار اجتماعی است که پیشنهاد می‌کند، رفتارهای جدید را می‌توان از طریق مشاهده و تقلید از دیگران به دست آورد. این نظریه بیان می‌کند، یادگیری فرایندی شناختی است که در یک زمینه اجتماعی شکل می‌گیرد و می‌تواند از طریق مشاهده یا آموزش مستقیم باشد یا حتی در غیاب سیستم تشویق و تنبیه مستقیم (تقویت). علاوه بر مشاهده، رفتار و یادگیری نیز رخ می‌دهد؛ فرایندی که به عنوان تقویت نیابتی شناخته می‌شود. هنگامی که یک رفتار خاص است، پاداش به طور منظم آن به احتمال زیاد باقی بماند. اگر رفتاری خاص است که به طور مداوم تنبیه خواهد شد، به احتمال زیاد از آن دست برداشته می‌شود. مطالعه یادگیری از طریق تقلید توسط دو تن از دانشجویان کلارک هال، یعنی نیل میلر و جان دلارد (۱۹۶۱) پایه‌گذاری شد، ولی نظریه تقلید و سرمشق‌گیری جدا از ریشه‌های رفتارگرایی خود در اوایل دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت. رشد این نظریه که یادگیری مشاهده‌ای نامیده شده است، تا حد زیادی مرهون پژوهش‌ها و نوشته‌های آلبرت باندورا از دانشگاه استنفورد بود. چشم‌انداز باندورا در طول سال‌های متمادی به طور شایان توجهی توسعه یافته است و به عنوان نیروی سوق دهنده‌ای در تحقیقات تقلید و سرمشق‌گیری، به کار خود ادامه می‌دهد (صالحی، رحمانی، مؤمنی‌راد و قاسم‌تبار، ۱۳۹۵).

تقلید رفتار مردمان دیگر از چشم‌انداز شرطی شدن کنشگر، با برنامه تقویت ناپیایی حفظ و نگهداری می‌شود. افراد همیشه به دلیل تقلید کردن پاسخ‌های دیگران تقویت نمی‌شوند، بلکه آن‌ها اغلب از ادامه تقلید کردن اطرافیان‌شان به حد کافی تقویت می‌شوند. درواقع، خود تقلید عادت می‌شود؛ پدیده‌ای که میلر و دلارد آن را تقلید تعمیم‌یافته نامیده‌اند. مردم اغلب برای سرمشق‌گیری از رفتارهای دیگران تقویت می‌شوند. باندورا مطرح کرده است که محیط، سرمشق‌گیری را تقویت می‌کند و همچنین شاید گاهی سرمشق‌گیری را به چند طریق ممکن

تنبیه کند. بعد شناختی نظریه یادگیری اجتماعی در بسیاری از جنبه‌های این نظریه آشکار است. یادگیری بدون عملکرد، پردازش شناختی در حین یادگیری، انتظارات و آگاهی از وابستگی‌های پاسخ-پیامد را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد. بندورا سه نوع مختلف الگو را معرفی می‌کند: هنگامی که ما درباره سرمشق‌گیری فکر می‌کنیم، اغلب درباره یک الگوی زنده-شخصی واقعی که رفتار ویژه‌ای را ابراز می‌کند، فکر می‌کنیم، اما می‌توانیم با مشاهده یک الگوی نمادین (شخص یا شخصیتی که در یک فیلم، نمایش تلویزیونی، کتاب یا دیگر رسانه‌ها به نمایش در می‌آید) نیز یاد بگیریم؛ برای مثال، بسیاری از کودکان رفتارشان را از بازیکنان فوتبال، خوانندگان راک اند رول یا شخصیت‌های افسانه‌ای الگوبرداری می‌کنند. همچنین می‌توانیم از آموزش‌های کلامی-توصیف درباره چگونه رفتار کردن یاد بگیریم؛ بدون اینکه اصلاً انسان دیگری (زنده یا نمادین) وجود داشته باشد (پاورز، کوکران، ماسکالی و سلرز^۱، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر در این تحقیق سه مؤلفه برای اخلاق اجتماعی در نظر گرفته شده است. نخستین مؤلفه، دگردوستی است. انسان‌ها در همه دنیا به ایجاد ارتباط با یکدیگر علاقه دارند. در جهانی که زندگی می‌کنیم، ارتباطات بین افراد نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. ارتباط و دوستی بین یکدیگر ممکن است در محل کار، مدرسه و دانشگاه یا در زندگی شخصی خود فرد باشد. دگردوستی نگرانی غیرخودخواهانه برای افراد دیگر است. انجام کارها فقط به دلیل تمایل به کمک کردن است؛ نه به این دلیل که احساس می‌کنید به دلیل وظیفه، وفاداری یا دلایل مذهبی موظف هستید. این عمل به دلیل نگرانی برای رفاه حال افراد دیگر انجام می‌شود. در برخی موارد، این اعمال دگردوستی باعث می‌شود که افراد برای کمک به دیگران سلامتی و روان خود را به خطر بیندازند. این گونه رفتارها غالباً با فداکاری و بدون انتظار از پاداش انجام می‌شوند (جلیلی، کلدی و آقاجانی، ۱۳۹۹). کلیمایسیوت، پرلن، پستیو و

شونمکرز^۱ (۲۰۱۷) دگردوستی را عاملی مهم در بهبود روابط بین خویشاوندان معرفی کرده‌اند. پاتیل و آدسول^۲ (۲۰۱۷) نیز در مطالعه‌ای تجربی نشان دادند که بین دگردوستی و کیفیت روابط درون خانوادگی رابطه مستقیم برقرار است.

عام‌گرایی از دیگر مؤلفه‌هایی است که در نظام اخلاقی جامعه تعریف می‌شود. این مفهوم به‌خصوص با گسترش پدیده جهانی شدن و افزایش شبکه‌های ارتباطی در بین افرادی که از لحاظ جغرافیایی با یکدیگر فاصله دارند، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از دیدگاه مکتب عام‌گرایی، در عمل اخلاقی، محور انجام تکلیف است؛ بنابراین باید بدون توجه به نتیجه بر مبنای اصول اخلاقی عمل کرد، اما از دیدگاه مکتب خاص‌گرایی، با کسب یک نگاه اخلاقی باید متناسب با موقعیت‌ها عمل کنیم و در این میان اصول، بیشتر ارزش نظری دارند تا عملی (امین کلیبر و جعفرزاده، ۱۳۹۶). توجه و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و انسانی در دیدگاه عام‌گرایی، افراد را به سمت انجام عمل اخلاقی^۳ سوق می‌دهد. در حوزه فرهنگ اجتماعی، عام‌گرایی با فاصله گرفتن از مفاهیم کلاسیک هویت‌ساز مانند ناسیونالیسم و غیره، بر همگرایی فرهنگی بین جوامع مختلف و همچنین بین افراد مختلف از یک جامعه تأکید دارد؛ از این رو می‌توان رویکرد عام‌گرایی در مباحث اخلاقی اجتماع را عاملی مؤثر در نظم خانواده در نظر گرفت (تریست^۴، ۲۰۱۶). بدیهی است در جامعه‌ای که عام‌گرایی به‌عنوان یک هنجار نهادینه شده باشد، میزان تمایل اعضای خانواده به‌خصوص افراد نوجوان به عام‌گرایی بیشتر خواهد شد که این امر یکی دیگر از شواهد دلالت‌کننده بر تأثیرگذاری اخلاق اجتماعی بر نهاد خانواده است (لطفی‌زاده، زاهدی و گلابی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲).

1. Klimaviciute, Perelman, Pestieau & Schoenmaeckers

2. Patil & Adsul

3. Ethical action

4. Trist

در نهایت، مؤلفه بی تفاوتی اجتماعی یکی از ابعاد اخلاق اجتماعی در نظر گرفته شده است. «بی تفاوتی» از جمله آسیب‌های مهم در روابط انسانی و مانعی مهم در برابر ترویج سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود و در صورت فراگیر شدن بی تفاوتی در جامعه، در هیچ‌کس توانایی و عزم برخورد با نابسامانی‌ها و دعوت به خوبی‌ها وجود نخواهد داشت. اعتماد اجتماعی، اعتماد بین مردم و حکام، اعتماد بین مردم و نهادهای اجتماعی و اجرای کارهای فرهنگی از عوامل مؤثر بر بی تفاوتی اجتماعی هستند (قربانی و جمعه‌نیا، ۱۳۹۷). در تعریف جامعه‌شناختی مفهوم «بی تفاوتی»، برخی نویسندگان از مفاهیم مقابل آن مانند مشارکت و درگیری استفاده کرده‌اند؛ از این رو بی تفاوتی با عزلت گزیدن و فقدان مشارکت در حد انتظار، هم‌معنی شده است. برخی دیگر نیز نوع دوستی را در مقابل بی تفاوتی قرار داده‌اند و به تحلیل و پژوهش درباره آن پرداخته‌اند. برخی پژوهشگران بی تفاوتی اجتماعی را مترادف با عزلت‌گزینی، بی‌علاقگی و مشارکت نداشتن افراد در اشکال متعارف اجتماعی معنی کرده‌اند و در تحلیل خود آن را مقابل علاقه اجتماعی، درگیری در فعالیت‌های اجتماعی، روان‌شناختی و سیاسی قرار داده‌اند (فیروزجائیان، صالحی و شفيعی، ۱۳۹۶). بی تفاوتی اجتماعی، نوعی بی‌قیدی افراد به قوانین، هنجارها، حوادث و اتفاقات اجتماعی، سیاسی و... در جامعه است. این پدیده از سوی عمده‌اندیشمندان حوزه‌های مختلف مطالعاتی (اخلاق اجتماعی، علوم اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی شهری، ارتباطات و مردم‌شناسی اجتماعی و...)، نکوهش شده و با قاطعیت محکوم شده است. «بی تفاوتی» از جمله آسیب‌های مهم در روابط انسانی و مانعی مهم در برابر ترویج سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود و در صورت فراگیر شدن بی تفاوتی در جامعه، نمی‌توان از تأثیرگذاری آن بر نهاد خانواده جلوگیری کرد (صفاریان، ادهمی و مرادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰). با این توضیحات می‌توان انتظار داشت که بی تفاوتی اجتماعی بر نظام خانواده نیز تأثیرگذار

است. در تأیید این گفته، هاینز^۱ (۲۰۱۶) به این موضوع اشاره دارد که نهادینه شدن بی تفاوتی در جامعه، بر میزان مشارکت افراد در تعاملات خانوادگی نیز تأثیرگذار است. دوناتی^۲ (۲۰۱۷) نیز در بحث خطی مشی گذاری های اجتماعی خاطرنشان می کند که ترویج بی تفاوتی در جامعه باعث آسیب به نظام خانواده می شود. در ادامه به بررسی پیشینه های خارجی و داخلی مرتبط با اهداف تحقیق پرداخته شده است.

کانون و همکاران (۲۰۲۱) مطالعه ای با عنوان «درک هنجارهای اجتماعی درباره تنظیم خانواده در سه شهر نیجریه» انجام دادند. این تحقیق به صورت مطالعه کیفی و از طریق مصاحبه با افرادی از سنین مختلف در سه شهر نیجریه انجام شده است. براساس نتایج مشخص شد که تغییرات فرهنگی و اخلاقی صورت گرفته در نیم قرن اخیر در نیجریه اثرات بسیار درخور ملاحظه ای بر تغییر هنجارهای خانوادگی نیجریه داشته است. از سوی دیگر، ورود افراد مهاجر به شهرهای نیجریه از کشورهای دیگر باعث تغییراتی در ارزش های اخلاقی جامعه شده است که نتیجه آن در تغییر رفتارهای اعضای نوجوان خانواده ها مشاهده شدنی است. آلبرت، امیرهافیزوویچ، شپیگل من و ترامر^۳ (۲۰۲۱) در کتابی با عنوان *ارزش های خانوادگی در جامعه و فرهنگ (آلمان)*، وابستگی متقابل بین خانواده و جامعه در حوزه ارزش های فرهنگی و اخلاقی را بررسی کردند. در این کتاب ابتدا مفهوم ارزش های اخلاقی توضیح داده شده و در ادامه رابطه بین ارزش های فرهنگی خانواده با تکامل جامعه و فرهنگ کشور آلمان در یک قرن اخیر بررسی شده است. به طور مشخص، بخش بزرگی از این کتاب به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (رابطه متقابل) بین خانواده و جامعه اختصاص یافته است. مشخص می شود که هم ارزش های درون خانوادگی بر نهادینه شدن ارزش های اخلاقی در جامعه تأثیرگذارند و هم نظام ارزشی جامعه بر ارزش های ادراک شده اعضای خانواده

1. Hynes

2. Donati

3. Albert, Emirhafizovic, Shpigelman & Trummer

تأثیر دارد. ساندو، هویدو و فرونزا^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به شناسایی ادراک اجتماعی درباره ارزش‌های اخلاقی و نحوه انعکاس آن‌ها در فعالیت‌های روزمره ساکنان منطقه شمال شرقی رومانی پرداختند. جامعه رومانی در مرحله رشد است که شاخصه آن رد ارزش‌های فردگرایانه، مدرن و احترام به ارزش‌های اجتماعی، مشترک و خانوادگی است. براساس نتایج این تحقیق مشخص شد که تأثیر عامل مذهبی بر اخلاق عمومی معنادار بوده است؛ زیرا جامعه رومانی در مرحله توسعه پساکولار است؛ بااین‌حال، ارزش‌های دینی به‌طور غیرمستقیم و از طریق تحصیلات به کل اعضای خانواده نیز منتقل می‌شوند. نتایج تحقیق وجود تعارض بین ارزش‌های اخلاقی را که فرد در زندگی شخصی خود به آن پایبند است و آنچه وی هنگام شرکت در حوزه‌های عمومی، به‌ویژه در فعالیت‌های حرفه‌ای خود به آن‌ها پایبند است را برجسته می‌کند. حسن^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر نظام اخلاقی جامعه بر خانواده، ازدواج و فرهنگ درون خانوادگی پرداخت. در این پژوهش با استفاده از رویکرد آمیخته (کمی-کیفی) به بررسی نحوه تأثیرگذاری هنجارهای اجتماعی بر ساختار خانواده و ازدواج پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد، به‌دلیل ماهیت خاص جامعه در قطر، بسیاری از سنت‌ها و هنجارهای خانوادگی به‌شکل مستقیم تحت‌تأثیر ارزش‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. حسینی، آزاد ارمکی و آذری (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف ردیابی تصویر تحول معنایی خانواده در اسناد قانون توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران پس از انقلاب اسلامی انجام دادند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد، این اسناد با ایجاد نسخه خانواده تراز، به‌نوعی ثبات در معنای خانواده اعتقاد دارند؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها از تغییرات عینی و ذهنی خانواده و اعضای آن غفلت کرده‌اند و آنان برنامه‌ها، خدمات و حمایت‌های خود را به خانواده تراز مدنظر خود ارائه می‌دهند؛ ازاین‌رو می‌توان تحول معنایی

1. Sandu, Huidu & Frunză

2. Hassan

خانواده در سیر تاریخی این اسناد را تمایل به ثبات تعبیر کرد. این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا به صورت‌بندی مضمونی نحوه شکل‌گیری این ثبات، با بررسی شش سند توسعه پرداخته است. نتایج پژوهش جلیلی و همکاران (۱۳۹۹) حاکی از این است که متغیرهای هویت ملی، هویت دینی، هویت قومی و سن افراد، تأثیر تقویت‌کننده بر اخلاق اجتماعی پاسخگویان دارد و متغیرهای تحصیلات و مدت اقامت تأثیر منفی بر اخلاق اجتماعی دارند؛ به این ترتیب، چگونگی تأیید و رد فرضیه‌های تحقیق مشخص شده است. سهراب‌زاده، نیازی و افرا (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده» انجام دادند. نتایج تحلیل همبستگی کانونی نشان می‌دهد، ساختار خانواده ایرانی تحت تأثیر فردگرایی در چهار عامل مهم ازدواج‌گزینی، انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی (خانواده، افراد مهم و دوستان)، توزیع قدرت (قلمرو قدرت، ساخت قدرت و شیوه اعمال قدرت) تغییر کرده است. در بین این عوامل، انزوای اجتماعی (۰/۸۶۰) اولین متغیری است که تحت تأثیر فردگرایی تغییر می‌کند. در پژوهش قاسمی (۱۳۹۹) سعی شده است تا به تبیین رابطه اخلاق و معنویت و جایگاه آن در خانواده، همچنین ارائه راهکارهای نهادینه‌سازی آن در والدین و فرزندان با محوریت آموزه‌های دینی و بررسی موانع موجود در به‌کارگیری اخلاق و معنویت پرداخته شود. پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شد. براساس نتایج، اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان برنامه‌های لازم برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را ارائه کرده است.

مبحث اخلاقیات یکی از حوزه‌های مهم تحقیقاتی است و مطالعات زیادی در این زمینه نیز انجام می‌شود، اما در حوزه اخلاق اجتماع و خانواده، اغلب تحقیقات پیشین بر تأثیرگذاری نهاد خانواده بر اخلاق اجتماعی متمرکز بوده‌اند و پژوهش‌های زیادی درباره تأثیر اخلاق اجتماعی بر نهاد خانواده انجام نشده است. جست‌وجوی ساده با مدخل «اثر اخلاق اجتماعی بر نظم نهاد خانواده» در پایگاه‌های مختلف علمی داخل کشور به‌وضوح نشان

می‌دهد، تاکنون تحقیقات زیادی در این زمینه انجام نشده است. درواقع، درحالی‌که بخش بزرگی از ادبیات داخل کشور تأثیرگذاری مآلفه‌های مختلف نهاد خانواده بر جامعه را بررسی کرده‌اند، تعداد تحقیقات انجام‌شده در رابطه با تأثیر اخلاق جامعه بر نهاد خانواده بسیار ناچیز است. این امر بیانگر شکاف تحقیقاتی عمده در این زمینه است که انجام پژوهش‌های بیشتر در این حوزه را ضروری می‌کند؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر با هدف برطرف کردن این شکاف تحقیقاتی انجام شده است.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از تکنیک فراترکیب انجام شده است. فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های مطالعات کیفی دیگر را با موضوع مرتبط و مشابه بررسی می‌کند؛ درنتیجه، نمونه مدنظر برای فراترکیب از مطالعات کیفی منتخب و براساس ارتباط آنها با سؤال پژوهش تشکیل می‌شود. فراترکیب، مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع مدنظر نیست. هم‌چنین تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از مطالعات منتخب نیز نیست؛ بلکه تحلیل یافته‌های این مطالعه‌هاست (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). فراترکیب با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و با این روش، دانش جاری را ارتقا می‌دهد و دید جامع و گسترده‌ای را درباره مسائل به وجود می‌آورد. فراترکیب مستلزم این است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی انجام دهد و یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط را ترکیب کند.

برای دستیابی به هدف پژوهش از روش فراترکیب، مطابق با الگوی لیپسی و ویلسون^۱ (۲۰۰۱) استفاده شد. این الگو هفت مرحله دارد که در ادامه به نقل از عرب، ابراهیم‌زاده و

1. Lipsey & Wilson

مروتنی (۱۳۹۳) این هفت مرحله شرح داده و ابعاد مختلف روشی این پژوهش در قالب این مراحل تبیین شده است.

گام اول: تنظیم هدف مطالعه

جدول ۱. سؤال‌های پژوهش

پارامتر	سؤال پژوهش
چه چیزی؟ (what)	شاخص‌هایی که در سنجش نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی اند، کدام‌اند؟
چه؟ (who) چه وقت؟ (when)	عوامل مؤثر بر تبیین نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی چه ابعادی است؟
چگونه؟ (How)	ابعاد تأثیرگذار بر نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؟

در نتیجه جست‌وجو در منابع مختلف و با وارد کردن معیارهای ورود، حدود ۲۸۰ مطالعه برای بررسی یافت شد. واژه‌های کلیدی جست‌وجوشده در این پژوهش در جدول ۲ ذکر شده است.

جدول ۲. واژه‌های جست‌وجوشده

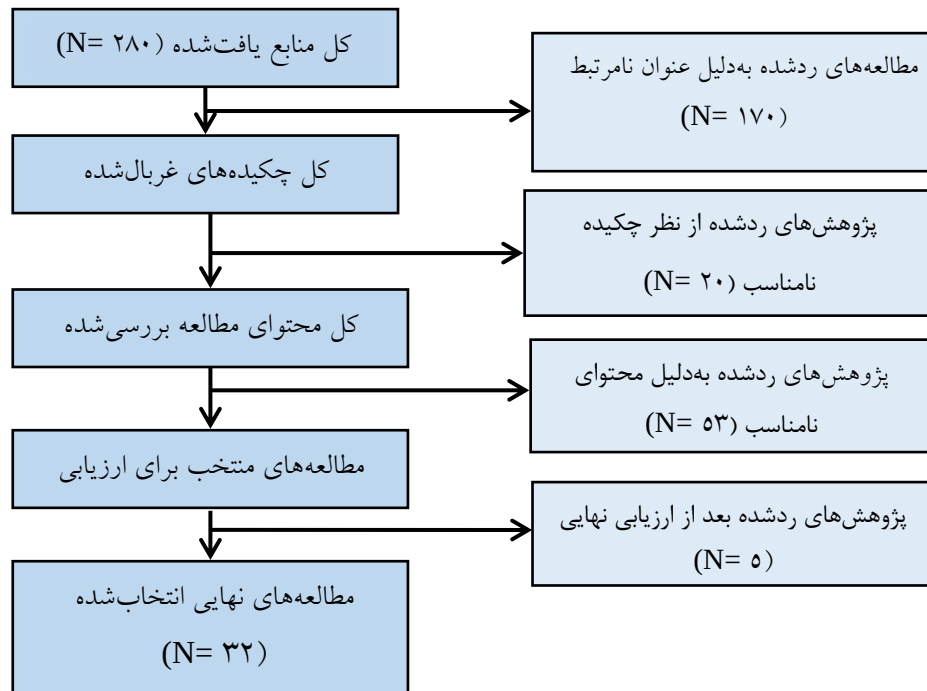
واژه‌های کلیدی	
فارسی	انگلیسی
نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی	Family institution order based on social ethics
اخلاق در نهاد خانواده	Ethics in the family institution
نظم نهاد خانواده	Family institution order
اخلاق در نظم نهاد خانواده	Ethics in the family institution order

گام دوم: مرور سامانمند ادبیات

برای گردآوری داده‌های پژوهش از داده‌های ثانویه به نام اسناد و مدارک گذشته استفاده شده است. این اسناد و مدارک شامل تمام پژوهش‌ها در زمینه نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی بوده است (سهرابی، اعظمی و یزدانی، ۱۳۹۰). برای این مطالعه، مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ میلادی بررسی شده است. با بررسی و شناسایی پژوهش‌ها با کلیدواژه‌های مرتبط با شاخص‌های نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی در بخش عنوان، در مجموع ۲۸۰ پژوهش یافت شد.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب متون مناسب

در این مرحله پژوهشگر در هر بازبینی تعدادی از مقالات را حذف می‌کند که این مقاله‌ها در فرایند فراترکیب بررسی نمی‌شوند. فرایند بازبینی و انتخاب در این پژوهش به صورت خلاصه در شکل ۱ نشان داده شده است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳).



شکل ۱. فرایند بازبینی و انتخاب

در این گام، ۲۸۰ مطالعه یافت شده در گام قبل به طور دقیق طی چند مرحله بازبینی شده است تا مطالعاتی که با سؤال‌های پژوهش متناسب نیستند، کنار گذاشته شوند و در نهایت، مرتبط‌ترین مطالعات برای استخراج پاسخ سؤال‌ها مشخص شوند. فرایند بازبینی شامل بررسی عنوان، چکیده و محتوای پژوهش‌ها به همراه روش تحقیق مطالعات است. مراحل فرایند بازبینی در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. در این مرحله عنوان مطالعات بررسی شده و مطالعاتی که ارتباطی با سؤال‌های پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند. با بررسی عنوان مطالعات، ۱۷۰ مطالعه به دلیل ارتباط نداشتن عنوانشان با سؤال‌های پژوهش کنار گذاشته شدند و ۱۱۰ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند؛

۲. در این مرحله چکیده مطالعات بررسی شده و مطالعاتی که ارتباطی با سؤال‌های پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند. با مطالعه چکیده مطالعات، ۲۰ مطالعه به دلیل ارتباط نداشتن چکیده با سؤال‌های پژوهش کنار گذاشته شدند و ۹۰ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند؛

۳. در این مرحله محتوای مطالعات بررسی شدند؛ به عبارتی کل پژوهش مطالعه شد و مطالعاتی که ارتباطی با سؤال‌های پژوهش نداشتند، کنار گذاشته شدند. با بررسی محتوای مطالعات، ۵۳ مطالعه غیرمرتبط با سؤال‌های پژوهش کنار گذاشته شدند و ۳۷ مطالعه برای بررسی بیشتر وارد مرحله بعد شدند؛

۴. از آنجاکه این پژوهش قصد دارد با استفاده از ترکیب مطالعات گذشته، چارچوب نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی را استخراج کند، مطابق با نظر متخصصان فراترکیب، مطالعات با روش تحقیق‌های کیفی و کمی بررسی شده‌اند؛ بنابراین در این مرحله مطالعه‌ای به دلیل روش تحقیق حذف نشد.

ابزاری که معمولاً برای ارزیابی کیفیت مطالعات اولیه تحقیق کیفی استفاده می‌شود «برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی» است که با هدف افزایش کیفیت نتایج پژوهش، در این مرحله مقاله‌های باقی‌مانده از نظر کیفیت روش‌شناختی مطالعه شدند تا مقاله‌هایی که از نظر روش‌شناختی در کیفیت پایین قرار دارند، از فرایند کنار گذاشته شوند؛ بر این اساس، از ابزار کنترل کیفیت روبریک (CASP) براساس ده معیار ارزیابی کیفیت استفاده شد (هونورتون، فراری و هانسن^۱، ۲۰۱۸). در این پژوهش، ۳۲ مطالعه باقی‌مانده از بررسی عنوان، چکیده، محتوا و روش تحقیق در قسمت قبل، با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ارزیابی شدند. پس از تخصیص امتیاز به ویژگی‌های هریک از مطالعات و حذف مطالعات با امتیاز کمتر از ۳۱، درنهایت ۳۲ مطالعه در فرایند ارزیابی پذیرفته شدند. فهرست مقالاتی که با

1. Honorton, Ferrari & Hansen

استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ارزیابی شدند، در جدول ۱ (در پیوست مقاله) و نتیجه برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ارزیابی در جدول ۲ (در پیوست مقاله) ارائه شده است.

سرانجام پس از چهار مرحله پالایش، از بین ۲۸۰ مطالعه، ۲۴۸ مطالعه حذف شد و ۳۲ پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات انتخاب شد. در این پژوهش، این ارزیابی درباره کدهای استخراجی انجام شده است. وضعیت کدگذاری محققان اول و دوم در جدول و نتایج تحلیل‌های حاصل از نرم‌افزار آماری SPSS در جدول نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، عدد معناداری به دست آمده برای شاخص کاپا کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرض استقلال کدهای استخراجی رد شده و وابستگی کدهای استخراجی به یکدیگر تأیید می‌شود؛ از این رو می‌توان ادعا کرد که ابزار به کاررفته برای استخراج کدها از پایایی کافی برخوردار بوده است. جدول متقاطع کدگذارهای اول و دوم و جدول مقادیر اندازه توافق در جدول‌های ۳ و ۴ (در پیوست مقاله) آمده است.

گام چهارم: استخراج اطلاعات مقالات

در این پژوهش، اطلاعات پژوهش‌ها در جدولی دسته‌بندی شد. در جدول ۳ به نمونه‌ای از اطلاعات اشاره شده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدهای استخراج شده از مقالات منتخب

منبع	کد اولیه
C1, C2, C19, C20,23,25, C27, C30, C31	توجه به وضعیت جسمی و روحی اعضای خانواده
C1, C3, C4, C6, C7, C9, C18, C22, C31, C32,	احترام به اهداف فردی و خانوادگی
C3, C4, C9, C14, C30, C38	تلاش و حمایت اعضا برای رسیدن به اهداف
C6, C10, C11,	احترام به پدر و مادر
C14, C15, C19, C20, C29, C30	رعایت حریم خصوصی اعضای خانواده

گام پنجم: تجزیه و تحلیل یافته‌های کیفی

در این پژوهش، ابتدا تمام عوامل استخراج شده از مطالعه‌ها به عنوان شناسه در نظر گرفته شد و سپس با در نظر گرفتن معنای هریک از آن‌ها، شناسه‌ها در مفهومی مشابه تعریف شد. سپس مفاهیم مشابه در مقولات تبیین کننده دسته بندی شدند تا به این ترتیب محورهای تبیین کننده عوامل مؤثر بر تبیین بستر نظم نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق اجتماعی در قالب مؤلفه‌های اصلی پژوهش شناسایی شود. در جدول ۵ (در پیوست مقاله)، مقوله‌های اصلی و فرعی حاصل از تحلیل کیفی ارائه شده است.

گام ششم: کنترل کیفیت تحلیل

از چهار معیار کمی برای بررسی قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت تأیید و اطمینان پذیری استفاده شده است: ضریب هولستی، ضریب پی اسکات، شاخص کاپای کوهن و آلفای کرپیندروف.

میزان همبستگی دیدگاه خبرگان با محاسبه ضریب هولستی (PAO) یا «درصد توافق مشاهده شده» $0/814$ به دست آمده است که مقدار درخور توجهی است. با توجه به ایراداتی که به روش هولستی وارد است، شاخص پی-اسکات نیز محاسبه شده است که میزان آن $0/79$ به دست آمده است. چهارمین شاخص برآورد اعتبار تحقیقات کیفی، شاخص کاپای کوهن است. شاخص کاپای کوهن در این مطالعه $0/76$ به دست آمده است. از آلفای کرپیندروف نیز استفاده شده و میزان آن در این مطالعه $0/82$ برآورد شده است.

گام هفتم: ارائه گزارش و یافته‌های مطالعه

در این مرحله از روش فراترکیب، یافته‌های مراحل قبل ارائه می‌شود. در این مرحله با استفاده از روش آنتروپی شانون، میزان پشتیبانی پژوهش‌های گذشته از یافته‌های این پژوهش به صورت آماری نشان داده می‌شود.

آنتروپی شانون

براساس روش آنتروپی شانون، پردازش داده‌ها در بحث تحلیل فراترکیب با نگاهی جدید و به صورت کمی و کیفی مطرح می‌شود. امتیازهای به دست آمده از ماتریس تصمیم درباره مسئله مدنظر، در جدول ۶ (در پیوست مقاله) ارائه شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه حقیقت و شخصیت و در نتیجه سعادت هر انسان، افزون بر باورها، به صفات اکتسابی و افعال اختیاری وی مربوط است، اهتمام علمی و عملی به این دو که موضوع علم اخلاق را تشکیل می‌دهند، اهمیت زیادی دارد. برخلاف علوم آلی و ابزاری، علم اخلاق از جمله علمی است که اهمیت ذاتی دارد و یادگیری آن به خودی خود (و نه به منزله مقدمه‌ای برای علوم دیگر) مطلوب است و برای همگان ضرورت دارد. با استناد به یافته‌های پژوهش، ۷ مقوله اصلی و ۵۶ مقوله فرعی (کد) با استفاده از روش تحلیل کیفی فراترکیب از متون مقالات پیشین استخراج شد. مقوله‌های اصلی استخراج شده عبارت‌اند از: احترام و ارزش، نشاط خانوادگی، قواعد خانوادگی، تأمین معیشتی، پرورش و تربیت، تعهد و اعتماد متقابل و نوع دوستی.

کدهای مربوط به مقوله اصلی احترام و ارزش عبارت‌اند از: توجه به وضعیت جسمی و روحی اعضای خانواده، احترام به اهداف فردی و خانوداگی، تلاش و حمایت اعضا برای رسیدن به اهداف، احترام به پدر و مادر، رعایت حریم خصوصی اعضای خانواده، رعایت مرزهای خوانده با بستگان و جامعه، احترام به اعضای خانواده (فارغ از تفاوت سنی)، احترام به تفاوت‌های فیزیکی اعضای خانواده، احترام به عقاید و ارزش‌های فردی یکدیگر، ترویج فرهنگ مشورت و نظرسنجی، ایجاد جو آزاد برای بیان عقاید، توجه به تصمیم‌های فردی و تصمیم‌گیری در راستای حفظ ارزش‌های هسته‌ای خانواده.

کدهای مربوط به مقوله اصلی نشاط خانوادگی عبارت‌اند از: تعامل متقابل درون خانواده، تبادل انرژی مثبت بین اعضا، احساس لذت با هم بودن، برنامه ریزی برای گردهم آمدن همه

اعضای خانواده، آگاهی از وضعیت یکدیگر و رعایت تناسب امور خانوادگی و دیگر امور شخصی.

کدهای مربوط به مقوله اصلی قواعد خانوادگی عبارت‌اند از: ایجاد ارزش‌های درونی و بومی خانواده، شکل‌گیری قواعد خانوادگی براساس اهداف، تحمیل نکردن باورها و سلیق شخصی به یکدیگر، تحمیل نکردن سنت‌های قدیمی و دست‌وپاگیر و ارزشمندی نظرها و اهداف فردی.

کدهای مربوط به مقوله اصلی تأمین معیشتی عبارت‌اند از: وجدان کاری سرپرست خانواده، قانونی بودن کسب و کار خانواده، برنامه‌ریزی برای بازپرداخت تسهیلات بانکی، حس ثبات اقتصادی، درک وضعیت اقتصادی درون خانواده، درک وضعیت اقتصادی جامعه، معاشرت با طبقه‌های اقتصادی هم‌تراز و پایین‌تر، توزیع مناسب درآمد بین اعضای خانواده.

کدهای مربوط به مقوله اصلی پرورش و تربیت عبارت‌اند از: آمادگی زوجین برای فرزنددار شدن، نظارت درونی فرزندان، توجه والدین به نیازهای فرزندان در مراحل رشد، تناسب تشویق و تنبیه، مقایسه نکردن فرزندان با دیگر آشنایان، قاطعیت و اقتدار در تربیت فرزندان، آموزش اخلاق و درستکاری، آموزش مناسب ارزش‌ها به فرزندان، همخوانی بین رفتار و گفتار والدین، الگوسازی و الگویابی مناسب، پرورش خلاقیت و تهیه امکانات تربیتی فرزندان.

کدهای مربوط به مقوله اصلی تعهد و اعتماد متقابل عبارت‌اند از: وفاداری به همسر، احترام به همسر درون و بیرون خانواده، پرهیز از استفاده از الفاظ و توهین به صورت شوخی، رعایت انصاف، اعتماد به همسر، خوش‌بینی و پیش‌قضاوت نکردن.

کدهای مربوط به مقوله اصلی نوع دوستی عبارت‌اند از: احترام به ارزش‌های ملی، احترام به ارزش‌های دینی، شرکت در برنامه‌های عام‌المنفعه، حمایت از دیگر خانواده‌های فامیل و خیرخواهی برای آشنایان.

همچنین با استناد به نتایج به دست آمده از روش کمی آنتروپی شانون، میزان اهمیت و تأکید پژوهش‌های گذشته بر شاخص‌هایی نظیر احترام به عقاید و ارزش‌های فردی یکدیگر، تصمیم‌گیری در راستای حفظ ارزش‌های هسته‌ای خانواده، ترویج فرهنگ مشورت و نظرسنجی و ایجاد جو آزاد برای بیان عقاید بیش از دیگر شاخص‌ها بوده است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش پس از کدگذاری متون مصاحبه‌ها، با حذف معیارهای هم‌معنی و پرتکرار و درنهایت با مقوله‌بندی و دسته‌بندی معیارهای نهایی، دو مقوله اصلی شامل اخلاقیات اجتماعی و نظم خانواده حاصل شد. بعد اخلاقیات اجتماعی دارای زیرمؤلفه‌هایی نظیر تعهد، دگردوستی، مسئولیت اجتماعی، انصاف و اعتماد است. در نتایج مطالعات کانن و همکاران (۲۰۲۱) و جلیلی و همکاران (۱۳۹۹) نیز به مؤلفه‌های تعهد و مسئولیت اجتماعی اشاره شده است و از این لحاظ با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. در مطالعه قاسمی (۱۳۹۹) نیز به مؤلفه اعتماد اشاره شده است و با نتایج پژوهش حاضر همسوست.

همچنین براساس نتایج پژوهش حاضر مشخص شد، بعد نظم خانواده دارای زیرمؤلفه‌هایی نظیر هم‌فکری، هم‌گامی، همدلی و هم‌بختی است. این یافته با نتایج مطالعات سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) و آلبرت و همکاران (۲۰۲۱) هم‌راستاست. درمجموع، ۵٫۹ درصد از پاسخگویان با مشترک بودن مشکلات در خانواده، مخالف بوده و ۸۷٫۸ درصد موافق هستند و ۶٫۲ درصد از آن‌ها نظر بینابینی دارند. ۳۵٫۴ درصد از پاسخگویان با وفاداری به خانواده در هر شرایطی مخالف بوده و ۵۲٫۲ درصد موافق‌اند و ۱۲٫۴ درصد نظر بینابینی دارند. ۵٫۷ درصد از پاسخگویان با وابستگی به خانواده مخالف بوده و ۹۴٫۳ درصد موافق‌اند. ۴٫۵ درصد از پاسخگویان با ناراحت نکردن خانواده در هر شرایطی مخالف بوده و ۷۷٫۹ درصد موافق‌اند و ۱۴٫۹ درصد نظر بینابینی دارند. ۹٫۷ درصد از پاسخگویان با ترجیح و اهمیت منافع خانواده بر خواسته‌های خود، مخالف بوده و ۷۳٫۱ درصد موافق‌اند و ۱۷٫۲

درصد نظر بینابینی دارند. نتایج مذکور با نتایج مطالعه کانن و همکاران (۲۰۲۱) هم‌راستاست.

در مجموع، ۱۸،۲ درصد از پاسخگویان با رسمیت شناختن علایق و نیازهای خانواده مخالف بوده و ۸۱،۹ درصد موافق‌اند. ۸،۲ درصد از پاسخگویان با ارزش مساوی قائل شدن برای انسان‌ها مخالف بوده و ۸۱،۹ درصد موافق‌اند و ۱۲،۲ درصد نظر بینابینی دارند. ۲،۲ درصد از پاسخگویان با داشتن احساس مسئولیت زیاد به کارهای اعضای خانواده مخالف بوده و ۸۸،۶ درصد موافق‌اند و ۹،۵ درصد نظر بینابینی دارند. ۱۶،۹ درصد از پاسخگویان با داشتن رفتار صادقانه با افراد غریبه مخالف بوده و ۵۳،۵ درصد موافق‌اند و ۲۰،۴ درصد نظر بینابینی دارند. نتایج مذکور با نتایج مطالعه حسینی و همکاران (۱۳۹۹) همخوانی دارد.

در مجموع، ۱۶،۴ درصد از پاسخگویان با کمک به فقرا مخالف بوده و ۵۹،۵ درصد موافق‌اند و ۲۴،۴ درصد نظر بینابینی دارند. ۹۵،۵ درصد از پاسخگویان با اهمیت دادن به اعضای خانواده موافق هستند، ۶۸،۹ درصد به امور خیریه علاقه زیادی دارند و ۶۴،۲ درصد دواطلب‌اند در مواقع بحرانی به کمک هموطنان خود بروند. ۹۱،۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که اعضای خانواده‌هایشان می‌توانند در هر وضعیتی روی آن‌ها حساب کنند. نتایج مذکور با نتایج مطالعه جلیلی و همکاران (۱۳۹۹) همخوان است.

به طور کلی، به میزان زیادی پاسخگویان با همسر خود در حوزه رفتارهای فرزند (۶۶،۱ درصد)، وضعیت تحصیلی فرزندان (۷۰،۱ درصد) و دوستان و معاشرت فرزندان (۶۹،۷ درصد) حساسیت نشان می‌دهند و در این حوزه توافق نظر دارند. بیشتر پاسخگویان معتقدند، تأمین مخارج خانواده (۵۵،۴ درصد) و انجام امور خانه (۷۴،۴ درصد) مشارکتی است. بیشتر پاسخگویان معتقدند، در زندگی زنشویی منافع فردی بر منافع جمعی ارجحیت ندارد (۷۰،۹ درصد). ۸۰،۶ درصد از پاسخگویان به قدر کافی با خانواده همسر معاشرت می‌کنند. ۶۸،۹ درصد از پاسخگویان بیشتر اوقات فراغت خود را با خانواده سپری می‌کنند و ۵۸،۵ درصد از

پاسخگویان از معاشرت با بستگان به میزان زیادی لذت می‌برند. نتایج مذکور با نتایج مطالعه قاسمی (۱۳۹۹) همخوانی دارد.

براساس دستاوردهای پژوهش، پیشنهادهایی کاربردی برای افزایش تأثیر اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده ارائه می‌شود. در راستای ایجاد شرایط زمینه‌ای و بستر لازم برای تأثیرگذاری اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده پیشنهاد می‌شود، افراد در ابتدا به مسئله پس‌انداز کردن، انتخاب فعالیت اقتصادی به نفع همه خانواده و نحوه توزیع درآمد خانواده بین اعضا پردازند. نحوه حل مشکلات و گرفتاری‌های مالی از اولویت بالایی در میان سایر مسائل زندگی برخوردار است. افراد خانواده با انتخاب مسکن مناسب و چگونگی انجام امور داخلی خانواده و تعیین سهم هریک از زوجین در اداره امور داخلی خانواده که به کمک به اداره بهتر منزل منجر می‌شود، می‌توانند بر برخی مشکلات محیطی موجود غلبه کنند. همچنین تصمیم‌گیری درباره زمان و مکان مسافرت، دید و بازدید اقوام و آشنایان و میزان معاشرت با خانواده همسر نیز باید با تصمیم‌گیری طرفین انجام پذیرد. یکی از ارکان مهم در این میان، در نظر گرفتن موقعیت خانواده در معاشرت و ارتباطات و مصلحت خانواده در دوستی‌ها و ارتباطات است که خانواده باید به معاشرت‌های نادرست عکس‌العمل نشان دهد و از آن جلوگیری کند.

علاوه بر موارد مذکور پیشنهاد می‌شود؛ در خانواده نیازهای همه افراد تأمین شود. درواقع، توجه کردن به نیازها و علایق یکدیگر هنگام خرید کمک شایانی به رفع تصمیم‌گیری و مسئولیت‌ها به عهده یک نفر می‌کند و از طرفین فشار و مسئولیت اضافی را برمی‌دارد. درباره شرایط ایجادکننده تأثیر اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده پیشنهاد می‌شود، با به رسمیت شناختن علایق و نیازهای اعضای خانواده و درست دانستن صمیمیت و همدلی در روابط خانوادگی، به ایجاد احساس مسئولیت در انجام دادن کار برای اعضای خانواده دست یابند. به‌طورکلی، داشتن گرایش به برابری انسان‌ها، انجام امور خیرخواهانه و رفتار صادقانه با

غریبه‌ها بر ضمیر ناخودآگاه فرزندان نیز تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را از ابتدا با اخلاق بار می‌آورد.

برای افزایش تأثیر اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده پیشنهاد می‌شود، هریک از اعضا با دانستن مشکلات خانواده به‌عنوان مشکل خود و تعلق خاطر داشتن به خانواده، سعی در پیاده‌سازی اخلاق در خانواده داشته باشند. اعتقاد اعضای خانواده به وفاداری و پرهیز از آزردهن افراد در روابط خانوادگی تأثیر بسزایی بر اعتقاد به خیانت نکردن متقابل بین زوجین دارد. همچنین تمایل افراد به انجام وظایف به نحو نیکو و ترجیح منافع خانواده به خواسته‌های فردی به ارائه رفتارهای منصفانه در خانواده منجر خواهد شد و تمایل به بیان احساسات در میان اعضا افزایش خواهد یافت. اعضای خانواده با اعتقاد داشتن به رفتار صادقانه افراد خانواده باید در مسائل اقتصادی برای همسر خود حق تصمیم‌گیری قائل باشند. سوءاستفاده نکردن از اطلاعات شخصی توسط خانواده، داشتن اعتماد به همسر در محیط کار و اطمینان داشتن از وفاداری و حسن نیت وی نیز به افزایش نظم خانواده منجر خواهد شد. علاوه بر موارد مذکور، گرایش به ضایع نکردن حقوق دیگران و رعایت نوبت نیز یکی از ارکان مهم در تأثیرگذاری اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده به شمار می‌آید.

درباره به‌کارگیری راهکارهایی برای تأثیرگذاری اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده نیز پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود؛ اعضای خانواده باید با گذشتن از خواسته‌های فردی (پوشاک، لوازم شخصی و...) به‌خاطر مشکلات مالی خانواده و در اختیار گذاشتن پس‌انداز خود برای رفع نیاز دیگران، به‌رغم میل باطنی کوشا باشند. درواقع، کمک متقابل در جهت بهبود وضعیت مالی و اقتصادی خانواده به سود تمامی اعضای خانواده است و نفع آن به همه اعضا بازمی‌گردد. میزان معاشرت با خانواده همسر و توافق برای ارتباط با بستگان نیز رکن مهمی دیگری است که به توسعه ارتباطات میان افراد منجر می‌شود و سبب پیاده‌سازی اخلاقیات اجتماعی در خانواده خواهد شد. علاوه بر موارد مذکور، حساس بودن به انحراف اجتماعی و رفتاری فرزندان، وضعیت و سرنوشت تحصیلی و همچنین حساس بودن به انتخاب دوست

و رفت و آمد آن‌ها، از جمله عوامل مهم در همدلی اعضای خانواده به شمار می‌آید که باید بیشتر مدنظر والدین قرار گیرد. در نهایت می‌توان اذعان کرد، تأثیرگذاری اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده پیامدهای مثبتی نیز دارد؛ مواردی نظیر کمک به فقرا را گداپروزی ندانستن، یاری‌رسانی را وظیفه خود شمردن، علاقه‌مندی به امور خیریه، مشارکت داوطلبانه برای کمک‌رسانی در بحران‌ها، بی‌تفاوت نبودن به مشکلات اعضای خانواده و از همه مهمتر، حمایت کردن از اعضای خانواده از جمله پیامدهای مثبت و درخور تأمل در پیاده‌سازی اخلاقیات اجتماعی بر نظم خانواده محسوب می‌شوند.

کتابنامه

۱. امین کلیر، ن.، و جعفرزاده، ی. (۱۳۹۶). عام‌گرایی و خاص‌گرایی در اخلاق. همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، قرچک.
۲. آزاد ارمکی، ت.، زند، م.، و خزائی، ط. (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی. *نامه علوم اجتماعی*، (۱۶)، ۳-۲۹.
۳. آیت‌اللهی، ز.، بانکی، ا. ح.، و ملکی، ح. (۱۳۹۹). *اخلاق خانواده*. تهران: دفتر نشر معارف.
۴. جلیلی، ف.، کلدی، ع.، و آقاجانی، ح. (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی اخلاق اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۰ (۳۴)، ۶۱-۸۸.
۵. حسینی، ف.، آزاد ارمکی، ت.، و آذری، ه. (۱۳۹۹). تحول معنایی خانواده در اسناد قانون توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹ (۳۴)، ۴۴۹-۴۷۴.
۶. حیدربرقی، ع.، سوادی، ع.، و فتحی، س. (۱۳۹۸). مطالعه آسیب‌شناسی ارتباط با جنس مخالف در جامعه با توجه به تأثیرگذاری شبکه اجتماعی تلگرام. *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، ۱۳ (۱ و ۲)، ۹۵-۱۱۲.
۷. سهراب‌زاده، م.، نیازی، م.، و افرا، ه. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده. *پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۸ (۱)، ۱۷۱-۱۹۸.
۸. سهرابی، ب.، اعظمی، ا.، و یزدانی، ح. ر. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب. *چشم‌انداز مدیریت دولتی*، ۶، ۹-۲۴.

۹. صالحی، و.، رحمانی، ر.، مؤمنی‌راد، ا.، و قاسم‌تبار، س.ع. (۱۳۹۵). طراحی الگوی اجتماع یادگیری و تأثیر آن بر حس اجتماع یادگیرندگان در آموزش الکترونیکی. *تازه‌های پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱(۱)، ۶۳-۷۶.

۱۰. صفاریان، م.، ادهمی، ع. ر.، و مرادی، م. (۱۳۹۸). شناخت رابطه بین سلامت و نشاط اجتماعی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان: مورد مطالعه شهر کرمانشاه. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، (۳۱)، ۱۷۵-۲۰۸.

۱۱. عرب، س. م.، ابراهیم‌زاده، ر.، و مروتی، ع. (۱۳۹۳). طراحی مدل فراترکیب با مرور نظام‌مند مطالعات پیشین. *مجله تخصصی/پیدمیولوژی/ایران*، ۴، ۱۰-۲۲.

۱۲. فیروزجائیان، ع. ا.، صالحی، ص.، و شفیعی، آ. (۱۳۹۶). بی تفاوتی زیست محیطی به مثابه بی تفاوتی اجتماعی. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، (۳)، ۱۳۷-۱۶۴.

۱۳. قاسمی، ز. (۱۳۹۹). بررسی شیوه‌های نهادینه کردن اخلاق و معنویت در خانواده براساس آموزه‌های قرآنی و سیره اهل بیت (علیه السلام). *پنجمین کنفرانس ملی نقش مدیریت در چشم‌انداز ۱۴۰۴*، رشت.

۱۴. قربانی، ع. ر.، جمعه‌نیا، س. (۱۳۹۷). نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹(۲)، ۱۱۳-۱۲۸.

۱۵. لطفی‌زاده، ع.، زاهدی، ج.، و گلابی، ف. (۱۳۹۸). چرخش مضمونی در تبیین روابط زن و مرد در خانواده: ظهور جامعه‌شناسی صمیمیت. *فصلنامه پژوهش زنان*، ۷(۲)، ۱۰۹-۱۳۱.

16. Albert, I., Emirhafizovic, M., Shpigelman, C. N., & Trummer, U. (Eds.). (2021). *Families and Family Values in Society and Culture*. Charlotte, North Carolina: Information Age Publishing.
17. Cannon, A. C., Mandal, M., McGuire, C., Calhoun, L. M., Mumuni, T., & Speizer, I. S. (2021). A vignette-based approach to understanding social norms around family planning in three Nigerian cities. *Global Public Health*, 17(7), 1379-1391.
18. Dierckx, M., Devlieghere, J., & Vandenbroeck, M. (2020). Proportionate universalism in child and family social work. *Child & Family Social Work*, 25(2), 337-344.

19. Donati, P. (2017). The new citizenship of the family: concepts and strategies for a new social policy. In *The new citizenship of the family* (pp. 146-173). London: Routledge.
20. Hassan, I. (2018). Social Stratification in qatari society: Family, marriage, and Khalijī culture. *Hawwa*, 16(1-3), 144-169.
21. Honorton, C., Ferrari, D. B., & Hansen, G. (2018). Meta-analysis of forced-choice precognition experiments (1935–1987). In *The star gate archives: Reports of the United States government sponsored Psi Program, 1972-1995* (Vol. 2: Remote Viewing, 1985-1995). E. C. May, & S. B. Marwaha (Eds.), Jefferson, North Carolina: McFarland & Company, Inc., Publishers.
22. Hynes, M. (2016). Indifferent by nature: A post-humanist reframing of the problem of indifference. *Environment and Planning A*, 48(1), 24-39.
23. Klimaviciute, J., Perelman, S., Pestieau, P., & Schoenmaeckers, J. (2017). Caring for dependent parents: Altruism, exchange or family norm? *Journal of Population Economics*, 30(3), 835-873.
24. Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). *Practical meta-analysis*. London: Sage Publications, Inc.
25. Lynch, N. (2019). Social Media, ethics and the privacy paradox. In Ch. Karloniatis (Ed.), *Security and privacy from a legal, ethical, and technical perspective* (pp. 1-14). Retrieved from <https://www.intechopen.com/books/8423>
26. Mulliqi, S. (2020). Family and educational institution cooperation in violence prevention among students of kosovo. *Faculty of Education*, 10, 1-14.
27. Murphy, S., & Cacciatore, J. (2017). The psychological, social, and economic impact of stillbirth on families. In *Seminars in fetal and neonatal medicine* (Vol. 22, No. 3, pp. 129-134). Philadelphia: WB Saunders.
28. Patil, J. R., & Adsul, R. K. (2017). A study of family relationship, altruism and aggression level of adolescents. *Indian Journal of Positive Psychology*, 8(1), 76-78.
29. Powers, R. A., Cochran, J. K., Maskaly, J., & Sellers, C. S. (2020). Social learning theory, gender, and intimate partner violent victimization: A structural equations approach. *Journal of Interpersonal Violence*, 35(17-18), 3554-3580.
30. Sandu, A., Huidu, A., & Frunză, A. (2020). Social perception of ethical values in the Romanian post-secular society. *Journal for the Study of Religions and Ideologies*, 19(55), 105-120.

پیوست‌ها

جدول ۱. فهرست مقالاتی که با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ارزیابی شدند.

عنوان	کد مقاله
A vignette-based approach to understanding social norms around family planning in three Nigerian cities	C01
Proportionate universalism in child and family social work	C02
The new citizenship of the family: Concepts and strategies for a new social policy	C03
Families and family values in German society and German culture	C04
Social stratification in Qatari society: Family, marriage, and Khalijī culture	C05
Indifferent by nature: A post-humanist reframing of the problem of indifference	C06
caring for dependent parents: Altruism, exchange or family norm?	C07
The psychological, social, and economic impact of stillbirth on families	C08
Social learning theory, gender, and intimate partner violent victimization: A structural equations approach	C09
Social perception of ethical values in the Romanian post-secular society	C10
اخلاق خانواده	C11
تحلیل جامعه‌شناختی اخلاق اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه شهر تهران	C12
نقش عوامل اجتماعی (خانواده، مدرسه و گروه همسالان) در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان استان گلستان	C13
واکاوی اخلاق اجتماعی در نهاد خانواده	C14
Role of family as a social institution on children's wellbeing in the contemporary Sri Lankan Society	C15
Family values, social needs and preferences for welfare	C16
Case-study of the high school student's family values formation	C17
The ethics of social research with children and families in young lives: Practical experiences	C18
Home truths: Ethical issues in family research	C19
Approaches to family policies: A profile of eight countries	C20
Family and educational institution cooperation in violence prevention among students of Kosovo	C21
The ethics of social research with children: An overview	C22

کد مقاله	عنوان
C23	Toward the development of ethical guidelines for development of ethical guidelines for family preservation
C24	Ethical issues in using the internet to engage participants in family and child research: A scoping review
C25	Family change in global perspective: How and why family systems change
C26	Ethical considerations for evidence generation involving children on the COVID-19 Pandemic
C27	Social media, ethics and the privacy paradox
C28	The role of family in dealing with juvenile delinquency
C29	A study of family relationship, altruism and aggression level of adolescents
C30	چرخش مضمونی در تبیین روابط زن و مرد در خانواده: ظهور جامعه‌شناسی صمیمیت
C31	بررسی شیوه‌های نهادینه کردن اخلاق و معنویت در خانواده براساس آموزه‌های قرآنی و سیره اهل بیت (علیه السلام)
C32	تبیین جامعه‌شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده

جدول ۲. نتیجه برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ارزیابی

معیار مقاله	اهداف تحقیق	منطق روش‌شناسی	طرح تحقیق	روش نمونه‌برداری	جمع‌آوری داده‌ها	انعکاس‌پذیری	ملاحظات اخلاقی	دقت تجزیه و تحلیل داده‌ها	بیان واضح و روشن یافته‌ها	روش تحقیق	مجموع امتیازات
C01	۴	۴	۳	۴	۴	۳	۵	۴	۴	۴	۳۹
C02	۳	۴	۴	۳	۴	۳	۵	۴	۳	۳	۳۶
C03	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۳	۳	۳۸
C04	۳	۳	۳	۴	۴	۴	۵	۳	۳	۳	۳۵
C05	۴	۴	۳	۳	۳	۴	۵	۴	۳	۴	۳۷
C06	۵	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۳	۴۰
C07	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴۱
C08	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۴	۴۰

معیار مقاله	اهداف تحقیق	منطق روش شناسی	طرح تحقیق	روش نمونه برداری	جمع آوری داده ها	انعکاس پذیری	ملاحظات اخلاقی	دقت تجزیه و تحلیل داده ها	بیان واضح و روشن یافته ها	روش تحقیق	مجموع امتیازات
C09	۲	۴	۲	۳	۴	۴	۵	۲	۳	۲	۲۹
C10	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۳	۳۷
C11	۲	۳	۴	۴	۳	۴	۵	۳	۴	۳	۳۵
C12	۵	۵	۴	۵	۴	۴	۵	۵	۴	۴	۴۵
C13	۴	۳	۲	۳	۲	۳	۵	۳	۳	۲	۳۰
C14	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۴	۳	۴	۳۹
C15	۲	۳	۳	۴	۴	۳	۵	۴	۳	۳	۳۴
C16	۳	۳	۴	۲	۳	۳	۵	۲	۳	۲	۳۰
C17	۵	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴۱
C18	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۳	۳	۴	۳۸
C19	۳	۴	۴	۳	۳	۲	۵	۳	۲	۲	۳۱
C20	۳	۳	۴	۲	۴	۳	۵	۴	۵	۴	۳۷
C21	۳	۴	۵	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۴	۴۰
C22	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۳	۴	۳	۳۹
C23	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴۴
C24	۲	۳	۲	۴	۴	۴	۵	۳	۳	۳	۳۲
C25	۳	۳	۴	۳	۳	۳	۵	۳	۲	۳	۳۲
C26	۳	۴	۳	۳	۲	۳	۵	۴	۳	۲	۳۲
C27	۴	۴	۳	۴	۳	۳	۵	۴	۳	۴	۳۷
C28	۲	۴	۳	۲	۳	۳	۵	۴	۲	۳	۳۱
C29	۲	۳	۲	۴	۳	۴	۵	۳	۴	۳	۳۳
C30	۲	۳	۴	۴	۳	۲	۵	۴	۳	۲	۳۲
C31	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۳	۳	۴	۳۸
C32	۳	۴	۴	۳	۳	۲	۵	۳	۲	۲	۳۱

جدول ۳. متقاطع کدگذارهای اول و دوم

		نظر کدگذار دوم		مجموع کدگذار اول
		بله	خیر	
نظر کدگذار اول	بله	۲۸	۲	۳۰
	خیر	۲	۰	۲
مجموع کدگذار دوم		۳۰	۲	۳۲

جدول ۴. مقادیر اندازه توافق

عدد معناداری	مقدار	
۰,۰۰۱	۰,۸۴۰	کاپای مقدار توافق
	۳۲	تعداد موارد

جدول ۵. مقوله‌های اصلی و کدهای مربوطه

مقوله	کد اولیه
احترام و ارزش	توجه به وضعیت جسمی و روحی اعضای خانواده
	احترام به اهداف فردی و خانوداگی
	تلاش و حمایت اعضا برای رسیدن به اهداف
	احترام به پدر و مادر
	رعایت حریم خصوصی اعضای خانواده
	رعایت مرزهای خوانده با بستگان و جامعه
	احترام به اعضای خانواده (فارغ از تفاوت سنی)
	احترام به تفاوت‌های فیزیکی اعضای خانواده
	احترام به عقاید و ارزش‌های فردی یکدیگر
	ترویج فرهنگ مشورت و نظرسنجی
	ایجاد جو آزاد برای بیان عقاید
	توجه به تصمیم‌های فردی
	تصمیم‌گیری در راستای حفظ ارزش‌های هسته‌ای خانواده

مقوله	کد اولیه
نشاط خانوادگی	تعامل متقابل درون خانواده
	تبادل انرژی مثبت بین اعضا
	احساس لذت با هم بودن
	برنامه ریزی برای گردهم آمدن همه اعضای خانواده
	آگاهی از شرایط یکدیگر
	رعایت تناسب امور خانوادگی و دیگر امور شخصی
قواعد خانوادگی	ایجاد ارزش‌های درونی و بومی خانواده
	شکل‌گیری قواعد خانوادگی براساس اهداف
	عدم تحمیل باورها و سلیق شخصی به یکدیگر
	عدم تحمیل سنت‌های قدیمی و دست و پاگیر
	ارزشمندی نظرات و اهداف فردی
تأمین معیشتی	وجدان کاری سرپرست خانواده
	قانونی بودن کسب و کار خانواده
	برنامه‌ریزی برای بازپرداخت تسهیلات بانکی
	حسن ثبات اقتصادی
	درک شرایط اقتصادی درون خانواده
	درک وضعیت اقتصادی جامعه
	معاشرت با طبقه‌های اقتصادی هم تراز و پایین‌تر
	توزیع مناسب درآمد بین اعضای خانواده
	آمدگی زوجین برای فرزنددار شدن
پرورش و تربیت	نظارت درونی فرزندان
	توجه والدین به نیازهای فرزندان در مراحل رشد
	تناسب تشویق و تنبیه
	مقایسه نکردن فرزندان با دیگر آشنایان
	قاطعیت و اقتدار در تربیت فرزندان
	آموزش اخلاق و درستکاری
	آموزش مناسب ارزش‌ها به فرزندان
	همخوانی بین رفتار و گفتار والدین

شماره دوم	مطالعه عوامل مؤثر در نظم خانواده مبتنی بر اخلاق ...	۲۵۳
-----------	---	-----

مقوله	کد اولیه
	الگوسازی و الگویابی مناسب
	پرورش خلاقیت
	تهیه امکانات تربیتی فرزندان
تعهد و اعتماد متقابل	وفاداری به همسر
	احترام به همسر درون و بیرون خانواده
	پرهیز از استفاده از الفاظ و توهین به صورت شوخی
	رعایت انصاف
	اعتماد به همسر
	خوش بینی
	پیش قضاوت نکردن
	احترام به ارزش های ملی
نوع دوستی	احترام به ارزش های دینی
	شرکت در برنامه های عام المنفعه
	حمایت از دیگر خانواده های فامیل
	خیرخواهی برای آشنایان

جدول ۶. تعیین میزان اهمیت و تأکید پژوهش های گذشته بر عوامل شناسایی شده

کد	فراوانی	$\sum P_{ij} \times k \times P_{ij}$	عدم اطمینان Ej	ضریب اهمیت Wj	رتبه
توجه به وضعیت جسمی و روحی اعضای خانواده	۹	۰,۰۸۹۳-	۰,۰۲۰۰	۰,۰۲۱۱	۵
احترام به اهداف فردی و خانوداگی	۱۰	۰,۰۹۶۵-	۰,۰۲۱۶	۰,۰۲۲۷	۴
تلاش و حمایت اعضا برای رسیدن به اهداف	۶	۰,۰۶۶۰-	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
احترام به پدر و مادر	۳	۰,۰۳۸۵-	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
رعایت حریم خصوصی اعضای خانواده	۶	۰,۰۶۶۰-	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
رعایت مرزهای خوانده با بستگان و جامعه	۴	۰,۰۴۸۳-	۰,۰۱۰۸	۰,۰۱۱۴	۱۰
احترام به اعضای خانواده (فارغ از تفاوت سنی)	۵	۰,۰۵۷۴-	۰,۰۱۲۹	۰,۰۱۳۵	۹
احترام به تفاوت های فیزیکی اعضای خانواده	۱۰	۰,۰۹۶۵-	۰,۰۲۱۶	۰,۰۲۲۷	۴
احترام به عقاید و ارزش های فردی یکدیگر	۱۴	۰,۱۲۲۵-	۰,۰۲۷۴	۰,۰۲۸۹	۱

کد	فراوانی	$\sum P_{ij} \times kn P_{ij}$	عدم اطمینان Ej	ضریب اهمیت Wj	رتبه
ترویج فرهنگ مشورت و نظرسنجی	۱۱	-۰,۱۰۳۳	۰,۰۲۳۱	۰,۰۲۴۳	۳
ایجاد جو آزاد برای بیان عقاید	۱۱	-۰,۱۰۳۳	۰,۰۲۳۱	۰,۰۲۴۳	۳
توجه به تصمیمات فردی	۹	-۰,۰۸۹۳	۰,۰۲۰۰	۰,۰۲۱۱	۵
تصمیم گیری در راستای حفظ ارزش های هسته ای خانواده	۱۲	-۰,۱۰۹۹	۰,۰۲۴۶	۰,۰۲۵۹	۲
تعامل متقابل درون خانواده	۵	-۰,۰۵۷۴	۰,۰۱۲۹	۰,۰۱۳۵	۹
تبادل انرژی مثبت بین اعضا	۸	-۰,۰۸۱۹	۰,۰۱۸۳	۰,۰۱۹۳	۶
احساس لذت با هم بودن	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
برنامه ریزی برای گردهم آمدن همه اعضای خانواده	۸	-۰,۰۸۱۹	۰,۰۱۸۳	۰,۰۱۹۳	۶
آگاهی از شرایط یکدیگر	۲	-۰,۰۳۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
رعایت تناسب امور خانوادگی و دیگر امور شخصی	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
ایجاد ارزش های درونی و بومی خانواده	۲	-۰,۰۳۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
شکل گیری قواعد خانوادگی براساس اهداف	۲	-۰,۰۳۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
عدم تحمیل باورها و سلیق شخصی به یکدیگر	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
عدم تحمیل سنت های قدیمی و دست و پاگیر	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
ارزشمندی نظرات و اهداف فردی	۵	-۰,۰۵۷۴	۰,۰۱۲۹	۰,۰۱۳۵	۹
وجدان کاری سرپرست خانواده	۲	-۰,۰۳۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
قانونی بودن کسب و کار خانواده	۱	-۰,۰۱۵۸	۰,۰۰۳۵	۰,۰۰۳۷	۱۳
برنامه ریزی برای بازپرداخت تسهیلات بانکی	۲	-۰,۰۳۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
حس ثبات اقتصادی	۲	-۰,۰۳۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
درک شرایط اقتصادی درون خانواده	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
درک وضعیت اقتصادی جامعه	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
معاشرت با طبقه های اقتصادی هم تراز و پایین تر	۷	-۰,۰۷۴۲	۰,۰۱۶۶	۰,۰۱۷۵	۷
توزیع مناسب درآمد بین اعضای خانواده	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
آمادگی زوجین برای فرزنددار شدن	۱	-۰,۰۱۵۸	۰,۰۰۳۵	۰,۰۰۳۷	۱۳
نظارت درونی فرزندان	۴	-۰,۰۴۸۳	۰,۰۱۰۸	۰,۰۱۱۴	۱۰
توجه والدین به نیازهای فرزندان در مراحل رشد	۷	-۰,۰۷۴۲	۰,۰۱۶۶	۰,۰۱۷۵	۷

کد	فراوانی	$\sum P_{ij} \times kn P_{ij}$	عدم اطمینان Ej	ضریب اهمیت Wj	رتبه
تناسب تشویق و تنبیه	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
عدم مقایسه فرزندان با دیگر آشنایان	۸	-۰,۰۸۱۹	۰,۰۱۸۳	۰,۰۱۹۳	۶
قاطعیت و اقتدار در تربیت فرزندان	۵	-۰,۰۵۷۴	۰,۰۱۲۹	۰,۰۱۳۵	۹
آموزش اخلاق و درستکاری	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
آموزش مناسب ارزش‌ها به فرزندان	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
همخوانی بین رفتار و گفتار والدین	۲	-۰,۰۲۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
الگوسازی و الگویابی مناسب	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
پرورش خلاقیت	۲	-۰,۰۲۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
تهیه امکانات تربیتی فرزندان	۲	-۰,۰۲۷۹	۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۶۶	۱۲
وفاداری به همسر	۱	-۰,۰۱۵۸	۰,۰۰۳۵	۰,۰۰۳۷	۱۳
احترام به همسر درون و بیرون خانواده	۵	-۰,۰۵۷۴	۰,۰۱۲۹	۰,۰۱۳۵	۹
پرهیز از استفاده از الفاظ و توهین به صورت شوخی	۸	-۰,۰۸۱۹	۰,۰۱۸۳	۰,۰۱۹۳	۶
رعایت انصاف	۷	-۰,۰۷۴۲	۰,۰۱۶۶	۰,۰۱۷۵	۷
اعتماد به همسر	۹	-۰,۰۸۹۳	۰,۰۲۰۰	۰,۰۲۱۱	۵
خوش بینی	۱۰	-۰,۰۹۶۵	۰,۰۲۱۶	۰,۰۲۲۷	۴
پیش قضاوت نکردن	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
احترام به ارزش‌های ملی	۳	-۰,۰۳۸۵	۰,۰۰۸۶	۰,۰۰۹۱	۱۱
احترام به ارزش‌های دینی	۶	-۰,۰۶۶۰	۰,۰۱۴۸	۰,۰۱۵۶	۸
شرکت در برنامه‌های عام المنفعه	۴	-۰,۰۴۸۳	۰,۰۱۰۸	۰,۰۱۱۴	۱۰
حمایت از دیگر خانواده‌های فامیل	۵	-۰,۰۵۷۴	۰,۰۱۲۹	۰,۰۱۳۵	۹
خیرخواهی برای آشنایان	۱۰	-۰,۰۹۶۵	۰,۰۲۱۶	۰,۰۲۲۷	۴



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تهیه ابزار سبک‌های رهبری مربیان، ورزشکاران و برآورد پایایی و روایی آن (مورد مطالعه: دانشگاه‌های آزاد استان بوشهر)

غلامرضا جعفری‌نیا (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران)
jafarinia_reza@iaubushehr.ac.ir

چکیده

هدف اساس این مطالعه، تهیه ابزار سنجش سبک‌های رهبری و برآورد روایی و پایایی آن برای استفاده و دسترسی پژوهشگران در حوزه‌های علوم انسانی است. برای دستیابی به این هدف، نمونه‌ای ۳۲۰ نفری از ورزشکاران و مربیان ورزشی دانشگاه‌های آزاد استان بوشهر به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و فرم سبک‌های رهبری را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۱ و AMOS نسخه ۲۱ تحلیل شد. نتایج روش تحلیل عاملی مرتبه دوم با استفاده از مدل اندازه‌گیری نشان‌دهنده ساختار پنج مؤلفه‌ای مقیاس سبک‌های رهبری در نمونه مطالعه شده است. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که پنج عامل اصلی به دست آمده که ارزش بیشتر از یک دارند، در مجموع ۴۰/۱۴ درصد از واریانس نمرات مقیاس را تبیین می‌کنند. نتایج مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای سنجش سبک‌های رهبری نشان می‌دهد که این مفهوم از پنج بعد (آموزشی، آمرانه، دموکراسی، حمایتی و بازخورد اجتماعی) تشکیل شده است. شاخص‌های تطبیقی و مقتصد محاسبه شده برای ارزیابی کلیت مدل عاملی نشان می‌دهند که شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۸۴۵، شاخص برازش شده تطبیقی مقتصد (PCFI) برابر با ۰/۷۱۷، شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۹ و نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (CMIN/DF) برابر با ۱/۸۱۵ است که وضعیت

بهبودی را برای مدل نشان می‌دهد که درمجموع داده‌های گردآوری شده می‌توانند از مدل حمایت کنند. این نتیجه براساس چارچوب نظری نیز منطقی و صحیح است.

کلیدواژه‌ها: پایایی، روایی، سبک‌های رهبری، ورزشکاران، مربیان.

۱. مقدمه

توجه به چگونگی اتخاذ سبک‌های رهبری از سوی مدیران در برخورد با موقعیت‌های متفاوت سازمانی به‌منظور دستیابی به اثربخشی، یکی از مهم‌ترین مباحث اساسی علوم رفتاری در حوزه رهبری است؛ به‌گونه‌ای که سبک انتخابی مدیر با موقعیت موجود سازگار باشد. این امر در نتیجه شناسایی و تشخیص صحیح همه عوامل موجود در موقعیت و شناسایی نیروهای مداخله‌گر که سازمان را در شرایطی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، به‌همراه اندیشه‌های نو و خلاق مدیران تحقق پیدا خواهد کرد. رهبری به‌عنوان عامل، توان یا نیروی بالقوه‌ای است که مدیران و رهبران از طریق اعمال نفوذ و همراه با ایجاد اطمینان در پیروان خود برای تحقق اهداف و آرمان‌های مدنظر اعم از سازمانی یا گروهی از آن استفاده می‌کنند (دوربین^۱، ۲۰۰۱، ص. ۶۴۳) و به‌عنوان الگوی رفتاری بیانگر صفات و خصوصیات رفتاری رهبران است (بیگی‌نیا و کلانتری، ۱۳۸۷، ص. ۲).

اندیشمندان و همچنین نتایج پژوهش‌ها سبک‌های مختلفی را در مدیریت شناسایی کرده‌اند؛ ازجمله این دسته‌بندی‌ها می‌توان به سبک رهبری مراوده‌ای و دگرگون‌سازی (بنجامین و فلین^۲، ۲۰۰۶، ص. ۲۲۰) استبدادی-استثماری، حمایتی-پدرمآبانه، مشاوره‌ای-مشارکتی و سبک رهبری تفویضی-ایجابی (بیگی‌نیا و کلانتری، ۱۳۸۷، ص. ۲)، تحول‌گرا و عمل‌گرا (ولومبوا^۳، ۲۰۰۴، ص. ۳۴۶) رهبری کارگرا و کارمندگرا (طیب^۴، ۱۹۹۵، ص. ۲۳)، آمرانه، استبدادی-خیرخواهانه، مشاوره‌ای و مشارکتی (ایران‌نژاد پاریزی و ساسان‌گهر،

1. Dubrin

2. Benjamin & Flynn

3. Walumbwa

4. Tayeb

(۱۳۷۵)، سبک تفویضی، سبک مشارکتی-حمایتی، سبک تشویقی-استدلالی، سبک دستوری (قربانیان، حدادپور و ملکی، ۱۳۸۹؛ چلادروی، ۱۹۹۰) اشاره کرد. رهبران تحول‌گرا افرادی هستند که با نشان دادن عواطف به زیردستان خود را متعهد می‌کنند که اهداف و ارزش‌های سازمان را بپذیرند و برای دسترسی به آن‌ها تلاش فراتر از انتظار از خود نشان دهند این شیوه عمل باعث می‌شود تا رهبران نوعی دلبستگی عاطفی با زیردستان خود پیدا کنند (باس و اوپلو^۱، ۱۹۹۰، ص. ۲۳)، اما رهبران مراوده‌ای به عواملی از قبیل کنترل و ثبات برنامه‌ها علاقه‌مندند و احتمال ندارد که برای تأثیر بر تغییر نگرش‌ها، هنجارها یا شیوه‌های تفکر تلاش کنند و نیز کمتر احتمال دارد تا روابط همکارانه را تشویق کنند (اینگرام^۲، ۱۹۹۶، ص. ۶).

جدول ۱. تعاریف رهبری از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان

ردیف	نظریه‌پرداز	سال	تعریف	منبع
۱	هامپ شن	۱۹۸۱	رهبری یعنی نفوذ بر مرئوسان از طریق برقراری ارتباط با آنان در جهت تحقق اهداف سازمان.	بیگی‌نیا و کلانتری (۱۳۸۷)
۲	آنتوناکیس، اوپلو و سیواسوبرامانیام ^۳	۲۰۰۳	فرایند، تغییر هدف‌داری است که از طریق آن رهبر و پیروان از طریق مقصود مشترک به هم می‌پیوندند و حرکت به سمت چشم‌انداز را آغاز می‌کنند.	آنتوناکیس و همکاران (۲۰۰۳)
۳	ایران‌نژاد و پاریزی	۲۰۰۷	رهبری عبارت است از عمل اثرگذاری بر افراد، به‌طوری‌که از روی تمایل و علاقه برای دست یافتن به هدف‌های گروهی تلاش کنند.	ایران‌نژاد و پاریزی (۲۰۰۷)، به نقل از نصیری‌پور، هلالی، بناب و رئیس، (۱۳۸۸)
۴	زاهدی	۱۳۷۸	فرایند نفوذ بر فعالیت‌های گروهی در جهت تحقق هدف‌ها تعریف می‌کند.	زاهدی (۱۳۷۸)
۵	مقیم	۲۰۰۷	سبک رهبری عبارت است از الگوهای رفتاری دائمی	قربانیان و همکاران

1. Boss & Avolio
2. Ingram
3. Antonakis, Avolio & Sivasubramaniam

ردیف	نظریه پرداز	سال	تعریف	منبع
			و مستمر که افراد هنگام کار با دیگران یا کار به وسیله دیگران از آن استفاده می کنند و توسط دیگران درک می شود.	به نقل از مقیمی (۲۰۰۷)
۶	روچ	۱۹۸۴	رهبری به عنوان روش هدایت یک تیم سازمان یافته برای رسیدن به اهداف خود تعریف شده است.	المو و بابو ^۱ (۲۰۱۱)
۷	وست	۱۹۹۳	رهبری قدرتی در میان پیروان است که همه تلاش و سعی خود را برای تغییرات اساسی سازمان به منظور بهبود و کارایی صرف می کند.	المو و بابو (۲۰۱۱)
۸	فیدلر ^۲	۱۹۶۷	رهبری به عنوان مدیریت کار گروهی با کنترل و هماهنگی مناسب تعریف شده است.	فیدلر (۱۹۶۷)

تلاش ها برای سازماندهی و مفهوم سازی تحقیقات در زمینه سبک های رهبری مربیان موجب شد که چلادروی (۱۹۹۰) مدل چندبعدی رهبری در ورزش را برای فرایند تأثیر متقابل مربی-ورزشکار ارائه کند. طبق این مدل، رابطه متقابلی بین رفتار مربی، عملکرد و رضایتمندی ورزشکاران وجود دارد. هورن در سال ۲۰۰۰، مدل کارآمدی سبک های رهبری مربیان را ارائه داد که پیچیده تر و جامع تر از مدل چلادروی بود. مدل هورن نیز تأثیر رفتار مربی بر عملکرد و رضایتمندی ورزشکاران را نشان می دهد که این تأثیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد.

در میان سه عامل ورزشکار، مربی و تماشاگر، مربیان محور و مرکز توجه تیم های ورزشی هستند. مربیان می تواند نمونه هایی از رفتار درست را برای پیروان خود باشند. نکته مهم این است که سبک رهبری مربی، روش او را به وضوح برای کمک به گروه به منظور انجام مسئولیت تعیین می کند و برای رفع نیازهای این گروه، مربیان موفق با استفاده از

1. Alemu & Babu
2. Fiedler

سبک‌های مربیگری مختلف می‌توانند بسیار مؤثر باشند؛ به‌طوری‌که گاهی اوقات بلافاصله تغییر در سبک رهبری در نتایج فعالیت‌های ورزشی می‌تواند نتایج بارزی داشته باشد.

در ورزش یکی از جنبه‌هایی که مربیان باید با توجه به آن به مدیریت بپردازند، سبک رهبری آن‌هاست. رهبر در ورزش، یک چارچوب برای آزمایش و ارزیابی فرایندها و شناختی برای پاسخ به فعالیت‌ها از طرف ورزشکاران است. در شکل‌گیری و توسعه تیم‌های ورزشی نمی‌توان نقش مهم مربی را در عملکرد بازیکنان نادیده گرفت. نتایج مطالعات تأثیر سبک رهبری بر عملکرد معلم، انگیزه، رضایت و تمامیت روانی آن‌ها را نشان می‌دهد. واقعیت این است که سبک رهبری مربیگری رفتارها، نگرش‌ها و تصمیم‌گیری ورزشکاران خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جنبه‌های مهم در تصمیم‌گیری مربیان، سبک مربیگری انتخاب شده است. چگونه مربی تصمیم می‌گیرد و چگونه به آموزش مهارت‌ها و استراتژی‌های لازم برای تمرین و رقابت سازمان یافته به اجرا درمی‌آورد؟

در ایران رفتار رهبری در برخی مواقع به کاهش انگیزه، نبود تعهد و رضایت در میان افراد بالغ و جوان که در باشگاه بازی می‌کنند و مراکز آموزشی مانند دانشگاه‌ها، مؤسسات و مدارس منجر می‌شود. یکی از عواملی که موجب می‌شود این مشکلات ایجاد شود، رهبری ضعیف است که یکی از دلایل ممکن برای کاهش مشارکت در ورزش در ایران است.

به‌طورکلی، اهمیت موضوع این پژوهش عبارت است از: ۱. تهیه ابزار سنجش به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی محققان استفاده شود؛ ۲- این مطالعه می‌تواند مسیر سخت‌هنجاریابی و تهیه ابزار سنجش سبک‌های رهبری را برای پژوهشگران و سایر مسئولان ذی‌ربط تسهیل کند.

هدف کلی این مقاله برآورد پایایی و روایی ابزار سبک‌های رهبری با تأکید بر مربیان و ورزشکاران استان بوشهر است. اهداف جزئی این پژوهش در پاسخ به سؤال‌های زیر خود را نشان می‌دهد:

- سؤال ۱. میانگین نمره سبک‌های رهبری به تفکیک ابعاد برای پاسخگویان چقدر است؟
- سؤال ۲. آیا بین مؤلفه‌های پنج‌گانه سبک‌های رهبری همبستگی درونی وجود دارد؟
- سؤال ۳. تفاوت میانگین‌ها در ابعاد مختلف سبک‌های رهبری چگونه است؟
- سؤال ۴. آیا ابزار خود تشخیصی سبک‌های رهبری دارای اعتبار مناسبی است؟
- سؤال ۵. آیا ابزار خود تشخیصی سبک‌های رهبری دارای پایایی مناسبی است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. پیشینه تحقیق

فتاحی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه سبک‌های رهبری و اثربخشی در کارشناسان ورزش آموزش و پرورش و مدیران ادارات تربیت بدنی استان بوشهر پرداخت. براساس یافته‌های تحقیق، بیشتر کارشناسان مسئول تربیت بدنی دارای سبک رهبری وظیفه‌مدار هستند. همچنین ویژگی‌های فردی تأثیر چندانی بر سبک رهبری و اثربخشی ندارد، اما مدیرانی که رشته تحصیلی‌شان تربیت بدنی بوده و سطح تحصیلات بالاتری داشته‌اند، اندکی اثربخش‌تر بوده‌اند. رمضانی‌نژاد، همتی‌نژاد، اندام، زارع و صادق‌پور (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرای مدیران مدارس با تعهد سازمانی دبیران تربیت بدنی» انجام دادند. نتایج نشان داد، بین همه خرده‌مقیاس‌های سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرای مدیران و تعهد عاطفی، هنجاری و مستمر دبیران تربیت بدنی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بیشترین رابطه معنادار نیز بین سبک رهبری تحول‌گرا با تعهد هنجاری ($r = 0/48$) و بین سبک رهبری عمل‌گرا با تعهد مستمر ($r = 0/40$) بود، ولی بین سبک مدیریت بدون رهبری مدیران با تعهد عاطفی، هنجاری و مستمر دبیران رابطه معناداری مشاهده نشد. براساس یافته‌های تحقیق، مدیران مدارس با ترکیب سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرا می‌توانند میزان تعهد سازمانی دبیران را حفظ کنند و ارتقا دهند. زاهدی (۱۳۷۸)

در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی سبک‌های رهبری» بیان کرد که با توجه به تفاوت‌های فراوان در ادراکات، نیازها و خواست‌های کارکنان در ابعاد بین‌المللی - که سرمنشأ سبک‌ها، روش‌ها و دستاوردهای متنوع در زمینه مدیریت و رهبری در کشورهای جهان است - دشواری و اهمیت کار مدیران شاغل در سازمان‌های فراملیتی و جهانی در زمینه یافتن راه‌های مناسب برای ایجاد انگیزه در کارکنان این قبیل سازمان‌ها، نمایان می‌شود؛ ازاین‌رو لازم است که مدیران سازمان‌های فراملیتی در برابر تفاوت‌های فرهنگی، انعطاف‌پذیری لازم را از خود نشان دهند، به تفاوت‌ها ارج گذارند، انگیزه‌های افراد را تشخیص دهند و متناسب با مقتضای وضعیت، سبک مناسب رهبری را انتخاب کرده و برای هدایت افراد زیرنظارت خود در جهت تحقق هدف‌های معین اقدام کنند. جباری (۱۳۷۹) نشان داد، بین سبک رهبری رابطه‌مدار و وظیفه‌مدار با برخی ویژگی‌های فردی مربیان مانند سن، مدرک تحصیلی، سابقه مربیگری و درجه مربیگری رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین سبک رهبری مربیان دسته یک و دسته دو فوتبال تفاوت معناداری مشاهده نشد. این یافته‌ها برخلاف ابعاد مدل چلادورای و کارون است؛ چون براساس این مدل، برخی از ویژگی‌های شخصی می‌تواند بر سبک مربیگری اثر بگذارد؛ البته سبک رهبری رابطه‌مدار به دو سبک رهبری دموکراتیک و حمایت اجتماعی پژوهش حاضر نزدیک و با آن مشابه است؛ در صورتی که سبک رهبری آموزش و تمرین و سبک آمرانه پژوهش حاضر به رهبری وظیفه‌مدار پژوهش جباری نزدیک است.

کاظمی (۱۳۷۹) نشان داد، بین سبک رهبری تشریک مساعی و انگیزش پیشرفت بازیکنان بسکتبال زن همبستگی معناداری وجود دارد و این همبستگی درمورد سبک‌های رهبری دموکراتیک و آمرانه مشاهده نشد. تهامی، سجادی، خیبری و الهی (۱۳۸۹) مطالعه‌ای با عنوان «رابطه بین سبک رهبری و منبع قدرت مربیان تیم‌های لیگ برتر والیبال کشور» از دیدگاه بازیکنان انجام دادند. تحلیل داده‌ها نشان داد، مربیان به ترتیب از سبک آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت، آمرانه و دموکراتیک استفاده می‌کنند. همچنین منابع قدرت

مربیان به ترتیب عبارت است از: قدرت تخصص، قانونی، مرجعیت، پاداش و اجبار. در بین مؤلفه‌های سبک رهبری و منبع قدرت، تنها بین سبک آموزش و تمرین با قدرت تخصص و نیز سبک حمایت اجتماعی با قدرت تخصص در آزمودنی‌ها همبستگی مثبت و معنادار مشاهده شد. نتایج با توجه به نظریه رهبری هرسی و بلانچارد توجیه‌شدنی است، اما با توجه به بدیع بودن حوزه پژوهش، به نظر می‌رسد قضاوت بهتر و دقیق‌تر مستلزم پژوهش‌های بیشتری است. پورسلطانی زرنندی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان «مقایسه سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرای مسئولین هیئت‌های ورزشی استان گیلان» نشان داد، تفاوت معناداری بین سبک‌های رهبری عمل‌گرا، تحول‌گرا و بی‌خاصیت مسئولان هیئت‌های ورزشی وجود دارد. هیئت‌های ورزشی و مسئولان از سبک رهبری تحول‌گرا بیشتر از سبک رهبری بی‌خاصیت استفاده کردند. همچنین نتایج پژوهش نشان داد، ارتباط معناداری بین سبک رهبری تحول‌گرا و بی‌خاصیت با جنسیت وجود دارد و زنان تمایل کمتری به استفاده از سبک رهبری بی‌خاصیت در مقایسه با سبک رهبری تحول‌گرا دارند. همچنین ارتباط مثبت و ضعیفی بین سن و سبک رهبری بی‌خاصیت و ارتباط منفی و ضعیفی بین سن و سبک رهبری عمل‌گرا مشاهده شد. از طرف دیگر، دبیران هیئت از سبک رهبری بی‌خاصیت اغلب بیشتر از رؤسایان و نواب رئیس استفاده می‌کردند. عامری، کوزه‌چیان، آذر و احسانی (۱۳۹۰) مطالعه‌ای در زمینه رابطه سبک‌های رهبری و خلاقیت با میزان اثربخشی مدیران تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام دادند. نتایج نشان داد، اثربخشی مدیران با سبک‌های رهبری انتخابی و خلاقیت مدیران ارتباط دارد و نیز ارتباط معناداری در تعامل بین متغیرهای پژوهش مشاهده شد. وحدانی، شیخ یوسفی، محرم‌زاده، اجاقی و صالحیان (۲۰۱۲) مطالعه‌ای با عنوان «رابطه بین سبک‌های رهبری مربی و انسجام گروه در تیم‌های شرکت‌کننده در المپیاد ورزشی دانش‌آموزان پسر» انجام دادند. نتایج نشان داد، تفاوت معناداری در کار و سطح اجتماعی از تیم‌های گروه‌های تعاملی و

تیم‌های شرکت اثر وجود دارد. همچنین سبک‌های رهبری مربی در حمایت اجتماعی و انسجام گروهی میان تیم‌ها تأثیر معناداری دارند.

ریزی، آزادی، فارسانی و عروفزاد (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «رابطه بین سبک رهبری و استرس مربیگری ورزشی در تیم ورزش از دانشگاه تهران» انجام دادند. نتایج نشان داد، افزایش امتیاز با سبک‌های رهبری دموکراتیک و استبدادی مربیان در ارتباط است. همچنین رابطه معناداری بین سبک رهبری استبدادی و استرس در ورزش‌های تیمی وجود دارد. نازارودین، فوزی، جمالیس، گئوک و دین (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «مربیگری سبک رهبری و رضایت ورزشکار در میان تیم بسکتبال دانشگاه مالزی» انجام دادند و به مطالعه شناسایی سبک رهبری مربیان، رضایت بخش و ارتباط بین سبک رهبری مربیان و رضایت بازیکنان پرداختند. نتایج نشان داد، رابطه معناداری بین سبک رهبری مربیان و رضایت ورزشکاران وجود دارد. آلمو و بابو (۲۰۱۱) مطالعه‌ای با عنوان «مربی فوتبال سبک رهبری و بازیکنان تعهد» انجام دادند. نتایج نشان داد، رابطه مثبت و معناداری بین رفتار مربیان آموزش و رفتار دموکراتیک و حمایت اجتماعی وجود دارد. بین رفتارهای استبدادی با تعهد ورزش و فرصت‌های مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد. مقایسه سبک‌های رهبری مربیان نشان داد، مربیان آموزش عالی، آموزش و رفتار استبدادی را کمتر به نمایش گذاشته‌اند. سارپیرا، خدادادی و محمدی (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه بین سبک رهبری مربیگری و انسجام در تیم و ورزش‌های فردی» به بررسی رابطه بین سبک رهبری مربیگری و انسجام تیم در تبریز پرداختند. نتایج نشان داد، رابطه مثبت بین همه جنبه‌های انسجام تیم و آموزش و رهبری عمل‌گرا، رهبری وظیفه‌گرا و سبک رهبری رابطه‌گرا وجود دارد.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

دیدگاه نظری عمل‌گرایی برن^۱: طبق نظریه برن، رهبری عمل‌گرا، رابطه تبادلی بین رهبر و زیردست (رابطه رئیس و مرئوس) است که در آن فرد زیردست پاداش‌هایی به نیازهای اولیه (امنیت، وابستگی و شناخت) در ازای اجابت کردن خواسته‌های رهبر دریافت می‌کند. همچنین برن رهبری تغییرناپذیر (تحول‌گرا) را رابطه‌ای می‌داند که در آن رهبر فرد زیردست خود را برای رسیدن به بالاترین حد توان تشویق می‌کند و این تشویق برای دستیابی بیشتر به نیازهای طبقه‌بندی شده از جمله موفقیت و اهداف گروهی است. شناسایی رهبر تحول‌گرا به به پدید آمدن دورنمای جدید رهبری منجر شد و نگرش‌های متفاوتی را در رهبری به وجود آمد (الوم و بابوم، ۲۰۱۱، ص. ۱۴۵)

نظریه رهبری تحول‌گرای جیمز^۲: جیمز نظریه رهبری تحول‌گرا را به‌عنوان یک روش اخلاقی مطرح کرد که به‌وسیله آن رهروان و رهبران را به سطوح عالی‌تر انگیزه و منزلت سوق می‌دهد. نظریه‌پردازان رهبری معتقدند، رهبری عمل‌گرا فقط تأثیراتی را بررسی می‌کند که بین کار و دستمزد است که این امر باعث شکست در مفهوم بخشیدن به کار و کاهش خلاقیت کارکنان می‌شود. رهبری پرفایده و با اثربخشی بیشتر، موجب موفقیت طولانی‌مدت و بهبود عملکرد می‌شود که این همان رهبری تحول‌گراست. بروس و راسل (۲۰۰۴) معتقدند، مدیر تحول‌گرا باید ساختار جدید را به‌گونه‌ای تعریف کند که افراد او را بپذیرند و در نتیجه روحیه خوبی برای راهنمایی جدید و رفتار جدید در سازمان به وجود آید. رهبران تحول‌گرا الهام‌بخش هستند و به پیروان خود انگیزه می‌دهند و این یکی از راه‌هایی است که ماوراء پاداش دادن به پیروان است.

1. Bern

2. Jeimz

مدل چندبعدی رهبری چلادوری^۱: در زمینه سبک‌های مربیگری در تیم‌های ورزشی، چلادوری (۱۹۹۰) مدل چندبعدی رهبری در ورزش را ارائه کرد. براساس این مدل، رفتار مربیان تحت تأثیر ویژگی‌های موقعیتی مانند شرایط تیم، ویژگی‌های رهبر یا مربی مانند سن، درجه و سابقه مربیگری و ویژگی‌های اعضای تیم یا ورزشکاران مانند سن، سابقه و سطح بازیکنان است. همچنین رفتار مربیان موفقیت، عملکرد، رضایتمندی و حتی انسجام گروهی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تئوری کارون^۲: این تئوری بیان می‌کند که مربیان از دو سبک مربیگری آمرانه و آزادمنشانه استفاده می‌کنند. سبک مربیگری آمرانه سبکی است که مربی در آن تمام تصمیمات را اتخاذ می‌کند و بازیکنان مطیع و تابع دستورات هستند. مربی برای تسلط بر بازیکنان از ایجاد وحشت، توهین، تنبیه، تهدید، اخراج و حذف ورزشکاران از روابط دوستانه، ارائه پاداش و مشارکت بازیکنان در انتخاب تمرینات و دریافت نظرها و راه‌حل‌های آن‌ها برای رفع مشکلات بهره می‌گیرد. کارون (۱۹۸۳) چهار عامل مؤثر بر انسجام تیم را شناسایی کرد که عبارت‌اند از:

۱. عوامل محیطی، مانند ملاحظات فرهنگی سازمان‌ها و ملاحظات جغرافیایی؛
 ۲. عوامل شخصی به ویژگی‌های فردی، دانستن، انگیزه و رفتار فردی اشاره دارد؛
 ۳. عوامل تیم، مانند اندازه گروه، پیچیدگی نقش عضو گروه، اثر جمعی و گروه؛
 ۴. عوامل رهبری که شامل سبک‌های رهبری و تصمیم‌گیری‌های مربی تیم، اعضای تیم، روابط شخصی با یکدیگر و با مربی و روابط بین تیم و مربی می‌شود.
- مربیان این ظرفیت را دارند که بر انسجام گروه تأثیر بگذارند. این عوامل رهبری ممکن است یا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نفوذ خود را از طریق دخالت تیم یا عوامل فردی بگذارند.

نظریه صفت بارکر: در زمینه رهبری، برای چند دهه گذشته، انواع نظریه‌ها و روش‌های رهبری شناخته شده یا توسعه یافته است. نظریه صفت یکی از اولین تحولات در مطالعه رهبری است. این نظریه برای تعیین اینکه چه افراد خاصی به عنوان رهبران بزرگ شناخته می‌شوند، مطالعه می‌شود. نظریه پردازان صفت اظهار کردند، رهبران دارای ویژگی‌های مشترک فیزیکی و ویژگی‌های شخصیتی همانند هستند. بارکر (۲۰۰۱) نظریه «فرد بزرگ» را عنوان کرد. ویژگی‌های رهبری او از یک فرد عادی متمایز است. در مطالعه مجلس، شین و هرولد (۱۹۹۶)، مهم‌ترین ویژگی یک رهبر برجسته برای موفقیت، صداقت و تمایل و توانایی برای به اشتراک گذاشتن و ایجاد انگیزه در کارکنان نسبت به اهداف مشترک است. تئوری اقتضایی فیدلر^۱: تئوری اقتضایی فیدلر فرض می‌کند که عملکرد مؤثر گروه به موقعیت مناسب از شخصیت رهبر و اوضاع وابسته است. عوامل موقعیتی که اثربخشی رهبر را تحت تأثیر قرار می‌دهند، شامل روابط رهبر عضو، درجه ساختار وظیفه و قدرت مقام رهبر می‌شود. روابط رهبر عضو، کیفیت رابطه بین رهبر و عضو نامیده می‌شود. نفوذ رهبر بر اعضا از طریق ارتباطی قوی افزایش یافت. ساختار وظیفه با اشاره به وضوح اهداف و روش‌ها برای رسیدن به اهداف اعلام شده است (فیدلر، ۱۹۶۷، ص. ۶۷)؛ بنابراین نفوذ رهبر بر اعضا، قدرت موقعیت رهبر، کنترل سیستم پاداش و تحریم و همچنین حمایت از سازمان، نسبت مستقیم با قدرت رهبر در بین اعضا دارد.

نظریه رهبری موقعیتی بلانچارد^۲: این نظریه براساس جهت (رفتار کار) و میزان حمایت اجتماعی و عاطفی (رفتار رابطه) یک رهبر با توجه به وضعیت و سطح بلوغ پیروان بیان شده است. وی پیشنهاد کرد که رهبران مؤثر می‌توانند و باید سبک رهبری خود را برای پاسخگویی به نیازهای چرخه زندگی پیروان خود و محیط‌زیست تنظیم کنند. هرسی بلانچارد (۱۹۸۲) پیشنهاد کرد که سبک رهبری مناسب برای وضعیت خاص بلوغ پیروان تعیین

1. Feilder

2. Belanchard

می‌شود. بلوغ، ظرفیت برای تنظیم و به دست آوردن اهداف، تمایل و توانایی به عهده گرفتن مسئولیت و آموزش و پرورش و تجربه تعریف شده است. مدل هرسی و بلانچارد چهار سبک رهبری را معرفی کرده است که عبارت‌اند از:

۱. سبک دستوری^۱: در این سبک که به شدت طرفدار کار و بسیار کم‌توجه به کارمند است، کارکنان دقیقاً می‌دانند که سازمان از آن‌ها چه توقعی دارد و در این راستا دستورات روشنی از طرف رهبر به آنان ابلاغ می‌شود؛

۲. سبک عرضه‌کننده یا رهبری حمایتی^۲: در این سبک، رهبر به صورت هم‌زمان به مقوله کار و کارمند توجه شدید نشان می‌دهد؛ بنابراین در این سبک، ارتباطات میان رهبر و زیردستان دوستانه است و کارکنان برای انجام کار همواره در دسترس‌اند؛

۳. سبک مشارکتی^۳: این سبک به شدت طرفدار کارمند و بی‌توجه به کار است. این سبک از کارمندان به طور وسیعی نظر و پیشنهاد دریافت می‌کند، اما درباره گرفتن تصمیمات نهایی تفویض اختیار صورت نمی‌پذیرد؛

۴. سبک واگذاری اختیار^۴: در این سبک، رهبر به هیچ وجه در امور دخالت نمی‌کند و اختیارات به طور کامل به زیردستان واگذار می‌شود؛ زیرا تصور بر این است که زیردستان دارای شایستگی کافی برای تشخیص موقعیت و انجام وظایف هستند. این سبک بر مبنای تئوری (y) شکل گرفته است.

۳.۲. جمع‌بندی چارچوب نظری تحقیق

سبک‌های رهبری و رفتار مربیان می‌توانند برای بازیکنان به منظور رسیدن به اهداف و موفق شدن، انگیزه ایجاد کنند. مربیان همچنین می‌توانند ورزشکاران خود را به بالاترین عملکرد براساس حداکثر توانایی‌های خود برسانند. نظریه رهبری تحول‌گرا بر اهمیت رابطه

-
1. Directive leadership
 2. Supportive leadership
 3. Participative leadership
 4. Surrender option

ساختی میان رهبر و پیرو تأکید دارد. با توجه به این نظریه، به عنوان مثال، تعاملات مثبت بین رهبران و پیروان به پیامدهای مطلوب مانند تعهد، رضایت و انگیزه در آن‌ها منجر می‌شود. نظریه رهبری تحول‌گرا در صحنه ورزش نسبتاً جدید است و اثرگذاری آن بر رفتار ورزشکاران اثبات شده است (باس و ریجو^۱، ۲۰۰۶، ص. ۳۷). باس و همکارانش بر این باورند که رهبران تحول‌گرا با تغییر و نفوذ در باورها و نگرش‌های پیروان، در آن‌ها انگیزه ایجاد می‌کنند و الهام‌بخش آن‌ها در رسیدن به فراتر از انتظارات خود آن‌ها هستند. به تعبیر باس و همکارانش، عوامل رهبری تحول عبارت‌اند از: ۱. تأثیر ایده‌آل (نسبت داده‌شده)؛ ۲. نفوذ آرمانی (رفتار)؛ ۳. انگیزه و الهام‌بخش؛ ۴. تحریک فکری؛ ۵. ملاحظه انفرادی. در تنظیمات ورزش، محققان نشان دادند، سبک رهبری تحول مربیان می‌تواند پیش‌بینی و تعهد پیروان خود را افزایش دهد (سایبانی، یوسف، سون، حسن و زردشتیان^۲، ۲۰۱۳، ص. ۱۴۷۹). محققان همچنین نشان دادند، سبک رهبری تحول مربیان موجب افزایش رضایت ورزشکاران می‌شود (اولیو^۳، ۱۹۹۹، ص. ۶۶). از سوی دیگر، رضایت زیردستان می‌تواند بر تعهد آن‌ها تأثیر بگذارد. مطالعات بسیاری در نظریه رهبری تحول در تنظیمات مختلف از جمله کسب‌وکار، صنعت، ارتش و کسب‌وکار شرکت‌های بزرگ انجام شده است، اما مطالعات بسیار کمی وجود دارد که به بررسی رهبری تحول‌گرا و نظریه رهبری تراکنشی در صحنه ورزش پرداخته باشد. مطالعات انجام‌شده در این راستا به بررسی رابطه بین رفتارهای رهبری تحول‌گرا و تراکنشی از رهبران ورزشی مانند مدیر ورزشی، مدیران ورزشی و مربیان و تأثیر خود بر تعهد پیروان پرداخته‌اند. محققان به این نتیجه رسیدند که رفتارهای تحول می‌تواند تعهد پیروان را افزایش می‌دهد؛ با این حال، مطالعات دیگر استدلال کردند که رفتارهای رهبری تحول و رفتارهای معاملاتی تأثیر کمی در بین پیروان دارد و در نتیجه باعث تعهد و عملکرد شده است.

1. Bass & Riggio

2. Saybani, Yusof, Soon, Hassan & Zardoshtian

3. Avolio

۳. روش تحقیق

این مطالعه با استفاده از طرح مطالعه توصیفی و همبستگی انجام گرفت. برای گردآوری پژوهش‌های مرتبط و بیان مسئله پژوهش از روش کتابخانه‌ای و جست‌وجو اینترنتی استفاده شد. در بخش میدانی نیز از پرسشنامه برای گردآوری نظرات دانشجویان دانشگاه‌های آزاد استان بوشهر درمورد متغیرهای پژوهش استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان ورزشکار دانشگاه‌های آزاد استان بوشهر بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی و مراجعه به فرمول کوکران، ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و به پرسشنامه سبک‌های رهبری مربیان (LSS) و پرسشنامه رضایتمندی ورزشکار (ASQ) پاسخ دادند. پرسشنامه سبک‌های رهبری مربیان دارای ۴۰ سؤال پنج‌ارزشی لیکرت و پرسشنامه رضایتمندی ورزشکاران حاوی ۱۴ سؤال هفت‌ارزشی لیکرت بود. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است که به روش میدانی انجام شده و اطلاعات با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است.

حجم نمونه در این پژوهش براساس فرمول کوکران، ۳۰۰ نفر است که برای افزایش روایی و پایایی ابزار پژوهش، ۳۲۰ نفر در نظر گرفته شدند و مبنای نمونه هستند.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{851405} \left(\frac{(1/96)^2 (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{0.960}{0.0025}}{1 + \frac{1}{851405} \left(\frac{0.960}{0.0025} - 1 \right)} = \frac{398.16}{1.0004} = 394.001 \approx 300$$

توسعه یک ابزار معتبر سه مرحله متوالی دارد و مطابق با توصیه‌های دیویس و سواب، هر مرحله مبین یکی از ابعاد اعتبار است (معمارزاده و صانعی، به نقل از سندجایا^۱، ۱۳۹۰، ص. ۶). این سه مرحله عبارت‌اند از: الف. طراحی مقیاس: طراحی مقیاس از طریق تجزیه و تحلیل محتوای داده‌های حاصل از مصاحبه، بررسی گسترده ادبیات موضوعی و تجزیه و

تحلیل آیتم‌های اشاره‌شده از سوی افراد خبره، اعتبار محتوایی ابزار را تأمین می‌کند؛ ب. توسعه مقیاس: براساس تجزیه و تحلیل تأییدی داده‌های پیش‌آزمون، تک‌بعدی یا چندبعدی بودن آن‌ها، اعتبار سازه‌ها را تأمین می‌کند؛ ج. ارزیابی مقیاس: از طریق اعمال ابزار درخصوص نمونه‌ای جدید، اعتبار همگرایی ابزار را تأمین می‌کند؛ بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است تا ابزار جامعه‌پذیری سازمانی ارزیابی شود.

در این مطالعه، ابزارهای گردآوری داده‌ها عبارت‌اند از:

پرسشنامه چندعاملی رهبری باس و اولیو (۲۰۰۳): این پرسشنامه حاوی ۴۵ گویه برای سنجش رهبری تحول‌گرا و مراوده‌ای (عمل‌گرا) و آزادگذار (بدون رهبر) است. این پرسشنامه با ۴۱ گویه، ۵ بعد رهبری تحول‌گرا (جاذبه، تأثیر معنوی، الهام‌بخشی، تحریک ذهنی و ملاحظه فردی) و ۳ بعد رهبری عمل‌گرا (پاداش مشروط، مدیریت مبتنی بر استثنا/فعال و مدیریت مبتنی بر استثنا/غیرفعال) را در بر می‌گیرد. درضمن، یک ویژگی به سبک بدون رهبری مربوط است. گزینه‌های پاسخ از یک مقیاس پنج‌ارزشی لیکرت (هرگز، به‌ندرت، گاهی، اغلب و همیشه) و به‌ترتیب نمره یا امتیاز صفر تا ۴ تشکیل شده‌اند (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۶۷)؛

پرسشنامه سبک رهبری باردنز و متزکاس: باردنز و متزکاس این پرسشنامه را ساختند و در کتاب *سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی* تألیف مقیمی چاپ شده است. این پرسشنامه دارای ۳۵ گویه است که در سه بعد سبک رهبری دموکراتیک یا انسان‌گرایانه، سبک رهبری خودکامه یا وظیفه‌مدار، تلفیقی یا اقتضایی است. در صورتی که نمره سبک مدیریت بین ۱ تا ۱- باشد، نوع سبک مدیریت تلفیقی است، اگر مثبت و بیش از ۱+ باشد، نوع سبک مدیریت خودکامه است و اگر منفی و کمتر از ۱- باشد، نوع سبک مدیریت دموکراتیک انسان‌گرایانه است؛

پرسشنامه توصیف رفتار رهبری مربیان: پرسشنامه توصیف رفتار رهبری مربیان توسط محققان دانشگاه ایالت اوهایو در سال ۱۹۵۷ تدوین شده و براساس دو بعد وظیفه‌مداری و

رابطه مداری تنظیم شده است. این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال است که براساس مقیاس لیکرت از همیشه (۴ امتیاز)، غالباً (۳ امتیاز)، گاهی اوقات (۲ امتیاز)، به ندرت (۱ امتیاز) و هیچ گاه (صفر) تنظیم شده است. براساس امتیازات کسب شده در دو بعد رابطه مداری و وظیفه مداری و قرار گرفتن آن‌ها در گروه‌های رابطه مدار پایین یا رابطه مدار بالا و وظیفه مدار پایین یا وظیفه مدار بالا، در نهایت سبک رهبری سرپرستاران در یکی از چهار گروه سبک رهبری آمرانه (دستوری)، فروشی (متقاعدکننده)، مشارکتی و تفویضی قرار می‌گیرد. از ۴۰ سؤال مربوط به پرسشنامه، ۱۵ سؤال به سنجش بعد وظیفه مداری و ۱۵ سؤال دیگر به سنجش بعد رابطه مداری مربوط است. ۱۰ سؤال باقی مانده جزو سؤال‌های خنثی محسوب می‌شود و بر این پژوهش تأثیر ندارد و فقط به دلیل آنکه در پرسشنامه اصلی مطرح درج شده بود، حذف نشد. با توجه به این توضیحات، بیشترین امتیاز در بعد وظیفه مداری و رابطه مداری ۶۰ و کمترین آن صفر بود؛

پرسشنامه سبک رهبری: این پرسشنامه حاوی موارد زیر است:

- رفتار آموزش و تمرین: رفتار مربی به منظور بهبود عملکرد ورزشکاران با تأکید بر تمرین سخت و شدید، آموزش مهارت‌ها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها. سؤال‌های ۱ تا ۱۳ این بعد را می‌سنجند؛
- رفتار آمرانه: رفتار مربی با ویژگی تصمیم‌گیری مستقل و اعمال قدرت شخصی. سؤال‌های ۱۴ تا ۱۸ این بعد را اندازه‌گیری می‌کنند؛
- رفتار دموکراتیک: رفتاری که مربی به ورزشکاران اجازه بیشتری در تصمیم‌گیری برای اهداف تیم، روش‌های تمرین و به کارگیری تاکتیک‌ها و استراتژی‌های بازی می‌دهد. سؤال‌های ۱۹ تا ۲۷ این بعد را می‌سنجند؛
- رفتار حمایت اجتماعی: رفتار مربی با ویژگی نگران بودن دو مورد رفاه و آسایش تک تک ورزشکاران، ایجاد جو گروهی مثبت و روابط گرم بین اعضای تیم. سؤال‌های ۲۸ تا ۳۵ این بعد را اندازه‌گیری می‌کنند؛

- رفتار بازخورد مثبت: رفتاری که مربی ورزشکاران را به واسطه عملکرد خوب، مورد تشویق و تمرین و پاداش قرار می دهد (ریزی و همکاران، ۲۰۱۳، ص. ۸).
سؤال های ۳۶ تا ۴۰ این بعد را می سنجند. پاسخ های این پرسشنامه براساس مقیاس پنج ارزی لیکرت شامل هرگز (۱)، به ندرت (۲)، گاهی (۳)، اغلب (۴) و همیشه (۵) ارزش گذاری می شوند.

۴. یافته های تحقیق

داده های پژوهش حاصل استخراج پرسشنامه هایی است که ۳۲۰ نفر از ورزشکاران و مربیان ورزشی در دانشگاه های آزاد اسلامی استان بوشهر تکمیل کردند و اساس تجزیه و تحلیل یافته های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن گردآوری داده ها، پرسشنامه ها استخراج شد و آنگاه به کامپیوتر انتقال یافت و سپس با استفاده از بسته نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی (اس پی اس اس)^۱ تجزیه و تحلیل شد. تجزیه و تحلیل داده ها با شاخص های آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد.

نتایج نشان می دهد، ۷۶/۵ از پاسخگویان ورزشکار مرد و ۲۳/۵ زن بودند. از گروه مربیان، ۷۵/۷ درصد مرد و ۲۴/۳ زن بودند. کمترین میزان سابقه ورزشکاران و همچنین مربیان یک سال بود، ولی بیشترین سابقه مربیان ۴۲ سال و برای پاسخگویان ورزشکار ۸ سال بود. میزان دوره شرکت ورزشکاران بین یک تا ۵ سال بود و این دامنه دوره برای مربیان یک تا ۱۴ سال بود. همچنین میانگین میزان شرکت ورزشکاران در دوره های آموزشی، دو سال و برای مربیان، هفت سال و نیم و انحراف معیار ۴/۲۴ بود.

میانگین میزان سبک رهبری در بعد آموزشی پاسخگویان مربی ۵۵/۲۵ و برای ورزشکاران ۵۳/۲۰۵ بود. از آنجاکه میانگین واقعی میزان سبک رهبری در بعد آموزشی بیشتر از میانگین مورد انتظار است، میانگین میزان سبک رهبری در بعد آموزشی برای پاسخگویان مربی ۱۷/۸۶

1. Statistical Package for Social Science (SPSS)

و برای ورزشکاران ۱۷/۲۴ بود. میانگین میزان سبک رهبری در بعد دموکراسی برای پاسخگویان مربی ۳۲/۱۲ و برای ورزشکاران ۳۱/۷۹ بود. میانگین میزان سبک رهبری در بعد حمایتی برای پاسخگویان مربی ۳۲/۵۰ و برای ورزشکاران ۳۲/۰۵ بود. میانگین میزان سبک رهبری در بعد بازخورد اجتماعی برای پاسخگویان مربی ۲۰/۰۴ و برای ورزشکاران ۱۹/۴۰ بود.

۴. ۱. آیا ابزار خودتشخیصی جامعه‌پذیری سازمانی دارای پایایی مناسبی است؟

۴. ۱. ۱. ارزیابی پایایی به روش دو نیم کردن

در این روش میزانی از همسانی دو مجموعه از آیتم‌ها که هدف واحدی را اندازه‌گیری می‌کنند، ارزیابی می‌شود. برای محاسبه پایایی با این روش از دو شاخص ضریب پایایی و دو نیم کردن اسپیرمن براون و گاتمن استفاده شد. ضریب اسپیرمن براون برابر ۰/۷۰۸ به دست آمد که پایایی قابل‌قبولی را برای گویه‌های میزان رضایتمندی پاسخگویان نشان می‌دهد. ضریب گاتمن نیز که اصلاح‌شده اسپیرمن براون است، تحت‌تأثیر دو نیم کردن گویه‌هاست. نتیجه حاصل از این ضریب نیز پایایی گویه‌های رضایتمندی را تأیید می‌کند. همچنین نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، همبستگی بین نمرات دو نیمه برابر با ۰/۵۴۸ است. در این روش با استفاده از نرم‌افزار SPSS تعداد گویه‌های رضایتمندی به دو گروه تقسیم می‌شود و هر بار آلفای گروه‌ها و درنهایت همبستگی درونی و مقادیری چون اسپیرمن براون و گاتمن را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقادیر به‌دست‌آمده از روش دو نیم کردن برای اعتبار ابزار سنجش

گروه‌ها	آلفای کرونباخ	میانگین	گویه	همبستگی درونی	اسپیرمن براون	ضریب گاتمن
نیمه اول	۰/۷۴۷	۳/۸۵۶	۱۸	۰/۵۴۸	۰/۷۰۸	۰/۷۰۶
نیمه دوم	۰/۶۹۳	۳/۷۲۶	۱۷			
کل	۰/۸۱۷	۳/۷۹۳	۳۵			

۴. ۱. ۲. ارزیابی پایایی با روش آلفای کرونباخ

در این پژوهش همه سازه‌ها به عنوان سنجه‌های چندگویه‌ای آزموده شدند. این سنجه‌ها از یک پرسشنامه خودگزارشی به دست آمدند. در این پژوهش هر گویه روی طیفی پنج‌درجه‌ای با دامنه‌ای از «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» تعریف شده است. هنجاریابی پرسشنامه با استفاده از عمل پیش‌آزمون و همچنین براساس نظرات استادان دانشگاه در مطالعه‌ای مقدماتی انجام گرفت. شایان ذکر است، افرادی که در مطالعه مقدماتی به کار گرفته شدند، در پرسشنامه نهایی وارد نشدند؛ بنابراین تعیین آلفای کرونباخ برای ابزار سنجش در مطالعه مقدماتی به دست آمد. ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای خرده‌مقیاس آموزشی برابر با ۰/۷۶، خرده‌مقیاس تفاهم ۰/۸۳، خرده‌مقیاس حمایت همکاران ۰/۷۶ و خرده‌مقیاس چشم‌انداز آینده برابر با ۰/۸۶ است.

جدول ۳. میزان آلفای کرونباخ هریک از متغیرها

نام متغیر	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
سبک‌های رهبری	آموزش	۰/۷۸۹
	آمرانه	۰/۶۳۴
	دموکراسی	۰/۷۲۵
	حمایتی	۰/۶۸۳
	بازخورد اجتماعی	۰/۶۲۴

۴. ۱. ۳. اعتبار سازه‌ای

یکی دیگر از راه‌های برآورد روایی ابزار پژوهش در این مطالعه، اعتبار سازه‌ای است. این نوع روایی برای اصلاح نارسایی‌های روایی محتوای و ملاکی به کار می‌رود. از آنجاکه روایی صوری بیش از اندازه بر قضاوت ذهنی استوار است و برای روایی نیز بین سازندگان آزمون اغلب توافق کافی وجود ندارد، روایی سازه‌ای به این مطلب اشاره دارد که آزمون تا چه

اندازه سازه نظری یا صفت مدنظر را اندازه‌گیری می‌کند. در تحلیل سازه‌ای سه ملاک مدنظر محقق است:

- اول اینکه سازنده آزمون باید صفت با متغیرهای دیگر را مدنظر قرار دهد؛
- دوم اینکه چگونگی ارتباط صفت با متغیرهای دیگر را مدنظر قرار دهد؛
- سوم اینکه از طریق آزمایش معلوم کند که آیا این روابط فرضی واقعاً وجود دارد یا خیر.

برای برآورد روایی ابزار پژوهش از تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد، پنج عامل می‌توانند $40/14$ درصد از تغییرپذیری یا واریانس گویه‌ها را توضیح دهند. پس از چرخش، بارهای عاملی هریک از گویه‌ها در عامل‌های باقی‌مانده محاسبه شد. در این مطالعه سبک‌های رهبری سازه‌ای است که ۵ بعد متفاوت دارد و برای سنجش هریک از ابعاد آن روش اعتبار سازه‌ای مناسب‌تر است. یکی از روش‌های برآورد اعتبار سازه‌ای روش تحلیل عاملی است، با این روش می‌توان برای شناسایی و سنجش نیرومندی نسبی صفات مختلف روانی از آن استفاده کرد. اگر بین چند آزمون همبستگی قابل‌توجه وجود داشته باشد، این همبستگی نشان می‌دهد که همه آن‌ها در اندازه‌گیری یک عامل مشترک هستند.

جدول ۴ نتایج آزمون کفایت نمونه‌برداری را نشان می‌دهد. این آزمون مقدار واریانس درون داده‌ها را نشان می‌دهد که می‌تواند توسط عوامل تبیین شود. این آزمون به‌عنوان مقیاس برای توانایی عاملی بودن به کار می‌رود. از آنجاکه این مقدار $0/831$ است، نتیجه می‌گیریم که وضعیت بهتری را در تحلیل نشان می‌دهد. این مقدار هر اندازه به یک نزدیک‌تر باشد، مطلوبیت تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. آزمون‌های دیگری که در این تحلیل کاربرد فراوان دارند، مقدار بارتلت است. اگر مقدار معناداری آزمون کرویت بارتلت کمتر از $0/05$ باشد، توانایی عاملی بودن داده‌ها را تأیید می‌کند. از آنجاکه مقدار معناداری آن $0/000$ است، با اطمینان بیشتری می‌توانیم تحلیل را ادامه دهیم.

جدول ۴. نتایج آزمون کفایت نمونه‌برداری و عاملی بودن داده‌ها

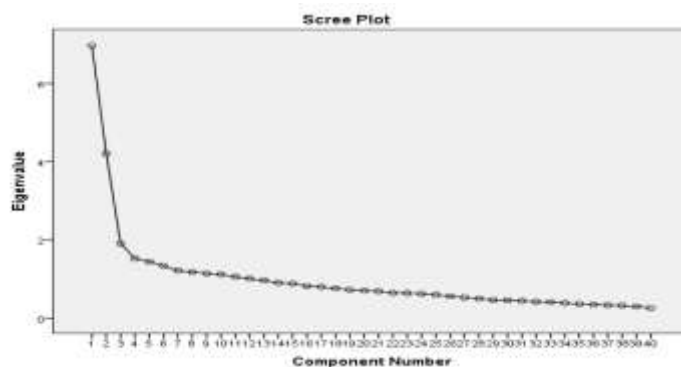
نام آزمون	مقدار	نتیجه آزمون
کیزر-میر-آلکین (اندازه کفایت نمونه‌گیری)	۰/۸۳۱	به یک نزدیک است و تأیید می‌شود.
آزمون کرویت بارتلت	۳۸۱۵/۵۹۹	Sig=۰/۰۰۰ و تأیید می‌شود.
درجه آزادی	۷۸۰	

جدول ۵ کل واریانس تبیین‌شده گویه‌های لازم برای سنجش سبک‌های رهبری را در پنج عامل نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد، مقدار ویژه پنج عامل اول بیشتر از یک است. این عوامل اندازه‌هایی هستند که تعیین می‌کنند چه مقدار واریانس در کل داده‌ها به‌وسیله هر کدام از عناصر اصلی (ستون اول) تبیین می‌شود. هرچه مقدار ویژه از یک بیشتر باشد، مقدار بیشتری از واریانس توسط آن عامل تبیین می‌شود. اندازه مقدار ویژه را می‌توان برای تعیین این امر به کاربرد که آیا به اندازه کافی واریانس برای آن عامل تبیین می‌کند تا عامل، عاملی مفید باشد. نتیجه جدول نشان می‌دهد، پنج عنصر احتمالی وجود دارد که رتبه‌بندی شده‌اند؛ یعنی به همان تعدادی از متغیر وارد تحلیل شده است. برای هریک از عناصر مجموعه‌ای از واریانس که تبیین می‌کند، واریانس تبیین‌شده برحسب درصدی از کل واریانس و سپس درصد تراکمی آمده است. قسمت دوم جدول، مقادیر عناصر استخراج‌شده پس از انجام چرخش را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد، مقدار و درصدهای مربوط تغییر کرده‌اند، اما درصد تراکمی واریانس تبیین‌شده توسط تمام عناصر استخراج‌شده با قبل از چرخش مساوی است. نتایج نشان می‌دهد، پنج عامل اصلی از تحلیل عامل به دست آمده است که ارزش بیشتر از یک دارند و در مجموع $40/14$ درصد از واریانس نمرات مقیاس را تبیین می‌کنند؛ به این ترتیب، عامل اول با ارزش ویژه $6/97$ بیشترین درصد واریانس ($17/428$)، عامل دوم با ارزش ویژه $4/208$ درصد واریانس ($10/520$)، عامل سوم با ارزش ویژه $1/908$ درصد واریانس ($4/770$)، عامل چهارم با ارزش ویژه $1/524$ درصد واریانس ($3/810$) و عامل پنجم با ارزش ویژه $1/447$ درصد واریانس ($3/618$) کل را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. کل واریانس تبیین شده گویه‌های لازم برای سنجش سبک‌های رهبری

عناصر اصلی	مقدار ویژه			عناصر استخراجی پس از چرخش		
	کل	درصد واریانس	مقدار تجمعی	کل	درصد واریانس	واریانس تجمعی
۱	۶/۹۷۱	۱۷/۴۲۸	۱۷/۴۲۸	۴/۱۴۳	۱۰/۳۵۸	۱۰/۳۵۸
۲	۴/۲۰۸	۱۰/۵۲۰	۲۷/۹۴۸	۳/۵۸۵	۹/۶۸۲	۱۹/۳۲۰
۳	۱/۹۰۸	۴/۷۷۰	۳۲/۷۱۸	۳/۴۷۴	۸/۶۸۴	۲۸/۰۰۵
۴	۱/۵۲۴	۳/۸۱۰	۳۶/۵۲۸	۲/۴۴۲	۶/۱۰۵	۳۴/۱۱۰
۵	۱/۴۴۷	۳/۶۱۸	۴۰/۱۴۵	۴۱۴/۲	۶/۰۳۶	۴۰/۱۴۵

شکل ۱ (نمودار سنگ‌ریزه کل) به جای مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک برای تصمیم‌گیری درمورد اینکه کدام عوامل باید استخراج شوند، به کار می‌رود. در نمودار سنگ‌ریزه مقادیر ویژه روی نمودار به ترتیب کاهش نشان داده شده است که آن را دامنه سنگ‌ریزه می‌نامند؛ زیرا شکل منحنی نیم‌رخ دامنه‌ای از سنگ‌ریزه‌ها را به یاد می‌آورد که پای شیب تند تپه متراکم می‌شوند.



شکل ۱. نمودار سنگ‌ریزه کل

جدول ۶ بارهای عاملی پس از اجرای چرخش را نشان می‌دهد؛ از مقادیر مندرج در جدول می‌توان گفت که عامل‌های هم‌بسته با هم روی یک عامل قرار می‌گیرند و با عاملی که بیشترین بار عاملی داشته باشند، قرار می‌گیرند.

جدول ۶. بارهای عاملی متغیر سبک‌های رهبری پس از اجرای چرخش

Component					
گوینده‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
این نکته را مدنظر قرار می‌دهد که هر بازیکن با توانایی خودش کار کند.	-۰/۰۱۲	۰/۲۴۷	۰/۵۱۶	۰/۳۲۶	-۰/۱۲۷
تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها را برای هر بازیکن توضیح می‌دهد.	-۰/۱۸۲	۰/۲۷۰	۰/۵۶۷	۰/۲۱۶	-۰/۱۰۱
توجه خاصی به اصلاح اشتباهات بازیکنان دارد.	-۰/۰۶۲	۰/۱۰۴	۰/۴۸۹	۰/۱۷۶	-۰/۰۵۱
اطمینان حاصل می‌کند که بازیکنان نقش او را در تیم درک می‌کنند.	۰/۳۲۶	۰/۰۱۷	۰/۴۶۴	۰/۱۰۱	۰/۲۰۰
مهارت‌های ورزشی را به هر بازیکن به‌طور انفرادی آموزش می‌دهد.	-۰/۱۴۳	۰/۰۸۵	۰/۵۷۳	۰/۰۲۶	۰/۰۷۵
آنچه را باید انجام شود از قبل برنامه‌ریزی می‌کند.	۰/۰۶۹	۰/۰۹۲	۰/۵۳۱	۰/۲۱۳	۰/۲۲۵
به تک‌تک بازیکنان توضیح می‌دهد که چه کاری را باید انجام دهند و چه کاری را انجام ندهند.	-۰/۱۴۷	-۰/۰۴۳	۰/۵۵۷	۰/۳۲۰	۰/۱۱۳
از هر بازیکن انتظار دارد وظایف و تکالیفش را با تمام جزئیات انجام دهد.	-۰/۱۳۱	۰/۱۲۸	۰/۴۴۳	۰/۳۸۳	۰/۰۷۰
نقاط ضعف و قوت هر بازیکن را متذکر می‌شود.	۰/۱۸۶	۰/۰۱۲	۰/۱۰۷	۰/۵۹۰	۰/۱۵۳
به هر بازیکن آموزش ویژه‌ای می‌دهد که در هر موقعیت چه کاری را انجام دهند.	-۰/۱۴۷	۰/۱۳۳	۰/۳۲۰	۰/۶۰۹	۰/۰۶۳
به هماهنگی بین تلاش‌های بازیکنان توجه دارد.	-۰/۰۵۶	۰/۲۷۴	۰/۱۳۶	۰/۵۶۳	۰/۲۰۴
توضیح می‌دهد که چگونه سهم یک ورزشکار می‌تواند در کل کار مؤثر واقع شود.	۰/۱۸۳	۰/۲۵۲	۰/۳۰۷	۰/۴۳۳	۰/۰۲۴
موارد مورد انتظار هر بازیکن را دقیقاً مشخص می‌کند.	۰/۴۲۲	۰/۰۹۱	۰/۰۱۷	۰/۳۸۹	-۰/۰۸۶
نسبتاً به‌طور مستقل از بازیکنان عمل می‌کند.	۰/۵۸۰	۰/۱۶۶	۰/۱۸۰	۰/۱۰۲	-۰/۰۶۰

Component					
گوپه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
هیچ توضیحی درمورد کارش نمی‌دهد.	۰/۷۳۱	-۰/۱۳۱	-۰/۰۵۶	-۰/۰۴۲	-۰/۰۳۰
از هر گونه مصالح و کنار آمدن خودداری می‌کند.	۰/۶۶۲	-۰/۰۹۸	۰/۱۲۶	-۰/۱۰۸	۰/۰۱۶
خوشتن دار است.	۰/۲۴۰	۰/۱۶۰	۰/۴۲۰	-۰/۱۹۶	-۰/۱۲۰
طوری صحبت می‌کند که موردسؤال قرار نگیرد.	۰/۲۷۷	۰/۰۷۴	۰/۳۹۶	-۰/۱۸۲	۰/۱۹۷
نظرات بازیکنان را درمورد راهبردهای بازی در مسابقات خاص جویا می‌شود.	۰/۰۰۷	۰/۴۲۹	۰/۱۵۲	۰/۱۸۴	۰/۲۸۸
در موارد مهم قبل از هر اقدامی موافقت گروه را جلب می‌کند.	-۰/۰۵۸	۰/۴۸۳	۰/۳۷۳	۰/۱۰۲	۰/۰۲۰
به بازیکنان اجازه شرکت در تصمیم‌گیری‌ها را می‌دهد.	۰/۰۲۱	۰/۶۴۴	۰/۱۰۶	۰/۱۱۱	-۰/۰۰۷
بازیکنان را ترغیب می‌کند که درمورد روش‌های اجرایی تمرینات پیشنهاد دهند.	۰/۰۱۹	۰/۶۵۸	۰/۱۸۳	-۰/۰۱۷	۰/۲۲۴
به تیم اجازه می‌دهد تا اهدافش را خودش تعیین کند.	۰/۰۷۸	۰/۴۸۳	۰/۰۹۶	۰/۰۵۲	۰/۳۵۴
نظرات بازیکنان را درمورد موضوعات مهم مربیگری جویا می‌شود.	۰/۰۰۰	۰/۵۰۸	۰/۳۵۹	-۰/۰۸۶	۰/۱۴۲
به بازیکنان اجازه می‌دهد تا با سرعت خودشان کار کنند.	۰/۴۰۶	۰/۳۱۵	۰/۰۵۳	-۰/۰۴۰	۰/۱۸۳
به بازیکنان اجازه می‌دهد درمورد شیوه بازی استفاده‌شده در مسابقه تصمیم بگیرند.	۰/۰۳۸	۰/۳۷۰	۰/۲۱۸	۰/۰۵۵	۰/۳۹۵
به بازیکنان اجازه می‌دهد به شیوه خودشان تمرین کنند؛ حتی اگر اشتباه کنند.	۰/۰۳۰	۰/۴۶۸	۰/۱۰۲	۰/۲۰۰	۰/۳۸۶
به بازیکنان در حل مشکلات شخصیت‌شان کمک می‌کند.	۰/۰۶۹	۰/۱۳۵	۰/۴۱۱	۰/۰۳۹	۰/۴۱۷
به حل و فصل منازعات بین اعضای تیم کمک می‌کند.	۰/۴۰۸	۰/۱۰۷	-۰/۰۲۰	۰/۱۴۰	۰/۳۴۹
خواهان رفاه و آسایش شخصی بازیکنان است.	۰/۶۴۱	۰/۰۷۶	-۰/۱۱۰	-۰/۰۳۷	۰/۲۶۴
شخصاً به بازیکنان ابراز لطف و محبت می‌کند.	۰/۶۱۱	-۰/۲۸۴	-۰/۰۳۰	۰/۰۰۰	۰/۳۹۴
احساس و علاقه‌اش را به بازیکنان بیان می‌کند.	۰/۱۱۲	۰/۲۷۷	۰/۳۱۸	-۰/۰۲۷	۰/۲۳۲
بازیکنان را ترغیب می‌کند تا به او اعتماد کنند.	۰/۴۵۰	-۰/۰۰۷	۰/۰۲۵	-۰/۱۲۹	۰/۳۹۶
بازیکنان‌شان را به داشتن روابط نزدیک و غیررسمی تشویق می‌کند.	۰/۱۵۱	۰/۰۹۸	۰/۱۷۶	۰/۳۰۸	۰/۴۱۷
بازیکنان را به خانه‌اش دعوت می‌کند.	۰/۰۲۹	۰/۱۵۸	۰/۰۱۷	۰/۳۱۲	۰/۵۲۷

Component					
گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
از عملکرد بازیکنان در حضور دیگران تعریف می‌کند.	۰/۲۱۱	۰/۱۷۵	-۰/۰۲۴	-۰/۰۰۹	۰/۵۳۸
هنگامی که ورزشکار کار درستی انجام می‌دهد، این امر را بیان می‌کند.	۰/۲۵۱	۰/۵۶۲	-۰/۰۲۶	۰/۲۶۱	۰/۰۹۵
این نکته را مدنظر قرار می‌دهد که به بازیکن به‌خاطر عملکرد خویش پاداش داده شود.	۰/۴۱۱	۰/۵۵۳	-۰/۰۵۷	۰/۱۹۱	-۰/۰۷۴
وقتی بازیکنی عملکرد خوبی دارد، از او قدردانی می‌شود.	۰/۵۶۰	۰/۱۵۰	-۰/۱۵۴	۰/۱۶۳	-۰/۰۳۰
هر کجا که لازم باشد به بازیکنان وعده می‌دهد.	۰/۵۱۱	۰/۲۲۵	-۰/۱۳۸	۰/۰۴۹	۰/۱۸۷

۴. ۱. ۴. آزمون رتبه‌ای فریدمن

با توجه به اینکه سبک رهبری در پنج بعد سنجش شد، ضرورت دارد مقایسه رتبه‌های هرکدام از این ابعاد مقایسه شود. نتایج نشان می‌دهد، بین میانگین رتبه ابعاد مختلف متغیر مذکور تفاوت معنادار وجود دارد و این تفاوت براساس آزمون رتبه‌ای فریدمن در سطح حداقل ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۷. آزمون رتبه‌ای فریدمن برای مقایسه رتبه‌های متغیر سبک رهبری

ابعد سبک رهبری	میانگین	درجه آزادی	Chi-Square	Sig
سبک رهبری آموزشی	۴/۹۷	۴	۱۲۰۴/۲۸	۰/۰۰۰
سبک رهبری آمرانه	۱/۳۴			
سبک رهبری دموکراسی	۳/۶۰			
سبک رهبری حمایتی	۳/۳۹			
سبک رهبری بازخور مثبت	۱/۷۰			

۴. ۱. ۵. آزمون مدل معادلات ساختاری

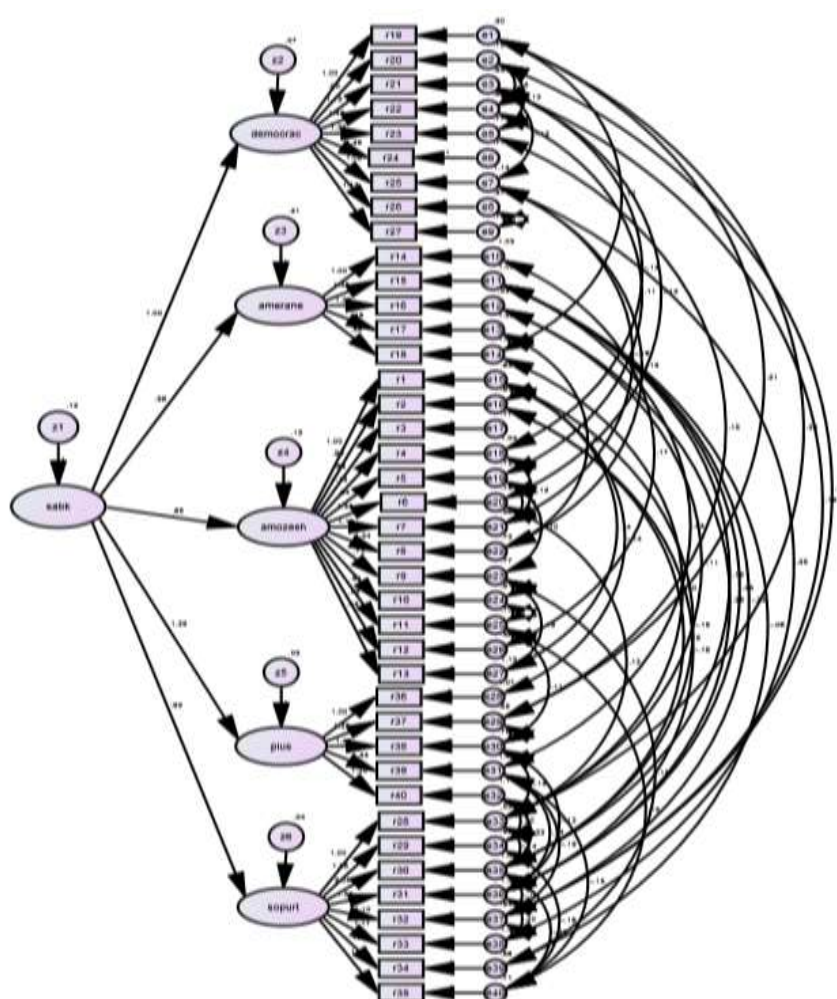
جدول ۸ تجزیه و تحلیل ساختاری با استفاده از مدل AMOS را نشان می‌دهد. تحلیل داده‌های مستخرج از مدل پیشرفته AMOS نشان می‌دهد، سبک‌های رهبری مربیان با استفاده از پنج بعد و هر بعد با استفاده از تعدادی شاخص آشکار بررسی شدند. همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد، می‌توان سبک‌های رهبری را با استفاده از یک مدل عاملی مرتبه دوم سنجش کرد؛ بر این اساس، هریک از ابعاد پنج‌گانه سبک‌های رهبری به‌عنوان یک سازه یا متغیر پنهان تعریف شدند و این پنج متغیر به نوبه خود در نقش معرف‌های سبک‌های رهبری به‌عنوان سازه پنهان و وابسته در مدل ساختاری قرار گرفتند. نتایج نشان می‌دهد، علاوه‌بر هماهنگی درونی آیتم‌های تعریف‌شده برای هریک از مقیاس‌های فرعی، روایی واگرا نیز برقرار است؛ به عبارت دیگر، نه‌تنها گویه‌های هریک از مقیاس‌های فرعی دارای همبستگی درونی زیادی با یکدیگر بوده‌اند، بلکه همبستگی آن‌ها با سایر گویه‌ها برای سه مقیاس دیگر کمتر است. معیارهای برازش مدل عاملی سبک‌های رهبری نشان می‌دهد، مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است.

شاخص‌های مندرج در مدل، عامل مرتبه دوم نشان می‌دهند، شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۹ است که به‌شدت مقدار کمی را نشان می‌دهد که برازش مدل را تأیید می‌کند. از طرفی شاخص‌های لیکری برازش در این مطالعه Cfi و Pcfi هستند که اولی ۰/۸۴۵ و دومی ۰/۷۱۷ را نشان می‌دهند و برازش نسبتاً قابل‌قبولی را برای مدل عاملی مرتبه دوم رقم می‌زنند.

جدول ۸ شاخص‌های کلی برازش مدل سبک‌های رهبری

انواع شاخص‌ها	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
CMIN	۱۹۱۸/۵۶۰	۱۴۰۷/۳۸۵	۱۲۲۵/۳۷۸
P-value	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
CMIN/Df	۲/۶۱۰	۲/۰۱۹	۱/۸۱۵

انواع شاخص‌ها	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
RMR	۰/۱۲۹	۰/۱۱۶	۰/۱۱۲
Cfi	۰/۶۳۱	۰/۷۷۸	۰/۸۴۵
PCFI	۰/۵۹۴	۰/۶۹۵	۰/۷۱۷
RMSEA	۰/۰۶۹	۰/۰۵۵	۰/۰۴۹



شکل ۲. مدل عاملی مرتبه دوم متغیر وابسته

۴. ۱. ۶. آزمون من وایت نی

به منظور مقایسه رتبه متغیر سبک‌های رهبری در ابعاد مختلف برای گروه‌ها (مربیان و ورزشکاران) از آزمون من وایت نی استفاده شد. براساس نتایج در بعد آموزشی با مقایسه میانگین رتبه‌ای پاسخگویان مربی و ورزشکار و نیز مقدار $z = -2/158$ و $u = 11716/50$ برای دو گروه با مقدار معناداری ($P = 0/031$) در جدول ۹ می‌توان قضاوت کرد که بین دو گروه مربیان و ورزشکاران از نظر میزان سبک رهبری آموزشی اختلاف معناداری وجود دارد؛ یعنی مربی یا ورزشکار بودن در چگونگی سبک رهبری تأثیر معناداری دارد. مقایسه رتبه متغیر سبک‌های رهبری در بعد آمرانه با مقدار $z = 1/216$ و $u = 32640/50$ برای دو گروه با مقدار معناداری ($P = 0/224$) می‌توان قضاوت کرد که بین دو گروه مربیان و ورزشکاران از نظر میزان سبک رهبری آموزشی اختلاف معناداری وجود ندارد؛ یعنی مربی یا ورزشکار بودن در چگونگی سبک رهبری تأثیر معناداری ندارد. مقایسه رتبه متغیر سبک‌های رهبری در بعد دموکراتیک با مقدار $z = 3/814$ و $u = 30372/50$ برای دو گروه با مقدار معناداری ($P = 0/000$) نشان می‌دهد، بین دو گروه مربیان و ورزشکاران از نظر میزان سبک رهبری دموکراتیک اختلاف معناداری وجود دارد؛ یعنی مربی یا ورزشکار بودن در چگونگی سبک رهبری تأثیر معناداری دارد.

مقایسه رتبه متغیر سبک‌های رهبری در بعد حمایتی با مقدار $z = -0/113$ و $u = 22817/50$ برای دو گروه با مقدار معناداری ($P = 0/910$) نشان می‌دهد، بین دو گروه مربیان و ورزشکاران از نظر میزان سبک رهبری حمایتی اختلاف معناداری وجود ندارد؛ یعنی مربی یا ورزشکار بودن در چگونگی سبک رهبری تأثیر معناداری ندارد. همچنین مقایسه رتبه متغیر سبک‌های رهبری در بعد بازخورد مثبت اجتماعی با مقدار $z = -0/338$ و $u = 33405/50$ برای دو گروه با مقدار معناداری ($P = 0/735$) گویای این است که بین دو گروه مربیان و ورزشکاران از نظر میزان سبک رهبری بازخورد مثبت اجتماعی اختلاف معناداری وجود ندارد؛ یعنی مربی یا ورزشکار بودن در چگونگی سبک رهبری تأثیر معناداری ندارد.

جدول ۹. مقایسه رتبه متغیر وابسته با استفاده از آزمون من وایت نی

سبک رهبری	گروه‌ها	میانگین رتبه	جمع کل رتبه	من وایت نی	Sig.	مقدار Z	Sig.
بعد آموزشی	ورزشکار	۳۰/۲۹	۴/۹۱	-۳/۳۷۹	۰/۰۰۱	-۲/۱۵۸	۰/۰۳۱
	مربی	۳۲/۰۵	۴/۵۲				
بعد آمرانه	ورزشکار	۱۶۳/۲۰	۳۲۶۴۰/۵۰	۱۲۵۴۰/۵۰۰	۰/۲۲۴	۱/۲۱۶	۰/۲۲۴
	مربی	۳۲/۰۵	۴/۵۲				
بعد دموکراسی	ورزشکار	۱۵۱/۸۶	۳۰۳۷۲/۵۰	۱۰۲۷۲/۵۰۰	۰/۰۰۰	۳/۸۱۴	۰/۰۰۰
	مربی	۱۹۲/۹۷	۲۶۲۴۳/۵۰				
بعد حمایتی	ورزشکار	۱۶۸/۹۹	۳۳۷۹۸/۵۰	۱۳۵۰۱/۵۰۰	۰/۹۱۰	-۰/۱۱۳	۰/۹۱۰
	مربی	۱۶۷/۷۸	۲۲۸۱۷/۵۰				
بازخورد اجتماعی	ورزشکار	۱۶۷/۰۳	۳۳۴۰۵/۵۰	۱۳۳۰۵/۵۰۰	۰/۷۳۵	-۰/۳۳۸	۰/۷۳۵
	مربی	۱۷۰/۶۷	۲۳۲۱۰/۵۰				

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این مطالعه، برآورد روایی و پایایی ابزار سبک‌های رهبری بود. برای دستیابی به این هدف، نمونه‌ای از مربیان و ورزشکاران دانشگاه‌های آزاد استان بوشهر مطالعه شد. این ابزار دارای پنج بعد آموزشی، آمرانه، دموکراسی، حمایتی و بازخورد اجتماعی است که هر بعد آن با تعدادی گویه سنجش شد.

نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد، پنج عامل اصلی به‌دست‌آمده ارزش بیشتر از یک دارند و در مجموع ۴۰/۱۴ درصد از واریانس نمرات مقیاس را تبیین می‌کنند؛ به این ترتیب عامل اول یا خرده‌مقیاس آموزشی با ارزش ویژه ۶/۹۷ بیشترین درصد واریانس (۱۷/۴۲۸)، عامل دوم یا خرده‌مقیاس آمرانه با ارزش ویژه ۴/۲۰۸ درصد واریانس (۱۰/۵۲۰)، عامل سوم یا خرده‌مقیاس دموکراسی با ارزش ویژه ۱/۹۰۸ درصد واریانس (۴/۷۷۰)، عامل چهارم یا خرده‌مقیاس حمایتی با ارزش ویژه ۱/۵۲۴ درصد واریانس (۳/۸۱۰) و عامل پنجم یا

خرده‌مقیاس بازخورد اجتماعی با ارزش ویژه ۱/۴۴۷ درصد واریانس (۳/۶۱۸) کل را تبیین می‌کنند.

نتایج مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم برای سنجش سبک‌های رهبری با استفاده از نرم‌افزار AMOS نشان می‌دهد، این مفهوم از پنج بعد (آموزشی، آمرانه، دموکراسی، حمایتی و بازخورد مثبت اجتماعی) تشکیل شده است. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات باقی‌مانده (RMSEA) برابر با ۰/۰۴۹ است که به شدت مقدار کمی را نشان می‌دهد که برازش مدل را تأیید می‌کند. از طرفی شاخص‌های لیکری برازش در این مطالعه Cfi و Pcfi هستند که اولی ۰/۸۴۵ و دومی ۰/۷۱۷ را نشان می‌دهند و برازش نسبتاً قابل‌قبولی را برای مدل عاملی مرتبه دوم رقم می‌زنند.

نتایج نشان می‌دهد، همه سؤال‌های پرسشنامه برای سنجش سبک‌های رهبری در پنج بعد مذکور مناسب‌اند؛ بنابراین این ابزار می‌تواند خلأ موجود در ادبیات موضوع مبنی بر در اختیار نبودن ابزار استاندارد برای سنجش مفهوم سبک‌های رهبری در سازمان‌های کشور متناسب با مقتضیات فرهنگی را برطرف کند. مدیران سازمان‌ها می‌توانند با به‌کارگیری ابزار حاضر به حسابرسی سبک‌های رهبری خود اقدام کنند.

پیشنهادهای پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بررسی اعتبار و روایی پرسشنامه سبک‌های رهبری در این مطالعه، با تمرکز بر گروه‌های مختلف سنی و جنسی و تحصیلی صورت گرفت؛ بنابراین می‌تواند به‌عنوان ابزاری با اعتبار و روایی قابل‌قبول در مطالعات و پژوهش‌های مختلف استفاده شود؛

۲. هریک از ابعاد مختلف سبک‌های رهبری برای بسترهای مختلف شغلی و حرفه‌ای کاربرد فراوان دارند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود، سازمان‌ها و ادارات مختلف دولتی و غیردولتی از این ابزار به‌عنوان ملاکی در مطالعات استفاده کنند؛ چراکه با رعایت این پیش‌فرض می‌توان افراد را برحسب علایق و توانمندی هایشان جذب کرد و به کار گرفت که مسلم است نتایج و کارایی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود؛

۳. همچنین یافته‌های این پژوهش می‌تواند الگویی برای مطالعات دیگری در ابعاد وسیع‌تر و بر جمعیت‌های بیشتر انجام شود.

کتابنامه

۱. ایران‌نژاد پاریزی، م.، و ساسان‌گهر، پ. (۱۳۷۵). *سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل*. تهران: مؤسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. بیگی‌نیا، ع.، و فاطمه، ک. (۱۳۸۷). رابطه بین سبک‌های رهبری مدیران و تنیدگی روانی ناشی از شغل کارکنان با تأکید بر گونه‌های شخصیتی. *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، ۱۵ (۲۹)، ۱-۱۶.
۳. پورسلطانی زرنندی، ح. (۱۳۸۷). مقایسه سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرای مسئولین هیئت‌های ورزشی استان گیلان. *پژوهش در علوم ورزشی*، ۶ (۱۹)، ۱۹۱-۲۰۵.
۴. پورسلطانی، ح.، میرزایی، ف.، و زارعیان، ح. (۱۳۹۰). ارتباط بین ادراک از عدالت با رضایت شغلی در کارکنان پژوهشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. *پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی*، ۱ (۱)، ۵۹-۷۰.
۵. تهامی، گ.، سجادی، گ.، خیبری، م.، و الهی، ع. (۱۳۸۹). رابطه بین سبک رهبری و منبع قدرت مربیان تیم‌های لیگ برتر ولیال کشور از دیدگاه بازیکنان. *مدیریت ورزشی*، (۷)، ۲۵-۴۲.
۶. جباری، غ.، ر.، کوزه‌چیان، ه.، و خیبری، م. (۱۳۷۹). بررسی سبک رهبری، توانایی‌ها و نحوه عملکرد مربیان فوتبال باشگاه‌های دسته اول و دوم کشور (جام آزادگان)، حرکت، (۶)، ۱۰۳-۱۲۰.
۷. رمضانی‌نژاد، ر.، همتی‌نژاد، م. ع.، اندام، ر.، زارع، ص.، و صادق‌پور، ن. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های رهبری تحول‌گرا و عمل‌گرای مدیران مدارس با تعهد سازمانی دبیران تربیت‌بدنی. *دوفصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، ۱ (۱)، ۶۳-۷۲.
۸. زاهدی، ش. (۱۳۷۸). بررسی تطبیقی سبک‌های رهبری. *مدیریت دولتی*، (۴۵ و ۴۶)، ۱۳-۳۲.

۹. عامری، ح.، کوزه‌چیان، ه.، آذر، ع.، و احسانی، م. (۱۳۹۰) رابطه سبک‌های رهبری و خلاقیت با میزان اثربخشی مدیران تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. حرکت، (۱۳)، ۱۲۳-۱۴۱.
۱۰. فتاحی، ر. (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های رهبری و اثربخشی در کارشناسان ورزش آموزش و پرورش و مدیران ادارات تربیت بدنی استان بوشهر (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی). دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران.
۱۱. قربانیان، ع.، حدادپور، ع.، و ملکی، م. (۱۳۹۵). رابطه سبک رهبری (تحول‌آفرین، تبادل، عدم مداخله‌گر) مدیران و رضایت شغلی تکنسین‌های فوریت‌های پزشکی در شهرستان اصفهان. فصلنامه /مداد و نجات، ۲(۳)، ۲۸-۴۴.
۱۲. معمارزاده، ط.، و صانعی، غ. (۱۳۹۰). تهیه ابزار استاندارد جهت سنجش معنویت در نظام اداری ایران. فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۱(۱)، ۱-۲۸.
۱۳. نصیری‌پور، ا.، هلالی بناب، م.، و رئیسی، پ (۱۳۸۸). سبک رهبری مدیران شبکه‌های بهداشت و شاخص‌های عملکردی (استان آذربایجان شرقی)، مدیریت سلامت، ۲(۳۶)، ۱۶-۲۴.

14. Alemu, S. M., & Babu, S. (2011). Football coach leadership styles and players commitment. *Journal of Research in Commerce and Management*, 2(5), 110-121.
15. Antonakis, J., Avolio, B. J., & Sivasubramaniam, N. (2003). Context and leadership: An examination of the nine-factor full-range leadership: An examination of the nine-factor full-range leadership theory using the Multifactor Leadership Questionnaire. *The Leadership Quarterly*, 14(3), 261-295.
16. Avolio, B. J. (1999). *Full leadership development: Building the vital forces in organizations*. Thousand Oaks: Sage.
17. Bass, B. M., & Avolio, B. J. (1990). Developing transformational leadership: 1992 and beyond. *Journal of European industrial Training*, 14(5), 21-27.
18. Bass, B. M., & Riggio, R. E. (2006). *Transformational leadership*. Lawrence: Erlbaum.
19. Benjamin, L., & Flynn, F. J. (2006) Leadership style and regulatory mode: Value from fit? *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 100(2), 216-230.
20. Dubrin, A. J. (2001). *Leadership-research finding, practices and skills* (3rd ed.). New York: Houghton Mifflin Company Boston.

21. Fiedler, F. E. (1967). *A theory of leadership effectiveness*. New York: McGraw-Hill.
22. Ingram, T. N. (1996). Relationship selling: Moving from rhetoric to reality. *Journal of Business*, 11, 5-14.
23. Irannajad-Parizy, M., & Sasangohar, P. (2007). *Organization and management: From theory to action*. Tehran: Central Bank of Iran, Iranian Banking Institute.
24. Moghimi, M. (2007). *Research organization and management approach*. Tehran: Termeh Publication.
25. Nazarudin, M. N., Fauzee, M. S., Jamalis, M., Geok, S. K., & Din A. (2009). Coaching leadership styles and athlete satisfactions among Malaysian University Basketball Team. *Research Journal of International Studies*, 9, 4-11.
26. Rizi, R., Azadi, A., Farsani, M. E., & Aroufzad, S. (2013). Relationship between leadership styles and job satisfaction among physical education organizations employees. *European Journal of Experimental Biology*, 3(2), 48-53.
27. Robbins, S., & Coulter, M. (2008). *Management* (10th ed.). Upper Saddle River, N.J.: Pearson Prentice Hall.
28. Sarpira, M., Khodayari, A., & Mohammadi, S. (2012). The relationship between leadership coaching style and team cohesion in team and individual sports. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*, 6(12), 297-302.
29. Saybani, H., Yusof, A., Soon, C., Hassan A., & Zardoshtian, S. (2013). Athletes' satisfaction as mediator of transformational leadership behaviors of coaches and football players' sport commitment relationship. *World Applied Sciences Journal*, 21(10), 1475-1483.
30. Tayeb, M. H. (1995). Supervisory style and cultural contexts: A comparative study. *International Business Review*, 4, 1-17.
31. Vahdani, M., Sheikhyousefi, R., Moharramzadeh, M., Ojaghi, A., & Salehian, H. (2012). Relationship between coach's leadership styles and group cohesion in the teams participating in the 10th Sport Olympiad of male students. *European Journal of Experimental Biology*, 2(4), 1012-1017.

Preparation of Tools of Leadership Styles of Coaches and Athletes and the Estimation of Its Reliability and Validity: The Study of Azad Universities of Bushehr Province

*Gholamreza jafarinia*¹

Assistant Professor in Sociology, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Received: 19 October 2022

Accepted: 15 November 2022

Abstract

The main purpose of this study was preparing a tool for measuring leadership styles and estimate its validity and reliability for the use and access of researchers in humanities. To achieve this goal, a sample of 320 athletes and sports coaches from Azad universities in Bushehr province were randomly selected and completed the leadership styles form. The data were analyzed using SPSS21 and Amos21 software. Based on the obtained results, the second-order factor analysis method using the measurement model shows the five-component structure of the leadership styles scale in the studied sample. The results of factor analysis show that five main factors have value greater than one and explain a total of 40.14% of the variance of the scale scores. The results of the second-order confirmatory factor model for measuring leadership styles show that this concept consists of these aspects: education, authoritarian, democracy, and social feedback. The adaptive and parsimonious indices calculated to evaluate the generality of the factor model show that the comparative fit index CFI is 0.845, the parsimonious comparative fit index PCFI is 0.717, the root mean square residual index or RMSEA is 0.049, the chi-square ratio to the degree of freedom of CMIN/DF is 1.815, which shows the overall improvement of the model. In total, the collected data can support the model. This result is logical and correct based on the theoretical framework.

Keywords: Reliability, Validity, Leadership Styles, Athletes, Coaches

1. Corresponding author. Email: jafarinia_reza@iaubushehr.ac.ir

Exploring Factors Impacting the Social-Ethics-Oriented Order of Families Using Meta-Synthesis Method ¹

Mahboobeh Nejadmoosa Miankali

PhD in Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Afsaneh Edrisi ²

Associate Professor, Department of Sociology Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Afsaneh Tavassoli

Associate Professor, Department of Woman and Family Studies, Faculty of Social Sciences and Economics Alzahra University, Tehran, Iran

Received: 13 July 2022

Accepted: 4 December 2022

Abstract

The study aimed mainly to explore the factors impacting on the order in families based on social ethics. It as well tried to provide suitable suggestions, considering the current conditions of Iranian society and families. The qualitative study used a meta-synthesis method. First, using a meta-synthesis method, indicators were extracted from previous articles. Out of the 280 articles obtained, 32 articles were used to investigate the effective factors in the order of the family based on social ethics. Then, through categorizing the indicators and running Shannon entropy, the plan was analyzed, the main indicators were identified, and the significance of all indicators was determined. MaxQDA was used for analyzing the data obtained in qualitative phase. Using meta-synthesis method, seven main categories and 56 subcategories (codes) were extracted from previous articles. The main categories are: respect and value, family vitality, family rules, livelihood provision, education, commitment, mutual trust and altruism. One can say that among the main positive and remarkable consequences of implementing social ethics in the order of families are such issues as not knowing helping the poor as a beg-cherishing act, knowing helping as duty, interest in charity, volunteering help in crises, and not ignoring the problems of other family members.

Keywords: Qualitative Meta-synthesis Method, Family Order, Social Ethics, Family Ethics

1. Extracted from PhD Thesis, defended at Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Corresponding author. Email: a_edrisi@iau-tnb.ac.ir

Farmers and Ecological Habitus in the Margins: a Qualitative Study Based on Grounded Theory ¹

Amrollah Keshavarz

*PhD Candidate in Sociology, Social Problem of Iran, University of Isfahan, Isfahan,
Iran*

Soraya Memar

Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Reza Hemati ²

Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ali Ghanbari Barzian

Assistant Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 8 July 2022

Accepted: 11 September 2022

Abstract

In recent years, Iran's agricultural sector has been exposed to various environmental crises and risks, which have had deep and irreparable impacts on the structure of villages. The role of social and cultural contexts in the emergence of these crises and risks cannot be ignored in the formation of attitudes, values and behaviors that create these risks in the agricultural field. The purpose of this research was to analyze the ecological habitus of farmers in Azna city and to discover the reasons and contexts of its formation. This research was done using qualitative method and grounded theory. The research sampling was purposeful and continued until theoretical saturation was reached. The number of participants was 33. Semi-structured interviews were used to collect the data. The findings showed that the perceived structural pressures and the double passivity-inefficiency of the government as causal conditions, the equation of inheritance and division, which caused excessive fragmentation of agricultural lands as intervening conditions and the double-edged blade of mechanized cultivation as contextual conditions cause marginalization of ecological habitus. Facing these conditions, farmers choose products attractive in the market, excessive use of chemicals and not leaving the land fallow as a strategy, which results in the water resources crisis, soil erosion and migration. Interventions like legislations, education and paying attention to the traditional and indigenous knowledge of farmers can lead to the improvement of the ecological habitus of farmers and preserve the ecosystem.

Keywords: Indigenous Knowledge, Ecosystem, Ecological Habitus, Structural Pressure, Agriculture

1. Extracted from PhD dissertation, defended at university of Isfahan, Isfahan, Iran.

2. Corresponding author. Email: r.hemati@ltr.ui.ac.ir

Designing a Social Entrepreneurship Model in NGOs (Case Study: Charity Centers of Imam Khomeini Relief Foundation)

Mohammad Safari

MA in Public Administration, Department of Public Administration, Payam Noor University, Tehran, Iran

Alireza Mooghali ¹

Professor, Department of Public Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 25 June 2022

Accepted: 16 October 2022

Abstract

Social issues have been increasingly complex and traditional methods unable to solve the issues. Designing a model for social entrepreneurship in NGOs is then a must. This study tried to design a model in charity centers of the Imam Khomeini Relief Foundation. Its statistical population of this applied research is consisted of university faculty members, managers and experts of the Relief Foundation, and activists of social entrepreneurship in Shiraz. Purposive sampling was used to select members of the sample, which continued to saturation and 18 people were selected. A semi-structured interview was used to collect data. Brown and Clark's six-step method of theme analysis was used to analyze the data. Being run for three steps of coding, themes were presented. The results showed that a model for social entrepreneurship in NGOs has 7 overarching themes and 17 organizing themes: flexible structure (pioneering and inclusive), entrepreneurial culture (trustworthy, responsible, and altruistic), social value creating (social empowerment and support), entrepreneurial strategies (cooperation and creation of resources), community-oriented leadership (creative, collaborative, efficient), social service oriented employees (extra-role, interacting and efficient) and creative processes (quick and networked). It is suggested therefore that NGOs, especially charity centers of Imam Khomeini Relief Foundation, use the proposed model of this research to respond better to social issues.

Keywords: Social Entrepreneurship, NGOs, Charity Centers, Imam Khomeini Relief Foundation

1. Corresponding author. Email: ar.mooghali@Pnu.ac.ir

The Content Analysis of Rumors Published in Covid-19 Pandemic, Causes and Coping Strategies

*Afsaneh Ghasemi*¹

PhD in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Hamed Mollazadeh

MSc in Sport Biomechanics, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 10 May 2022

Accepted: 31 October 2022

Abstract

Rumors spread in critical situations and cause trouble for the society. The Covid-19 pandemic, as a global crisis, also led to various rumors in Iran. This disease started in China in 2019 and spread all over the world in a short period of time. The purpose of this study is to analyze the content of rumors that have been published during the Covid-19 epidemic in Iran. The research method is qualitative content analysis. For this purpose, the rumors published in ISNA and IRNA from the beginning of the disease outbreak until the official announcement of its vaccine production and injection were identified. First, all the rumors were reviewed, and then the most relevant ones were selected and the content was analyzed using the MaxQda. The published rumors were identified in 9 main categories and 18 sub categories. Nine main groups of rumors were: rumors related to the virus, disease prevention, treatment and control of the disease, mortality rate and dead people, outbreaks and infections, close and reopening of various places, government actions, access to various goods and more rumors. Rumors were spread due to factors such as fear, pessimism, curiosity, wishful thinking, deception, and economy, which had many impacts on people and society. Rumor coping strategies were based on two strategies of denial and retrieval. Based on the general trend of the categories, it can be said that the rumors were not an unusual reaction of the society to the crisis of the Covid-19 pandemic. It was a natural reaction to a completely unknown and deadly disease that targeted the physical and mental health of the society.

Keywords: Rumor, Covid-19 Pandemic, Rumor Coping Strategies

1. Corresponding author. Email: afsaneh_ghasemi@yahoo.com

Ali Shariati and His Separation from the Faculty of Letters and Humanities to the Closing of Hosseinieh Ershad: A Study through Oral History

Gholam Hossein Noei

PhD Candidate in History, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

*Amir Akbari*¹

Assistant Professor in History, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

Abulhassan Mobayen

Assistant Professor in History, Bojnourd Branch, Islamic Azad University, Bojnourd, Iran

Received: 2 May 2022

Accepted: 2 October 2022

Abstract

As the most prominent theorist of the 1979 Islamic Revolution, Ali Shariati lived a life which involves many untold aspects to date. His life embraced a considerably vast public arena, as he intended. Shariati had an exile-like separation from Mashhad Faculty of Letters and Humanities; subsequently, he settled in Hosseinieh Ershad. These events have been important, yet vague incidents in his life according to his friends and rivals. Using the Grounded Theory and data collected from oral interviews and SAVAK documents, the present study attempts to consider the resulting sensitive keywords as 'signs'. Next, these signs are used to achieve 'categories' and finally, offer a set of 'classes' regarding the life of Shariati during such an important stage of his life. This period of his life should be understood under four major classes which include: a) the paperwork regarding the end of Shariati's presence in the faculty; b) the beginning of his connection to Hosseinieh Ershad; c) lecturing in Hosseinieh Ershad; and d) his retirement from the faculty and the closing of Hosseinieh Ershad.

Keywords: Ali Shariati, Faculty of Letters and Humanities, Mashhad, Hosseinieh Ershad, Tehran, SAVAK, Department of History

1. Corresponding author. Email: amirakbari84@yahoo.com

Sociological Explanation of Environmental Behaviors of the Youth in Tehran

Fariba Hosseini

PhD Candidate in Sociology, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Mansour Haghighian¹

Associate Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Seyed Ali Hashemianfar

Associate Professor, Department of Sociology, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 31 March 2022

Accepted: 17 October 2022

Abstract

Nowadays, environmental issues are considered a general and global challenge. Human environmental behavior as one of most important factors influencing the environment has attracted the attention of many philosophers, researchers, and environmentalists. Furthermore, sociologists believe that analysis of environmental issues require sociological studies and social solutions. This quantitative study was done to explain the environmental behaviors of young individuals of Tehran. The method used in this research is survey and questionnaire was used as the tool to collect data. Statistical population includes young individuals of Tehran in the range of 18-35 years old among which 453 people, from different districts of Tehran and considering the level of development of these districts, were selected. Quota sampling method was used. Data analysis was done in descriptive and inferential levels. Descriptive findings of research indicated relatively desirable conditions of environmental behavior among the participants under study. Inferential findings indicate that independent variables of research (social class, cultural capital, level of religiosity, consumerism, and environmental awareness) totally (26 percent) have the ability to explain the variable variance of environmental behavior among participants. The effect of all independent variables except cultural capital on environmental destructive behavior is statistically significant. Moreover, the effect of social class and environmental awareness on environmental destructive behavior is inverse and the effect of consumerism and level of generosity variables on this variable is direct. Social class variable indirectly, and mediated by level of generosity variable, influences environmental destructive behavior inversely.

Keywords: Environmental Behavior, Youth, Religiosity, Consumerism, Environmental Awareness

1. Corresponding author. Email: mansour_haghighatian@yahoo.com

Studying the Factors Affecting Occupational Alienation: Meta-Analysis of Researches from 2004 to 2021

Taha Eshayeri¹

*Assistant Professor, Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences,
University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran*

Ismail Jahani Daulatabad

*Associate Professor, Department of History and Sociology, Faculty of Social Sciences,
University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran*

Tahereh Jahanparvar

*PhD Candidate in Cultural Sociology, Faculty of Social Sciences, Communication and
Media, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

Received: 6 March 2022

Accepted: 3 October 2022

Abstract

Alienation is an important social issue in classical sociology (Durkheim, Max Weber, Marx, Simmel) and the result of disordered and anomic division of work-occupation. Job alienation is the result of organizational-institutional conditions and one of the main obstacles to organizational development and social entrepreneurship. Job alienation means emotional heartbreak, organizational social distance, organizational indifference, job-role conflict, and a decrease in individual's organizational interest in job division in the organization. This issue causes a decrease in job performance and efficiency, organizational commitment, social indifference, social isolation and decrease in social capital (trust, cohesion, participation). The main goal of this research was to study the causes and effective factors of job alienation (meta-analysis of researches). Quantitative meta-analysis (survey) was used and a non-probability sampling method in the time period of 2004-2021. From the statistical population of 45 documents published on Noormagz, Magiran, Elmnet and Jihad University database, 37 survey documents (following the inclusion and exclusion criteria) were selected. The results show that there is a significant relationship between contextual factors (level of education = 0.354, income = 0.266, socio-economic base = 0.357, increased service history = 0.339 and age = 0.161), social issues (social trust = 0.292, social participation = 0.181, social support = 0.345, social cohesion = 0.280, organizational justice = 0.269, transformational leadership = 0.385, organizational belonging = 0.429 and organizational culture = 0.335), Job (job security = 0.277, job satisfaction = 0.380, job promotion = 0.251, job stress = 0.217), and cultural factors (increasing awareness and scientific knowledge = 0.273, religious beliefs = 0.352, Islamic work ethics = 0.183) and job alienation. Accordingly, by strengthening social capital and religious beliefs, creating a favorable business environment, reducing social-cultural disorganization platforms, and creating a stimulating work-organizational environment can reduce the severity of job alienation.

Keywords: Religious Beliefs, Job Alienation, Social Capital, Job Dissatisfaction, Organizational Affiliation

1. Corresponding author. Email: t.ashayeri@uma.ac.ir

A Narrative Review of Theories on Sexuality ¹

Saeideh Mirabi

**PhD Candidate in Economical Sociology and Development, Ferdowsi University of
Mashhad, Mashhad, Iran**

Ali Yousefi ²

**Associate Professor, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad, Iran**

Azra Ghandeharion

**Associate Professor, Department of English, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad,
Iran**

Received: 11 January 2022

Accepted: 13 April 2022

Abstract

The concept of sexuality plays an important role in the formation of values of the modern world and current Iran. Despite the importance and changes in sexuality, little attention has been paid to this theoretical field. This study is a narrative review of the most important theoretical approaches to sexuality and its essence. The method used in this article is narrative review and has been done in six states; Identifying credible sources, categorizing sexuality theories, selecting and introducing the most cited theories, identifying commonalities and differentiating of theories, synthesis theories based on their commonalities and logical compatibility, and evaluating theories. After investigating the literature, the researchers found that Michel Foucault (1929-1984) is the most important and influential theorist in sexuality. Generally, theoretical approaches to sexuality included "Gay Liberation Theories", Theories of "Sexuality Constructionism", "Queer Theories", and "Transgender Theories". Regarding the mentioned theoretical approaches, sexuality is defined as a set of values, rules, and social beliefs about sex. Sexuality is social construction, or inherent sexual orientation of individuals. Furthermore, capitalist economic system and its developmental plans have shaped Western sexuality. The sexuality in the modern times resulted in the reproduction control, family-system control and the definition of distinct sexual identities. These consequences, on the one hand, leads to sexual repression and on the other, makes sex the nodal point of modern discourses. After evaluating theories of sexuality, it is understood that the theories proposed after Foucault are an extension of his concepts. These theories have been formed in response to marginal sex/gender groups and issues.

Keywords: Sexuality, Foucault, Gender, Sex, Queer Theory, Transgenderism

1. Extracted from PhD Thesis, defended at Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. Corresponding author. Email: yousofi@um.ac.ir

Table of Contents

▪ A Narrative Review of Theories on Sexuality	1
Saeideh Mirabi, Ali Yousefi, Azra Ghandeharion	
▪ Studying the Factors Affecting Occupational Alienation: Meta-Analysis of Researches from 2004 to 2021	2
Taha Eshayeri, Ismail Jahani Daulatabad, Tahereh Jahanparvar	
▪ Sociological Explanation of Environmental Behaviors of the Youth in Tehran	3
Fariba Hosseini, Mansour Haghighian, Seyed Ali Hashemianfar	
▪ Ali Shariati and His Separation from the Faculty of Letters and Humanities to the Closing of Hosseiniyeh Ershad: A Study through Oral History	4
Gholam Hossein Noei, Amir Akbari, Abulhassan Mobayen	
▪ The Content Analysis of Rumors Published in Covid-19 Pandemic, Causes and Coping Strategies	5
Afsaneh Ghasemi, Hamed Mollazadeh	
▪ Designing a Social Entrepreneurship Model in NGOs (Case Study: Charity Centers of Imam Khomeini Relief Foundation)	6
Mohammad Safari, Alireza Mooghali	
▪ Farmers and Ecological Habitus in the Margins: a Qualitative Study Based on Grounded Theory	7
Amrollah Keshavarz, Soraya Memar, Reza Hemati, Ali Ghanbari Barzian	
▪ Exploring Factors Impacting the Social-Ethics-Oriented Order of Families Using Meta-Synthesis Method	8
Mahboobeh Nejadmoosa Miankali, Afsaneh Edrisi, Afsaneh Tavassoli	
▪ Preparation of Tools of Leadership Styles of Coaches and Athletes and the Estimation of Its Reliability and Validity: The Study of Azad Universities of Bushehr Province	9
Gholamreza jafarinia	

ABSTRACTS

In the Name of God



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Social Sciences
Ferdowsi University of Mashhad
A semi-annual, research-based journal

RESEARCH JOURNAL
Vol. 19, No. 2, Summer 2022, Serial Number 40

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Editor-in-Chief
Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Editorial Board

Dr. Taghi Azad armaki
University of Tehran

Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Gholamreza Jamshidiha
University of Tehran

Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Seyed Mohammad Seyed Mirzaie
Shahid Beheshtie University

Dr. Ali Asghar Seylanian Toosi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mohammad Taghi Sheikhi
Alzahra University

Dr. Rampoor Sadr Nabavi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Abdolali Lahsaeizadeh
Shiraz University

Dr. Mansoor Vosooghi
University of Tehran

Dr. Ali Yousofi
Ferdowsi University of Mashhad

Internal Manger:
Dr. Hossein Mirzaei
Ferdowsi University of Mashhad

English Language Editor:
Abdullah Nowruzy

Executive Coordinator:
Zahra Baniasad

Persian Editor:
Dr. Seyede Maryam Fazaeli

Typesetting:
Elaheh Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University of Mashhad Press

Circulation: 30

Subscription: 25 USD (USA)
20 USD (other)

Address:
Faculty of Letters and Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq.
Mashhad-Iran
Post code: 9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060

E-mail: JSS@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
http: // social.um.ac.ir



FERDOWSI UNIVERSITY
OF MASHHAD

Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences

Quarterly, research-based journal

Vol. 19, No. 2, Summer 2022, Serial Number 40

ISSN: 2008-1383

- | | |
|--|---|
| A Narrative Review of Theories on Sexuality
Saeideh Mirabi, Ali Yousefi, Azra Ghandeharion | 1 |
| Studying the Factors Affecting Occupational Alienation: Meta-Analysis of Researches from 2004 to 2021
Taha Eshayeri, Ismail Jahani Daulatabad, Tahereh Jahanparvar | 2 |
| Sociological Explanation of Environmental Behaviors of the Youth in Tehran
Fariba Hosseini, Mansour Haghighian, Seyed Ali Hashemianfar | 3 |
| Ali Shariati and His Separation from the Faculty of Letters and Humanities to the Closing of Hosseinih Ershad: A Study through Oral History
Gholam Hossein Noei, Amir Akbari, Abulhassan Mobayen | 4 |
| The Content Analysis of Rumors Published in Covid-19 Pandemic, Causes and Coping Strategies
Afsaneh Ghasemi, Hamed Mollazadeh | 5 |
| Designing a Social Entrepreneurship Model in NGOs (Case Study: Charity Centers of Imam Khomeini Relief Foundation)
Mohammad Safari, Alireza Mooghali | 6 |
| Farmers and Ecological Habitus in the Margins: a Qualitative Study Based on Grounded Theory
Amrollah Keshavarz, Soraya Memar, Reza Hemati, Ali Ghanbari Barzian | 7 |
| Exploring Factors Impacting the Social-Ethics-Oriented Order of Families Using Meta-Synthesis Method
Mahboobeh Nejadmoosa Miankali, Afsaneh Edrisi, Afsaneh Tavassoli | 8 |
| Preparation of Tools of Leadership Styles of Coaches and Athletes and the Estimation of Its Reliability and Validity: The Study of Azad Universities of Bushehr Province
Gholamreza jafarinia | 9 |